



سال ۳۰ فروردین ۱۳۹۲
شماره ۳۰۶ (۷۶ دور جدید)

۲	سرمقاله: بودجه سال ۹۲ کشور و چالشهای احتمالی فرا روی پروژههای عمرانی
۸	گفتگو با عضو شورای رقابت
۱۴	دیدار پیمانکاران با مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب کشور
۱۸	گفتگو با دبیر کانون سراسری انجمنهای ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران
۲۲	مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست
۲۵	قطعنامه صنعت احداث
۲۷	ورود بخش خصوصی و ساز و کار سازمانی، راه حل مشکل بافت فرسوده
۳۰	به یاد مهندس قاسم صفوی
۳۲	اعلام نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده در سال ۹۲
۳۳	کاربرد فن آوری اطلاعات، رمز موفقیت شرکت‌های مجری پروژههای عمرانی در شرایط دشوار
۳۴	گزارش کمیسیون ها
۴۴	برای شما خواننده‌ایم
۴۷	ارز مرجع و مبادلاتی حذف می‌شود
۵۰	پاگرد
۵۲	اخبار صنعت ساختمان
۵۴	محیط زیست:
	باغ های زیر زمینی، رؤیایی که به واقعیت نزدیک می شود؟
	بلندترین آسانسور بیرونی جهان
	پل های سرزمین من
۵۹	نگرشی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی



صاحب امتیاز: انجمن شرکت‌های ساختمانی

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

کمیسیون انتشارات: مهندس جواد خوانساری، مهندس محمد کنگانی، مهندس محمدعلی پور شیرازی، مهندس جهانگیر عصر آزاد

مهندس علی ورزنده، مهندس مجتبی ضرابی، دکتر غلامرضا علی‌زاده

سردبیر: دکتر غلامرضا علی‌زاده

خبرنگار: آرزو نوری

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا

عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی

امور آگهی‌ها: شقایق خواجه‌نصیری طوسی

لیتوگرافی: طرح و رنگ چاپ: چاپ آوا: ۷۷۵۷۴۵۲۸

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برداران مظفر (صبا جنوبی)، شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

نوشته‌های نویسندگان، لزوماً نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود.



سال ۳۰ فروردین ۱۳۹۲
شماره ۳۰۶ (۷۶ دور جدید)

۲	سرمقاله: بودجه سال ۹۲ کشور و چالشهای احتمالی فرا روی پروژههای عمرانی
۸	گفتگو با عضو شورای رقابت
۱۴	دیدار پیمانکاران با مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب کشور
۱۸	گفتگو با دبیر کانون سراسری انجمنهای ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران
۲۲	مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست
۲۵	قطعنامه صنعت احداث
۲۷	ورود بخش خصوصی و ساز و کار سازمانی، راه حل مشکل بافت فرسوده
۳۰	به یاد مهندس قاسم صفوی
۳۲	اعلام نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده در سال ۹۲
۳۳	کاربرد فن آوری اطلاعات، رمز موفقیت شرکت‌های مجری پروژههای عمرانی در شرایط دشوار
۳۴	گزارش کمیسیون ها
۴۴	برای شما خواننده‌ایم
۴۷	ارز مرجع و مبادلاتی حذف می‌شود
۵۰	پاگرد
۵۲	اخبار صنعت ساختمان
۵۴	محیط زیست:
	باغ های زیر زمینی، رؤیایی که به واقعیت نزدیک می شود؟
	بلندترین آسانسور بیرونی جهان
	پل های سرزمین من
۵۹	نگرشی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی



صاحب امتیاز: انجمن شرکت‌های ساختمانی

مدیرمسئول: مهندس جواد خوانساری

کمیسیون انتشارات: مهندس جواد خوانساری، مهندس محمد کنگانی، مهندس محمدعلی پور شیرازی، مهندس جهانگیر عصر آزاد

مهندس علی ورزنده، مهندس مجتبی ضرابی، دکتر غلامرضا علی‌زاده

سردبیر: دکتر غلامرضا علی‌زاده

خبرنگار: آرزو نوری

حروفچینی، امور بازرگانی و اشتراک: فریبا پورآقا

عکس و صفحه‌آرایی: داود خانی

امور آگهی‌ها: شقایق خواجه‌نصیری طوسی

لیتوگرافی: طرح و رنگ چاپ: چاپ آوا: ۷۷۵۷۴۵۲۸

نشانی: تهران، خیابان طالقانی، بین میدان فلسطین و خیابان ولیعصر، خیابان شهید برداران مظفر (صبا جنوبی)، شماره ۸۶، ک.پ: ۱۴۱۶۹۶۶۹۱

تلفن: ۶۶۴۶۲۶۱ - ۶۶۴۰۲۰۳۷ فکس: ۶۶۴۶۴۰۸۴

پست الکترونیکی: payam.abadgaran@acco.ir

نشانی الکترونیکی: www.acco.ir

نوشته‌های نویسندگان، لزوما نظرات نشریه نیست. نقل مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است.

کمیسیون انتشارات در رد یا قبول مقالات ارسالی مختار می‌باشد و در ویرایش علمی، ادبی و خلاصه‌سازی آن مجاز است. در ضمن مقالات ارسالی عودت داده نمی‌شود.



بودجه سال ۹۲ کشور و چالشهای احتمالی

فراروی پروژه‌های عمرانی

ابهام‌زدایی در بودجه حکم می‌کند که تمامی ارقام مندرج در بندهای ماده واحده بیرون کشیده شود و در جداول مربوط به خود قرار گیرد تا حجم واقعی سرجمع، آشکار و هزینه‌ها با شفافیت کامل، امکان مقایسه با یکدیگر را بیابند.

از مواردی که در بودجه سال ۹۲ تا حدودی منابع آن مغفول مانده است بحث افزایش هدفمندی یارانه‌هاست؛ به طوری که دولت پرداخت یارانه را دو برابر پیش‌بینی کرده است ولی محل تأمین این میزان منابع مشخص نشده است ضمن اینکه احکام غیر بودجه‌ای متعددی، در بودجه سال ۹۲ وجود دارد که به نظر می‌رسد ضرورت دارد از لایحه بودجه خارج گردد تا بدینوسیله با ابهام‌زدایی از آن بررسی دقیقتر بودجه امکانپذیر گردد. آنچه از برخی از ارقام بودجه مستفاد می‌شود این است که درآمد ارزی حاصل از فروش نفت واقعی نیست زیرا در بودجه سال ۹۱ دولت حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان درآمد ناشی از فروش نفت در نظر گرفته بود که به دلیل تحریمها حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان آن تحقق یافت یعنی کمتر از ۵۰ درصد؛ بالطبع این امر در مورد پیش‌بینی درآمد ناشی از فروش نفت در سال ۹۲ نیز می‌تواند مصداق یابد و اتفاق بیفتد و شاید با شدت بیشتری نیز همراه باشد زیرا که تحریمها گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. در ضمن درآمدهای مالیاتی و عوارض که در قانون بودجه سال ۹۱ رقمی معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان بود به ۵۳ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ افزایش یافته است ضمن آنکه از رقم پیش‌بینی شده مالیاتی سال ۹۱ (به میزان ۴۵ هزار میلیارد تومان) فقط ۳۲ هزار میلیارد تومان آن تحقق یافته است یعنی در این بخش حدود ۷۱ درصد مبلغ پیش‌بینی شده حاصل گردیده است و ۲۹ درصد آن لاوصول مانده است و این نشان می‌دهد که راههای فرار مالیاتی زیادی وجود دارد که باید به بستن آنها اقدام گردد تا بودجه سال ۹۲ دچار این شکاف درآمدی نگردد.

بررسیهای کارشناسی از بودجه سال ۹۱ آنگونه که رئیس دیوان محاسبات کشور اعلام کرده است بودجه سال ۹۱ با حدود ۵۰ درصد کسری درآمد مواجه است. گزارش ۹ ماهه عملکرد سال ۹۱ دستگاهها که توسط دیوان محاسبات به آنها ارائه شده است تا پایان سال ۹۱ حدود ۵۰ درصد درآمدها تحقق یافته است یعنی ۵۰ درصد کسری درآمد در بودجه سال ۹۱ وجود دارد که بالطبع تعهدات آن به بودجه سال ۹۲ سرریز خواهد شد و آثار کسری بودجه جاری و بودجه عمرانی را احتمالاً در پی خواهد داشت.

از سوی دکتر احمد توکلی رئیس سابق مرکز پژوهشهای مجلس کسری بودجه سال ۹۲ را حدود ۸۲ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است که این رقم نیز در صورت تأیید بر مشکلات خواهد افزود. در مجموع باید گفت

با لایحه بودجه ارائه شده به صورت سه دوازدهم (معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان) یا به بیان بهتر فصلی موافقت شد تا بررسیهای کارشناسی در مورد آن انجام شود، به دلیل وجود برخی ابهامها که به نظر می‌رسد در بودجه وجود دارد مجلس آن را به دولت برگشت داد. با این حال به نظر می‌رسد سعی بر این است که با بودجه فعلی موافقت شود لذا ما نیز آن را از دیدگاه شکلی و ماهوی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. قبل از ورود به بحث اصلی، ارقام مقایسه‌ای بودجه سال ۹۱ و ۹۲ را ارائه می‌دهیم تا براساس آن بتوان به چشم‌انداز مناسبتری برای نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها دست یافت.

با نگاهی اجمالی به ارقام بودجه سال ۹۲ و مقایسه آن با سال ۹۱ می‌توان به واقعیتهایی دست یافت که در جدول زیر خلاصه شده آن را می‌آوریم. با توجه به جدول فوق این واقعیت به دست می‌آید که از بودجه ۷۳۱ هزار میلیارد تومانی کل کشور در سال ۹۲ حدود ۸۰ درصد آن به بودجه شرکتهای دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها اختصاص یافته است و فقط ۲۰ درصد آن مربوط به بودجه عمومی دولت است که خود شامل بودجه جاری و بودجه عمرانی می‌باشد. از سویی میزان بودجه عمومی دولت رقمی حدود ۱۴۶ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد که بالطبع معادل ۲۰ درصد بودجه کل کشور است.

در ارتباط با ارقام بودجه سال ۹۱ این واقعیت مشخص می‌شود که بودجه کل کشور در سال ۹۲ حدود ۴۰ درصد نسبت به بودجه سال ۹۱ افزایش نشان می‌دهد.

ولی آنچه می‌توان گفت این است که چنانچه براساس لایحه بودجه، بررسی انجام شود بودجه عمومی دولت حدود ۱۴۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود ولی آنچه از طریق کمیسیون عمران به ویژه رئیس این کمیسیون مطرح شده است بودجه عمومی دولت رقمی معادل ۱۹۲ هزار میلیارد تومان اعلام گردیده است که تفاوتی حدود ۴۶ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد. در این مورد دکتر مصباحی مقدم رقم بودجه عمومی را ۱۶۶ هزار میلیارد تومان اعلام می‌کند. تفاوتهای ارقام بودجه در بسیاری از موارد نشان‌دهنده عدم وضوح و شفافیت بودجه است و با احتمالاً ارقامی از آن در لایحه سندها قرار گرفته و در جدول مربوط به خود نیامده است این امر شاید یکی از عوامل ابهام در بودجه باشد که پاره‌ای از منابع درآمدی و محل مصرفهای هزینه‌های در لایحه بندها یا (تبصره‌های) بودجه گنجانده شده است و با تعریف علمی بودجه که باید ارقام و ردیفهای عددی تمام سیاستهای یکساله دولت را نشان داد تا حدودی متفاوت است و تفاوتهای ارقام ارائه شده توسط مسئولان نهادهای ذیربط شاید ناشی از این ویژگی بودجه باشد، در شرایط متعارف

توزیع فراوانی بودجه کل کشور و میزان بودجه شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در بانکها

ارقام به هزار میلیارد تومان

میزان سال	میزان بودجه کل کشور	مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها	مابه‌التفاوت (بودجه عمومی دولت) درصد
۹۲	۷۳۱	۵۸۵	۱۴۶
۹۱	۵۶۶	۴۲۱	۱۴۵
مابه‌التفاوت	۱۶۵	۱۶۴	۱



حدود ۸ هزار میلیارد تومان مطالبات انباشته دارند) می باشد، این بودجه نسبت به بودجه سال ۹۱ (که حدود ۳۹ هزار میلیارد ریال بود) کاهش نشان می دهد.

باید اذعان کرد بخشی از منابعی که برای بودجه عمرانی تعریف شده است زمینه های لازم و قابل اعتمادی برای تأمین آن مشهود نیست به عنوان مثال مقرر شده است که حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان از محل هدفمندی یارانه ها به بودجه پروژه های عمرانی منتقل شود و این در حالی است که زمزمه هایی به گوش می رسد مبنی بر اینکه مرحله دوم هدفمندی یارانه ها اجرا نخواهد شد بالطبع چنانچه مرحله دوم هدفمندی یارانه ها اجرا نشود مبلغ مورد نظر نیز نمی تواند به بخش عمران واریز شود. اگر روند امور پروژه های عمرانی را به عنوان واحد مقایسه و تجزیه و تحلیل برای سال ۹۲ در نظر بگیریم این واقعیت مشاهده می شود که از مجموع ۲۸۷۷ طرح عمرانی با اعتباری معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان حدود ۸۳۱ طرح افتتاح شده است یعنی ۳۰ درصد آن طرحها سرانجام یافته است؛ بنابراین در لایحه بودجه سال ۹۲ که حدود ۲۸۱۶ طرح با اعتباری معادل ۱۹/۴ هزار میلیارد تومان پیش بینی شده است که با بررسی آن مشخص می شود که با افزایش تعداد طرح و کاهش بودجه مواجه است ضمن آنکه بخشی از اعتبار (لااقل ۳۰ درصد آن توسط تورم از دسترس خارج خواهد شد) با یادآوری این نکته که بخشی از آنها پروژه های ملی استانی هستند و بخشی به صورت ویژه به استانها منتقل شده اند؛ لذا چون منابع قابل اطمینان برای تأمین بودجه تعریف نشده است از سویی تعهدات دولت و بخش کارفرمایی در سال ۹۱ به بودجه سال ۹۲ منتقل شده است کماکان اجرای پروژه ها با مشکل مواجه خواهد شد مگر اینکه دولت ساز و کارهای دیگری را تعریف کرده باشد که باید آنها را در معرض دید و قضاوت کارشناسان و متخصصان نهادهای ذیربط و تحلیلگران مالی و اقتصادی قرار دهد. بنابراین در خوش بینانه ترین حالت می توان گفت که روند پروژه های عمرانی همچون سال ۹۱ خواهد بود.

با این توضیح اضافی که در سرجمع اعتبارات عمرانی کشور حدود ۶ درصد کاهش نیز داریم که این رقم برای پروژه های عمرانی وزارت راه حدود ۱۱ درصد کاهش نشان می دهد به طوری که بودجه این بخش از ۵۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۱ به حدود ۵۰۲۷ میلیارد تومان در سال ۹۲ کاهش یافته است. در ضمن در شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل بودجه پیش بینی شده حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است و از مبلغ ۲۳۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۱ به حدود ۲۰۰۴ میلیارد تومان در سال ۹۲ کاهش یافته است و بی هیچ شبهه ای می توان گفت این عوامل در دستیابی به چشم اندازهای پروژه های عمرانی ایجاد مشکل خواهد کرد. اینگونه به نظر می رسد که بودجه عمرانی در سال ۹۲ به نوعی انقباضی تنظیم شده است و دولت بنا دارد پروژه هایی را تعریف کند که مجری پروژه (شرکتهای پیمانکار ساختمانی) برای آنها سرمایه گذار (financer) یافته و یا خود سرمایه گذاری نمایند حال با کدام نوع روشهای سرمایه گذاری B.O.T, B.O.O, B.L.T و... این سرمایه گذاری انجام شود بستگی به سیاستهای دولت آینده دارد. لذا بحث مبسوطتر بودجه را به زمانی دیگر که عوامل ذکر شده در بودجه تا حدودی شفافیت یافته و روشن شود واگذار می کنیم و امید آن را داریم که دولت مردان، زمینه های فعالیت شرکتهای مجری پروژه های عمرانی را بیش از پیش فراهم کنند که این خواست نه برای تأمین کار برای آنها بلکه برای تحقق منافع ملی کشور و ساخت زیرساختهای توسعه ای و ایجاد اشتغال زایی است زیرا که با کاهش فعالیتهای شرکتهای ساختمانی زمینه های رشد بیکاری فراهم می شود.

با این امیدواری سرمقاله را به پایان می بریم و برای همگان آرزوی خدمات صادقانه و برای کشورمان سربلندی و سرفرازی از خداوند منان خواهیم.

که بودجه کل کشور در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ رشدی معادل ۳۰ درصد را نشان می دهد. در لایحه بودجه سال ۹۲ بودجه های مربوط به وظایف حاکمیتی حدود ۱۶ درصد رشد داشته است در حالی که اقلام مربوط به تصدی گری دولتی در این لایحه از رشدی حدود ۳۹ درصدی برخوردار است. این عدم تناسب میان رشد هزینه های حاکمیتی و تصدی گری دولت ریسک گریزی بخش خصوصی را افزایش می دهد زیرا رشد ۱۶ درصدی بودجه حاکمیتی در لایحه بودجه سال ۹۲ در مقابل نرخ تورم ۳۰ درصدی در جامعه نشان می دهد که دولت در سال ۹۲ خدمات کمتری ارائه خواهد کرد.

از موارد دیگری که به عنوان ابهام و عدم شفافیت کافی در بودجه سال ۹۲ مطرح است همانطوریکه تلویحاً اشاره شد نرخ برابری ارز به ویژه دلار می باشد. آنچه از ارقام بودجه متبادر به ذهن می شود این است که حداقل قیمت دلار در بودجه سال ۹۲ حدود ۲۲۰۰ تومان باید محاسبه شده باشد که حدود ۷۰ درصد نسبت به بودجه سال ۹۱ رشد نشان می دهد ولی در لایحه بودجه تقدیمی به این گفته بسنده شده است که قرار است نرخ ارز به روش شناور مدیریت شود.

بحث دیگری که در مورد بودجه سال ۹۲ مطرح است موضوع شوک تورمی مربوط به ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی ناشی از اعتبار هدفمندی یارانه ها است زیرا که دولت برای سال ۹۲ اعتباری معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان برای مرحله دوم هدفمندی یارانه ها اختصاص داده است. با توجه به کاهش صادرات نفت از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۳ میلیون بشکه در سال ۹۲ یعنی کاهش یک میلیون بشکه در روز و سایر ساز و کارهای محدودکننده ناشی از تحریم نفتی و بانکی کشور، تحقق این امر فقط با تزریق پولهای خارج از تولید امکانپذیر می شود که ورود پولهای پرفشار زمینه های افزایش شدید تورمی در پی خواهد داشت همانطوری که اشاره رفت ارقام بودجه در سخنرانیها و نوشته های متخصصان و متولیان اعداد متفاوتی را نشان می دهد. رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در خطبه های پیش از نماز جمعه تهران در ۲۵ اسفندماه سال ۹۱ (به نقل از رونامه جهان صنعت مورخ ۹۱/۱۲/۲۶) بودجه عمومی دولت را ۱۹۲ هزار میلیارد تومان و بودجه شرکتهای دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها را حدود ۵۸۵ هزار میلیارد تومان و بودجه کل کشور را ۷۳۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرد در صورتی که رقم بودجه شرکتهای و بودجه عمومی را جمع کنیم به رقمی معادل (۷۷۷=۱۹۲+۵۸۵) هفتصد و هفتاد و هفت هزار میلیارد تومان می رسیم که ۴۶ هزار میلیارد تومان از بودجه کل کشور ارائه شده بیشتر است و چنانچه بودجه عمرانی را که معادل ۳۷ هزار میلیارد تومان است از بودجه عمومی دولت کم کنیم بودجه جاری به دست می آید که اگر رقم ۱۹۲ هزار میلیارد تومان را ملاک قرار دهیم بودجه جاری حدود ۱۵۵ هزار میلیارد تومان می شود و اگر مابه التفاوت بودجه کل کشور از بودجه شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی و بانکها را از بودجه کل کشور کم کنیم (۱۴۶=۷۳۱-۵۸۵) بودجه عمومی دولت معادل ۱۴۶ هزار میلیارد تومان می شود که چنانچه بودجه عمرانی را از آن کسر کنیم بودجه جاری کشور (۱۰۹=۱۴۶-۳۷) حدود ۱۰۹ هزار میلیارد تومان خواهد شد. این مغایرتهای که در ارقام بودجه وجود دارد زمینه های تجزیه و تحلیل بودجه را بسیار مشکل می سازد ولی با توجه به جمیع جهات آنچه در این مقاله مطرح است مسأله بودجه عمرانی سال ۹۲ و چالشهای فراوری پروژه های عمرانی است که به آن می پردازیم.

با نگاهی به لایحه بودجه سال ۹۲ درمی یابیم که به جز چند مورد خاص هیچ طرح عمرانی جدیدی پیش بینی نشده است. ضمن آنکه در سال ۹۲ حدود ۳۷ هزار میلیارد تومان بودجه برای پروژه های عمرانی اختصاص یافته است که شامل پروژه های قبلی و ناتمام و مطالبات پیمانکاران (که



پیمانکاران باید به فکر تغییر دادن قواعد بازی باشند

کمیسیون انتشارات انجمن شرکتهای ساختمانی در نظر دارد با دریافت نقطه نظرها و پیشنهادهای صاحب نظران و مدیران ارشد نهادهای ذیربط و با طرح مسائل و مشکلات مبتلابه شرکتهای عضو در ماهنامه پیام آبادگران، گامی در جهت تعامل، همبستگی و آشنایی بیشتر با

مدیران ارشد و متخصصان برجسته نهادهای دولتی، حکومتی و عمومی بردارد. به همین منظور پای سخنان دکتر آخوندی می نشینیم، مردی که تجربه سالها کار اجرایی را به همراه دارد و این روزها بیشتر از قبل به کار مطالعاتی در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی روی آورده است.



وزیر اسبق مسکن و شهرسازی متولد

سال ۱۳۳۶ و دارای مدرک دکتری اقتصاد سیاسی از کالج رویال هالووی دانشگاه لندن است. در حال حاضر دکتر آخوندی عضو شورای رقابت، عضو شورای مرکزی نظام مهندسی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است که ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادند، نظر خوانندگان محترم را به مشروح این مصاحبه جلب می نماییم.

دلیل دولتی بودن آن. در واقع ماهیت عمومی بودن ماهیت نامطلوبی برای فعالیت عملی اقتصادی است نه دولتی بودن. به تعبیری خلط مبحث جدی در ایران صورت گرفته که بخش خصوصی نیز نسبت به آن حساسیت لازم را نشان نداده است.

بخش خصوصی در تعریفی ساده، بخشی است که ریسک ورشکستگی را قبول می کند. اساسا بخش خصوصی ریسک یک مبادله را می پذیرد و اگر آن موضوع به زیان منجر شد در نهایت از حساب شخص خصوصی پرداخت می شود. اگر به هر وسیله ای مخاطره ورشکستگی به یک نهاد عمومی منتقل شود آن بخش دیگر بخش خصوصی نیست.

دکتر علی زاده: معمولا بخشهای شبه خصوصی که موازی با بخش خصوصی عمل می کنند به دلیل ساختار و امکاناتی که دارند زیان ده نیستند. فرض کنید در مناقصه شرکت می کنند و قیمتی زیر مینوس می دهند اما با متمم های احتمالی بعدی که می توانند وارد قرارداد کنند، زیان را به سوددهی تبدیل می کنند و در واقع ریسک زیان منتفی می شود.

دکتر آخوندی: شما در مورد رفتار غیرمنصفانه سخن می گوید یعنی در واقع در یک نوع قرارداد رفتاری متفاوت با دو بنگاه وجود دارد یعنی رفتار غیرمنصفانه است که در جای خود مهم است. وقتی ما از اقتصاد بازار بحث می کنیم و توسعه بخش خصوصی، در واقع از یک اقتصاد رقابتی بحث می کنیم و این رفتار غیر منصفانه رقابت را مخدوش می کند. ولی با فرض این که یک بخش عمومی اساسا به حدی زیان دهد که مشمول قانون ۱۴۱ تجارت شود و در واقع میزان

دکتر علی زاده: آقای دکتر آخوندی با تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادید، این روزها صحبت از گفتگوی بخش خصوصی و دولت است. به زعم اینجانب مفهوم بخش خصوصی (که در اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت کلی آمده است) ضوابط، قلمرو، و شرایط آن، باید در قوانین تفصیلی تعریف شود که می بایستی توسط مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردد ولی تا کنون این اقدام انجام نشده است به همین دلیل هنوز حدود و ثغور بخش خصوصی واقعی مشخص نیست. به نظر شما اقتصاد ما با این وصف تا چه اندازه به سمت خصوصی سازی رفته و آیا آینده روشنی را می توان برای بخش خصوصی واقعی متصور شد؟

دکتر آخوندی: در قوانین ایران بخش دولتی تعریف شده، قانون محاسبات عمومی نیز بخش دولتی و انواع نهادهای عمومی را تعریف کرده است. ماده ۵ این قانون نیز به تفصیل بخش دولتی را تشریح کرده است. بخش تعاون نیز در قانون تعاون مدنظر قرار گرفته. از جهت قانون فرض بر این بوده هر چه غیر از این دو است بخش خصوصی است. البته در بسیاری از کشورها بخش خصوصی دارای تعریف روشنی است ولی در ایران تعریف قانونی مشخصی ندارد. این مشکل وقتی تشدید شد که نهادهای عمومی غیردولتی به عنوان بخش خصوصی وارد عرصه فعالیت شدند.

نکته ای که در مباحث اقتصادی ما به اشتباه تبیین شده این امر است که نهاد عمومی غیردولتی می تواند کارکرد بخش خصوصی را داشته باشد در حالی که اصولا دولت به دلیل ماهیت عمومی بودن از دخالت در اقتصاد منع می شود نه به



مدیریت خود حق مداخله ندارند ولی در سایر فعالیتهای اقتصادی می‌توانند دخالت کنند. این قانون مشکلی را از بخش خصوصی حل نمی‌کند چون دست همه شهروندان را برای معادلات اقتصادی باز می‌گذارد.

■ **دکتر علی‌زاده:** البته این قانون شرکتها و موسساتی را که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یک نفر از اشخاص شامل لایحه منع مداخله باشد یا بیست درصد بیشتر سهام یا سرمایه و یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در لایحه باشد را نیز مشمول این قانون می‌داند شاید لازم باشد نظری دوباره به این قانون بیفکنیم.

دکتر آخوندی: قانون مذکور قانون بدی نیست اما مشکل بخش خصوصی این است که نهادهای تازه تاسیس مانند نهادهای عمومی غیردولتی را با آن قانون نمی‌توان کنترل کرد. این نهادها با شعار نداشتن نفع شخصی وارد اقتصاد می‌شوند و کل بازار رقابتی را مختل کرده، بخش خصوصی را به حاشیه می‌رانند. اگر از آنها سوال شود چرا دخالت می‌کنند جواب می‌دهند بر اساس قانون تجارت تشکیل شده‌اند و اصلا دولتی نیستند. مشکل اصلی عمومی بودن این نهادها است چون با وجود یکسان بودن ماهیت آنها با دولت، آنچه خصوصی‌سازی را الزامی کرده دولتی بودن بنگاهها نبوده بلکه عمومی بودن آنها بوده بنابراین اگر شرکت دولتی را از وزارتخانه‌ای بگیری و به نهادی عمومی بدهی نه تنها از لحاظ علم اقتصاد کار مفیدی انجام نداده‌اید بلکه کنترل را سخت‌تر کرده‌اید چون لاقدر در دولت امکان پاسخگویی به مجلس بود اما اکنون امکان ایجاد اغتشاش در رقابت بیشتر است.

متاسفانه بخش خصوصی ما از لحاظ نظری ضعیف است. هر مبادله اقتصادی واجد ریسکی است. باید دید سلسله مراتب این ریسک در نهایت به کجا منتقل خواهد شد. اگر در نهایت ریسک کار، به بودجه عمومی برگردد این بنگاه خصوصی نیست. در واقع بخش خصوصی بخشی است بر

زیان از میزان سرمایه بیشتر شود آیا باید اعلام ورشکستگی کند؟ آیا این اعلام ورشکستگی در مورد بخش غیر خصوصی امکان‌پذیر است؟ خیلی از بنگاههای بخش عمومی وجود دارد که مشمول ماده ۱۴۱ هستند و ورشکسته هستند اما هزینه ورشکستگی به هیچ یک از افراد آن منتقل نمی‌شود و از جیب دولت پرداخت می‌شود. متاسفانه در بخش خصوصی تفکیکی بین «رفتار غیرمنصفانه» و «مخاطره و شکستگی» انجام نمی‌شود. اگر مخاطره ورشکستگی به بودجه عمرانی برگردد باعث رفتار پریسکی می‌شود چون فرد چیزی را از جیب خود نمی‌پردازد.

■ **دکتر علی‌زاده:** با ساز و کارهایی در تنظیم حسابداری این قبیل شرکتها می‌توان کاری کرد که بسیاری از هزینه‌ها روی حساب عملکرد و سود و زیان لحاظ نشود. آیا می‌توان الگویی داد که جامع و مانع باشد و از ورود و دخول بخشهای دیگر به بخش خصوصی ممانعت کند؟ آقای دکتر لاریجانی در نامه‌ای که به آقای دکتر احمدی‌نژاد درباره عدم ورود کارکنان دولت به معاملات دولتی نوشته، به قانون سال ۱۳۳۷ استناد کرده بود که در آن احصا شده است که چه گروههای نمی‌توانند وارد معاملات دولتی شوند. آن قانون به قوت خود باقی است و فعلا قانون دیگری نداریم، آیا می‌توانیم از این قانون به عنوان قانونی که بخش خصوصی واقعی را مشخص و معین می‌کند استفاده کنیم؟

دکتر آخوندی: شما قانون منع مداخله را می‌گویید که به نظر من قانونی برای سلامت اداری نهادهای اداری است و افرادی که در نهادهای اداری هستند را از مداخله در معاملات منع می‌کند. ولی این قانون هیچ کمکی به تعریف بخش خصوصی نمی‌کند. بخش خصوصی نیاز به تعریفی دارد که به آن کمک کند تا اندازه واقعی خود را در اقتصاد بداند. قانون منع مداخله برای این منظور مناسب نیست، چون طبق آن قانون، مدیر کل می‌تواند خارج از فعالیتهای مربوط به حیطه مسئولیت خود در اقتصاد دخالت کند. مدیران دولتی و بستگان آنها فقط در فعالیتهای اقتصادی تحت



عدم وجود رقابت و عدم وجود انصاف مطرح است که باعث شده اصل برابری طرفهای قرارداد در بازارهای ایران رعایت نشود. اساساً مبنای ساز و کار بازار برابری اداری، رقابت منصفانه، و دسترسی آزاد به اطلاعات است. عدم تحقق این عوامل باعث به وجود آمدن اختلال در فضای کسب و کار شده است.

نکته دیگر رویه‌ها و مقررات نادرست تقسیم کار بین دولت و بخش خصوصی است که بخش خصوصی هم آنها را به عنوان اصول مفروضه پذیرفته است از جمله صدور موافقت اصولی برای تاسیس کارخانجات که اخیراً شامل ارائه اسرار شرکت تحت عنوان توجیه‌پذیری طرح از طرف بخش خصوصی به دولت است در حالی که دولت فقط درباره عدم مغایرت فعالیت با مقررات عمومی و استانداردها مسئول است. ورود دولت به تنظیم مقدار تولید در حوزه اقتصاد کار نادرستی است چون بازار خود تنظیم‌کننده است. در حوزه خدمات نیز رتبه‌بندی بنگاه‌ها ربطی به دولت ندارد و طبق ساز و کار بازار هر اظهار نظری که موجب ایجاد انتفاع یا هزینه شود باید همراه با مسئولیت‌پذیری باشد.

■ **دکتر علی‌زاده:** یعنی شما معتقدید امر رتبه‌بندی به انجمنها و تشکلهای واگذار شود؟
دکتر آخوندی: بنده با رتبه‌بندی شرکتها توسط انجمنها نیز موافق نیستم چون این امر مسئولیت مالی ایجاد می‌کند و انجمنها نهادهای مالی نیستند. ما باید مدلی

برای رتبه‌بندی ایجاد کنیم که در آن کسی که رتبه‌بندی می‌کند تبعات اظهار نظر خود را از جهت مالی بپذیرد. معمولاً در دنیا، رتبه‌بندی یا تعهدآور است یا اعتباری. رتبه‌بندی تعهدآور را شرکت‌های بیمه انجام می‌دهند و زبان احتمالی آن را تقیل می‌نمایند. این نوع رتبه‌بندی معنا دارد چرا که ریسک‌های قرارداد را نیز برطرف می‌کند. امری که در رتبه‌بندی اعتباری لحاظ نمی‌شود.

معمولاً در قراردادهایی که طبق سیستمهای فیدیک تهیه و تنظیم امضا می‌شود تضمین عملکرد جمعی شرکت مطرح است که انجمن نمی‌تواند این کار را انجام دهد اما

پایه مالکیت خصوصی و هدف آن ارائه کالا و خدمات به اشخاص در بازارهای رقابتی است که بازار و رقابت محرک و تنظیم‌کننده روابط اشخاص در این بخش است و هزینه مخاطره‌های اقتصادی به طور مستقیم یا با واسطه به هیچ وجه به منابع عمومی منتقل نمی‌شود.

گفته می‌شود آنچه کارایی اقتصاد هر کشوری را بالا می‌برد قانون طلایی ورشکستگی است. چون طبق آن بخش خصوصی ریسک را می‌پذیرد و اگر توانست کارآمدی خود را نشان دهد به حیات خود ادامه می‌دهد و در غیر این صورت ورشکست شده، از دور خارج می‌شود. اگر ریسک به بودجه عمومی برگردد، بنگاه مربوط هر چقدر ناکارآمد باشد باز هم ورشکست نمی‌شود. علت این که در کشورمان تا این حد قراردادهای زیان‌آور داریم و قیمت تمام شده چند برابر قیمت اولیه قرارداد است به خاطر امکان انتقال ریسک مبادله است. در هر حال، باید در بخش خصوصی اجماعی برای تعریف این بخش ایجاد شود.

دکتر آخوندی:

در سطح کلان مشکل بنگاههای ایران نبودن محیط رقابت منصفانه است. چون در هر صورت تعاریف مخدوش است و یک سری نهادها آمده‌اند و با بخش خصوصی ایران رقابت می‌کنند که ماهیت عمومی دارند و رفتار، نوع ریسک و امتیازهای متعددی که می‌گیرند با بخش خصوصی قابل مقایسه نیست و به همین دلیل رقابت عادلانه نیست.

■ **دکتر علی‌زاده:** نقطه نظرهای جنابعالی بسیار عالی است ولی امری شخصی است آنچه ما نیاز داریم ورود این تعاریف به حوزه قانون است که امیدواریم این کار صورت بگیرد. با توجه به این که حضرتعالی سالها در حوزه صنعت احداث فعال بوده‌اید و با مسائل این بخش آشنایی کافی دارید، به نظر شما شرکت‌های پیمانکار پروژه‌های عمرانی و ساختمانی با چه مشکلاتی در سطح خرد (سازمانی)، میانه (ملی) و کلان (بین‌المللی) و در بعد درون

سازمانی با چه ضعف‌ها و قوت‌ها و در بعد برون سازمانی با چه تهدیدها و فرصت‌هایی مواجه هستند و راه حل پیشنهادی شما در این زمینه‌ها چیست؟

دکتر آخوندی: در سطح کلان مشکل بنگاههای ایران نبودن محیط رقابت منصفانه است. چون در هر صورت تعاریف مخدوش است و یک سری نهادها آمده‌اند و با بخش خصوصی ایران رقابت می‌کنند که ماهیت عمومی دارند و رفتار، نوع ریسک و امتیازهای متعددی که می‌گیرند با بخش خصوصی قابل مقایسه نیست و به همین دلیل رقابت عادلانه نیست. بنابراین در حوزه کلان و در بازارهای ایران



تبدیل شود.

■ **دکتر علی زاده:** با توجه به این که ۸۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است ساختار اقتصادی ایران چه میزان ظرفیت دارد که بتواند ساز و کار بازار را بپذیرد؟ شما در این مورد چه نظری دارید؟

دکتر آخوندی: این امر داستان مرغ و تخم مرغ است. همیشه گفته‌ایم تا بخش خصوصی کوچک است لزوم دخالت دولت وجود دارد. از طرفی تا زمانی دولت دخالت کند بخش خصوصی کوچک تر می شود و این امر چرخه باطلی در اقتصاد ایران به وجود آورده است. به نظر من بخش خصوصی نباید به دولت بگوید چه کند بلکه باید بگوید چه کارهایی را انجام ندهد. یعنی بخش خصوصی بازارهایی را انتخاب و با دولت مذاکره کند که در آن بازارها دخالت نکند تا همه بازیگران آن بازار هم اندازه باشند تا بتوانند با هم رقابت کنند. خصوصی کردن همزمان همه صنایع به این معنا است که ما نمی‌خواهیم خصوصی‌سازی کنیم چرا که از قدیم گفته‌اند سنگ بزرگ علامت نزدن است. کشورهایی که واقعا به دنبال خصوصی‌سازی بودند از استراتژی بازار به بازار استفاده کردند.

اگر بازار به بازار پیش می‌رفتیم می‌توانستیم بر این مشکلات فائق شویم اما چون به طور کلان برخورد کردیم ناگهان ۹۴ درصد اقتصاد عمومی و چند درصد بقیه خصوصی شد. متأسفانه بخش خصوصی ما آگاهی لازم را نداشت و نتوانست به موقع آژیر خطر را به صدا درآورد تا کاری که به نام خصوصی‌سازی انجام می‌شود متوقف گردد. از طرفی قسمتی از همین بخش خصوصی تسهیل کننده بازار آشفته است و به دنبال سود کوتاه مدت خود است. و حتی برای توجیه کارهای خود، عمومی‌سازی را به عنوان مقدمه خصوصی‌سازی مطرح می‌کند. در حالی که عمومی‌سازی مقدمه‌ای برای خصوصی‌سازی نیست و در بازار رقابت ایجاد اختلال می‌کند چون نظام پاسخ‌گویی را مختل

می‌کند.

■ **دکتر علی زاده:** برای توانمندی، بزرگ و ماندگار شدن شرکتهای پیمانکاری (که سرمایه‌های ملی کشور هستند) در شرایط فعلی چه ساز و کارهایی را پیشنهاد می‌دهید تا ضمن هم‌افزایی توانایی‌ها از اضمحلال در امان بمانند؟

می‌تواند منبعی برای شرکت بیمه باشد تا با اعتبار این تأیید، شرکتهای عضو را بیمه کند. در سیستمهای خارجی معمولاً کارکرد همه فعالیتهایی تعهدآور شرکتهای توسط شرکت بیمه پشتیبانی می‌شود. بنابراین صدور تأییدیه و رتبه‌بندی چه از طرف سازمان برنامه باشد چه از طرف انجمنها، بدون قید مسئولیت، کارکرد زیادی ندارد.

■ **دکتر علی زاده:** اگر چنین ساز و کاری به کار ببریم آیا بیشتر شرکتهای بزرگ نقش پیمانکار عمومی (GC) نمی‌یابند و به تبع آن بقیه شرکتهای مجبور نمی‌شوند تحت عنوان پیمانکار دست دوم (SC) با آنها کار کنند. در این مورد چه نظری دارید؟

دکتر آخوندی: در GC مسئولیت منتقل نمی‌شود. ضمن اینکه GC سطح مهارت بالایی می‌خواهد که در ایران تلقی اشتباهی از آن وجود دارد و آن را شرکت توزیع کننده فعالیت می‌دانند. حال آن که GC شرکت پذیرنده کل ریسک فعالیت است لذا شرکت پیمانکار عمومی توانایی مهندسی و حرفه‌ای بسیار بالایی می‌طلبد. اساساً کسی می‌تواند فعالیتی را توزیع کند که توانایی بالایی در زمینه

تامین کالا، تامین منابع و مهندسی (Epc)^۲ داشته باشد. ولی ما در ایران GC را توزیع کننده کار می‌دانیم که بعد از توزیع کار از مسئولیت فارغ می‌شود. اگر ما به سمت ساز و کار بازار برویم، در نهایت بازار از شرکتی که پروژه‌های را از طریق GC گرفته نیز بیمه کار کرد می‌خواهد در واقع در این سیستم نظامهای بیمه‌ای پشت در پشت ایجاد می‌شود.

بخش خصوصی ما آشنایی زیادی با نظام بازار ندارد. ما از نظام بوروکراتیک دولتی خارج شدیم و در نظام بوروکراتیک عمومی افتادیم. امروز نیز به سمت نظام بوروکراتیک بخش خصوصی می‌رویم. ماهیت همه اینها اداری است و برای اصلاح باید از ساز و کار تصمیم‌گیری اداری به سمت ساز و کار بازار برویم که در آن همه چیز بر

اساس رقابت منصفانه و پذیرش ریسک مبادله است. این ریسک توسط بخش خصوصی پذیرفته می‌شود و اگر کسی بخواهد ریسک خود را بفروشد دوباره در مبادله‌ای وارد می‌شود که همین فرایند در آن طی می‌شود. باید رویکرد بنیادین ذهنی ما از رویکرد اداری به رویکرد ساز و کار بازار



دکتر آخوندی:

ما از نظام بوروکراتیک دولتی خارج شدیم و در نظام بوروکراتیک عمومی افتادیم. امروز نیز به سمت نظام بوروکراتیک بخش خصوصی می‌رویم. ماهیت همه اینها اداری است و برای اصلاح باید از ساز و کار تصمیم‌گیری اداری به سمت ساز و کار بازار برویم که در آن همه چیز بر اساس رقابت منصفانه و پذیرش ریسک مبادله است.



دکتر آخوندی: همه بنگاههای فعال در فضای اقتصادی باید مسائل خود را در ارتباط با محیط اقتصادی بسنجند. تا زمانی که شرایط محیط کسب و کار بهبود نیابد پرداختن به مسائل تکنیکی و تخصصی داخل بنگاهها گره‌گشا نیست. اقدامات زیادی توسط تشکلهای صورت گرفته است اما تا زمانی که آنها سعی نکنند مسائل را از درون آن حل کنند شاهد پابرجایی مشکلات خواهیم بود در حالی که حل این مسئله به دفاع از حقوق مالکیت خصوصی و منصفانه بودن بازار رقابتی برمی‌گردد.

■ **دکتر علی‌زاده:** برای حل این مسائل در بیرون از ساختار تشکلهای چه نهادی باید متولی شود؟ شورای هماهنگی در این امر چقدر می‌تواند موثر باشد

دکتر آخوندی: این امر باید به مطالبات اصلی سندیکاها تبدیل شود و در مذاکرات به جای پرداختن به مسائل جزئی

با دولت، درباره استقرار یک بازار رقابتی منصفانه مذاکره شود. قبل از هر چیزی باید ایجاد اجماع در درون جامعه مهندسی مدنظر قرار گیرد. البته ایجاد این اجماع به دلیل منافع کوتاه مدت برخی از افراد دشوار است. داشتن آگاهی از حقوق اقتصادی در بحث رقابت و مالکیت خصوصی و ایجاد اجماع در شورای هماهنگی اولین گام است. اگر این امر صورت بگیرد می‌توان برای طراحی یک مدل برای گفتگو و چانه زنی اقدام کرد.

■ **دکتر علی‌زاده:** به نظر شما در ساختار حاکمیتی چه ظرفیتهایی تعبیه شده است که طبق آن بتواند بخش خصوصی را در مناسبات اقتصادی سهم کند؟

دکتر آخوندی: ظرفیت را باید ساخت. نمی‌توان گفت ظرفیت وجود دارد یا نه. آقای السون رئیس دانشکده اقتصاد هاروارد در سال ۲۰۰۰ زمانی که شعار کوچک‌سازی دولت مطرح شد، معتقد بود دولت بزرگ و کوچک معنا ندارد. دولت کارآمد و ناکارآمد وجود دارد و دولتی کارآمد است که فضا را به نحوی اداره کند که بخش خصوصی مقتدر شده، تولید و قدرت اقتصادی توسعه یابد. وی معتقد بود دولت قوی بخش خصوصی دارد و بخش خصوصی توانمند قادر به ایجاد دولت توانمند است.

■ **دکتر علی‌زاده:** بخشی از رشد شرکتها مربوط به مناسبات بیرون از شرکتها است. در شرایط فعلی حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان طلب شرکتهای پیمانکار پروژه‌های عمرانی از

دولت است. با توجه به این که شرکت‌های پیمانکار دانش‌محور هستند نه سرمایه‌محور، بلوکه شدن این میزان سرمایه باعث از هم پاشیدن ابعاد محتوایی و ساختاری آنها می‌شود. در این مورد چه راهکاری می‌توان اندیشید.

■ **دکتر آخوندی:** برخی بنگاهها طلبکار هستند که ارزش مطالبات آنها در طول زمان به سمت صفر می‌رود. منصفانه یا غیر منصفانه بودن این رفتار قابل بحث است و باید دید چگونه می‌توان مطالبات را گرفت. اما باید دید این اتفاق به طور تصادفی روی داده یا معلول یک سری قواعد غلط در بازار حرفه مهندسی بوده است. شرکتها در عین این که برای گرفتن طلب خود اقدام می‌کنند باید چاره‌اندیشی کنند که دیگر این اتفاق روی ندهد. منصفانه بنگاهداری مهندسی در ایران اساسا بر اساس وابستگی به دولت به وجود آمده است. و بنگاهداریها از روز اول قبول کرده‌اند بازار هدف آنها دولت است و آنها به دولت وابسته‌اند. رفتار دولتها نیز با توجه به شرایط مختلف متفاوت است. پیمانکاران از روز اول یکطرفه بودن شرایط عمومی پیمان را می‌دیدند و قواعد بازی را می‌دانستند. اگر امروز هم این قواعد اصلاح نشود مشکلات دامنه‌دار می‌شود.

■ **دکتر علی‌زاده:** اگر شرکت‌های پیمانکار بخواهند این قواعد را اصلاح کنند باید به نوعی کار شرکت خود را متوقف کنند و از دولت کار نگیرند. در پی این امر رتبه احراز خود را از دست می‌دهند یعنی عملاً مقررات موجود باعث شده است که شرکتها دست و پا بسته در اختیار کارفرمای بخش دولتی قرار گیرند.

■ **دکتر آخوندی:** به نظر من همزمان با تجدیدنظر در مبانی

می‌توان مسائل جاری را پیش برد. در واقع هیچ نشانه‌ای از تلاش برای تغییر قاعده کلی بازی دیده نشده و بخش خصوصی قبول کرده کل صنعت مهندسی ایران باید وابسته به دولت باشد و چون زورش به دولت نمی‌رسد فقط برای خواسته‌های کوچک با دولت چانه می‌زند. حتی در برخی موارد پیمانکاران از ابتدایی‌ترین کانالهای احقاق حق خود غافل بوده‌اند و وقتی با شرایط ناعادلانه‌ای در مناقصه روبرو شده‌اند به شورای رقابت که مسئول این امر است مراجعه نکرده‌اند.

البته بنده معتقدم تلاش برای تغییر قواعد باید در کنار فعالیتهای روزمره باشد اما بی‌شک وقتی آب زیربنای ساختمانی را گرفته نمی‌توان با خیال راحت به فکر تغییر دکور داخل آن ساختمان بود چون در نهایت چنین



دکتر آخوندی:

متاسفانه بنگاهداری مهندسی در ایران اساسا بر اساس وابستگی به دولت به وجود آمده است. و بنگاهداریها از روز اول قبول کرده‌اند بازار هدف آنها دولت است و آنها به دولت وابسته‌اند. رفتار دولتها نیز با توجه به شرایط مختلف متفاوت است.



به حل مشکلات آنی حاضر و اقدام کنیم تا لاقبل شرکتها قادر به ادامه حیات خود باشند پس آنگاه به چانه‌زنی برای تغییر برخی از زیرساختها بپردازیم.
دکتر آخوندی: البته لازم است بدانیم که با سیستم گذشته امکان ادامه حیات وجود ندارد چون میزان تزریق

بودجه کاهش فراوانی یافته است. متأسفانه بنگاههای مهندسی ایران برای کار با دولت تاسیس شده‌اند اما این طرز فکر دیگر جوابگوی نیازهای امروز نیست. میزان تعهدات دولت به بنگاههای مهندسی زیاد شده که پرداخت آن چند سال طول خواهد کشید و این امر بنگاه را با مسائل اساسی مواجه می‌کند و لزوم نگاه از زاویه‌ای دیگر را یادآوری می‌کند. بی‌شک اصل تداوم فعالیت شرکتها فقط می‌تواند بر مبنای واقع‌نگری امکان پذیر باشد.

■ **دکتر علی‌زاده:** آقای دکتر

آخوندی بی‌نهایت از شما به خاطر فرصتی که برای این مصاحبه فراهم کردید متشکر و سپاسگزاریم. امید است با ارائه مقاله‌های علمی و وزین خویش برای درج در ماهنامه پیام آبادگران این ارتباط و کنش متقابل بیش از پیش توسعه یابد.

دکتر آخوندی: من نیز از حضور شما و همکارانتان برای انجام این مصاحبه تشکر می‌کنم، حتما همکاری با ماهنامه پیام آبادگران را ادامه خواهیم داد.

- 1-General Contractor
- 2-Subcontractor
- 3-Engineering Procurement construction

ساختمانی فرو می‌ریزد.
■ **دکتر علی‌زاده:** شورای تعامل به همین منظور ایجاد شد تا بخش خصوصی را در تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها وارد کند اما عملاً دستاوردهای حاصل از تعامل با تغییر افعال از «باید» به «می‌تواند» کارایی خود را از دست دادند.

دکتر آخوندی:

هر جا که شرایط رقابت عادلانه موجود نبود باید بخش خصوصی حساسیت نشان دهد. مهم این است که شما به عنوان نهادی مهندسی حقوق خود را بدانید و در جهت احقاق آن قدم بردارید. البته شاید این مسئله زمان‌بر باشد اما همیشه نیروی مقاومت اولیه بالا است و از این مرحله که عبور کردیم بقیه قدمها راحت‌تر برداشته خواهد شد.

دکتر آخوندی: با بررسی محتوی مطالبی که از سوی بخش خصوصی مطرح می‌شود می‌توان فهمید چه میزان از آنها ناظر به تغییر قواعد بوده و چه میزان برای حداکثر کردن منافع زودگذر می‌باشد. به نظر من نهادهای مهندسی خودشان هنوز در پی تغییر قواعد بازی نیستند و یکی از عمده مسائل مطرح شده مربوط به تعیین نظام صلاحیت از سازمان برنامه به انجمنها

بوده است که ناظر به حفظ قواعد بوروکراتیک بازی است. برای تغییر شرایط باید دید داستان بازار رقابت عادلانه بر چه اصلی استوار است، هر جا که شرایط رقابت عادلانه موجود نبود باید بخش خصوصی حساسیت نشان دهد. مهم این است که شما به عنوان نهادی مهندسی حقوق خود را بدانید و در جهت احقاق آن قدم بردارید. البته شاید این مسئله زمان‌بر باشد اما همیشه نیروی مقاومت اولیه بالا است و از این مرحله که عبور کردیم بقیه قدمها راحت‌تر برداشته خواهد شد.

■ **دکتر علی‌زاده:** البته بحث شما علمی و دقیق است که برخی زیرساختها باید تغییر پیدا کند اما باید در مرحله اول



اصلاح و تعیین نرخ موجود در هدفمندی؛ لازمه کار عمرانی

حماسه اقتصادی مربوط به سازندگان کشور است

روز ۲۶ فروردین تعدادی از پیمانکاران رسته آب انجمن شرکتهای ساختمانی به دیدار آقای مهندس حاجی رسولی‌ها، مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب کشور رفتند تا ضمن تجدید دیدار در سال جدید پاره‌ای از درخواستها و نظرات خود را برای بهبود وضعیت کار در این حوزه مطرح کنند. در این نشست برخی از مشکلات و مسائل پیمانکاران رسته آب بررسی شد و افراد حاضر به اظهارنظر در این باره پرداختند که نظر خوانندگان محترم ماهنامه پیام آبادگران را به خواندن مشروح آن جلب می‌نماییم.



کشور هستیم و امیدواریم سال جدید برای شما و همکارانتان در وزارت نیرو سال پربراری باشد.

در ادامه این دیدار پیمانکاران به طرح سوالات و دیدگاههای خود پرداختند و **مهندس حضرتی** عنوان کردند: قرار بود بخشی از مطالبات پیمانکاران در روزها و ماههای آخر سال ۱۳۹۱ از طریق سیستم اعتباری بانک دی پیگیری شود که ظاهراً به نتیجه نرسیده است. لازم می‌دانید در این مورد چه اقداماتی توسط ما یا شما صورت بگیرد؟

مهندس مسعودی خطاب به مهندس حاج رسولی‌ها عنوان کردند: با توجه به وضعیت بودجه در سال ۱۳۹۱ که با متوسط ۱۳-۱۵ درصد برای بودجه مهر ماندگار تخصیص یافت، احتمالاً سال ۱۳۹۲ سال بهتری نخواهد بود، با این حساب کدام منابع

در ابتدای این دیدار مهندس حاج رسولی‌ها گفتند: با خیر مقدم به پیمانکاران بخش آب که در سال ۱۳۹۱ متحمل سختی‌های زیادی در پروژه‌های بخش آب کشور شدند باید گفت بخش آب کشور تنها بخشی بوده که علاوه بر تنگناهای موجود توانسته پروژه‌ها را به انجام برساند که همین تعهد و سیاست پیمانکاران است که ما را در تحقق اهداف خود یاری داده است. فکر می‌کنم انتخاب طرحهایی از بخش آب کشور برای مهر ماندگار هم سیاست خوبی بوده است که توانسته در شرایط تنگنای مالی پروژه‌های مربوط به ما را ساماندهی کند. **مهندس خزاعی**، مدیر اجرایی رسته آب انجمن شرکتهای ساختمانی نیز عنوان کردند: ضمن تبریک سال نو، ما همیشه قدردان حسن نیت شما نسبت به پیمانکاران شاغل در بخش آب



مالی از جمله اوراق مشارکت را برای هزینه‌ها عملیاتی قابل توجیه می‌دانید؟ باید دستورات اکیدی صادر شود و گرنه توان اجرای کار برای هیچ شرکتی وجود نخواهد داشت.

مهندس امینی نیز اشاره نمود که پیچیدگی و دشواری شرایط به حدی رسیده که تصمیم‌گیری در هیچ مقوله‌ای مقدور نیست و باید آرزو کنیم که با حل مشکلات در صدد بسترسازی برای ادامه فعالیت‌های سازندگی باشیم.

مهندس علیاری با تأیید سخنان مهندس امینی افزود: امیدواریم بتوانیم از گذرگاه این شرایط بحرانی با حرکت‌هایی حساب شده و درست عبور کنیم. که مهندس خیرآبادی تأکید کرد عبور از مشکلات و گام برداشتن در راه آبادانی مملکت همدلی بیش از پیش مسئولان را می‌طلبد.

مهندس مهدیار نیز با بیان این که امیدواریم امسال اتفاق خجسته‌ای در راه رفع مشکلات موجود بیافتد گفت: باید از شرایطی که به آن دچاریم بگذریم، متأسفانه در سازمان‌های مختلف همکاران ما دچار مشکل هستند که فقط با همت مدیران دولتی و انجمن‌ها قابل حل هستند.

بعد از اشاره مهندس خرازی به نتیجه نرسیدن استفاده

مهندس براتی:
به نظر می‌رسد اعتبارات کمی برای پیمانکاران و بودجه‌های عمرانی در نظر گرفته شده، در حالی که برای کارهای خدماتی که ارزش چندانی ندارند ۲-۳ هزار میلیارد در منطقه خاصی سرمایه‌گذاری می‌شود. به هر حال انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران اصلی، مخصوصاً در بخش آب که نقش مهمی در رشد و توسعه دارد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که این اعتبارات در مسیر اجرایی یا کارهای تولیدی قرار گیرد.

مهندس احمدی یادآوری کرد بحث بودجه جای خود دارد اما پیمانکاران با تورم و گرانی موجود چه کنند؟ شاخصهایی که اعلام می‌شود زیاد نمی‌شود و تورم غیر قابل مهار شده است.

مهندس براتی نیز گفتند: به نظر می‌رسد اعتبارات کمی برای پیمانکاران و بودجه‌های عمرانی در نظر گرفته شده، در حالی که برای کارهای خدماتی که ارزش چندانی ندارند ۲-۳ هزار میلیارد در منطقه خاصی سرمایه‌گذاری می‌شود. به هر حال انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران اصلی، مخصوصاً در بخش آب که نقش مهمی در رشد و توسعه دارد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که این اعتبارات در مسیر اجرایی یا کارهای تولیدی قرار گیرد.

مهندس جمالی نیز گفت: یکی از معضلات بزرگی که پیمانکاران بخش آب با آن مواجه هستند شرکت‌های آب و فاضلاب‌اند که مدیریت آنها بسیار تاسف‌انگیز است. پیمانکاران از نظر معلومات فنی و سایر مسائل جنبی دچار مشکلات عدیده‌ای با شرکت‌های آب و فاضلاب هستند. مضاف بر آن افزایش قیمت معضلی شده و توان اجرایی و کار را از همه شرکت‌ها گرفته است. در این مورد





از تسهیلات ماده ۲ و درخواست برای عملیاتی شدن آن، مهندس عطایی نیز عنوان کرد: در رابطه با پروژه‌های اجرایی که به پیمان واگذار می‌شود، با توجه به شرایط اقتصادی موجود پروژه‌های اجرا نمی‌شود چون ارز کم است و تمام تصمیمات بانکی ریالی شده که بهره آن در بانکهای دولتی ۲۴ درصد است که

با ۳ درصد کارمزد به ۲۷ درصد می‌رسد که باید دید با این وضع چگونه می‌توان تولید را جلو برد و سازندگی را اداره کرد. اکنون در کشور دلالی رایج شده و متأسفانه سازندگی در حال تعطیل شدن است. باید دید چگونه می‌توان پروژه‌ها را راه انداخت در حالی که تورم اجازه هیچ برآوردی را نمی‌دهد. شما فکر می‌کنید با ۳۰ درصد بهره می‌توان کاری انجام داد. ظاهراً پیدا کردن راه‌حل این امر با گردهمایی‌هایی از این دست و راه‌اندازی کارگروه‌هایی عملی است. کلید اقتصاد هر کشوری در دست تولید است و باید به فکر راه‌اندازی سازندگی و تولید باشیم.



مهندس حاج‌رسولی‌ها بعد از شنیدن سخنان اعضای انجمن ضمن تبریک سال جدید، گفت: قطعاً حضور دوستان از دو بخش آب و تجهیزات صنعت آب و فاضلاب باعث می‌شود بحث را در دو بخش پیش ببریم. بی‌شک سال ۱۳۹۱ به لحاظ اعداد دقتی سال سختی بود اما من شخصا این سال را موفق‌تر از سال ۱۳۹۰ می‌بینم. علیرغم تمام مشکلاتی که در بخش نقدینگی در بخش عمران کشور بود با پرداختی که روز ۲۸ اسفند انجام شد پرداختی‌های بخش آب کشور نسبت به کل رقم پرداختی‌های عمرانی کشور رشد داشته است و ما ۵۰ درصد نقدینگی طرح‌ها را در سایه طرح مهر ماندگار به پروژه‌های خود تزریق کردیم.

تجربه دیگری را درباره اوراق مشاقت در سال ۱۳۹۱ پشت سر گذاشتیم. از آنجایی که دیگر نمی‌توان به منابع دولت تکیه داد، اولین بار سال ۱۳۹۱ حدود ۷-۸ شرکت آب منطقه‌ای را پایلوت کردیم. سال گذشته تصمیم گرفتیم شرکت‌های خودمان را هم وارد اوراق مشارکت کنیم که به نتیجه مطلوبی رسید

و این تجربه را برای سال آینده برای چند شرکت دیگر نیز عملیاتی خواهیم کرد. البته این کار، آموزش فشرده و طی مراحل مختلفی را می‌طلبید. به هر حال ما خودمان را برای اجرای این امر در چند استان دیگر آماده کرده‌ایم. در مورد استفاده از تسهیلات ماده ۲ نیز توانستیم موافقت‌هایی از معاونت نظارت راهبردی و برنامه‌ریزی بگیریم اما به نتیجه رساندن آن موکول به سال ۱۳۹۲ شد.

به هر حال وقتی ما به بعضی پروژه‌ها وارد می‌شویم متوجه می‌شویم تنها مشکل موجود مشکل مالی نیست و مشکلات دیگری که مربوط به کل مسائل پیمانی است نیز وجود دارد که

حل آنها بر عهده ما نیست و لازم است دوستان در این زمینه هم فکری کنند تا ما نیز به عنوان بازوی آنها بتوانیم بحث‌هایی مانند خرید تجهیزات و روابط با کارفرمایان را پیگیری کنیم. آخرین نکته که در سخنان شما پیمانکاران نیز به آن اشاره شد این بود که روش اجرای فعلی روش پایداری در بخش آب نخواهد بود چون اتکالی به درآمد دولت نیست و اوراق مشارکت هم به نوعی اوراق قرضه محسوب می‌شود که اگر چه مسکن خوبی است اما تامین کننده نیست. تغییر نگاه به روش‌های اجرایی

مهندس حاج‌رسولی‌ها:

روش اجرای فعلی روش پایداری در بخش آب نخواهد بود چون اتکالی به درآمد دولت نیست و اوراق مشارکت هم به نوعی اوراق قرضه محسوب می‌شود که اگر چه مسکن خوبی است اما تامین کننده نیست. تغییر نگاه به روش‌های اجرایی لازم است. ما روشی را مدنظر داریم که در مجلس هم پیگیری می‌شود و مربوط به بحث قیمت آب است که شاید پیمانکاران درگیر آن نباشد اما باید به عنوان راه حل به آن نگاه کنند. اگر چه ما خرید تضمینی آب را در برخی پروژه‌ها انجام می‌دهیم



اهمیت می‌دهند. پیمانکار سعی دارد هر چه بیشتر پول بگیرد و کارفرما سعی دارد هر چه کم تر پول پرداخت کند. نتیجه این می‌شود که پروژه‌ها با دو برابر قیمت و زمان لازم انجام می‌شود. لازم است از بین پیمانکاران افرادی که درست فکر می‌کنند شناسایی شوند و به آنهایی که عملکرد درستی ندارند نیز آموزش‌های لازم داده شود. شرکتهای موجود در کشور ما در تعامل با سرمایه ملت به وجود آمده‌اند و برای حفظ آنها باید کمک شود. در چنین شرایطی همه پیمانکاران آماده‌اند به جای سودآوری در پی حفظ موقعیت شرکت باشند. کشور ما کشوری

غنی است که با وجود تحریمها باز هم سرمایه زیادی در آن وجود دارد که می‌توان آن را در راه درست هدایت کرد.

در پایان مهندس حاج‌رسولی‌ها با بیان این که من موافقم که پیمانکار و سرمایه‌گذار در پروژه‌ها مشارکت کنند، افزود: در مورد بحثهای نرم افزاری و پیمانها هم ما آماده همکاری با پیمانکاران برای حل مشکلات هستیم که تشکیل کارگروه می‌تواند در مورد مشکلات

اجرایی گره‌گشا باشد. در شما می‌توانید مشکلات اجرایی به آقای سیاری مراجعه کنید.



لازم است. ما روشی را مدنظر داریم که در مجلس هم پیگیری می‌شود و مربوط به بحث قیمت آب است که شاید پیمانکاران درگیر آن نباشد اما باید به عنوان راه حل به آن نگاه کنند. اگرچه ما خرید تضمینی آب را در برخی پروژه‌ها انجام می‌دهیم اما ممکن است این ردیف هم نهایتاً متورم شده و کارایی خود را از دست دهد. نهایتاً ما معتقدیم در بحثهای هدفمندی باید به آب بخش کشاورزی هم پرداخته شود و بپذیریم اگر قرار است کار عمرانی صورت گیرد باید بحث اصلاح و تعیین نرخ در بحث هدفمندی مدنظر قرار داده شود و خود را به طور مستقیم از بحثهای تملک و صندوق خزانه دولت دور کنیم. به هر حال این کارها زمان بر است اما در این مدت سعی می‌کنیم هر جا اعتبار مالی برای پرداخت طلب پیمانکاران وجود داشت از آن بهره بگیریم از جمله گنجانیدن طرح‌ها در مهر ماندگار برای دریافت منابع مالی.

در نهایت جا دارد از زحمات پیمانکاران این بخش تشکر کنم که در کارگاهها زحمت فراوانی را متحمل شدند و هر چه داشتند روی برخی از پروژه‌ها هزینه کردند. انشالله ما نیز شرمندۀ این عزیزان نباشیم و در انجام کارهایی که در حد توان و وسع‌مان

است کوتاهی نکنیم و مباحث را از طریق شرکتهای و پیمانکاران پیگیری کنیم. چنانچه می‌دانید پیرو فرمایشات مقام رهبری سال ۱۳۹۲ سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نام گرفت که حماسه اقتصادی مربوط به سازندگان کشور است تا در اقتصاد کشور تاثیرگذار باشند و تغییر جدی در روند اجرای پروژه‌های کشور داشته باشیم.

مهندس عطایی در پایان این

دیدار با ارائه پیشنهاد تشکیل کارگروهی عنوان کرد: شما فرمودید با تامین اوراق مشارکت توانسته‌اید تا حدی پروژه‌ها را به حرکت درآورید. با توجه به شرایط تحریمی که در کشور وجود دارد باید گفت ۴-۵ سال طول کشیده تا کشورهایی که تحریم بوده‌اند بعد از برداشتن تحریمها به شرایط عادی برگردند. باید فکر کنیم چگونه می‌توان در همین شرایط سازندگی را ادامه داد. در دنیا پروژه‌ها به دو صورت کلید گردان (EPCF) و بیع متقابل صورت می‌گیرد. اگرچه این کار با شرایط فعلی و موردی - مفید است ولی پیشنهاد من این است که کارگروههایی بین انجمنهای پیمانکاری و وزارتخانه‌های مجری برای فراهم کردن تسهیلات تشکیل شود.

متأسفانه بزرگترین مشکل ما این است که به جای این که هر دو طرف به درست کار کردن اهمیت دهند، به منابع شخصی خود



عملکرد متفاوت دولت با پیمانکاران بخش خصوصی واقع

مشکل شرکتهای پیمانکار پروژههای عمرانی عدم تمکین لازم طرف مقابل در برابر قانون است



ماهانامه پیام آبادگران در نظر دارد نقطه نظرها و پیشنهادهای صاحب نظران و مدیران ارشد نهادهای ذیربط را منعکس نماید و با طرح مسائل و مشکلات مبتلابه شرکتهای عضو در ماهنامه گامی در جهت تعامل، همبستگی و آشنایی هر چه بیشتر مدیران ارشد و متخصصان برجسته نهادهای دولتی، حکومتی و عمومی بردارد. به همین منظور و برای پرداختن به مفهوم بخش خصوصی، جایگاه قانونی و برداشتهای متفاوتی که از آن

شده به دیدار دبیر کانون سراسری انجمنهای ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران رفتیم.

مهندس احمد رضا چابک متولد سال ۱۳۵۲ شهرستان بروجن و فارغ التحصیل رشته عمران است. وی علاوه بر این که دبیر انجمن چهارمحال و بختیاری است، در انتخابات اخیر کانون سراسری به عنوان عضو هیئت مدیره و دبیر این کانون انتخاب شد. ضمن تشکر از ایشان به خاطر وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادند نظر خوانندگان ماهنامه را به مشروح این مصاحبه جلب می نماییم.

می شود. با این توجیه دولت جهت کاهش ضرر حمایت خود را از این بخش انجام میدهد. وجود این شرکتهای شبه خصوصی باعث می شود رقابت صحیحی بین بخش خصوصی واقعی و آنها صورت نگیرد.

این روزها سخن از گفتگوی دولت و بخش خصوصی است. آیا گفتگوی بخش خصوصی با دولت به نتیجه مطلوبی منتج خواهد شد؟

ما دولتی داریم که به جای متکی بودن به بخش خصوصی به نفت و سرمایه های ملی وابسته است. دولتها در کشورهایی که نفت ندارند ناچارند از محل مالیاتی که از بخش خصوصی می گیرند به اداره کشور پردازند و در این شرایط بخش خصوصی توانمندی می خواهند که خوب کار کند و بتواند با کسب درآمد مالیات مناسبی پرداخت نماید. در این وضعیت دولت راهی غیر از حمایت از بخش خصوصی ندارد اما در کشور ما اوضاع این گونه نیست و با وجود منابع مالی حاصل از فروش نفت و ذخایر خدادادی، چه بخش خصوصی باشد و چه نباشد دولت پول کافی دارد و به همین دلیل گاهی نگاه ارباب-رعیتی بین دولت و بخش خصوصی وجود دارد زیرا که دولت وابسته به منابع تخصیصی از بخش خصوصی نیست.

البته دولت از گفتگو و تعامل برای واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی دم می زند اما عملاً اتفاقی نمی افتد. در کشورهایی که وابسته به مالیات هستند اگر بخش خصوصی در مورد چیزی

هنوز تعریف مفهوم بخش خصوصی که در قانون اساسی به صورت اصل آمده است، در قوانین تفصیلی که می بایستی مجلس شورای اسلامی آن را تهیه و تدوین نماید حدود و ثغور آن مشخص نیست. به نظر شما مبهم بودن این تعریف چه تاثیری در رویکردهای اقتصادی ما دارد؟ و با توجه به این موضوع آینده پیش روی بخش خصوصی را چگونه می بینید؟

در مورد تعریف بخش خصوصی حق مطلب ادا نشده و اگر هم تعریفی صورت گرفته، تعریف مبهمی بوده است. متأسفانه در تعبیر حاضر هر بخشی را که دولتی یا تعاونی نباشد بخش خصوصی می دانند در حالی که بخش خصوصی بخشی است که ضرر و زیان مربوط به عملیات اقتصادی خود را می پذیرد. اما عملاً امروزه بخشهایی به نام بخش خصوصی در کشور فعالیت می کنند که این شرایط را ندارند. البته در حوزه پیمانکاری چون منابع ملی توسط دولت هزینه می شود و قرار نیست پیمانکار سرمایه گذار باشد و به نوعی اجرا کننده است این خلط موضوع بیشتر اتفاق افتاده است. و در مجموع تعریف بخش خصوصی مخصوصاً در حوزه صنعت احداث به درستی انجام نگرفته است. وقتی شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با دولت براساس سوء مدیریت ضرر و زیان می بیند دولت در این مورد دخالت نمی کند و هر گونه ضرر و زیانی از جیب صاحبان آن شرکت پرداخت می شود. اما در مورد بقیه بخشهای به اصطلاح خصوصی ضرر را فرد پرداخت نمی کند و زیان حاصله متوجه بودجه های عمومی



سالیان سال با امیدواری تلاش می‌کند. بی‌شک هر اقدامی اثراتی دارد که اگر در ظرف زمان سنجیده شود به نظر مقرون به صرفه نمی‌آید اما انجام ندادن آن نیز خطاست. به هر صورت همیشه منابع طبیعی در اختیار نیستند و بخش خصوصی باید تمرین و ممارست لازم را برای آن زمان داشته باشد تا در شرایطی که دولت عزم خود را برای صرفه‌جویی در این منابع جزم می‌کند یا این منابع به پایان می‌رسد، قادر به ایفای نقش کارآفرینی و سرمایه‌گذاری باشد.

■ **جایگاه تشکلهای حرفه‌مند را در گفتگوی دولت و بخش خصوصی چگونه می‌بینید؟ از اقدامهای این تشکلهای برای حل مشکل شرکتهای عضو به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟**

– اگر طی ۱۰-۱۵ سال اخیر به لیست انتظار درخواست‌های بخش خصوصی از دولت نگاه کنیم این لیست نقاط مشترک زیادی را نشان می‌دهد. یعنی مشکلات طی سالهای مختلف تکرار شده‌اند که همین تکرار نشان دهنده حل نشدن آنهاست. این رویکرد در صورتی تغییر می‌کند که تغییرات بنیادینی بین روابط دولت و بخش خصوصی اتفاق افتد. البته تا وقتی پول نفت باشد، دولت کار را واگذار کند و پیمانکاران مجبور به ارائه قیمت‌های پایین برای گرفتن پروژه‌ها باشند این رویه عوض نخواهد شد.

متأسفانه برای تغییرات بنیادین زمان لازم است و نمی‌توان برای اعمال این تغییرات زمان را متوقف کرد. ما نمی‌توانیم

معارض شود دولت به آن توجه می‌کند چون بدون این بخش چرخ بسیاری از امور از حرکت می‌ماند اما در کشور ما منابع خدادادی به قدری زیاد است که حتی راه اندازی بخشی‌های موازی با بخش خصوصی را ممکن می‌کند، اتفاقی که در حوزه پیمانکاری با ایجاد نهادهای مختلف افتاده است.

عملکرد دولت در قبال پیمانکاران بخش خصوصی و شبه خصوصی نیز متفاوت است. نگاه دولت این است که وقتی کار به بخشهای شبه خصوصی واگذار می‌شود فرد خاصی منفعت

مهندس چابک:

در بسیاری از کشورهای دنیا از نیروها و پتانسیل بخش‌های حاکمیتی در شرایط غیر جنگی، جهت کاهش هزینه‌های بخش خصوصی استفاده شده و به این وسیله بخش خصوصی خود را برای رقابت در بازارهای جهانی حمایت می‌کنند.

نمی‌برد و تصمیم‌گیری نیز بر عهده یک فرد نیست. این نگاه، نقطه آغاز تفاوت گذاشتن بین این بخشها است. با این حساب دولت عکس‌العملی در قبال شکست یا اضمحلال بخش خصوصی ندارد اما تمام تلاش خود را می‌کند تا بخش شبه خصوصی را حتی از آستانه شکست بازگرداند. در بسیاری از کشورهای دنیا از نیروها و پتانسیل بخش‌های حاکمیتی در شرایط غیر جنگی، جهت کاهش هزینه‌های بخش خصوصی استفاده شده و به این وسیله بخش خصوصی خود را

برای رقابت در بازارهای جهانی حمایت می‌کنند، ولی متأسفانه این موضوع در کشور ما کاملاً برعکس اتفاق افتاده، یعنی این بخش‌ها به عنوان یک بخش خصوصی قدرتمند و مورد حمایت دولت وظیفه دارند بخش خصوصی واقعی را ضعیف و از میدان رقابت حذف نموده و در نهایت آنها را بعنوان عوامل اجرایی خود (با عقد قراردادهای دست دوم) به خدمت گیرند

با این وجود در هر شرایطی حتی شرایط سخت باید رفتاری مانند رفتار قطره آب داشت که برای راه باز کردن در دل صخره



می‌زدند دولت نمی‌توانست خواسته آنها را بدون پاسخ بگذارد. متأسفانه برخی از مدیران تشکل‌های صنفی به این امر دامن می‌زنند و به نوعی حاضر نیستند به نفع سایر اعضا از برخی منافع تشکل خود بگذرند.

باید تشکلها به این نتیجه برسند که متحد و یکپارچه بودن ضرورت امروز است. در شرایط فعلی، شاید الگوی مناسب این باشد که پیمانکاران، یک تشکل واحد با هیات مدیره‌ای متشکل از تمام رشته‌های پیمانکاری داشته باشند.

پیگیر مسائل روزمره نباشیم اما برای حل مشکلات کلان نیز باید سیاستگذاری و کلان‌نگری شود. بدون شک بیشترین درصد مشکل شرکتهای ما عدم وجود بخشنامه یا قانون نیست بلکه عدم تمکین طرف مقابل در برابر قانون و وتوی یک طرفه آن است. چنانچه در بسیاری موارد اتفاق می‌افتد که شرکت با قرارداد مشخصی وارد کار می‌شود که طبق آن، مسئولیتهای وی معین و در موارد عدول احتمالی با وی برخورد می‌شود اما در مقابل، کارفرما حاضر به انجام وظایف خود که در قرارداد ذکر شده نیست و ساز و کاری هم برای تمکین کارفرما وجود

ندارد. در چنین مواردی شرکتهای از تشکلها انتظار پیگیری دارند. این امر خلاف تعریف کلان‌نگری به عنوان وظیفه اصلی تشکلها است اما به هر حال واقعیت دارد. در واقع به حدی مشکلات شرکتهای پیمانکار زیاد است که تلاش برای بقاء آنها فرصتی برای پرداختن به اهداف بلندمدت، چشم‌اندازها و استراتژی‌ها باقی نمی‌گذارد. با این توضیحات نمیتوان جایگاه تشکلها را در گفتگو با دولت مطلوب ارزیابی کرد

مهندس چابک:

بدون شک بیشترین درصد مشکل شرکتهای ما عدم وجود بخشنامه یا قانون نیست بلکه عدم تمکین طرف مقابل در برابر قانون و وتوی یک طرفه آن است.

■ به نظر شما شورای هماهنگی توانسته در متحد و یکپارچه کردن تشکلها گامهای موثری بردارد؟

البته شورای هماهنگی در این راستا حرکت کرده است اما با آن ایده‌آلی که برای آن در نظر گرفته شده بود فاصله زیادی دارد. متأسفانه مسئولان صنفها به دلیل برخی مسائل، تکرر را خوش آیند می‌دانند اما به محض لزوم اقدامی جمعی متوجه فقدان همگرایی می‌شوند و برای

جبران فاصله به وجود آمده اقدام به تشکیل جلساتی گروهی می‌کنند تا دوباره دور هم جمع شوند. اما قدرت این گردهمایی‌ها به اندازه اقدام یک تشکل منسجم و رسمی نیست.

■ رابطه دولت و تشکلهای ساختمانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به لزوم جابه‌جایی و تبدیل بخش خصوصی از کارگزاری به کارآفرینی چه نظری دارید؟

دولت در بخش تشکلهای ساختمانی به عنوان متولی، منابع مالی ملی را صرف انجام کارهای عمرانی در کشور می‌کند. برای این منظور نیازسنجی، مطالعات تطبیقی هزینه و فایده، تهیه دستورالعمل‌های مورد نیاز و در نهایت ارائه طرح را به

■ طی سالهای اخیر شاهد شکل‌گیری انجمنها و تشکلهای زیادی هستیم. آیا انجمنها و تشکلها در رسیدن به مطالبات قانونی اعضای خود موفق بوده‌اند؟ با چه راهکارهایی می‌توان تاثیرگذاری تلاش این گروهها را افزایش داد؟

افراد که در بسیاری از این انجمنها کار می‌کنند واقعا باید عاشق باشند چون در انجمنها چیزی به غیر از تلاش شبانه‌روزی در انتظار افراد نیست. با این همه تعدد انجمنها باعث واگرایی اعضای آنها و موازی‌کاری می‌شود و موجب پراکندگی در امور است. اگر همه انجمنها در یک مجموعه واحد، حرف واحدی



بدهد، اما در چه بستری؟ در کشورهایی که دولتها به مالیات اخذ شده از بخش خصوصی وابسته هستند، حساب بانکی تک تک افراد تحت کنترل بوده و در صورت افزایش خراج از عرف، مردم باید در قبال درآمد خود پاسخگو باشند و مستندات خود را در ارتباط با انجام فعالیت اقتصادی و پرداخت مالیات مربوط به آن را ارائه نمایند. در غیر اینصورت مشمول جرائم سنگین معادل سود حاصله می‌شوند به همین دلیل دلالتی رونقی ندارد و

افرادی که سرمایه دارند برای سرمایه‌گذاری مطمئن به دنبال کارآفرینهای مناسب می‌گردند. اما در کشور ما وضعیت کاملا متفاوت است افرادی که با واسطه‌گری نظم بازار وضعیت اقتصادی کشور را برهم می‌زنند و حتی برای یک نفرایجاد اشتغال نمی‌کنند، سودهای کلان بی‌زحمت و مشقت به دست می‌آورند و از پرداخت مالیات معافند. در مقابل کسانی که اینگونه نیستند و فعالیت شفاف اقتصادی، انجام می‌دهند به دلیل پذیرش ریسک ناشی از همین افزایش قیمت ها و عدم پرداخت مطالبات توسط کارفرما (دولت)، روز به روز شاهد بی‌ارزش شدن سرمایه خود (که در راه سازندگی و آبادانی کشور مصروف نموده اند) هستند.

با وجود چنین بستری نه تنها امکان جذب سرمایه بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی وجود ندارد بلکه اگر به همین منوال پیش برویم این اندک انگیزه باقی مانده در بخش خصوصی برای آبادانی کشور را هم از دست می‌دهیم.

مهندس چابک:

تبدیل شدن بخش خصوصی به کارآفرین شرایط ایده‌آلی را روبروی این بخش قرار می‌دهد اما باید دید در این مقطع که دولت ما با مشکل فروش نفت و تامین منابع مالی مواجه شده، بخش خصوصی می‌تواند به عنوان کارآفرین ظاهر شود. آیا در بستر اقتصادی موجود چنین امری ممکن است؟

عهده می‌گیرد و شرکت پیمانکار بعنوان نماینده بخش خصوصی فقط یک کارگزار یا عامل اجراست و نمی‌تواند در هیچ یک از امور فوق دخالت نماید. اما اگر دولتها منابع مالی نداشتند یا از منابع ملی برای ساخت پروژه‌ها استفاده نمی‌کردند، وبه دنبال سرمایه‌گذار بودند آن موقع نقش تشکلهای ساختمانی بعنوان کارآفرین نمود پیدا میکرد. زیرا در این حالت کار کارشناسی انجام شده در یک پروژه عمرانی از مطالعات اولیه گرفته تا نیازسنجی‌ها باید بر اساس

اصل هزینه و فایده صورت می‌پذیرفت تا بتواند توجیه لازم را برای مشارکت سرمایه‌گذار داشته باشد چون یک فکر اقتصادی می‌تواند سرمایه‌گذاران را جذب کند.

تبدیل شدن بخش خصوصی به کارآفرین شرایط ایده‌آلی را روبروی این بخش قرار می‌دهد اما باید دید در این مقطع که دولت ما با مشکل فروش نفت و تامین منابع مالی مواجه شده، بخش خصوصی می‌تواند به عنوان کارآفرین ظاهر شود. آیا در بستر اقتصادی موجود چنین امری ممکن است؟ وقتی ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که سود حاصل از دلالتی و خرید و فروشها در مدت زمان کوتاه، حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد برگشت سرمایه دارد کدام سرمایه‌گذاری در پروژه عمرانی با سود اندک، که برگشت سرمایه آن حداقل یک سال طول می‌کشد سرمایه‌گذاری می‌کند؟ البته لازم است که مجریان پروژه‌های ساختمانی از کارگزاری به کارآفرینی برسند و دولت از وضعیت توزیع‌کننده به وضعیت تنظیم‌کننده تغییر مکان





مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست

دکتر علی اکبر نجفی
شرکت بلند پایه



در دومین کنفرانس "رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی" که در تاریخهای ۱۲ و ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تهران برگزار شد، همزمان با ارائه مقالات در سالنهای جنبی، پنلهای تخصصی با موضوعات مشخصی تشکیل گردید. در هر پنل تعدادی از صاحب نظران حضور داشتند و قرار بود در چارچوب موضوع پنل، مسایل را مورد بحث قرار دهند. در پنل "نقش صنعت احداث در آینده تولید و مصرف انرژی" آقای دکتر علی اکبر نجفی مطالبی را عنوان نمودند که خلاصه آن با کمی اضافات ذیلا جهت اطلاع خوانندگان گرامی نشریه آبادگران درج می گردد.

بازنگری نقش صنعت احداث در تولید و مصرف انرژی

بطور کلی ارتباط صنعت احداث با موضوع نگهداشت انرژی را در چهار حوزه می توان بررسی نمود: الف) تولید مصالح و تجهیزات، ب) مرحله طراحی، ج) دوره اجرای پروژهها، د) دوره بهره برداری از پروژهها

الف) تولید مصالح و تجهیزات: تولید مصالح و تجهیزات در معادن، کارگاهها و کارخانجات صنعتی صورت می پذیرد، لذا بخش صنعت و معدن متولی بهینه سازی مصرف انرژی در این حوزه است. صنعت احداث که در واقع مصرف کننده تولیدات این حوزه است می تواند محصولاتی را انتخاب نماید که در تولید آنها به امر مصرف بهینه انرژی و ملاحظات زیست محیطی توجه شده باشد و خود این محصولات نیز در راستای کاهش مصرف انرژی طراحی و تولید شده باشند. همچنین صنعت احداث می تواند تا میزان قابل توجهی کالاهای حاصل از بازیافت را استفاده نموده و نیز کالاهایی را بکارگیرد که بعدا قابل بازیافت باشند.

ب) مرحله طراحی: این مرحله تعیین کننده ترین مرحله در دستیابی به توسعه متوازن و پایدار است. عملکرد مشاور یا پیمانکار طرح و ساخت یک پروژه بیشترین تاثیر را در ملاحظات مربوط به مصرف انرژی و محیط زیست خواهد داشت. چنانچه طراح از آخرین دستاوردهای علمی و فنی مطلع و از آثار ناشی از عملکرد خود آگاه باشد، می تواند طراحی پروژه ای را از منظر انرژی و زیست محیطی به وضعیت ایده آل نزدیک گرداند. در مرحله طراحی مفهومی و طراحی پایه تصمیم های بنیادین پروژه گرفته می شود و انتخاب مصالح و تجهیزات مناسب در مرحله طراحی تفصیلی صورت می پذیرد.

ج) دوره اجرای پروژهها: در این مرحله مجریان یک پروژه بالاترین تاثیر را در مصرف انرژی بطور اعم و مصرف سوخت به طور اخص دارند. مرحله اجرا شامل ساخت قطعات و تجهیزات، حمل و نقل، اجرای عملیات ساختمانی، اجرای عملیات نصب و راه اندازی می گردد. در پروژه هایی که در آنها استفاده از



با پیش‌بینی مصرف انرژی اطمینان حاصل نمایند. موضوع بررسی‌های فنی پس از تحویل پروژه می‌تواند در بازنگری نظام فنی اجرائی کشور مدنظر قرار گیرد.

تدوین ضوابط مرتبط با نگهداشت انرژی

با وجودی که در سالهای اخیر توجه به اهمیت موضوع منجر به برداشتن گام اول در این رابطه گردیده (انتشار مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان)، به نظر می‌رسد هنوز نیاز به تدوین ضوابط منسجمی برای بهینه‌سازی تولید و مصرف انرژی وجود دارد. این ضوابط بایستی عوامل مختلف دخیل در موضوع از قبیل مصالح، نیروی انسانی و ماشین‌آلات و همچنین مراحل

متنوع چرخه حیات پروژه‌ها از قبیل تصمیم‌گیری اولیه، طراحی مفهومی، طراحی تفصیلی، ساخت، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری را در بر بگیرد. از سوی دیگر تدوین معیارهایی برای ارزیابی طرح‌ها از نقطه نظر مصرف، نگهداشت و باز مصرف انرژی ضروری به نظر می‌رسد تا با استفاده از این معیارها بتوان میزان تطبیق طرح‌ها با الزامات مصرف بهینه انرژی و ملاحظات زیست‌محیطی را اندازه‌گیری و امتیازدهی نمود. براین اساس علاوه بر ارزش یافتن طرح اجرا شده از دیدگاه بازاریابی، می‌توان مشوق‌ها یا جوایزی برای دست‌اندرکاران تکوین این پروژه‌ها در نظر گرفت.

مباحث فوق در کشورهای پیشرفته از چند دهه قبل مطرح شده و علاوه بر تدوین ضوابط و دستورالعملها، استانداردسازی معیارهای ارزیابی شکل گرفته است. شورای ساختمان سبز امریکا (USGBC) طی برنامه‌ای تحت عنوان پیشگامی در

ماشین‌آلات نقش بیشتری دارد، مانند پروژه‌های راهسازی و سدسازی، توجه به راندمان ماشین‌آلات موجب صرفه‌جویی‌های قابل ملاحظه در مصرف حامل‌های انرژی می‌گردد. یکی از آثار اعمال طرح هدفمندسازی یارانه‌ها توجه جدی به میزان مصرف سوخت در اجرای پروژه‌ها بوده و این موضوع که تاثیر افزایش بهای سوخت به طور کامل در تعدیل قیمت‌ها لحاظ نگردیده اقتضا نموده شرکتهای پیمانکاری علاوه بر سازماندهی بهتر عوامل اجرائی و ماشین‌آلات، در راستای استفاده بهینه از منابع انرژی برنامه‌ریزی نمایند. امید است جامعه دانشگاهی و موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث در زمینه کاهش مصرف سوخت، بازیافت مصالح، تبدیل و نگهداشت انرژی، صنعت

احداث کشور را یاری نمایند. یادآور می‌شود با وجودی که در طرح هدفمندسازی جبران آثار افزایش بهای سوخت (به صورت وام با بهره کم) برای بخشهای صنایع و کشاورزی در نظر گرفته شده، و علیرغم ابلاغ بخشنامه جبرانی و اعلام شاخصهای تعدیل، هنوز تاثیر واقعی افزایش بهای سوخت روی هزینه اجرای پروژه‌ها لحاظ نمی‌گردد.

دوره بهره‌برداری از پروژه‌ها:

در این دوره غالباً بخش خصوصی فعال در صنعت احداث، به استثنای

قراردادهای BOT، نقش چندانی ندارد. در قراردادهای BOO، سازنده از نقش پیمانکاری خارج و مالک پروژه می‌شود لذا در این حالت به عنوان فعال صنعت احداث تلقی نمی‌گردد. پیشنهاد می‌شود صاحبکاران، مشاوران و پیمانکاران، پس از تحویل هر پروژه به طور ادواری از پروژه بازدید کنند و کارشناسان کنترلرها و اندازه‌گیریهای لازم را انجام دهند تا از عملکرد طرح در تطبیق

یکی از آثار اعمال طرح هدفمندسازی یارانه‌ها توجه جدی به میزان مصرف سوخت در اجرای پروژه‌ها بوده و این موضوع که تاثیر افزایش بهای سوخت به طور کامل در تعدیل قیمت‌ها لحاظ نگردیده اقتضا نموده شرکتهای پیمانکاری علاوه بر سازماندهی بهتر عوامل اجرائی و ماشین‌آلات، در راستای استفاده بهینه از منابع انرژی برنامه‌ریزی نمایند.





LEED یا استفاده از LEED به عنوان یک الگو یا اساساً طراحی ضوابط و معیارهای بومی. در هر حال ضرورت تدوین و به کارگیری چنین ضوابطی بیش از پیش احساس می‌شود.

نقش آموزش در بهینه‌سازی مصرف انرژی

موضوع آموزش و اطلاع‌رسانی در زمینه مصرف بهینه انرژی و حفظ منابع انرژی را می‌توان در چند حوزه بررسی نمود: حوزه عمومی، حوزه تخصصی، حوزه بهره‌برداران.

حوزه عمومی تمام آحاد جامعه را دربر می‌گیرد که بایستی اطلاعات عمومی راجع به موضوعاتی از قبیل نحوه تولید انرژی، مصرف بهینه انرژی، حفظ انرژی و بازیافت انرژی را کسب نمایند. فراگیرترین ابزار اطلاع‌رسانی، وسایل ارتباط جمعی چون صدا و سیما، روزنامه‌ها و نشریات‌اند. بدیهی است حجم وسیعی از اطلاعات عمومی راجع به مسایل فوق در دنیای اینترنت قابل دسترسی می‌باشد. افزایش آگاهی، ایجاد احساس مسئولیت در عموم مردم و پاسخ خواهی از مسئولین از وظایف اصلی رسانه‌هاست. علاوه بر اینها، آموزش کلاسیک در زمینه‌های پیش گفته در کلیه سطوح تحصیلی از دوره ابتدائی تا تحصیلات عالی توجه به نگهداشت انرژی را به طور بنیادین و درازمدت تضمین می‌نماید. ایجاد روحیه خلاق در دانش‌آموزان و دانشجویان برای رعایت اصول مصرف بهینه انرژی و ارائه راه‌حلهای مناسب در آینده راهکاری اساسی در این رابطه بشمار می‌رود.

حوزه تخصصی در واقع محققین، طراحان و سازندگان را دربر می‌گیرد. تحقیقات برنامه‌ریزی شده و جهت‌دار که صرف پیدا کردن راه حل برای مسایل انرژی و محیط زیست شوند نوک پیکان حرکت جامعه به سوی بهره‌برداری صحیح از منابع انرژی محسوب می‌گردند. جستجوی مهندسی برای یافتن راه‌حلهای مناسب و افزایش اطلاعات تخصصی هنگام طراحی پروژه‌ها نقش غیرقابل انکاری در بهبود شرایط ساخت و ساز از دیدگاه حفظ انرژی و محیط زیست دارد. مهندسان معمار، عمران و تاسیسات علاوه بر الزام به گذراندن دوره‌های به روزسازی دانش فنی خود، بایستی با روشهای مختلف به استفاده از دانسته‌های خویش و نوآوری در امر صرفه‌جویی در مصرف انرژی تشویق گردند.

بهره‌برداران از پروژه‌ها نیز بایستی به دانش استفاده بهینه از منابع انرژی آراسته شوند تا با روش‌های مناسب و کم هزینه بتوانند آنچه ساخته شده را به خوبی نگهداری و چرخه حیات مجموعه‌ها را طولانی نمایند. لزوم آموزش به بهره‌برداران از دیرباز در پروژه‌های مهم مرسوم بوده و همواره دستورالعملهای تعمیر و نگهداری امکانات در مرحله تکمیل پروژه‌ها تدوین و در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گرفته است. اکنون که نگهداشت انرژی از یک ضرورت به یک اضطرار تبدیل شده لازم است برای همه بخشهای مستحدمات دستورالعملهای راهبری سهل و دقیق به منظور مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست تدوین و بهره‌برداران ملزم به عمل بر طبق آنها گردند.



طراحی انرژی و زیست محیطی (LEED) چارچوبی طرح‌ریزی نموده است که مالکین پروژه‌ها بتوانند راه‌حلهای عملی و قابل اندازه‌گیری برای طراحی، ساخت، عملکرد و نگهداری را شناسایی و اعمال نمایند. این برنامه داوطلبانه، عقلانی، جامع، انعطاف‌پذیر و بازارمحور است و امکان ارزیابی شخص ثالث را برای پروژه‌ها فراهم می‌نماید. تاکنون ضوابط LEED در ۱۳۵ کشور به کار گرفته شده‌اند و بیش از نیمی از پروژه‌های ارزیابی شده خارج از ایالات متحده بوده‌اند.

نوع اجرای بناها در برنامه LEED به دو قسمت:

(۱) نوسازی و بازسازی عمده
(۲) بازسازی بناهای موجود تفکیک و انواع بناها به شرح زیر تقسیم بندی شده‌اند:

- بناهای دارای هسته و پوسته (Core & Shell)
- فضاهای محل کار (LEED for Commercial Interiors)
- فضاهای تجاری (فروشگاهی، غذاخوری، بانک و ...)
- (LEED for Retail)
- بناهای مسکونی (LEED for Homes)
- محله‌ها (LEED for Neighborhood Development)
- مدرسه‌ها (LEED for Schools)
- بناهای بهداشتی و درمانی (LEED for Healthcare)

برنامه LEED سامانه امتیازدهی را طراحی نموده که در آن برای هر نوع بنا که در بالا اشاره شد گروهی از الزامات در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس این الزامات هر بنا امتیازاتی را کسب می‌کند که جمع این امتیازات نشان‌دهنده سطحی از تطبیق با الزامات LEED است. حداکثر امتیاز برای بناهای تجاری و محله‌ها ۱۱۰ امتیاز و برای بناهای مسکونی ۱۳۶ امتیاز است. حداقل امتیازی که یک بنا بایستی برای اخذ تایید و دریافت گواهینامه LEED بدست آورد، برای بناهای حالت اول ۴۰ امتیاز و برای حالت دوم ۴۵ امتیاز می‌باشد.

برای ایجاد چارچوبی که به موجب آن بتوان مستحدمات را در کشور از دیدگاه انرژی و محیط زیست ارزیابی نمود، هریک از روشهای زیر امکانپذیر است: استفاده مستقیم از ضوابط



اشاره: سومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث ایران به عنوان بزرگترین رویداد توسعه‌ای بخش خصوصی کشور، ۱۸ و ۱۹ آذرماه سال جاری در مرکز همایش‌های بین‌المللی هتل المپیک تهران برگزار شد. این کنفرانس با همیاری شانزده تشکل بزرگ صنعت احداث برگزار شد و پرداخت مطالبات معوق پیمانکاران، تعامل هر چه بیشتر بخش خصوصی با بخش دولتی و همچنین مجلس برای رفع مشکلات پیش روی بخش خصوصی و صنعت توسعه‌ای کشور از جمله موضوعهای کلیدی مورد بحث و مطرح شده در آن بود. برای اطلاع خوانندگان محترم ماهنامه، قطع نامه پایانی این کنفرانس درج می‌شود.



در آینده امروز آینده را رصد کنیم

یاد آوری آنچه که بر حرفه و صنعت احداث گذشت مبین این است که صنعت شدیداً نیازمند پایگاه اجتماعی است تا بجای نظاره کردن وقایع و مواجه شدن با رویکردهای یکطرفه، حضوری مؤثر در مدیریت و مشارکت در اداره امور کشور داشته باشد. شرایط و پیامهای واصله از گردش اوضاع پیش رو روزنه هایی از فرصت را باز

کرده است که همبستگی و خرد جمعی بهره‌گیری از این موقعیت را میسر خواهد نمود و لذا ایجاب می‌نماید در این فاصله زمانی کوتاه با برنامه ریزی هوشمند و زیرکانه بصورت فشرده و با عزم جدی خود را مهیا و ورود به حوزه های تصمیم‌گیری و اثر گذاری در آینده سازی و اصلاح کارکرد گذشته نمود و همواره این سوال را با خود زمزمه نماییم: **چقدر ایران را دوست می‌داریم** و برای تحقق این علاقمندی تا کجا و به چه قیمت آمادگی داریم اگر جدی هستیم ساختار و سازمان اجرائی آن را طراحی نماییم و باور داشته باشیم که اگر بخواهیم می‌توانیم. ایران مهجور و خسته امروز تشنه و مشتاق تدبیر، اندیشه، خدمت و تلاش بی وقفه برای برون رفت از این ورطه هولناک تاریخ است اگر درست حرکت نکنیم و آینده را موافق خواسته های خود و منافع ملی طراحی نماییم آینده ما را آنطور که دیدیم در حاشیه اداره خواهد کرد که پیامد آن پیمودن راهی دشوار و نافرجام است بهر حال به حکم عقل و داوری اکثریت، آینده از آن کسانی است که بهای آنرا پرداخت می‌کنند. در حالیکه اعتماد، امید و باورهای جامعه به بازی گرفته شده و همه سرگردان بدنبال پناهگاه امن و قافله سالار پیروز و موفق می‌باشند فرصت بی نظیری است برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات انباشته از طریق یاریگیری و گشودن آغوش محبت و صداقت بر روی کسانی که از فرط سرخوردگی و نگرانی از آینده بصورت انبوه و بالقوه آزرده بوده و با تمام ظرفیت از بهبود مدیریت کشور استقبال می‌نمایند و بهره‌گیری از این وضعیت و جذب عناصر دفع شده از مشارکت، مجال مغتنمی است که نیازمند برنامه ریزی، تدبیر، تلاش و سازماندهی است تا در رسیدن به اهداف متعالی توسعه اجتماعی از مصادیق این بیت باشیم.

دست حق را دیدی و نشناختی ما گرفتیم آنچه تو انداختی

هر حرکت جمعی که به قصد تقرّب به خلق و خالق باشد دست خداهم به همراه جماعت است.



به نام خداوند بخشنده مهربان

فصلنامه ملی سومین کنفرانس بین المللی صنعت احداث

کنفرانس با محوریت استمرار و نگهداری راهبردی تولید ملی - حمایت از کار و سرمایه ایرانی در روزهای ۱۸ و ۱۹ آذرماه ۱۳۹۱ بین برنامهدارهای علمی برگزار گردید و با توجه به روکرد و عمق توجه مجامع و سخنرانان در بررسی عملکرد گذشته و شناسایی و رفع موانع پیش روی برای رونق رفتن از وضع موجود و مداربهران های احتمالی، در روزهای کنفرانس با جمع بندی نظرات، بخش های مختلف نقش آفرین در تولید ملی اعم از حاکمیتی و تصدی گری با بهره گیری صحیح از سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی، منظور حفظ و پایداری کارآفرینان و استفاده از ظرفیت های تولید داخلی و پروژه توانایی، تخصص و مهارت در بخش خصوصی فصلنامه ای شرح زیر به منتهی برپیشگامی از تنه داری و پایداری نگاه های

صنعت احداث صادر گردید:

- ۱- معرفی سیاست منتخب تولید ملی در صنعت احداث بعنوان حلقه اتصال، انگیزه و پیام رسان بخش خصوصی به مراکز و نهادهای مدیریتی و راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران (مجلس شورای اسلامی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، قوه مجریه و قوه قضائیه) به منظور مشارکت در تصمیم سازی با هدف افزایش بهره وری حاصل از انجام تصمیم گیری و یافتن راهکارهای اجرایی در جهت انطباق و تعدیل مابین مباحث مسئولیت به این امر و استمرار آن.
- ۲- اجرائی کامل و صحیح: سیاست های ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی، قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و قانون احداث راهبردی و استفاده از توان و ظرفیت فنی و مهندسی تولیدی، صنعتی و اجرائی کشور و دیگر قوانین مرتبط در جهت پایداری راهبردی تولید ملی - حمایت از کار و سرمایه ایرانی و حفظ و توسعه منابع ملی، روکرد و آینده سازی و آینده نگری از طریق شکل نهاد نظارتی با حضور نمایندگان صنعت احداث
- ۳- تلاش بخش خصوصی در راستای ارزش طریق در ایجاد پایایی علمی و کارشناسی به مباحث مسئولیت جهت کمک در تغییر روکرد اقتصادی در خرفتی نشینان ترانسادارت بر واردات از طریق وضع قوانین مکل و مقررات زوایی از موانع موجود در جهت توسعه و تسهیل صدور خدمات فنی و مهندسی و تجزیه و تحلیل بورد در شرایط تحریم به منظور افزایش GNP (مانند جلوگیری از افزایش مالیات که لایحه اصلاح آن در دست اقدام است) و جایگزین نمودن آن با مالیات بر تولید و همچنین حذف تعرفه های مگرکی واردات و صادرات برابر از تولید و ...)

۴- تسریع در پرداخت معوقه های فعالان صنعت احداث (اعم از پیمانکار، مشاور و سازنده) و جبران تعهدات ناشی از افزایش نرخ ارز و قیمت های واحد عملیات، از طریق روش های مختلف: اوراق مشارکت (حکومت)، تاسیر مطالبات این گروه با دارایی های دولت توسط انتخاب نهاد اقتصادی مرکز و مسئول (بانک بود...)، و اجرائی الزامی و تعیین قانون کسب و کار (صدور اعتبارات انفرادی داخلی - ریالی توسط بانک ها و تامین منابع مورد نیاز بانک ها از طریق تخصیص ویژه اداره شده.

۵- غزم و اقدام جدی در حمایت و تقویت موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث در جایگاه اتاق فکر و نهاد خلاقیت و نوآوری و بر کارکننده کنفرانس که روند اجرائی مفاد این فصلنامه را در مسیر خازدانی بجای مشارکت نمایندگان شکل بنیادین خواهد کرد.

دست در دست هم در هم بر مبرمین خویش را کنیم آباد





ورود بخش خصوصی و ساز و کار سازمانی، راه حل مشکل بافت فرسوده

تهیه و تنظیم: شرکت عمران صنعت مارلیک



دیباچه

شهر را می‌توان به سان یک موجود زنده همانند انسان دانست که سلامت آن، در گرو سلامت تک تک اجزاء و اعضای آن است. کارکرد صحیح و درست او هنگامی اتفاق می‌افتد که تمامی اعضاء ضمن فعالیت صحیح با یکدیگر در تعامل و همکاری باشند. میتوان بافت فرسوده را یکی از اعضای این موجود زنده دانست که به شدت فرتوت، ناکارآمد و آسیب پذیر است و سلامت خود و سایر اعضاء را تهدید می‌کند و مهمترین مشخصه آن عدم هماهنگی با سیستم کلان شهری و ناکارآمدی عملکردی است که عمدتاً براساس فقدان یک برنامه جامع شهری به وجود آمده اند.

این مقاله سعی دارد با تشریح وضعیت موجود و نقد کوتاه سیاست های جاری نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده، ورود ساز و کار سازمانی و شرکت های عمرانی را به بافت های فرسوده پیشنهاد نماید و سخنی چند از مزایای آن به میان آورد و در آخر نیز از تجربه های شرکت عمران صنعت مارلیک در این عرصه مطالبی چند بیان کند.

مقدمه

در ادبیات علمی جهان که بافت فرسوده به "شهر درونی" نیز یاد میشود این چنین تعریف می‌شود:
"بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانون شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخورداري مناسب از دسترسی سواره رو، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند."

شاخص ترین مشکلات و مخاطرات بافت های فرسوده را

می توان موارد ذیل دانست:

۱. خطر پذیری در برابر زلزله
۲. مشکلات زیر ساختی توسعه شهری
۳. فرسودگی حامل های انرژی
۴. معابر تنگ و باریک و غیر قابل دسترسی
۵. فقر محیطی و بالا بودن بزهکاری های اجتماعی



۶. فقدان زیر ساختهای شهری مانند فضای سبز
۷. فقدان سیستم حمل و نقل شهری ایده آل
۸. تنگنا در توسعه ارگانیک و شهرسازی مدرن
۹. هزینه های سنگین نگهداری شهری

وضعیت جاری

با تعریف فوق و تفکیک بافت های فرسوده از سایر بافت ها هم اکنون ۷۰ هزار هکتار بافت فرسوده در ایران شناسایی گردیده که تهران در آن سهم عمده ای دارد. (به نقل از پایگاه اینترنتی شرکت مادر تخصصی نوسازی و بهسازی شهری ایران) طی سالهای پیشین سیاست ها و راهکارهای گوناگونی در جهت نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده وضع گردیده که احیای این بافت ها را به میزان ناچیزی به پیش برده است اما حجم عظیم باقیمانده نشان از کم کارآمدی این سیاست ها و نیاز به بازنگری آنها دارد.

تحلیل و آنالیز سیاست موجود نشان دهنده چندگانگی مسئولیت سازمان ها و نهادهای مسئول و نیز بوروکراسی و پیچیدگی مراحل اداری است که باعث گردیده که ساکنان و مالکین مستقر در این بافت ها را با چالشی بزرگ مواجه شوند. مشکل دیگر آن است که عمده ساکنان این بافت ها از قشر متوسط جامعه تشکیل شده اند که سرمایه کافی را برای نوسازی نداشته و نیازمند مساعدت و تخصیص تسهیلات و منابع مالی هستند. این درحالی است که این مشکل از یک سو با پیچیدگی اداری بانکی مواجه است و از سوی دیگر این تسهیلات قائل به شخص و فرد محور به جای شرکت و سازمان محور است که سطرهای آینده به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

مشکل دیگر ساخت و سازهای سنتی، تجربی و غیرمهندسی و ترازد مشکلات بر مشکلات قبلی است به نحوی که بنای غیر فنی جدید دارای مخاطرات بسیار بیشتری نسبت به ابنیه ای

است که هنوز بازسازی نشده است، در شیوه فعلی برای کاهش هزینه های ساخت و هزینه تمام شده از کیفیت مواد و مصالح کاسته شده و آنچه هم که مورد استفاده قرار می گیرد با ضایع کردن مصالح و سرمایه های ملی همراه است.

به اعتقاد نویسندگان اما آنچه با تمام مشکلات موجود در بازسازی بافت های فرسوده شهری دیده می شود فقدان ساز و کار لازم جهت ورود سرمایه گذاران بخش خصوصی به این عرصه است که در پیشنهاد سطرهای آتی به آن پرداخته شده است.

پیشنهاد: ساز و کار سازمانی

بدیهی است که دولت به تنهایی نمی تواند عهده دار مسئولیت احیای بافت فرسوده گردد و تا کنون تجربه نشان داده است مردم هم به تنهایی قادر به نوسازی نیستند. و حلقه مفقوده در این میان ساز و کار سازمانی است.

آنچه که در شرایط فعلی سیاست گذاران این عرصه از آن مغفول مانده اند، پتانسیل شرکت های ساختمانی برای ورود به عرصه توسعه بافت های فرسوده است. پتانسیلی که می تواند در صورت تأمین شرایط وارد این عرصه شده و سرعت کند ساخت و ساز فعلی را افزایش چشم گیری بخشد. شرکت ها و بخش خصوصی توانایی، زیر ساخت، منابع و امکانات کافی برای ورود به بخش نوسازی بافت های فرسوده را دارند که می توان این توان انرژی و منابع را وارد بافت فرسوده کرد.

مهمترین دستاوردهای ساز و کار سازمانی و حضور شرکت ها به شرح ذیل خواهد بود:

ورود سرمایه و سرمایه گذار بخش خصوصی

ورود سرمایه و سرمایه گذار بخش خصوصی مهمترین دستاوردی خواهد بود که ورود شرکت ها به عرصه توسعه بافت



آنها با شرکتهای بسیار ایده‌آل‌تر از همکاری آنها با معماران تجربی خواهد بود.

اما اجرای تفکر سازمانی برای ورود شرکتهای به عرصه توسعه بافت فرسوده نیازمند تأمین شرایطی است که بر عهده دولت است که در حل آنها کوشیده و زمینه را برای آنها مناسب نماید.

۱- حمایت از شرکتهای

شاخص‌ترین این شرایط حمایت از شرکتهای است. حمایتی که نهایتاً به اعتماد مردم به ایشان منجر شود و مهمترین پارامتری است که می‌تواند به ورود شرکتهای به بافت فرسوده کمک کند و تا حمایت دولت از شرکتهای نباشد اعتماد مردم به ایشان جلب نخواهد شد. حمایت دولت، الزاماً حمایت مادی و ریالی نبوده چرا که شرکتهای توان جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی برای توسعه و بهسازی بافت فرسوده را دارند و تا حدود بسیاری از این لحاظ از دولت بی‌نیازند.

۲- سیاستهای تشویقی

شرکتهای به جهت هزینه‌های بالاسری مانند بیمه، مالیات و نیز بهای تمام شده بیشتر به جهت تمرکز به کیفی‌سازی و صنعتی‌سازی توان رقابت با سنتی و تجربی‌سازان را نداشته و نیازمند سیاستهای تشویقی و حمایتی دولت‌اند. این سیاستها می‌تواند حذف مالیات، تسهیلات سازمان محور به جای تسهیلات شخص محور و بسیاری دیگر باشد. شرکت عمران صنعت مارلیک با سرمایه کاملاً خصوصی وارد این بافتها گردیده و از نزدیک با تمام مشکلات این حوزه آشناسنت از سطح بالایی از اطلاعات برای زمینه‌سازی دولت برای ورود سایر شرکتهای به این حوزه برخوردار است که می‌تواند آن را با افتخار در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. انتظار این قبیل شرکتهای از دست‌اندرکاران و مسئولین نهادهای متولی آن است که در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این حوزه به تنهایی عمل نکرده و شرکتهای صاحب تجربه و خلاق این عرصه را نیز به نشست‌های سیاست‌گذاری ورود دهند.

فرسوده خواهد داشت.

مهندسی‌سازی

ساختار، توان و پتانسیل شرکت‌ها، برخلاف تجربی‌سازان دارای ساز و کار مهندسی و فنی خواهد بود که این نقص عمده را در شرایط فعلی پوشش خواهد داد و خطر بسیار نگران‌کننده زلزله را کاهش خواهد داد.

صنعتی‌سازی

ورود تفکر صنعتی‌سازی به بافت فرسوده، توسعه آن را متحول خواهد کرد و سرعت و کیفیت را توان افزایش خواهد داد.

افزایش سرعت

تفکر سازمانی، سرعت رشد توسعه بافت فرسوده را بالا برده و تولید واحد را به سطح ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار در سال خواهد رسانید.

کاهش مصرف انرژی

رعایت استانداردهای ساختمانی بویژه مبحث ۱۹ باعث اصلاح الگوی مصرف کنونی و کاهش مصرف حامل‌های انرژی خواهد گردید.

معماری و نمای مناسب شهری

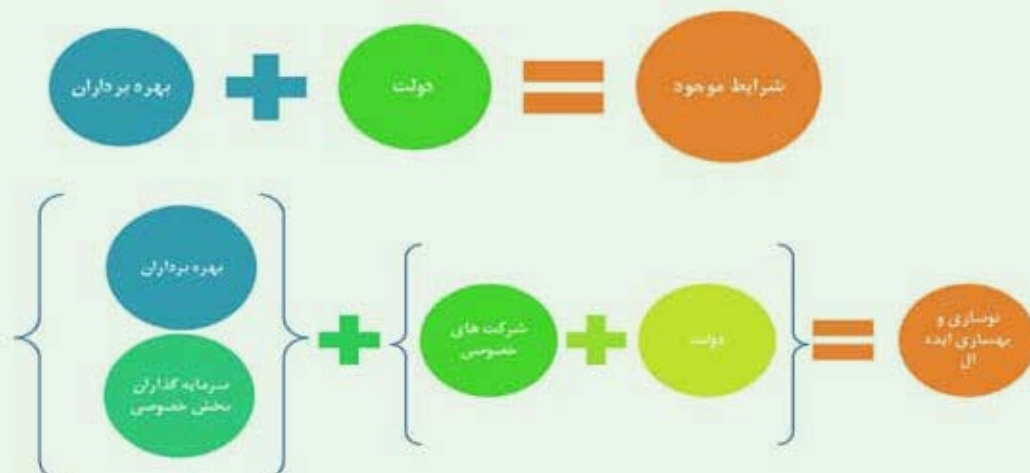
به دلیل وجود یک تفکر واحد در ساخت و ساز، نتیجه‌نهایی نمای منظر نهایی مناسب و یکپارچه در مقام مقایسه با تجربی‌سازهای منفرد فعلی خواهد داشت. با ورود شرکت‌ها به بافت‌های فرسوده با ۲ گروه از مجموعه ذینفعان مواجه خواهیم بود:

الف) سرمایه‌گذاران:

سرمایه‌گذاران بخش خصوصی علاقمندند که سرمایه خود را به توسعه بافتهای فرسوده ورود دهند به شرط آن که از امنیت سرمایه و نرخ بازگشت (ROR) مناسب آن مطمئن باشند.

ب) بهره‌برداران (مالکین):

مهمترین بخش ذینفعان بافتهای فرسوده هستند که همکاری

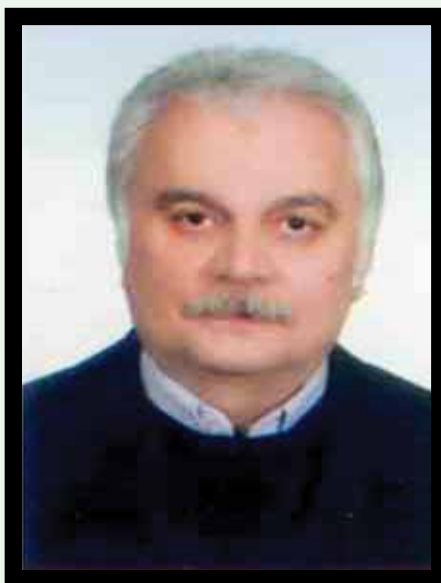




بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد وقت وداع یاران

به یاد مهندس صفوی:

مردی از تبار نور و نار وازدیار شور و کار



در سوک تو توان نوشتنم نیست، ای خوب، ای مهربان
ای عاشق سازندگی و برازندگی ایران

تو می خندیدی اما نه از درون و می سوختی اما نه از برون

بسیاری را می شناسیم که بی هیچ ادعا و توقعی تمامی دانایی‌ها
و توانایی‌های خویش را در راه سازندگی و برازندگی ایران به
کار بسته و می‌بندند و مردان کارهای سخت در گریوه‌های
سرسخت هستند.

بی‌شک مهندس صفوی یکی از این مردان بزرگ در انجام
زیرساختهای توسعه ایران زمین بود. آنچنان استوار و پایدار
در این راه گام می‌نهاد که حتی فرزند برومندش مهندس
سهیل صفوی نیز ضمن فارغ‌التحصیلی در رشته مهندسی
عمران، کمک‌رسان پدر در پروژه‌های راهسازی بود و دریغ
و درد که در یکی از مأموریتها برای سرکشی به ساخت جاده
محور سیرجان - بندرعباس در نزدیکی محل اجرای پروژه
در تصادفی جانکاه جان شیرین خود را فدای بالابردن ضریب
سلامت راهیان شهرهای حوزه جغرافیایی محل پروژه نمود.

او تمدن‌سازی بود که با جان و توان در خدمت تمدن‌سازی
کشور بود؛ بار غم مرگ فرزند را خدا می‌داند که چگونه بر
دوش کشید و با این داغ بزرگ چطور به کار طاقت‌فرسای
راهسازی ادامه داد. شاید این انگیزه که با ساخت راههای
فنی و اصولی، باعث شود تا خانواده‌های دیگری داغ جوانان
و عزیزان را نبینند، بزرگترین عامل ادامه این راه برای





باور نمی‌کنم خزان تو را در بهار عمر

زاده یاد مهندس سپهر صفوی در سال ۱۳۶۰ در تهران متولد شد، پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به کشور قبرس (دانشگاه باگاس) اعزام و در سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ درجه کارشناسی عمران گردید و به ایران بازگشت؛ با توجه به پروژه‌های متعدد درآمدی امرا که به شرکت ساختمانی تولد ساران ایران (پیمانکار)، مهندسی و ساختمانی ساختن فردا (پیمانکار) و مهندسی پتروفرایند انرژی (مشاور) در زمینه طراحی و ساخت پروژه‌های عمرانی مانند راه و تونل و پروژه‌های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، به‌منظور تکمیل دانش فنی مهندس قاسم صفوی دارا بودند. نابریه نیز به دلیل علاقه فراوان به اجراء عملیات معاونت اجرایی احداث تونل واقع در قطعه ۱۳۳ الف محصور سیرجان - نخل عباس را عهده دار شد. این بخش از کار استراتژیک‌ترین پروژه راه موجود مستلث بود که تحت پیمان تولد ساران ایران انجام می‌گرفت و با ساختن تونل دو طبقه وزارت راه است که به طول حدود ۲۲۰ متر ساخته می‌شود. روانساز در اجراء پستی از زیرساخت‌های مهم توسعه کشور در تاریخ ۸/۲۲/۱۳۹۵ در ساحت و سنگ جان شریفین خویش را تقدیم آدانی مهین کرد.

از زبان دوستین قاسم صفوی

باور نمی‌کنم
خزان تو را در بهار عمر
همواره مالدوگر، در باور من
تا هست روزگار در خاطر من
هر چند که به محو سیرجان می‌روم
گرچه ز چن خست خود بسوی من شوم
شامیان گرم نفس گیر آفتاب
آنگر دانش تو در پیش من شود
در سایه‌های ز خواب
عقل شکو فقه‌های تو بی‌در می‌شود

قره العین من آن میوه دل یادش باد که خود آسان بشد و کلر مرا مشکل کرد

با درخ و دریا با نام‌های فراوان خبر هر گذشت فرزند جوان آقای مهندس قاسم صفوی مدیر عامل مجتمع شرکت تولد ساران را با گذر بسیار در یافت گردید و این از بین هم‌داری فر این سوگ بزرگ به خاندان صفوی ناتوان است.
با کرمه می‌شود سنگین این داغ زا که بهاران داغ زندگی خاندان صفوی را به گریه یاد یا سوزی میرسد یا جملات برشود. در مقابل این تواند به خدا پناه می‌رود و از در گذشت برای جوان هر گذشت از استی و امکنین کنی و برای خاندان محترم صفوی و دوست ساختن تویش و تلاش فر عمرش و ایادی کشور خدایا قانی مهندس قاسم صفوی. حسرت و بیداری و شکستگی مسکنت می‌گردد. امید است خانواده آساز، سوه شایه به زار اطلاع پسانی به‌کمترین مسکنت با برادران و درگ دانش خویش بر جای‌گردد.
انجمن شرکت‌های ساختمانی

مهندس صفوی پس از مرگ فرزندش بود و این رسالت تاریخی به او این توان را می‌داد تا نقش تاریخی خویش را در تمدن‌سازی و توسعه سرفرازی ایران زمین ایفا کند، همگان بر این نکته اذعان دارند که استرس و فشار عصبی ناشی از کار سخت راهسازی در بیابانها و مناطق دور دست، آنهم بدون وجود امکانات رفاهی و آسایشی؛ انسان را زمین‌گیر می‌سازد متأسفانه زمانی که این دشواری‌ها با پاره‌ای از ناروایی‌ها در امور پروژه‌ها همراه می‌شود؛ انسان را از پا درمی‌آورد و با دریغ و درد باید گفت که کوه آهن‌مرد عاشق ایران زمین که آرش وار تمامی دانایی‌ها و توانایی‌های خویش را در کمان دانش فنی و مهندسی قرار داده بود تا به گسترش جغرافیای مرزهای توسعه ایران کمک کند، در آخرین روزهای اسفندماه در پشت میز کارش که به سامان‌دهی امور پروژه‌ها مشغول بود به فرزند جوانش پیوست و از این همه رنج و غم و اندوه سنگین‌تر از کوه به راستی رست.

او انسانی بزرگ و عاشقی مهربان بود و با رفتن خویش داغی به بلندای کوه از درد و اندوه بر قلب تمامی دوستان، آشنایان، همکاران و خانواده خود گذاشت. مرگ این مرد بزرگ را نمی‌دانم خانواده او چگونه تحمل می‌کند به ویژه که این خانواده هنوز شعله داغ فرزند جوانی را در سینه خود دارد. از این سوک بزرگ به خداوند پناه می‌بریم و برای بازماندگان مرحوم مهندس صفوی آرزوی صبر و شکیبایی و برای آن انسان شریف آسایش و آمرزش ابدی از خداوند منان مسئلت می‌نمائیم.

کوه به کوه، سنگ به سنگ این دشت، یادگاران تواند؛

رفته‌ای اینک و هر سبزه و گل، سوکواران تواند

یادش گرمی و روانش شاد باد



سازمان امور مالیاتی خبر داد:

اعلام نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده در سال ۹۲

سازمان امور مالیاتی کشور با صدور اطلاعیه ای، نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده کالاها و خدمات عمومی در سال ۱۳۹۲ را شش درصد اعلام کرد. به گزارش رسانه مالیاتی ایران، در این اطلاعیه آمده است: براساس تبصره ۲ ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که مقرر می دارد، نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده از سال اول برنامه، سالانه به میزان یک درصد افزایش یابد، بنابراین این نرخ مالیات و عوارض ارزش افزوده کالاها و خدمات عمومی از ابتدای سال ۱۳۹۲، شش درصد (۶ درصد) است.

این گزارش می افزاید: به منظور جلوگیری از هر گونه مشکلات اجرایی از مودیان محترم مالیاتی مشمول نظام مالیات بر ارزش افزوده درخواست می شود که از ابتدای سال ۱۳۹۲ در کلیه مبادلات اقتصادی فیما بین (عرضه کالاها و آرایه خدمات عمومی) مالیات و عوارض ارزش افزوده را به نرخ شش درصد (۶/۳ درصد مالیات و ۴/۲ درصد عوارض) در صورتحساب های صادره اعمال و از خریداران اخذ نمایند.



بخشنامه ۲۰۰/۷۳ مورخ ۹۲/۰۱/۰۶

(اجرای مقررات ماده ۲۳۹)

با توجه به ابهامات و سؤالات متعدد در خصوص مفاد ماده ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم، بدینوسیله اعلام می گردد: در صورتی که مودیان مالیاتی ظرف مهلت مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم به برگ تشخیص مالیاتی کتباً اعتراض نمایند، فارغ از اینکه قبل یا بعد از تاریخ اعتراض مذکور نسبت به پرداخت مالیات متعلقه اقدام نموده باشند، مادامی که به صورت کتبی از اعتراض خود صرف نظر و یا کتباً اعلام قبولی خود را نسبت به برگ تشخیص مالیاتی اعلام نمایند، پرونده از نظر مالیاتی مختوم و یا قطعی نبوده و اعتراض مزبور در اجرای مفاد مواد ۲۳۸ و ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم حسب مورد در اداره امور مالیاتی و یا هیأت های حل اختلاف مالیاتی، قابل طرح می باشد.

در ضمن در مواردی که مودی پس از اعتراض به برگ تشخیص یا آراء هیأت های حل اختلاف مالیاتی کتباً از اعتراض یا شکایت حسب مورد منصرف و نسبت به اعلام قبولی برگ تشخیص یا آراء هیأت حل اختلاف مالیاتی در مرجع ذیربط (مرجع تسلیم اعتراض) اقدام نماید در این صورت ادامه مراحل دادرسی وجاهت قانونی نداشته و می بایست نسبت به صدور برگ مالیات قطعی، با رعایت مقررات اقدام گردد.

علی عسکری

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور



دکتر علیزاده در کانون فارغ التحصیلان دانشکده فنی تبریز مطرح کرد



کاربرد فن آوری اطلاعات

رمز موفقیت شرکت‌های مجری پروژه‌های عمرانی

در شرایط دشوار

اطلاعات به عنوان ماده اولیه شناختن برای ساختن سازمانهای ماندگار و پایدار است؛ برای شرکت‌های هوشمند اگر دو راه برای فعالیت موجود باشد آنها قادرند و می‌توانند راه سومی را یافته و یا ساخته و به کار برند. این هنر مدیران در هزاره سوم است بنابراین کاربرد فناوری اطلاعات امروز نه یک تفنن بلکه ضرورتی است که اگر امروز آن را در سازمانهای خود جاری و ساری نسازیم فردا دیر خواهد بود. لذا برای اینکه با امید به سمت روزهای روشنتر حرکت کنیم و ارزشهای سازنده را در شرکت و مدیران آن جاری سازیم؛ بحث خود را با بیانیهای از پاستور به پایان می‌برم که می‌تواند برای همه چراغ راه آینده باشد. پاستور با این سؤال بیانیه مأموریت انسانی و اجتماعی خود را آغاز می‌کند:

«من برای کشورم چه کرده‌ام؟» در هر حرفه‌ای که هستیم نه اجازه دهیم که به بدبینی‌های بی‌حاصل آلوده شویم و نه بگذاریم که بعضی لحظات تأسّف‌بار که برای هر ملتی پیش می‌آید ما را به یاس و ناامیدی بکشاند در آرامش حاکم بر آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌هایمان زندگی کنیم نخست از خود بپرسیم برای یادگیری و خودآموزی چه کرده‌ایم. سپس همچنان که پیش می‌رویم بپرسیم من برای کشورم چه کرده‌ام. این پرسش را آنقدر ادامه دهیم تا به این احساس شادی‌بخش و هیجان‌انگیز برسیم که شاید سهم کوچکی در پیشرفت و اعتلای بشریت داشته باشیم. اما هر پاداشی که زندگی به تلاش‌هایمان بدهد و یا ندهد. هنگامی که به پایان تلاش‌هایمان نزدیک می‌شویم هر کدامان باید حق آن را داشته باشیم که با صدای بلند بگوییم من هر چه در توان داشتم برای کشورم انجام دادم.

امید است ما نیز با چنین بینش و نگرشی در پوشش‌های آفرینشگر خود عمل نماییم و هر شرایطی را تجربه‌ای برای اندوختن و آموختن راه‌های برون‌رفت از آن تلقی کنیم و به سمت افق‌های پاک و تابناک اثربخشی و کارایی و بهره‌وری حرکت موزون خود را ادامه دهیم.

فرصت را مغتنم شمرده پیشاپیش روز مهندس را به همه شما عزیزان و فرهیختگان حوزه تمدن‌سازی تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. مهندسان پیشاهنگان و طلایه‌داران تمدن هستند و تلاش و کوشش آنها را در تمامی گستره‌ها می‌توان مشاهده کرد.

گر بگوییم که مرا با تو سر و کاری نیست

در و دیوار گواهی بدهد کاری هست

من زیاد مصدع اوقات نمی‌شوم فقط به این موضوع بسنده می‌کنم که در شرایط ویژه کنونی شرکت‌هایی می‌توانند پایدار و ماندگار باشند که خود را مجهز به فناوریهای اطلاعات نمایند. با فناوری اطلاعات، گردش امور با سرعت و شتاب بیشتری در وسعت جهانی انجام می‌پذیرد به طوری که موقعیت مکانی شرکت به گستره کره زمین توسعه می‌یابد و زمان نیز به ۲۴ ساعت کامل در شبانه روز افزایش می‌یابد ضمن اینکه امروز شرکتها براساس فناوریهای اطلاعات طبقه‌بندی می‌شوند. دارندگان آن را سازمانهای هوشمند و یادگیرنده می‌نامند و سازمانهای فاقد فناوری اطلاعات را غیرهوشمند و غیر یادگیرنده محسوب می‌کنند.

امروز در تدوین استراتژی‌های سازمانی به شدت نیازمند فناوری اطلاعات هستیم زیرا برای هر نوع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی پاسخگویی به Δw و ΔH هستیم.

۱. چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؟ What

۲. برای چه کسانی می‌خواهیم انجام دهیم؟ Who

۳. در چه زمانی می‌خواهیم انجام دهیم؟ When

۴. در کجا می‌خواهیم انجام دهیم؟ Where

۵. چرا می‌خواهیم انجام دهیم؟ Why

۶. چطور می‌خواهیم انجام دهیم؟ How

پیاده‌سازی Value, Vision, Mission یا بیانیه مأموریت، چشم‌انداز و ارزشهای سازمانی و برای تدوین استراتژی به منظور دستیابی به هدفهای بلندمدت (objectives) به فناوری اطلاعات نیاز است که خود از فراوری (data base) به اطلاعات (information) و سپس با فراوری بعدی به knowledge و در روند فرایندها و فرآوریهای بعدی به wisdom سازمانی تبدیل می‌شوند؛ برای پاسخگویی به (۴H) فوق نیازمند information هستیم ولی وقتی بحث چرایی پیش می‌آید به knowledge یا دانش سازمانی نیاز است و آنگاه که می‌خواهیم به چطوری و چگونگی پیاده‌سازی برنامه‌ها و اقدامات سازمانی جامه عمل بپوشانیم باید wisdom یا بینش و خرد سازمانی داشته باشیم. امروز علی‌رغم دشواریهای پیش آمده و مشکلات فراوانی که برای بخش پیمانکاری پروژه‌های عمرانی و مهندسان مشاور پیش آمده است می‌توان با سازوکارهایی ضعفهای درون سازمانی موجود بر سر راه فعالیت شرکت‌های پروژه‌محور را به قوت و تهدیدهای برون‌سازمانی آن را به فرصت تبدیل کرد و رمز موفقیت شرکتها در شرایط دشوار، کاربرد فناوریهای

گزارش سالیانه کمیسیون قوانین و مقررات



اشاره:

در روزهای پایانی سال ۹۱ که ماهنامه در زیر چاپ بود گزارش کمیسیون قوانین و مقررات به دستمان نرسید. لذا اعضای سختکوش و پرتلاش این کمیسیون که از اعضای محترم هیأت مدیره و کارشناسان برجسته شرکتهای عضو هستند، اقدامهای چشمگیری در روند بهبود امور شرکتهای عضو انجام داده‌اند که انصاف حکم می‌کند خوانندگان گرامی ماهنامه را از گستره فعالیت این کمیسیون مطلع نماییم. لذا گزارش زیر جهت اطلاع خوانندگان درج می‌شود.

۲- موضوع آئین نامه تشخیص صلاحیت از موضوعاتی بود که در سال جاری آقایان مهندس مسعودی و مهندس وفايي در جلسات کارشناسی بررسی تشخیص صلاحیت در جلسات شورای هماهنگی تشکل های مهندسی و جلسات برگزار شده در معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری شرکت نموده تا ضمن بیان مشکلات سایت ساجات و مصوبات وحدت رویه و آئین نامه تشخیص صلاحیت که اعضاء محترم مواجهند از حقوق صنف دفاع نمایند و راهکارهای انجمن و نظرات کارشناسی را بیان نمایند.

۳- با توجه به بررسی وبازنگری شرایط عمومی پیمان در معاونت برنامه ریزی موضوع توسط ریاست هیات مدیره محترم انجمن در دستور کار کمیسیون قرار گرفت ، با تشکیل دو جلسه کار گروه مقدماتی و جلسات کمیسیون مواد ۴۶-۴۷-۴۸-۵۳- پیش نویس شرایط عمومی پیمان مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی مواردی که به نظر اعضاء کمیسیون نیاز به تغییر یا اصلاح داشت ، به هیات مدیره محترم اعلام نمود تا در جلسات بررسی شرایط عمومی پیمان در محل معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری توسط نمایندگان انجمن آقایان مهندس ملکبانی فرد ومهندس جمالی مطرح گردد از مهمترین تغییرات و اصلاحات پیشنهادی در ماده ۴۷ عدم حق ضبط ضمانت نامه توسط کارفرما قبل از صدور رای دادگاه بود).

۴-موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم به عنوان دستور جلسه مطرح شد. اعضاء کمیسیون با اشاره به نقاط ضعف

کمیسیون قوانین و مقررات در طول سال ۹۱ با حضور اعضاء خود آقایان مهندسان: پورشیرازی، جمالی، مسعودی ، لاجوردی، وفايي، احمدخانی، میلادی‌راد، خانم ورزی، خانم مهندس شوقی و آقای تکلی و با استفاده از مشاوران در برخی از جلسات با تشکیل ۲۲ جلسه (۴۴۰ نفر/ساعت) در راستای اهداف عالی انجمن برنامه‌هایی را در دستور کار خود داشته و مشکلاتی که از سوی اعضاء انجمن مطرح گردیده را بررسی و نهایتاً مورد اقدام یا پاسخ و همفکری قرار داده است. - این گزارش مختصری از فعالیتها و اقدامات انجام شده در کمیسیون قوانین و مقررات در موضوعات ذیل بوده است که از مهم ترین موارد می توان بررسی قوانین مالیات بر ارزش افزوده ، شرایط عمومی پیمان ، آئین نامه تشخیص صلاحیت ، لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم ، بررسی لایحه پیشنهادی قانون کار و پاسخگوئی به سوالات و مکاتبات و راهنمایی اعضاء مراجعه کننده به کمیسیون نام برد. که تشریح موارد در ذیل باسحضار می رسد.

۱-موضوع بازنگری اساسنامه انجمن در خصوص بررسی ضوابط“ شرایط عضویت ” و ”مجامع عمومی“ که از طریق هیات مدیره در دستور کار کمیسیون قرار گرفته مورد بحث و بررسی و تبادل نظر اعضاء قرار گرفت موضوع ضوابط عضویت در دو بخش نحوه عضویت و حق عضویت از ماده ۸ اساسنامه انجمن شرکتهای ساختمانی مورد بررسی واقع شد وبه هیات مدیره محترم گزارش گردید.





کارفرمایان و خارج از عهده پیمانکاران و شرکتها بوده و مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده به حساب پیمانکاران منظور شده را به حساب بستانکاری ایشان منظور نمایند. و این اقدامات از طریق ماهنامه آبادگران نیز منتشر گردید.

۷- از دیگر اقدامات کمیسیون قوانین و مقررات در جلسات اخیر بررسی پیش نویس قانون کار بود که توسط قانون عالی کار فرمایی تهیه شده و توسط دبیر محترم انجمن در دستور کار قرار گرفته بود، اعضای کمیسیون با تشکیل جلسات و کارگروه نظرات خود را مطرح و مصوب نمودند و به دبیر محترم انجمن تقدیم گردید و در ادامه نیز بررسی لایحه اصلاح قانون کار ارسالی دولت به مجلس در دستور کار کمیسیون جهت بررسی می باشد.

۸- بخشنامه‌های "دستورالعمل انضباط مالی و ارتقاء بهره‌وری با شماره ۱۰/۶۸۱۱۸ مورخ ۱۰/۰۸/۹۱" و بخشنامه شماره ۱۰/۶۵۶۶۳ مورخ ۹۱/۰۸/۱۴ موضوع "دستورالعمل تعیین دامنه قیمت‌های متناسب پیشنهادی در مناقصات یک مرحله‌ای و دومرحله‌ای" در کمیسیون بررسی شد. این نظرات طی نامه‌ای به ریاست محترم هیات‌مدیره انجمن جهت مکاتبه با معاونت برنامه‌ریزی تقدیم گردید.

۹- از دستور جلسات کمیسیون در ماه‌های دی و بهمن بررسی لایحه قانون مالیات‌های مستقیم بود که با حضور اعضای کمیسیون و آقای امیری (مشاور امور مالی - مالیاتی) بحث مفصل و فراوانی انجام شد و در مورد مواد ۳۵، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۱، ۲۰، ۱۷، از لایحه اصلاحی و ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم و مواردی که به نظر کمیسیون مغفول مانده یا موکول به تهیه آئین‌نامه از سوی وزارت اقتصاد و دارائی شده بود را بررسی و به هیات‌مدیره محترم گزارش گردید.

۱۰- بررسی پیش نویس نهایی شرایط عمومی پیمان که در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در حال بازنگری است توسط ریاست محترم هیات مدیره در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. بررسی دقیق این موضوع در پایان سال و ابتدای سال آینده از دستور کارهای مهم کمیسیون قوانین و مقررات می باشد و نظرات پس از جمع بندی نهایی به

و ایجاد مشکلاتی که اجرای این قانون با توجه به عدم ایجاد بستر مناسب اجرای قانون برای شرکتهای پیمانکاری داشته و اعضاء انجمن این مشکلات و تنگناها را از جمله ارائه هر سه ماهه اظهار نامه و عدم ارائه کد اقتصادی توسط فروشنندگان را مطرح و منعکس می نمایند و اینکه این قانون محدودیت ها و بار مالی مضاعفی را به پیمانکاران پروژه‌های مختلف کشور تحمیل نموده است. پس از بررسی دقیق در کمیسیون گزارش مبسوطی از مشکلات ایجاد شده به هیات مدیره محترم انجمن ارائه شد و با سازمان امور مالیاتی در مورد مشکلات مطرح شده مکاتبه گردید.

۵- بررسی مشکلات پیمانکاران از نظر کمیسیون قوانین و مقررات از دستور جلسات کمیسیون بود که خلاصه آن در سه مولفه مهم بدین شرح اعلام گردید و راه حل های پیشنهادی نیز برای هر یک از آیتمها اعلام شد: (در گزارش شهریورماه کمیسیون در نشریه منتشر گردید).

الف : عدم تطبیق قیمت قراردادهای جاری با قیمت روز (زیان واقعی و مستمر پروژه‌های جاری).

ب : عدم تطبیق بودجه و روند تخصیص تاکنون و تخصیص مورد نظر در سال جاری با هزینه‌های طرحها وفق برنامه زمان بندی (نبود نقدینگی مطابق با هزینه انجام پروژه ها).

ج) بازپس گیری اندک وجوه پرداختی به پیمانکاران به عناوین مختلف (انواع وجوه اصل و جرائم مالیاتی و ...).

۶- کمیسیون قوانین و مقررات قانون "حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تامین نیازهای کشور و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم" که مرتبط با صنف بود را بررسی نمود. و نامه‌هایی برای ریاست سازمان امور مالیاتی، معاونت مالیات بر ارزش افزوده و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با مضمون تقدیر و تشکر از وضع قانون فوق‌الذکر و ابلاغ بخشنامه و همچنین درخواست تاکید مجدد اعلام و ابلاغ جهت اجرای دقیق قانون و بخشنامه از سوی واحدهای مرتبط را تهیه نمود و در این نامه‌ها از سازمان امور مالیاتی و معاونت مالیات بر ارزش افزوده درخواست شد مطابق ماده ۹ قانون آن بخش از جرائمی که بعلت عدم پرداخت اصل مالیات توسط

ریاست محترم هیات مدیره تقدیم می گردد.

۱۱- بحث بعدی کمیسیون در خصوص مشکلات پیمانکاران و بررسی روش های حل مشکلات پیمانکاران در این مقطع از جمله عدم اعمال ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان و یا استفاده از ماده ۴۸ در صورت درخواست پیمانکاران می باشد، مکاتبه با معاونت برنامه ریزی برای اعلام تعدیل واقعی یا ضریب جبرانی افزایش نرخ ها و قرارداد تعدیل به قراردادهای سرجمع و مکاتبه با ریاست مجلس شورای اسلامی در خصوص جبران خسارت وارده (یا خسارت تاخیر تادیه در پرداخت توسط کارفرمایان) از نظرات کمیسیون است که این موارد از طریق انجمن با مراجع ذیربط مکاتبه گردیده و مکاتبه می گردد.

۱۲- اعلام قوانین و بخشنامه های جدید مرتبط با فعالیت پیمانکاری نیز از اقدامات هر ماهه کمیسیون می باشد که از طریق نشریه وسایت و ... اطلاع رسانی گردید.

۱۳- بررسی قوانین و آئین نامه ها و پاسخ به سوالات و مکاتبات اعضا مطابق معمول از جمله فعالیت های کمیسیون در سال جاری بود.

ضمن تشکر از اعضاء محترم کمیسیون که وقت خود را به حضور در جلسات اختصاص دادند ، امید آن داریم در سال جدید نیز با استعانت از خداوند متعال و با حمایت هیات مدیره محترم و دبیر محترم انجمن اقداماتی در راستای حفظ منافع ملی و پیمانکاران همکار و صنف داشته باشیم .



گزارش سالیانه کمیسیون روابط عمومی

سرمایه گذاری ویا با سرمایه گذاری بخش غیر دولتی مصوب شد.

● پیگیری و بازخورد موضوعات درخواستی کمیته رفع بحران پیمانکاران وسازندگان بخش خصوصی و مسائل مطروحه در جلسه مطبوعاتی در نشریات با حضور همه تشکلهای بصورت گسترده تصویب شد طی مذاکراتی با شهرداری تهران خواهان اجرای پروژه های شهری توسط اعضای سندیکا شویم.

● فعال کردن سایت انجمن از طریق دریافت آگهی از متقاضیان جهت درآمدزایی برای انجمن؛

● بحث و تبادل نظر در مورد عضویت شرکتهای نیمه دولتی و دولتی در انجمن شرکتهای ساختمانی ؛

● بحث و تبادل نظر در مورد عضویت اشخاص حقیقی در انجمن؛ کمیسیون با دعوت از آقای شریفی از اتاق بازرگانی ایران موارد زیر مطرح نمود:

۱. بحث همایش (سمینار) قانون مستمر بهبود فضای کسب وکار که آقای شریفی با توضیح از این قانون و اینکه ۲۳ ماده

کمیسیون روابط عمومی در طول سال ۹۱ با حضور اعضای خود آقایان مهندس کنگانی - ورزنده - ثقفی - خزاعی - ضرابی در جلسات و پیگیری مسائل و انجام اقداماتی به سهم خود در پیشبرد برنامه ها واهداف عالی انجمن برنامه هایی را در دستور کار خود داشته که مختصری از اقدامات و مصوبات و پیشنهادات کمیسیون را باستحضار می رساند

● تصویب و ارسال نامه به اتاق بازرگانی و صنایع ایران و فرانسه جهت همکاری و عضویت در اتاق

● معرفی نمایندگان شرکتهای عضو جهت همکاری با سایر کمیسیونها

● پیگیری عضویت سندیکا در کنفدراسیونهای جهانی

● پیشنهاد تشکیل اتاق مشترک سندیکا و ECO

● تهیه CD از فعالیت سندیکا به دو زبان انگلیسی و فارسی.

● دعوت از آقای دکتر میمند از اتاق بازرگانی ایران و فرانسه پیرو مکاتبات و جلسات انجمن باتاق بازرگانی ایران و فرانسه

● تهیه راهکار برای خروج از بن بست فعلی و انجام کار بدون

پیشنهاد شد با شهرداری مستقیماً وارد مذاکره شویم و سندیکای خود را مطرح کنیم که شهرداری برخی از وظایف را به سندیکا محول کند برای اینکار یا با معاونت فنی عمرانی شهردار و یا روابط عمومی شهرداری نامه نوشته شود.

پیشنهاد شد جلسه مشترک با کمیسیون بانکها و کمیسیون قوانین گذاشته شود که در مورد تأمین مالی پروژه ها اعم از عمرانی و غیرعمرانی و بخش خصوصی راهکارهایی پیدا گردد. در این خصوص جلسه مشترک بین کمیسیون و کمیسیون اقتصادی برگزار گردید.

در خصوص درخواست اوراق مشارکت از سوی شرکتهای پیمانکاری عمرانی، که طبق نظر سنجی اخیر، بیشترین درخواست را داشته است، مراتب با وزرات نیرو برای دریافت اوراق مشارکت بابت مطالبات پیمانکاران در دست پی گیری است. تاکنون وزارت نیرو تنها ارگانی است که به این مسأله توجه نموده است.

پیشنهاد نشست ماهیانه فصلی در انجمن با کارفرمایان و نمایندگان آنها که نظرات و کارشناسان و سازمانهای مربوطه پس از تأیید هیأت مدیره اجرا می گردد.

پیشنهاد عضویت شرکتهای پروژه محور در اتاق بازرگانی ایران که نظر اعضا در این خصوص پیگیری اعطای رتبه بندی توسط اتاق بازرگانی است که باید مصرانه پیگیر شویم و پس از انجام این موضوع ترغیب شرکتهای عضویت شرکتهای راحت تر و بهتر می شود.

تکلیف دولت ۶ ماده تکلیف اتاق بازرگانی است جهت اجرایی شدن این قانون دفتر پایش برنامهها مسئول تفکیک مادههای مختلف قانون است و با نظرخواهی از بخشهای مختلف به صورت یک تحلیل علمی و آماری از ذینفعان درخواست کرده ایم با مشخص کردن خواسته ها با ابزارهای این قانون مصداق عملی آن را تعریف نمائیم و آئین نامه ای نیز ایجاد کنیم.

۲. درآمدزایی و روشهای آن جهت خودکفائی انجمن مورد بحث و بررسی قرار گرفت که از جمله آن حق ورودی اعضا، حق عضویت و نحوه جذب آن

۳. بحث و بررسی در خصوص قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و ماده ۵ قانون در خصوص عضویت شرکتهای در اتاق بازرگانی و درخواست کمیسیون نسبت به پیگیری این موضوع و اینکه وضعیت عضویت شرکتهای دولتی در اتاق چگونه است؟ آیا می توانند عضو شوند یا خیر؟

۴. تشویق اعضا جهت عضویت در اتاق ایران با توجه به تبصره ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور

۵. پیگیری اجرایی شدن قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی در اتاق بازرگانی ایران

۶. نشست با نمایندگان شرکت آریا تندر و فعالیت این شرکت که در زمینه اطلاع رسانی مناقصات می باشد و مناقصات عراق و خدماتی که این شرکت می تواند ارائه نماید مطرح گردید. نحوه ارتباط با شرکت این است که شرکتهای به صورت جداگانه می توانند از اطلاعات استفاده کنند.





دکتر محمد نهایندیان

رئیس جمهور آینده و برخی از انتظارات بخش خصوصی

اشاره: نامگذاری سال ۱۳۹۲ با عنوان حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نیازمند تعریف مفاهیم دقیقی است. تا از طریق آن بتوان چارچوب‌های لازم را برای تحقق اهداف آن در نظر گرفت، بر همین اساس آقای دکتر نهایندیان مطالبات و درخواست بخش خصوصی را در چارچوب تعریف مفهومی از حماسه اقتصادی در ۸ بخش مورد بررسی اجمالی قرار داده است که به دلیل نکات روزفن و آموزنده مندرج در آن عینا جهت خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران درج می‌شود.

موظف است با همکاری و حضور اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شورای اصناف کشور، نسبت به شناسایی قوانین، مقررات و بخشنامه‌های مخل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران اقدام کند و با نظرخواهی مستمر از تشکل‌های تولیدی و صادراتی سراسر کشور و بررسی و پردازش مشکلات و خواسته‌های آنها به‌طور مستمر گزارش‌ها و پیشنهادهایی را تهیه و به کمیته‌ای متشکل از دو نفر از هر قوه به انتخاب رییس آن قوه ارائه دهد. کمیته مذکور موظف است ضمن بررسی پیشنهادهای ارائه شده راهکارهای قانونی لازم را بررسی و پیگیری کند.»

در مورد این نهاد تازه تاسیس نکات مهمی باید مورد توجه قرار بگیرد. نخست اینکه این کمیته می‌تواند حکم «نهاد واکنش سریع» را در مورد قوانین و مقرراتی ایفا کند که حذف یا تصحیح آنها از طریق مجاری قانونی عادی مانند ارائه طرح یا لایحه به مجلس و... بسیار زمان‌بر و دشوار است. با استفاده از چالاکسی و ظرفیت‌های قانونی بالایی که این کمیته از آن برخوردار است، می‌توان نسبت به تسهیل و تسریع روند تصحیح قوانین و... اقدام کرد. نکته حائز اهمیت دوم، نقشی است که این کمیته می‌تواند در بهبود مستمر فضای کسب‌وکار داشته باشد؛ روشن است که بهینه‌سازی فضای کسب‌وکار مستلزم حذف مقررات دست و پاگیر، زائد و نامتناسب با اقتضات زمانی است. کمیته ماده ۷۶ می‌تواند با پایش مستمر فضای کسب‌وکار کشور و شناسایی موانع مقرراتی، در مسیر رفع آنها حرکت کند و نکته سوم نیز ترکیب حساب شده‌ای است که این کمیته از آن برخوردار است. حضور نمایندگان از تمامی قوا، تشکل‌های فراگیر بخش خصوصی از جمله اتاق ایران، اتاق تعاون مرکزی و شورای اصناف در کمیته ماده ۷۶ می‌تواند زمینه‌نگاهی جامع‌الاطراف و تدوین پیشنهادهایی جامع را در این نهاد فراهم آورد. امید این است که نهاد تازه تاسیس ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم جایگاهی در خور در ساختار اقتصادی کشور بیابد و با بهره‌مندی از همکاری و همدلی تمامی ارکان و حوزه‌های حاکمیتی، نقش در نظر گرفته شده برای آن را ایفا کند.

«نهادسازی» در ساختارهای اقتصادی از جمله اقداماتی است که همواره موافقان و مخالفان پر و پا قرصی داشته و دارد؛ منتقدان ایجاد نهادهای جدید را منافی شعار «کوچک، زیباست» و ضرورت حداقل‌سازی حضور حاکمیت در حوزه اقتصاد می‌دانند.

در مقابل موافقان نیز با استناد به موفقیت برخی نهادهای ایجاد شده در حوزه اقتصادی، قضاوت در مورد حسن و قبح تاسیس نهادهای جدید را مستلزم بررسی عملکرد آنها و نقشی که می‌توانند در تصحیح فرآیندها برعهده بگیرند، می‌دانند. در کشور ما نیز استدلال‌های مطرح در دفاع یا نقد نهادهای ایجاد شده از همین قاعده تبعیت می‌کند. منتقدان و مدافعان ایجاد نهادهای اقتصادی با اشاره به نمونه‌هایی که طی دو دهه اخیر در ایران تاسیس شده‌اند، هر یک مستندات مطلوب خود را در روند طی شده طی این سال‌ها و سرانجام این نهادها، جست‌وجو و ارائه می‌کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان به حساب ذخیره ارزی اشاره کرد؛ مدافعان ایجاد این نهاد که غالباً نیز تدوین‌کنندگان برنامه سوم توسعه هستند، نفس ایجاد نهادی را که مسوولیت مدیریت میزان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور و شیوه استفاده از درآمدهای اضافی محتمل برعهده داشته باشد، امری مبارک و مفید قلمداد می‌کنند که در مقاطعی نیز توانسته است از پس انجام وظیفه خود به‌خوبی برآید. در مقابل منتقدان، نادیده انگاشته شدن این حساب یا نهاد از سوی دولت، خصوصاً در سال‌های اخیر را نشانه‌ای بر عدم موفقیت ایجاد چنین نهادهایی در ساختار اقتصادی ایران ارزیابی و به‌عنوان نمونه‌ای تازه‌تر به شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی اشاره می‌کنند که باز هم دچار کم‌مهری دولتمردان شده است.

حال در شرایطی که بحث بر سر میزان صحت استدلال‌های مطرح شده از سوی منتقدان حساب ذخیره ارزی یا شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی همچنان ادامه دارد، نهاد دیگری پا به عرصه اقتصاد ایران گذاشته و رسماً اعلام حضور کرده است. بنابر آنچه در ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم تصریح شده است «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و [کشاورزی] ایران

نقش و تأثیر افزایش تقاضای سفته‌بازی و احتیاطی نقدینگی سرگردان در تورم

اشاره:

افزایش نقدینگی کشور که از مرز ۴۳۰ هزار میلیارد تومان گذشته است، نشان می‌دهد این حجم از نقدینگی زمینه‌ساز تورم می‌باشد چنانچه تزریق پول پرفشار که پایه پولی کشور را افزایش می‌دهد به سمت تولید و فعالیتهای مولد هدایت نشود باعث بروز تورم لجام‌گسیخته و روند استمرار چنین وضعیتی به رکود تورمی می‌انجامد و در نهایت جامعه و کشور را به بیماری هلندی مبتلا می‌سازد؛ معمولاً ساده‌ترین راه‌های تأمین منابع مالی (به ویژه استقراض از بانک مرکزی) بهترین و مناسبترین راه نیست و چه بسا عواقب آن اقتصاد کشور را زمین‌گیر سازد؛ لذا با توجه به بالا بودن حجم پول گردش به نظر می‌رسد بخشی از این میزان نقدینگی می‌بایستی از سطح جامعه جمع‌آوری شود. سازوکارهایی چون پیش فروش سکه، اوراق قرضه، اوراق مشارکت، گواهی سپرده و انواع دیگری از فروش اوراق بهادار می‌تواند در بهبود اقتصاد کشور و در روند شاخه صعودی آن تعدیل ایجاد کند. مشروط بر اینکه نقدینگی‌های جمع‌آوری شده مجدداً به جامعه و برای فعالیتهایی با انگیزه‌های سفته‌بازی و احتیاطی وارد نشود، بلکه به سمت تولید و تکمیل پروژه‌ها و طرحهای اشتغال‌زا و مولد سوق داده شود. لذا در این زمینه گفتگوی ارزنده‌ای با هادی کوزه‌چی مدرس مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری در دنیای اقتصاد مورخ اول اسفندماه شده است که عیناً جهت استفاده خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران درج می‌گردد.



عوامل چگونه می‌تواند در بازار نقش ایفا کند؟ (منظور از تعهدات ارزی بانک‌ها چیست، چگونه می‌توان اثر نوسانی این عامل را کاهش داد؟)

دلایل ذکر شده نیز به نظر بنده صحیح است ولی برای انجام تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر بهتر است نگاه پویاتری به چرایی این تحولات داشته باشیم. به نظر من باید ریشه‌های تحولات

در تحلیل ارائه شده از سوی بانک مرکزی شکل‌گیری انتظارات تورمی و تشدید آن در ماه‌های پایانی سال، افزایش تقاضای سفته‌بازی و احتیاطی، شکل‌گیری مجدد تقاضای ناشی از تبدیل دارایی‌ها و تعهدات ارزی بانک‌ها از مهم‌ترین دلایل نوسان اخیر عنوان شده است شما این دلایل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هر کدام از این



دو هفته گذشته را به دو بخش تقسیم کرد (همانند تحولات شهریور و مهر ۹۱):

الف) دلایل ساختاری مانند نقدینگی سرگردان و سیال، تورم بالای شکل گرفته در کشور در ماه‌های اخیر، مشکلات ناشی از تحریم‌ها و تشدید پیوسته آنها مخصوصاً در حوزه بانکی، نحوه مدیریت بازار ارز-کالا توسط نهادهای مرتبط؛

ب) دلایل مقطعی مانند تعویق مذاکرات هسته‌ای بعد از چند ماه مذاکره برای تعیین زمان و مکان مذاکره که نشان دهنده اختلافات زیاد بین طرفین مذاکره است که حتی الامکان توافق در رابطه با زمان و مکان به ماه‌ها مذاکره نیاز دارد؛ مسائل و تنش‌های سیاسی داخلی در رابطه بین دولت و مجلس؛ تشدید طبیعی تقاضای وارداتی در ماه‌های دی و بهمن (معمولاً در این ماه‌ها تقاضا برای ارز جهت انجام واردات کالا و رساندن کالا به بازار شب عید داخل، توسط تجار وجود دارد)؛ اخبار مربوط به احتمال اجرای فاز دوم هدفمندی، افزایش پرداختی یارانه نقدی و پرداخت عیدی فوق‌العاده. ابتدا به بررسی و تحلیل برخی از دلایل ساختاری می‌پردازیم. همانطور که می‌دانید در سال‌هایی چون ۱۳۵۸، ۱۳۶۶، ۱۳۷۳ و اکنون به دلایل مختلف، تقاضای خرید دلار توسط عموم مردم و سفته‌بازان حرفه‌ای شکل گرفته است.

همانطور که داده‌های مربوط به توان خرید دلار آزاد توسط میزان نقدینگی ریالی نشان می‌دهد، نقدینگی ریالی موجود در حال حاضر توان بسیار بالایی در خرید دلار-طلا نسبت به سال‌های اوایل انقلاب، اواخر جنگ تحمیلی و سال ۱۳۷۳ دارد

و این امر مدیریت بازار ارز را برای بانک مرکزی و سایر نهادهای مرتبط بسیار دشوارتر می‌کند. در صورتی که شرایط کلی بازار ارز و هجوم تقاضای سوداگری و سفته‌بازی مردم کشور به بازار را در حال حاضر مشابه سال‌های ۷۳، ۶۶ و ۵۸ بدانیم، با توجه به قدرت و تقاضای خرید بالاتر ریال برای دلار (تقریباً ۶ تا ۷ برابر سال‌های ذکر شده)، میزان نوسانات بسیار شدیدتر خواهد بود که این امر در عمل نیز مشاهده می‌شود. برای مشخص شدن اهمیت این موضوع، قابل ذکر است که نقدینگی که در حال حاضر به صورت روزانه در نظام بانکی کشور، خلق می‌شود در حدود ۳۰۰ میلیارد تومان است که از کل نقدینگی سال ۱۳۵۸ بیشتر است.

این میزان توان خرید دلار- طلا توسط نقدینگی ریالی در حال حاضر، سبب شده است که کارشناسان به آن عنوان غول نقدینگی بدهند. طبیعی است که با هجوم بخش اندکی از نقدینگی (در حدود ۲ درصد)، در یک بازه زمانی کوتاه مانند یک هفته به بازار ارز - طلا، با توجه به محدودیت‌های تجهیز و تزریق منابع ارزی - طلایی برای بانک مرکزی به خاطر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، مدیریت بازار ارز از کنترل بانک مرکزی خارج می‌شود.

همچنین باید مدنظر قرار داد که به دلیل گسترش سیستم بانکی کشور و مخصوصاً گسترش شدید منابع و فعالیت‌های موسسات پولی-مالی غیربانکی نسبت به ساختار کاملاً دولتی نظام بانکی کشور در سال‌های ذکر شده، نظارت بانک مرکزی در عمل کاهش یافته است و حرکت‌های سریع و سیل گونه ریال در بین بازارها از گسترش بسیار بالایی نسبت به سال‌های ذکر شده برخوردار است. در رابطه با تورم نیز برای آنکه تحلیل مناسبی از آمار داشته باشیم، در ادامه میزان تورم نقطه به نقطه و نیز تورم ملموس، بررسی شده است.

- تورم نقطه به نقطه:

تورم نقطه به نقطه بیانگر نرخ رشد شاخص قیمت‌ها در پایان هر ماه نسبت به شاخص قیمت‌ها در پایان ماه مشابه سال قبل است (تورم یک سال گذشته). این تورم بیشتر مورد توجه مردم است و توسط آنها برای مقایسه رشد قیمت‌ها استفاده می‌شود. آخرین تورم نقطه به نقطه (آذر ۹۱ نسبت به آذر ۹۰)، در حدود ۳۷ درصد است که ۱۰ درصد بیشتر از تورم متوسط (۲۷ درصد) است. داده‌های مربوط به شاخص قیمت و تورم ماهانه در چند ماه گذشته نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه به صورت پیوسته در ماه‌های اخیر در حال رشد است و این امر سبب فاصله زیاد بین تورم متوسط و نقطه به نقطه می‌شود.

- تورم ملموس:

در این روش معادل سالانه تورم یک سال آینده، بر اساس تورم ماهانه موجود، (نقطه به نقطه برای یک سال آتی) محاسبه می‌شود. البته اسم انتخاب شده شاید علمی نباشد، ولی هدف آن است که بدانیم مثلا در صورتی که تورم ماه شهریور به مدت ۱۱ ماه آینده ادامه داشته باشد، تورم در یک سال مذکور چقدر خواهد بود. برای محاسبه این تورم از فرمول رشد مرکب استفاده می‌کنیم.

دلیل انتخاب چنین نامی آن است که مردم عملا با این تورم سر و کار دارند و افزایش قیمت‌ها هر چقدر نزدیک‌تر به زمان وقوع باشد (یعنی تورم ماهانه برای ماه گذشته)، واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. با توجه به رشد شدید تورم ماهانه در چند ماه اخیر، تورم متوسط و تورم نقطه به نقطه یک سال گذشته، واقعیت تورم و رشد قیمت ملموس برای مردم را به درستی نشان نمی‌دهد.

بر این اساس، معادل سالانه تورم تجربه شده در مهر و آبان ۹۱، در حدود ۷۰ درصد است. این میزان تورم از شدیدترین تورم‌های موجود در دنیا است و اثرات آن بر تمامی بازارهای کالا و سرمایه‌گذاری قابل توجه خواهد بود، در صورتی که متوسط تورم ۴ ماه اخیر (شهریور تا آذر ۹۱)، در ۸ ماه آینده ادامه داشته باشد، نرخ تورم نقطه به نقطه مرداد ۹۲ (از شهریور ۹۱ تا مرداد ۹۲)، حدود ۵۰ درصد خواهد بود. به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری مردم و فعالان اقتصادی بر اساس چنین میزان

تورمی و بازدهی متناسب با آن صورت می‌گیرد. از سوی دیگر مردم تورم را تورم کالای ساده‌ای چون ارز، طلا، خودرو و مانند آن می‌سنجند که تقریبا در یک سال اخیر از رشد قیمتی در حدود ۱۰۰ درصد برخوردار بوده است. مجموع این آمار بسیار هشدارآمیز است و سبب می‌شود که جریان نقدی بالایی توسط مردم از سپرده‌های بانکی به سمت این بازارها شکل گیرد تا قدرت خرید خود را حفظ نمایند. تشدید تورم و رشد نقدینگی سبب تشدید تلاطمات در بازار ارز و طلا خواهد شد و مدیریت بازار را برای بانک مرکزی دشوارتر خواهد کرد. سفته‌بازان حرفه‌ای نیز از این فرصت، سوءاستفاده کرده و بازارها را آشفته‌تر می‌کنند.

انتظار می‌رفت با راه‌اندازی مرکز مبادله ارزی دامنه نوسان ارزی محدود شود، چرا با گذشت بیش از ۱۳۰ روز از راه‌اندازی این مرکز دامنه نوسان به قیمت‌ها قبل از راه‌اندازی مرکز بازگشت؟ کلیت این بحث می‌تواند درست باشد، ولی باید به عملکرد مرکز مبادلات به صورتی عملی و واقع‌گرایانه نگاه شود. آماري که در رابطه با مرکز مبادلات ارائه می‌شود، میزان ثبت سفارش‌های صورت گرفته است که تقریبا به صورت ماهانه در حدود ۱ میلیارد دلار است. در صورتی که میزان واردات رسمی کشور به صورت ماهانه در حدود ۴ تا ۵ میلیارد دلار است. این امر نشان دهنده آن است که مرکز مبادلات در حدود ۲۰ درصد تا ۲۵ درصد از نیاز ارزی کشور به واردات را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، بنده تاکنون هیچ‌گونه آماری از میزان پرداخت‌های





کوتاهمدت و پایان سال به چه سمت و سویی است؟

متاسفانه به نظر می‌رسد که به دلیل پایداری دلایل ساختاری ذکر شده، تلاطمات به طور کلی ادامه خواهد داشت، هرچند در مقطعی ممکن است به دلیل آرامش در دلایل مقطعی ذکر شده، بازار آرام شود. مدیریت قوی بازار ارز-کالا و سیاست‌های پولی-مالی می‌تواند سبب کاهش تلاطمات یا افزایش آنها شود. یکی از تاکتیک‌های مرکز مبادله روند نزولی نرخ دلار در

مرکز است این در حالی است که در بازار غیر رسمی این روند معکوس است فاصله‌گیری نرخ مرکز با بازار غیر رسمی چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟

به نظر بنده این استراتژی چندان تاثیری در بازار آزاد ارز ندارد. دلیل این امر آن است که همانطور که در بالا ذکر شد، فروشندگان-خریداران و مخاطبین دو بازار (یعنی مرکز مبادلات و بازار آزاد)، دو گروه مختلف هستند. خریداران در بازار آزاد، مردم معمولی و سوداگران هستند که با هدف پوشش دارایی خود در مقابل تورم به این بازار مراجعه می‌کنند

(اصطلاحاً تقاضای غیرواقعی-کاذب برای ارز) و مخاطبان مرکز مبادلات، واردکنندگان کالا به کشور هستند (اصطلاحاً تقاضای واقعی برای ارز).

استراتژی فوق اثری بر روی بازار آزاد ندارد چون تاثیری بر عرضه و تقاضای بازار آزاد به جای نمی‌گذارد، ولی سبب ایجاد رانت برای استفاده‌کنندگان از ارز مرکز مبادلات می‌شود و درآمد نهادهای مرتبط فروشنده ارز در مرکز مبادلات (یعنی

صورت گرفته و انتقال ارزهای موفق ندیده‌ام. میزان کل ثبت سفارش‌های صورت گرفته در چهار ماه گذشته، با توجه به اعداد فوق نسبت به میزان واردات اندک است و به صورت طبیعی میزان انتقال نهایی صورت گرفته نیز باید کمتر باشد. این امر سبب می‌شود که مرکز مبادلات در عمل به عنوان عاملی جهت به تعویق انداختن تقاضای ارز برای واردکنندگان عمل می‌کند و اثر واقعی آن کاهش می‌یابد. البته نفس راه‌اندازی مرکز و

دسته بندی ارز برای اولویت‌های مختلف، اجباری است که با توجه به شرایط کشور گریزی از آن وجود ندارد، ولی باید نسبت به کارکرد واقعی و میزان اثرگذاری آن رویکرد واقع‌گرایانه داشت. در نهایت نیز باید توجه کرد که تنها بخشی از نوسان بازار ارز به خاطر تقاضای واقعی ارز جهت واردات است و نوسانات ارز بیشتر ناشی از تقاضای سوداگری-سفته‌بازی و حفظ قدرت خرید است که مرکز مبادلات پاسخگوی این نوع تقاضا

نمی‌باشد. به عبارت دیگر، مخاطب مرکز مبادلات، واردات است (پاسخگویی به تقاضای واقعی ارز)، در حالی که نوسان ارز در بازار آزاد بیشتر به خاطر تقاضای کاذب و غیرواقعی ارز است که در این مرکز پوشش داده نمی‌شود و نباید چنین انتظاری از مرکز مبادله‌ای داشت.

با توجه به شرایط پیش رو چشم‌انداز نرخ ارز در

تنها بخشی از نوسان بازار ارز به خاطر تقاضای واقعی واردات است و نوسانات ارز بیشتر ناشی از تقاضای سوداگری-سفته‌بازی و حفظ قدرت خرید است که مرکز مبادلات پاسخگوی این نوع تقاضا نمی‌باشد



وزارت نفت، صندوق توسعه ملی و ... را کاهش می‌دهد. با توجه به تحولات ماه‌های گذشته، کاهش قیمت توسط مرکز مبادلات حتی به صورت روانی نیز بر روی بازار آزاد تاثیرگذار نیست.

عجیبی در حدود ۲۰ درصد-۳۰ درصد به خود گرفته است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد میزان قدرت خرید نقدینگی ریالی موجود بالاتر از توان بانک مرکزی در تزریق طلا به بازار است. در کوتاه‌مدت طبیعتاً خبر اعلام شده سبب کاهش التهابات و قیمت طلا می‌شود، همان طور که در هفته گذشته تجربه شد، ولی به دلیل پابرجا بودن دلایل ساختاری تحولات و نوسانات، احتمالاً آرامش بازار چندان دوام نداشته باشد.

همچنین بانک مرکزی باید محدودیت‌های جدی جایگزینی طلا در آینده با توجه به تحریم‌ها را در نظر داشته باشد و شرایط پیش فروش سکه را چندان جذاب

طراحی نکند که با استقبال زیاد مواجه شود.

چه پیشنهادها و راهکارهایی را در رابطه با کاهش التهابات بازار ارائه می‌کنید؟

۱- سیاست بانک مرکزی در چنین شرایطی باید بیشتر جلوگیری از تشدید نوسانات ارز باشد، تا کنترل رشد قیمت. نوسان ارز آسیب بیشتری به جای می‌گذارد، تا رشد قیمت پیوسته، مدیریت شده و قابل پیش‌بینی ارز. در صورتی که بانک مرکزی بعد از رشد بازار آزاد، که بنا به هر دلیلی اتفاق افتاده

میزان بالای نقدینگی موجود در کشور، تورم بالای شکل گرفته در کشور و نهایتاً تضعیف بخش تولید-عرضه به خاطر مشکلات پیش آمده در تجارت خارجی و کمبود سرمایه در گردش است. مردم در این شرایط، پول را در بانک نگه نداشته و مداوم بین بازارها جابه جا می‌کنند و این امر تورم را تشدید کرده و نوسانات شدیدی همراه با رشد قیمتی عجیب و غریبی را در همه بازارها ایجاد می‌کند.

تلاطم اخیر در شرایطی رخ داد که بازار سرمایه از بازدهی مناسب برخوردار است و قیمت‌ها در بازار مسکن نیز رو به رشد است، چرا در شرایطی که بازار سرمایه رونق دارد و در بخش مسکن نیز قیمت‌ها رو به رشد، باز هم شاهد هستیم مقام‌های رسمی از هجوم سفته‌بازان به بازار سخن می‌گویند؟

مشکل پیش آمده در شش ماه گذشته مرتبط با تمامی بازارهای کشور است (مسکن، بورس، خودرو، ارز، طلا و ...). و دلیل ساختاری آن همان طور که در بالا ذکر شد، میزان بالای نقدینگی موجود در کشور (در سایه رشد

نقدینگی در سال‌های گذشته)، تورم بالای شکل گرفته در کشور و نهایتاً تضعیف بخش تولید-عرضه به خاطر مشکلات پیش آمده در تجارت خارجی و کمبود سرمایه در گردش است. مردم در این شرایط، پول را در بانک نگه نداشته و مداوم بین بازارها جابه جا می‌کنند و این امر تورم را تشدید کرده و نوسانات شدیدی همراه با رشد قیمتی عجیب و غریبی را در همه بازارها ایجاد می‌کند. البته میزان نوسانات و رشد در بازارهای مختلف متفاوت است. مثلاً بازار مسکن نسبت به بازار ارز-طلا رشد قیمتی کمتری و نوسان کمتری را تجربه کرده است. یکی از دلایل این امر بزرگ بودن اندازه این بازار است.

برنامه پیش فروش بانک مرکزی چه تاثیری بر بازار طلا دارد؟

همانطور که در اخبار هفته‌های گذشته منتشر شد، مجلس و بانک مرکزی به دنبال ممنوع کردن خرید و فروش و بازار مربوط به تقاضای سوداگری-سفته‌بازی ارز هستند. هر چند این امر راهکار ریشه‌ای مساله نیست، ولی به هر حال در چنین شرایطی، معمولاً یکی از راهکارهایی است که توسط مجریان ارائه می‌شود. این امر احتمالاً سبب می‌شود که به دلیل افزایش ریسک حضور در بازار ارز، حرکت عامه مردم و سوداگران-سفته‌بازان به سمت





۳- باید نظارت بانک مرکزی بر روی موسسات و بانکها افزایش یابد تا در کنار سیاست‌های انقباضی، امکان مدیریت بازارها بیشتر شود و موسسات و نهادهای مالی در بازارهای طلا، ارز و کالا به دنبال سفته‌بازی نباشند. چنین عنوان می‌شد که در دوره‌ای مانند سال ۱۳۸۶، موسسات در بازار مسکن حضور دارند و در حال حاضر در بازارهای نقدشونده، با نظارت جدی، باید مانع از سفته‌بازی موسسات و نهادهای مالی و سرمایه‌گذاری که منابع زیادی دارند، در بازارهای پرنوسان شد.

۴- به جای فروش و پیش فروش سکه فیزیکی طلا، بانک مرکزی نسبت به فروش گواهی کاغذی طلا-سکه به صورت با نام و بدون نام اقدام کند. این امر می‌تواند حتی برای مردم عادی نیز جذابیت داشته باشد؛ چرا که مشکلات نگهداری طلا را ندارد. از سوی دیگر برای افزایش جذابیت آن، می‌توان این گواهی را به عنوان یکی از وثایق مورد قبول نظام بانکی برای ارائه تسهیلات بانکی تعریف کرد. به هر نحو باید با افزایش جذابیت فروش گواهی کاغذی طلا، داشتن آپشن‌های مختلف برای گروه‌های مختلف با توجه به دوره مدنظر سرمایه‌گذاری و ریسک، کاهش هزینه‌های معامله آن نسبت به طلا و سکه (که در حدود ۲ درصد است)، افزایش جذابیت نگهداری آن و مانند آن تقاضا را از سمت فیزیکی به این جهت سوق داد. البته پیش نیاز اجرای چنین طرحی، قبول قیمت آزاد طلا-ارز و تعیین مکانیزم شفاف برای شرایط و قیمت بازخريد این اوراق است.

باشد (مثلا در آبان ۹۱)، هدف خود را کاهش نوسان قرار دهد، می‌تواند بعد از افت بازار بعد از رشد شدید، با خرید و جمع‌آوری ارز از بازار، از افت آن جلوگیری کرده و ذخایر خود را نیز افزایش دهد (آذر ۹۱). کاهش و مدیریت نوسانات سفته‌بازان حرفه‌ای را ناامید کرده و از بازار خارج می‌کند و به دنبال آن، انگیزه مردم نیز برای حضور در بازار کاهش می‌یابد. در حالی که چنین استراتژی مشاهده نمی‌شود.

۲- رشد سود سپرده‌های بانکی، گزینه‌ای است که ناگزیر می‌کند و تا حد زیادی می‌تواند تلاطمات ایجاد شده در بازارهای مختلف را کاهش دهد. در کنار رشد سود سپرده‌های بانکی باید نسبت به ساختار آن نیز توجه شود. در یک سال گذشته، بانک‌ها و موسسات مالی بیشتر به سمت فروش اوراق مشارکت، گواهی سپرده یا سپرده کوتاه‌مدت با سود بالا حرکت کرده‌اند. جذب سپرده از محل فروش اوراق مشارکت، گواهی سپرده در عمل مشابه سپرده کوتاه‌مدت است؛ چون دارنده آن می‌تواند با جریمه اندکی، پول خود را به صورت آنی نقد کند. نتیجه این امر سیال بودن شدید سپرده‌های بانکی است که سبب می‌شود مردم در زمان به وجود آمدن تلاطم‌های در بازارهای مختلف، سریعاً نسبت به جابه‌جایی پول خود در بانک به این بازارها اقدام کنند.

باید بین سود سپرده یک ساله که امکان برداشت آن وجود نداشته باشد یا جریمه سنگینی داشته باشد و سود اوراق مشارکت، گواهی سپرده، تفاوت قابل توجهی وجود داشته باشد، تا از میزان سیال بودن غول نقدینگی موجود کاسته شود.

نیم نگاه پروژه‌های ناتمام صنعتی به مجلس

اشاره:

عدم اتمام پروژه‌های عمرانی ضمن اینکه سرمایه‌های ملی را از دایره اثربخشی خارج می‌نماید باعث می‌شود بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های ناشی از اجرای پروژه‌ها نیز بلااثر گردد. در این زمینه توجه خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران را به گزارشی به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۲۰ فروردین ماه جلب می‌نماییم.



مشکل در نظر گرفته شده در حالی است که هم اکنون واحدهای صنعتی با قفل بسته بانک‌ها و موانع در نظر گرفته شده برای اعطای تسهیلات نیز مواجه‌اند و این امر کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی را به همراه داشته است. به گفته محمدرضا نظری، عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی و معاون قراردادهای عملیاتی و امور اعتبارات، طرح‌های ناتمام صنعتی یکی از معضلات بزرگ کشور محسوب می‌شوند که عمدتاً به دلیل دریافت اعتبار از حساب ذخیره ارزی امکان دریافت تسهیلات از صندوق را ندارند و بلا تکلیف رها شده‌اند. برای رفع این مشکل نیز صندوق توسعه ملی در هشت پیشنهادی که به مجلس ارائه داده خواهان رفع مشکل این بخش شده است. نظری در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به اینکه بر اساس بند «د» ماده ۸۵ قانون برنامه پنجم امکان اعطای تسهیلات از سوی صندوق وجود ندارد، می‌گوید: رفع این مشکل و ایجاد شرایط برای دسترسی واحدهای ناتمام صنعتی به اصلاح قانون برنامه پنجم بستگی دارد، بنابراین از نمایندگان مجلس می‌خواهیم تا با اصلاح قانون این مشکل را برطرف کنند.

۲۰ هزار پروژه نیمه تمام صنعتی

کوتاه کردن دست واحدهای صنعتی از دریافت تسهیلات از

طرح‌های ناتمام صنعتی را شاید بتوان یکی از معضلات صنعتی کشور دانست، مشکلی که تزیق نقدینگی تنها گره گشای آن محسوب می‌شود، اما موانع قانونی در نظر گرفته شده در قانون برنامه پنجم توسعه گره بر گره این مشکل زده است.

بند «د» ماده ۸۵ قانون برنامه پنجم توسعه را می‌توان عمده مشکل پروژه‌های ناتمام صنعتی دانست. بر اساس این بند از قانون دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی به واحدهای نیمه تمام صنعتی که پیش از این از حساب ذخیره ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند تخصیص نمی‌یابد. محدودیت‌های در نظر گرفته شده از سوی مجلسی‌ها در حالی است که اتمام این طرح‌ها علاوه بر افزایش ظرفیت واحدهای تولیدی منجر به بازگردان بخشی از سرمایه صرف شده برای این طرح‌ها خواهد شد. ناتمام گذاشتن برخی از طرح‌های صنعتی در حالی است که رقمی در حدود ۸۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات تنها صرف واحدهایی که ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند، شده است، اما قید عدم تخصیص تسهیلات به واحدهایی که پیش از این از منابع حساب ذخیره ارزی استفاده کرده‌اند در قانون برنامه پنجم، دست بخشی از واحدهای ناتمام صنعتی را از دریافت تسهیلات و به پایان رساندن این طرح کوتاه کرده است.



در بخش صنعت نیز نرخ سود ۱۶ درصد با زمان بازپرداخت دو سال برای سرمایه در گردش در نظر گرفته شده و برای طرح‌های ایجادى نیز هشت سال به دریافت‌کننده تسهیلات زمان بازپرداخت پیش‌بینی شده است. نساجی را شاید بتوان در رده واحدهای صنعتی قرار داد که بخش قابل توجهی از واحدهای ناتمام صنعتی به آن تعلق دارد. در این خصوص علیرضا حائری، دبیر انجمن نساجی به خبرگزاری «فارس»، گفت: طرح‌های نیمه تمام به چندین گروه تقسیم می‌شوند، بخشی در انتظار سرمایه در گردش برای آغاز کار هستند و اما گروهی دیگر بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند، اما برای تامین مواد اولیه و راه اندازی خطوط تولید با مشکل کمبود نقدینگی مواجه‌اند. به گفته دبیر انجمن نساجی، در صورتی که اتمام طرح‌های ناتمام صنعتی به ویژه صنعت نساجی و پوشاک که بخشی از سرمایه‌گذاری ارزی و ریالی آن صورت گرفته در دستور کار مسوولان اقتصادی و صنعتی کشور قرار گیرد، شاهد افزایش ظرفیت تولید واحدهای صنعتی خواهیم بود. حائری معتقد است علاوه بر برطرف کردن مشکل واحدهای ناتمام صنعتی باید از سرمایه‌گذاری جدید برای ایجاد واحدهای صنعتی به جز در موارد ضروری که گلوگاه تولید این صنایع است، نیز جلوگیری شود. دبیر انجمن نساجی در خصوص اینکه مشکل اصلی برای عدم تزریق نقدینگی به واحدهای تولیدی در چه بخشی است، می‌گوید: اینکه گره کار به چه بخشی مربوط می‌شود نامشخص است، اما آنچه مسلم است طولانی شدن پروسه بانکی موجب شده تا واحدهای تولیدی هم‌اکنون با مشکلات بسیاری مواجه شوند؛ به طوری که برخی از صنعتگران این مشکل را به ریاست‌جمهوری نیز ارجاع داده‌اند، اما هنوز مشکل برطرف نشده است.

به گفته حائری، طولانی شدن پروسه پرداخت تسهیلات موجب شده تا واحدهای تولیدی از زمان اجرا و تنفس عبور کنند و با وجود عدم راه‌اندازی خطوط تولید ناچار به پرداخت سایر اقساط شدند که این امر نیز برای تولیدکنندگان مشکل ساز شده است.

صندوق توسعه ملی در حالی است که هم‌اکنون واحدهای تولیدی با مشکل کمبود نقدینگی بسیاری مواجه هستند و در صورت رفع این مشکل شاهد افزایش ظرفیت تولید این واحدها خواهیم بود. به گفته سید مهدی نیازی، مدیرکل دفتر آمار و فرآوری داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت، طرح‌هایی در رده واحدهای ناتمام قرار می‌گیرند که بیش از ۲۰ درصد پیشرفت داشته باشند و در حال حاضر ۲۰ هزار واحد صنعتی با این پیشرفت به صورت ناتمام مانده‌اند. نیازی سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این طرح‌ها را ۸۷ هزار میلیارد تومان برآورد کرد و به «دنیای اقتصاد»، گفت: در صورت اتمام این پروژه‌ها ۶۷۵ هزار اشتغال در کشور ایجاد خواهد شد. آمار اعلام شده از سوی مدیرکل دفتر آمار و فرآوری داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت در حالی است که با رفع موانع در نظر گرفته شده در قانون برنامه پنجم و اعطای تسهیلات از سوی صندوق، مشکل برخی از این واحدها برطرف خواهد شد. با این شرایط می‌توان گفت گره این مشکلی تنها به دست نمایندگان مجلس باز خواهد شد. عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی در پاسخ به این پرسش که در صورت رفع مشکل قانونی آیا صندوق توسعه ملی امکان تخصیص اعتبار به واحدهای ناتمامی را که صندوق ذخیره ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند دارد، می‌گوید: در صورت اصلاح قانون صندوق مشکلی برای تامین تسهیلات ارزی و ریالی و واحدهای ناتمام صنعتی نخواهد داشت. به گفته نظری، طرح‌های ناتمامی که حساب ذخیره ارزی تسهیلات دریافت نکرده‌اند در اولویت قرار دارند و می‌توانند با ارائه طرح‌های خود از منابع صندوق استفاده کنند. عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی سود در نظر گرفته شده در بخش تسهیلات ارزی را ۵ تا ۶ درصد اعلام کرد و گفت: دریافت‌کننده باید در بازه زمانی هشت ساله نسبت به بازپرداخت تسهیلات اقدام کند، اما برای مناطق محروم سود تسهیلات یک درصد کمتر لحاظ می‌شود و دوره بازپرداخت نیز دو سال افزایش می‌یابد. در بخش کشاورزی نیز سود منابع ریالی صندوق برای سال ۹۰ معادل ۷ درصد و برای سال ۹۱ نیز ۱۳ درصد در نظر گرفته شده است.

ارز مرجع و مبادلاتی حذف می شود

اشاره:

بروز و ظهور پدیده‌های آسیب شناختی خواهد بود و همچنین آثار و تبعات ناشی از تک نرخی شدن ارز گرچه ضرورت امروز اقتصاد است ولی نرخ بالای آن به طور مستقیم برای واردات مواد اولیه و کالاهای مصرفی تاثیر افزایشی و به تبع آن تورم را خواهد بود. در این زمینه نظر خوانندگان گرامی را به گزارشی از روزنامه جهان صنعت مورخ ۱۹ فروردین جلب می نمایم.

با توجه به نقش تخصیص اعتبار در روند امور جاری و عمرانی کشور بالطبع تخصیص نیمی از اعتبارات بودجه سال ۹۱ به دستگاههای اجرایی می تواند در روند برنامه‌ها و سیاست‌های درون سازمانی و برون سازمانی آنها تاثیر بگذارد و پیامدهایی داشته باشد که چنانچه تمهیدات کافی به کار گرفته نشود زمینه‌های



تعیین کرده است؛ اما دولت رسماً پیشنهاد حذف ارز مرجع را به مجلس داده و راهکارهای جایگزین آن را نیز به همراه این پیشنهاد ارائه کرده است.

غلامرضا مصباحی مقدم در نشست هیأت نمایندگان اتاق ایران گفته است: دولت پیشنهاد داده که اصلاح بهای ارز مرجع را داشته باشد که در این باره، دو راهکار مطرح است؛ راهکار نخست اینکه ارز مرجع همچنان به کالاهای ضروری، اساسی و دارو اختصاص یابد. راهکار دوم که مدنظر دولت است، ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص داده شود و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه دهد.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اظهار داشت: پیشنهاد دولت، ارز تک نرخی است که البته رقم مشخصی را در بودجه ۹۲ ارائه نداده، ولی مجلس به این جمع بندی رسیده که نرخ

دولت رسماً پیشنهاد حذف ارز مرجع را به مجلس شورای اسلامی داد؛ طرحی که بر پایه آن نرخ ارز مرجع حذف و به سمت نرخ مبادلاتی (احتمالاً) حرکت خواهد کرد. حال باید پرسید هدف دولت از این کار چیست؟

از سال گذشته که زمزمه‌های مرجع شدن نرخ ارز در مرکز مبادلات ارزی از سوی وزیر اقتصادی و رئیس کل بانک مرکزی مطرح شد تا زمانی که بودجه سال ۹۲ با نرخ ارز نامشخص به مجلس تقدیم شد، همواره حدس و گمان‌ها حاکی از آن بود که به تدریج نرخ ارز مرجع از گردونه اقتصاد کشور حذف خواهد شد و نرخ ارز جایگزین آن به احتمال بسیار زیاد نرخ ارز مبادلاتی خواهد بود.

این حدس و گمان‌ها همچنان به قوت خود باقی بود و بحث‌ها در بودجه سال ۹۲ و نرخ ارز آن نیز حاکی از آن است که دولت نرخ ارز در بودجه را نزدیک به نرخ ارز مرکز مبادلات



ممبینی با بیان اینکه با این روش در مواردی که کالا باید ارزان تر به دست مردم برسد یارانه پیش‌بینی کرده‌ایم، افزود: در واقع برای کالاهای گروه یک و دو، نهاده‌های کشاورزی و دامی که در سال ۹۱ ارز با نرخ مرجع اختصاص یافت، در راستای شفاف‌سازی در سال ۹۲ یارانه مناسبی پیش‌بینی کردیم تا دو نرخ نداشته باشیم

وی افزود: راهکار اول اینکه ارز مرجع کماکان به کالاهای ضروری، اساسی و دارو اختصاص یابد. راهکار دوم که مدنظر دولت است، ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص می‌یابد و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه می‌دهد.

بر این اساس احتمال حذف ارز مرجع در آینده بسیار نزدیک بسیار قوت گرفته است و همانطور که قبلاً هم پیش‌بینی میشد، قرار است نرخ ارز مرکز مبادلات یا نرخ نزدیک به آن به عنوان نرخ ارز مرجع مورد پذیرش واقع شود.

معنای این امر صرف نظر از تبعات و اثرات آن بر شناور شدن تدریجی نرخ ارز در اقتصاد، این است که کالاهایی که اکنون به آنها ارز مرجع ۱۲۲۶ تعلق می‌گیرد، به سمت ارز آزاد حرکت خواهند کرد و همانگونه که مصباحی مقدم اشاره کرده، ترجیح دولت بر حذف ارز مرجع و دادن یارانه به این کالاها است.

در این صورت قیمت کالاهای اولویت اول و دوم شامل دارو و تجهیزات پزشکی وارداتی و همچنین کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، گوشت مرغ، گوسفند زنده، جو، ذرت، دانه سویا، کنجاله، روغن خام، شکر خام، شیر خشک صنعتی و... با حرکت از سمت ارز مرجع به سمت ارز آزاد حداقل به دو برابر افزایش خواهد یافت.

پرداخت یارانه با مابه‌التفاوت ارز مرجع و آزاد؟

در این میان، یک نکته مبهم در پیشنهاد دولت وجود دارد.

ارز مرجع با توجه به محاسبات در بودجه ۹۲ نرخ مرکز مبادلات ارزی باشد.

بنابراین، احتمال حذف ارز مرجع در آینده نزدیک بسیار قوت گرفته است و همان گونه که در گذشته نیز پیش‌بینی می‌شد، قرار است نرخ ارز مرکز مبادلات یا نرخ نزدیک به آن به عنوان نرخ ارز مرجع پذیرفته شود.

معنای این امر صرف نظر از پیامدها و اثرات آن بر شناور شدن تدریجی نرخ ارز در اقتصاد، این است که کالاهایی که اکنون به آنها ارز مرجع ۱۲۲۶ تعلق می‌گیرد، به سمت ارز آزاد حرکت خواهند کرد و همان گونه که مصباحی مقدم اشاره کرده، ترجیح دولت بر حذف ارز مرجع و دادن یارانه به این کالاهاست. در این صورت قیمت کالاهای اولویت اول و دوم شامل دارو و تجهیزات پزشکی وارداتی و همچنین کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، گوشت مرغ، گوسفند زنده، جو، ذرت، دانه سویا، کنجاله، روغن خام، شکر خام، شیر خشک صنعتی و... با حرکت از سمت ارز مرجع به سمت ارز آزاد حداقل به دو برابر افزایش خواهد یافت.

پرداخت یارانه به جای ارز مرجع

در این میان معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی تأکید کرد: در سال ۹۲ پیش‌بینی ما یک نرخ برای ارز است و دیگر نرخ ارز مرجع و مرکز مبادلات نخواهیم داشت. رحیم ممبینی معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، درباره پیش‌بینی نرخ ارز در سال جاری اظهار کرد: در سال ۹۲ برنامه درباره قیمت ارز آنطور که در لایحه بودجه ۹۲ پیش‌بینی شده، نظام شناور مدیریت شده است. او تصریح کرد: در لایحه بودجه ۹۲ حداقل در جاهایی که دولت حضور دارد، برنامه این است که یک نرخ داشته باشیم و نرخ‌هایی با عنوان مرجع و مرکز مبادلات وجود نداشته باشد.

شد. در نتیجه عملاً نباید فرقی در هزینه‌های دولت داشته باشد، مگر آنکه دولت ارز خود را به رقمی بالاتر از ارز مرکز مبادلات یا ارز مرجع جدید به فروش برساند و یا اینکه یارانه اختصاصی به این کالاها عملاً کمتر از میزان یارانه‌ای باشد که دولت قرار است به ارز مرجع بدهد.

از آنجایی که منطق این قضیه بر این اساس است که هزینه‌های دولت با حذف ارز مرجع نباید تغییری داشته باشد، دو احتمال می‌تواند مد نظر باشد:

نخست: هدف دولت در خوش بینانه‌ترین حالت، تنها عبور از نظام چند نرخ ارز و تثبیت و حرکت به سمت نظام ارز تک نرخ در اقتصاد کشور است.

دوم: دولت می‌خواهد با فروش ارز در بازار به نرخ آزاد (یا مبادلاتی) و با حذف یارانه از روی کالاهای اساسی و دارو، درآمد ریالی خود را از فروش نرخ ارز افزایش داده و با پرداخت یارانه‌ای کمتر از یارانه ارزی به کالاهای اساسی، میزانی از درآمد به دست آمده را صرف امور مد نظر خود کند. اکنون به درستی نمی‌توان گفت، کدام یک از این دو از احتمال بالاتری برخوردار است و تا جزئیات دقیق پیشنهادی دولت روشن نشود، نمی‌توان گفت در پس ذهن دولت چه می‌گذرد!

مصباحی مقدم گفته، راهکار دوم که مدنظر دولت است، این که ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص می‌یابد و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه می‌دهد. حال باید پرسید که منظور از نرخ ارز آزاد چیست؛ ارز مبادلاتی که قرار است مینا قرار گیرد یا ارز بازار آزاد؟ آن گونه که از شواهد و قراین پیداست، به احتمال بسیار زیاد، منظور از ارز آزاد، ارزی است که نرخ آن در بودجه مشخص خواهد شد و نزدیک به ارز مرکز مبادلات است.

اما نکته مهم‌تر اقدام دولت برای دادن یارانه به کالاهای اساسی در صورت حذف ارز مرجع و برای کنترل قیمت این کالاهاست؛ کاری که عملاً در ظاهر تفاوتی برای دولت نخواهد داشت.

به عبارت بهتر، دولت معادل ریالی - ارزی را که به قیمت آزاد خواهد فروخت برای کنترل بهای این کالاها اختصاص خواهد داد؛ آن هم به شکل پرداخت یارانه. در نتیجه تفاوت اختصاص ارز مرجع به این کالاها یا پرداخت یارانه به آنها چه خواهد بود؟

روش کار دولت این گونه است که یارانه‌ای که قرار است دولت روی ارز اعمال کند، بر روی کالاها اعمال خواهد





پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

- از ارسطو پرسیدند بهترین سخن کدام است؟ در پاسخ گفت: آنچه موافق عقل باشد، گفتند پس از آن چیست؟ گفت: سخنی که شنونده بپذیرد، گفتند بعد از آن چه؟ گفت: سخنی که از سرانجام آن اطمینان داشته باشیم که ضرری متوجه ما نخواهد ساخت، گفتند بعد از آن چیست؟ گفت: اگر سخن یکی از این سه شرط را نداشته باشد ارزش شنیدن ندارد
- به خویشتن اعتماد کن، آنگاه راه زندگی را خواهی یافت. (گوته)
- آنچه فرد تحصیلکرده را از فرد خودآموخته مشخص می‌سازد، وسعت دانش نیست، بلکه مراتب گوناگون نیروی حیات و اعتماد به نفس است. (میلان کوندرا)
- برنده شدن همیشه به معنی اولین بودن نیست. برنده شدن به معنی انجام کار، بهتر از دفعات قبل است. (بونی بلر)
- در یک روز، اگر ما با هیچ مشکلی مواجه نمی‌شویم، می‌توانیم مطمئن باشیم که در مسیر اشتباه حرکت می‌کنیم. (سوآمی و بوکاناندن)
- هیچ کس در این دنیا آنقدر بی‌فایده نیست که نتواند بار دیگری را سبک کند. (چارلز دیکنز)
- اگر فقیر به دنیا آمده‌اید، این اشتباه شما نیست اما اگر فقیر بمیرید، این اشتباه شما است. (بیل گیتس)
- اگر تو برنده باشی، نیازی نیست به کسی توضیحی دهی، اما اگر بازنده باشی، نیازی نیست آنجا باشی تا به کسی توضیحی دهی (آدولف هیتلر)
- در این دنیا، خود را با کسی مقایسه نکنید، در این صورت به خودتان توهین کرده‌اید. (آلن استرایک)
- به هیچ دسته کلیدی اعتماد نکنید بلکه کلیدسازی را فرابگیرید. (آنتونی رابینز)
- کارکنان لغزش‌های اتفاقی را به شرطی که بر اساس توانایی رهبر باشد و او را در حال رشد و بالندگی ببینند، می‌بخشند. اما به کسانی که در منش خود مرتکب لغزش می‌شود اعتماد نمی‌کنند. (جان ماکسول)

دلیل رشوه دادن به دلک دربار!

پادشاهی دلکی داشت که با همه درباریان مزاح می‌کرد و آن‌ها را مسخره می‌کرد جز یک نفر به نام اصیل‌الدین. روزی پادشاه به دلک گفت: تو چرا همه را مسخره می‌کنی جز اصیل‌الدین؟ گفت: چون همه به من دو دینار می‌دهند و او صد دینار. شاه اصیل‌الدین را احضار کرد و سبب پرسید، اصیل‌الدین گفت: دینار به دو تن می‌دهند، یکی آن که دستشان بگیرد و دیگر آن که پایشان نگیرد. امیر بسیار خندید و او را مرخص کرد.

داستان قمپز در کردن

قمپوز تویی بود کوهستانی و سرپر به نام قمپوز کوهی که دولت امپراطوری عثمانی در جنگ‌های با ایران مورد استفاده قرار می‌داد. این توپ اثر تخریبی نداشت زیرا گلوله در آن به کار نمی‌رفت بلکه مقدار زیادی باروت در آن می‌ریختند و پارچه‌های کهنه و مستعمل را با سنبه در آن به فشار جای می‌دادند و می‌کوبیدند تا کاملاً سفت و محکم شود. سپس این توپها را در مناطق کوهستانی که موجب انعکاس و تقویت صدا می‌شد به طرف دشمن آتش می‌کردند. صدایی آنچنان مهیب و هولناک داشت که تمام کوهستان را به لرزه در می‌آورد و تا مدتی صحنه جنگ را تحت الشعاع قرار می‌داد ولی کاری صورت نمی‌داد زیرا گلوله نداشت. در جنگ‌های اولیه بین ایران و عثمانی صدای عجیب و مهیب آن در روحیه سربازان ایرانیان اثر می‌گذاشت و از پیشروی آنان تا حدود موثری جلوگیری می‌کرد ولی بعدها که ایرانیان به ماهیت و توخالی بودن آن پی بردند هر گاه صدای گوشخراشش را می‌شنیدند به یکدیگر می‌گفتند: «نترسید قمپوز در می‌کنند.» یعنی توخالی است و گلوله ندارد. کلمه قمپوز مانند بسیاری از کلمات تحریف و تصحیف شده رفته رفته به صورت قمیز تغییر شکل داده ضرب‌المثل شده است. به گفته علامه دهخدا به معنی: دعای دروغین کردن، بالیدن نابجا و فخر و مباهات بی‌مورد کردن است.





تفاوت کار را درست انجام دادن با انجام درست کار

چند وقتی بود در بخش مراقبت‌های ویژه یک بیمارستان معروف، بیماران یک تخت بخصوص در حدود ساعت ۱۱ صبح روزهای یکشنبه جان می‌سپردند. این موضوع ربطی به نوع بیماری و شدت وضعف مرض آنان نداشت. این مسئله باعث شگفتی پزشکان آن بخش شده بود به طوری که بعضی آن را با مسائل ماورای طبیعی و بعضی دیگر با خرافات و ارواح واجنه و موارد دیگر در ارتباط می‌دانستند. کسی قادر به حل این مسئله نبود که چرا بیمار آن تخت درست در ساعت ۱۱ صبح روزهای یکشنبه جان می‌سپرد. به همین دلیل گروهی از پزشکان متخصص برای بررسی موضوع تشکیل جلسه دادند و پس از ساعت‌ها بحث و تبادل نظر بالاخره تصمیم گرفتند تا در اولین یکشنبه ماه، چند دقیقه قبل از ساعت ۱۱ در محل مذکور برای مشاهده این پدیده عجیب و غریب حاضر شوند. در محل و ساعت موعود، بعضی در حال دعا بودند، بعضی دوربین فیلمبرداری با خود آورده و دو دقیقه به ساعت ۱۱ مانده بود که «پوکی جانسون» نظافتچی پاره وقت روزهای یکشنبه وارد اتاق شد. دوشاخه برق دستگاه حفظ حیات را از پریز برق در آورد و دو شاخه جاروبرقی خود را به پریز زد و مشغول کار شد!

دانستنی‌های مفید:

آیامی دانستید؟
 - یک انسان ۸ ثانیه بعد از قطع گردن هنوز به هوش است.
 - سالی ۵۰۰ شهاب سنگ به زمین برخورد می‌کنند.
 - خورشید روزی ۱۲۶۰۰۰ میلیارد اسب بخار انرژی به زمین می‌فرستد.
 - کوچترین زمین فوتبال ساخته شده یک بیست هزارم یک تار مو است. (نانو)
 - با دویدن می‌توان مسافر زمان بود و کسری از ثانیه از دیگران بیشتر عمر کرد.
 - ۵۶ درصد افرادی که دست چپ هستند، تاپیستند
 - برای تولید یک لیتر بنزین، ۲۳/۵ تن گیاه در گذشته مدفون شده است.
 - هر یک دقیقه نسل یک موجود زنده منقرض می‌شود.

استراحت نصرالدین

شخصی از نصرالدین پرسید؟ ساعات استراحت تو چه وقت است؟ جواب داد: چند ساعت در شب و دو ساعتی بعد از ظهرها که او می‌خواهد. آن شخص پرسید: او کیست؟ نصرالدین گفت: عیال من. شخص مزبور گفت: نادان پرسیدم خودت کی استراحت می‌کنی؟ به عیالت چکار داشتی. نصرالدین جواب داد: نادان خودت هستی؛ مگر نمی‌دانی ساعتی که زخم در خواب است من می‌توانم نفس راحتی بکشم.

ستاره‌شناسی

روزی نصرالدین از همسایه‌اش که مردی دانشمند بود ستاره‌شناسی می‌کرد، پرسید: فلائی، مرامی شناسی؟ مرد گفت: نه! نصرالدین گفت: تو که همسایه‌ات را نمی‌شناسی چطور می‌خواهی ستارگان را بشناسی؟

چرا عشق کور است.....!

آنها از بیکاری خسته و کسل شده بودند. روزی همه فضایل و تباهیها دور هم جمع شدند خسته تر و کسل تر از همیشه. ناگهان ذکاوت ایستاد و گفت: بیائید یک بازی بکنیم؛ مثلاً قایم باشک، همه از این پیشنهاد شاد شدند. دیوانگی فوراً فریاد زد من چشم می‌گذارم من چشم می‌گذارم؛ و از آنجائی که هیچکس نمی‌خواست به دنبال دیوانگی برود همه قبول کردند او چشم بگذارد و به دنبال آنها بگردد. دیوانگی جلوی درختی رفت و چشمهایش را بست و شروع کرد به شمردن... یک... دو... سه... چهار... همه رفتند تا جایی پنهان شوند؛ لطافت خود را به شاخ ماه آویزان کرد؛ خیانت داخل انبوهی از زباله پنهان شد؛ اصالت در میان ابرها مخفی گشت؛ هوس به مرکز زمین رفت؛ دروغ گفت زیر سنگی می‌روم اما به ته دریا رفت؛ طمع داخل کیسه‌ای که دوخته بود مخفی شد؛ و دیوانگی مشغول شمردن بود... هفتاد و نه... هشتاد... هشتاد و یک... همه پنهان شده بودند بجز عشق که همواره مردد بود و نمی‌توانست تصمیم بگیرد و جای تعجب هم نیست چون همه می‌دانیم پنهان کردن عشق مشکل است. در همین حال دیوانگی به پایان شمارش می‌رسید. نود و پنج...

نود و شش... نود و هفت... هنگامی که دیوانگی به صدر رسید، عشق برید و در بوته گل رز پنهان شد. دیوانگی فریاد زد: دارم میام دارم میام. اولین کسی را که پیدا کرد تنبلی بود؛ زیرا او تنبلی‌اش آمده بود جائی پنهان شود و لطافت را یافت که به شاخ ماه آویزان بود. دروغ ته چاه، هوس در مرکز زمین، یکی یکی همه را پیدا کرد جز عشق؛ او از یافتن عشق ناامید شده بود. حسادت در گوشه‌هایش زمزمه کرد، تو فقط باید عشق را پیدا کنی و او پشت بوته گل رز است. دیوانگی شاخه‌ی چنگک ماندنی را از درخت کند و با شدت و هیجان زیاد آن را در بوته گل رز فرو کرد و دوباره تا با صدای ناله‌ای متوقف شد. عشق از پشت بوته بیرون آمد با دستهایش خود را پوشانده بود و از میان انگشتانش قطرات خون بیرون می‌زد. شاخه‌ها به چشمان عشق فرورفته بودند و او نمی‌توانست جایی را ببیند او کور شده بود. دیوانگی گفت (من کردم، من چه کردم، چگونه می‌توانم تو را درمان کنم؟!)

عشق پاسخ داد: تو نمی‌توانی مرا درمان کنی؛ اما اگر می‌خواهی کاری بکنی راهنمای من شو. و اینگونه شد که از آن روز به بعد عشق کور است و دیوانگی همواره در کنار اوست.

کاردان‌های فنی‌جانشین مهندسان ناظر

کند. وی در ادامه یادآور شد: کاردان‌های فنی باید با عملکرد خود در کارگاه‌های فنی‌جانشین، خلاء نظارت مهندسان ناظر را جبران کنند. رئیس شورای مرکزی نظام کاردان‌فنی، در ادامه خاطر نشان کرد: با وجود مهندسان ناظر در حوزه ساخت و ساز، میزان تلفات جانی ناشی از گودبرداری اشتباه کاهش نیافته و این ناشی از عدم حضور کاردان‌فنی در کارگاه‌های ساختمانی است. وی با اشاره به اینکه کارگاه‌های ساختمانی نیازمند حضور کاردان‌های فنی‌جانشین است، افزود: متأسفانه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، در تلاش است کاردان‌های فنی را از صنعت ساختمان سازی جدا کند. مودن در ادامه افزود: وزیر راه و شهرسازی و بسیاری از معاونان آن، موافق حضور کاردان‌های فنی در صنعت ساختمان سازی هستند، در حالیکه سازمان نظام مهندسی در تلاش برای جداسازی کاردان‌های فنی است.

رئیس شورای مرکزی سازمان نظام کاردانی ساختمان کشور گفت: کاردان‌های فنی خلاء کمبود نظارت بر ساخت و ساز توسط مهندسان ناظر را پر می‌کنند. مهدی مودن با بیان اینکه استان تهران در صنعت ساختمان‌سازی الگوی کل کشور به شمار می‌رود، گفت: هرگونه آثار مثبت یا منفی در ساخت و ساز استان تهران بر صنعت ساختمان کشور اثرگذار است. وی ادامه داد: تاکنون سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، به هیچ وجه با سازمان نظام کاردانی نداشته و فشار زیادی به صنعت ساختمان‌سازی تهران وارد می‌شود. رئیس شورای مرکزی سازمان نظام کاردانی، در ادامه تصریح کرد: در طول ساخت و ساز مهندسی ناظر تنها ۶ بار برای بازدید می‌رود که این میزان کافی نیست. مودن در ادامه اظهار داشت: کاردان‌های فنی باید جایگزین مهندسان ناظر برای بازدید از ساخت و ساز باشند و به نوعی خلاء آنها را پر

مقاوم سازی ساختمان‌ها در مقابل انفجار با نانوفوم

معمولی در معرض برخورد‌های ناگهانی و شدید قرار می‌گیرند، انرژی در یک ناحیه موضعی جذب می‌شود که می‌تواند به شکست ساختاری منجر شود؛ اما زمانی که منافذ به اندازه کافی کوچک باشند، این انرژی بشکل بی‌خطر در سراسر منطقه برخورد پراکنده می‌شود. ساختار نانوفوم شامل ۵۰ تا ۸۰ درصد منفذ با اندازه‌های بین ۱۰ نانومتر تا ۱۰ میکرون است. درجات مختلف نانوفوم‌ها در تست تفنگ گاز در آزمایشگاه با ضربات شدید مورد آزمایش قرار گرفته و آسیب‌های وارد شده توسط میکروسکوپ الکترونی اسکن شده‌اند. نتایج اولیه نشان می‌دهد که نانوفوم‌ها با اندازه منافذ بیش از ۱۰ نانومتر بهترین توانایی را برای جذب ضربات شدید و موج انفجار دارند.

محققان قصد دارند از نانوفوم برای افزایش مقاومت جلیقه‌های ضد گلوله و حفاظت از ساختمان‌ها در برابر انفجار استفاده کنند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنابنیز در حال حاضر دانشمندان با الهام از اسفنج دریایی به دنبال طراحی و ساخت جلیقه‌های ضد گلوله بهتر هستند، اما محققان قصد دارند از فوم‌ها به خصوص نانوفوم‌های ویژه برای ساخت جلیقه‌ها استفاده کنند. تیم تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیا در سن‌دیگو به سرپرستی «یوکیانو» در حال ساخت فوم‌هایی بوسيله مخلوط کردن چند جفت مواد در سطح مولکولی هستند. سپس یکی از این مواد از طریق اسید یا احتراق از بین می‌رود و فضای اشغال شده توسط ماده هدف به صورت منافذ ریز درون ماده باقی می‌ماند. اندازه این منافذ بسیار مهم هستند. زمانی که فوم‌های

ساخت بلندترین سد بتنی دو قوسی جهان

در راستای افزایش سطح زیرکشت اراضی پایین دست، کنترل سیلاب‌های مخرب فصلی و افزایش ایمنی سد دز، تنظیم آب نیروگاه در دست مطالعه جریانی دز در پایین دست سد با ظرفیت ۷۵۰ مگاوات و ایجاد شرایط توسعه برای منطقه مانند محرومیت زدایی، اشتغال‌زایی و افزایش قابلیت‌های گردشگری از دیگر اهداف اجرای پروژه بختیاری هستند.

سد بختیاری با ارتفاع ۳۲۵ متر بر روی رودخانه بختیاری از سرشاخه‌های دز و میان دو کوه ساخته خواهد شد؛ همچنین بدنه سد از نوع سد بتنی دو قوسی است. تراز تاج سد ۸۴۰ متر از سطح دریا، طول تاج ۵۰۹ متر، حداکثر ارتفاع از پی ۳۲۵ متر، حداقل عرض پی ۵۰ متر، ضخامت تاج ۱۰ متر، حجم بتن بدنه سد چهار میلیون و ۸۰۰ هزار متر مکعب، حجم حفاری سه میلیون و ۵۰۰ هزار متر مکعب و عمق حفاری تکیه‌گاه از ۱۵ تا ۸۰ متر متغیر است. با احداث سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری سالانه ۱۵۰۰ مگاوات به توان تولید برق کشور افزوده می‌شود و با انتقال آب رودخانه سزار به مخزن سد بختیاری، میزان تولید از ۲۸۵۰ گیگاوات ساعت انرژی برق‌آبی در سال، به ۳۷۰۰ گیگاوات ساعت افزایش پیدا می‌کند.

منطقه اجرای پروژه سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری یکی از صعب‌العبورترین مناطق سد سازی در ایران است و حجم کار احداث تنها زیرساخت این پروژه معادل با حجم کار ساخت سه سد خوانده شده و بیش از دو سال زمان می‌برد. بر این اساس حجم مخزن سد بختیاری ۵ هزار و ۱۵۹ میلیون متر مکعب، حجم مفید آن ۲ هزار و ۱۲۲ میلیون متر مکعب، طول دریاچه ۵۹ کیلومتر، مساحت سد ۶۱،۵ کیلومتر مربع و تراز نرمال بهره‌برداری ۸۳۵ متر از سطح دریا است. این سد دارای سرریزهای تونلی (سرریز اصلی)، سرریز روزنه‌ای (سرریز کمکی) و تخلیه‌کننده روزنه‌ای است.

به گزارش ایسنا ساختگاه سد بختیاری در جنوب غرب ایران، در میان ارتفاعات سر به فلک کشیده زاگرس چین خورده قرار دارد. موقعیت این سد

روز هشتم فروردین ماه سال جاری عملیات اجرایی بدنه سد بختیاری با حضور محمود احمدی‌نژاد افتتاح شد و ساخت این سد عظیم، از نخستین پروژه‌هایی است که آغاز ساخت آن با حضور رییس جمهوری صورت می‌گیرد که این موضوع بیانگر اهمیت پروژه سد و نیروگاه بختیاری است. افتتاح عملیات اجرایی ساخت سد بختیاری قرار بود که قرار بود در روز پانزدهم بهمن ماه سال گذشته انجام شود به دلیل حضور رییس جمهور در مجلس لغو شد و در نهایت در روز هشتم فروردین ماه سال جاری با تاخیری در حدود دو ماه رییس جمهور برای کلنگ زنی پروژه اقدام کرد.

بلندترین سد بتنی دو قوسی جهان با ارتفاع ۳۲۵ متر توسط شرکت منابع توسعه آب و نیروی ایران و به روش تهاتر با عقد قرارداد بین شرکت مذکور و قرارگاه خاتم‌الانبیا ساخته می‌شود بنابراین منابع مالی چشمگیر مورد نیاز این طرح از طریق تهاتر نیروگاه‌های رجایی و مسجد سلیمان تامین خواهد شد. در ابتدای برنامه‌ریزی‌ها قرار بود که پروژه بختیاری توسط پیمانکار چینی و با فاینانس چین اجرا شود اما پس از مشکلات بانکی رخ داده، قرارگاه خاتم‌الانبیا کار ساخت سد و نیروگاه را به روش تهاتر به دست گرفت. برای اجرای سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری پیش‌بینی شده نیاز به بودجه‌ای بالغ بر ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان باشد و بر اساس سخنان احمدی‌نژاد در روز افتتاح عملیات ساخت سد، احتمالاً تا زمان اتمام طرح رقم بودجه تخمین زده شده تا دو برابر امکان افزایش دارد.

سد بختیاری به فاصله مستقیم ۵۰ کیلومتری بالادست سد دز و پنج کیلومتر بالادست تقاطع رودخانه‌های سزار - بختیاری در شمال غرب ایستگاه تنگ پنج (هشتمین ایستگاه خط آهن حد فاصل اندیمشک - دورود) بر روی رودخانه بختیاری بنا می‌شود. با اجرای این پروژه از ورود رسوبات رودخانه بختیاری به مخزن سد دز جلوگیری و در نتیجه بر عمر مفید سد و نیروگاه دز افزوده می‌شود؛ امکان مدیریت بهینه منابع آب به میزان ۵ میلیارد مترمکعب

ظرفیت تولید انرژی برق آبی رودخانه‌های بختیاری و سزار، را انجام داد و پس از آن ساختگاه‌های الکن، زالکی و بختیاری با در نظر گرفتن ویژگی‌های برتر و اقتصادی آن‌ها برای مطالعات مرحله اول پیشنهاد شدند. پس از انجام مطالعات مرحله اول طرح بختیاری در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، در سال ۱۳۸۴ بازنگری و تکمیل مطالعات و انجام مطالعات مرحله دوم طرح به "مشارکت مشاورین مطالعات طرح بختیاری" واگذار شد. مرحله بازنگری طرح تا تیرماه ۱۳۸۸ زمان برد و در اسفندماه سال ۱۳۸۹ قرارداد احداث راه بخش زیرساخت سد بختیاری بسته شد و اجرای زیرساخت از سال ۱۳۹۰ شروع شد. انتظار می‌رود که سد و نیروگاه بختیاری در ۱۰ سال ساخته شود اما این امر منوط به تامین اعتبار لازم است گرچه کمبود اعتبارات انگیزه‌ای برای اجرای تهاثری پروژه شد.

زمان افتتاح رسمی آزادراه تهران-شمال

حدود ۲۵ کیلومتر از ابتدای امسال برای تسهیل سفرهای نوروزی و جلوگیری از گره‌های بزرگ ترافیکی در جاده قدیم چالوس، آماده تردد شد و مورد استفاده مسافران نوروزی شهرهای شمالی کشور قرار گرفت. در هفته اول فروردین قرار بود این قطعه توسط رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی افتتاح رسمی شود، اما به دلیل محدودیت‌های ترافیکی ناشی از اعمال مراسم تشریفات، افتتاح به بعد از تعطیلات نوروز موکول شد. آزادراه تهران-شمال در قالب ۴ قطعه ساخته می‌شود که هنوز ساخت و احداث ۳ قطعه اصلی، به اتمام نرسیده است.

در مجاورت ایستگاه راه‌آهن تنگ پنج (هشتمین ایستگاه حدفاصل دورود اندیمشک) در مسیر راه آهن تهران اهواز واقع و در مرز استان‌های لرستان و خوزستان، در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خرم‌آباد است. سد بختیاری حدود ۵۰ کیلومتر بالاتر از سد دز و پنج کیلومتر بالاتر از تقاطع رودخانه‌های سزار بختیاری، بر روی رودخانه بختیاری واقع می‌شود. در حال حاضر دسترسی به ساختگاه سد تنها از طریق راه‌آهن امکان‌پذیر است و برای رفع مشکل فنی ناشی از محدودیت عبور برخی محموله‌ها از تونل‌های راه‌آهن و رفع تنگنایهای انحصار حمل و نقل ریلی، مطالعات احداث راه دسترسی نیز انجام شده که در نهایت مسیر خرم‌آباد چشمک تنگ ۷ تنگ ۵ به طول ۱۰۵ کیلومتر به عنوان گزینه برتر شناخته شد. بر این اساس در سال ۱۳۷۱ شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، مطالعات مرحله شناخت

در هفته اول فروردین قرار بود آزادراه تهران-شمال توسط رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی افتتاح رسمی شود، اما به دلیل محدودیت‌های ترافیکی ناشی از اعمال مراسم تشریفات، افتتاح به بعد از تعطیلات نوروز موکول شد. دنیای اقتصاد نوشت: قطعه‌ای از آزادراه تهران-شمال که از ابتدای فروردین امسال برای تردد خودروهایی عازم استان مازندران، به صورت غیررسمی زیر بار ترافیکی رفته بود، این هفته به شکل رسمی توسط مقامات ارشد دولت افتتاح می‌شود. قطعه ۴ آزادراه تهران-شمال حدفاصل مرز آباد تا چالوس به طول

آیا وزارتخانه‌ها از تهران می‌روند؟

به آن جهت است که وقتی فرد یا گروهی برای جلسات یا کارهای اداری از تهران و سایر استان‌ها به وزارتخانه‌ها مراجعه می‌کنند دیگر سرازیر به تهران نمی‌شوند و مستقیم به پرند می‌روند. اواخر اردیبهشت ماه سال ۸۹ بود که دولت فهرست ۱۶۳ شرکت و سازمان دولتی را که باید از تهران منتقل شوند، اعلام کرد. در همان روزها، رایزنی‌هایی درباره انتقال وزارتخانه‌ها یا بخش‌هایی از آن‌ها به شهرهای دیگر صورت گرفت. انتقال معاونت آموزشی وزارت علوم به سمنان، معاونت آموزش و پژوهش و آموزش‌کنده‌های وزارت راه به اصفهان و همچنین احتمال انتقال وزارت صنایع و معادن به شهرستان‌های اطراف مواردی از این تصمیم گیری‌های دولت بود که بنا به گفته مسئولین مربوطه، قطعی شده بود و قرار بود اجرا شود. احتمال وقوع زلزله در تهران و فلج شدن کشور در صورت آسیب دیدن وزارتخانه‌ها و شرکت‌های کلیدی، همچنین افزایش بی‌رویه مهاجرت به تهران، از دلایل اعلام شده برای این تصمیم دولت بود و حتی این مساله مطرح شد که پایتخت کشور تغییر کند که با توجه به تمرکز اقتصادی -صنعتی و آموزشی در تهران، این امر به این سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود و بنابراین دولت تصمیم گرفت، روش تمرکز زدایی تدریجی را در پیش بگیرد. در راستای اجرای این طرح دولت از کارمندی که اصلیت‌شان تهرانی نیست، خواست به شهر خود بازگردند و حتی وعده تسهیلاتی چون مسکن و زمین را نیز به آنان داد. در هر حال، بسیاری از منتقدین این طرح اعتقاد دارند که برای انتقال وزارتخانه‌ها و شرکت‌های کلیدی از تهران کار کارشناسی صورت نگرفته است و این مساله کشور را در دراز مدت دچار مشکل خواهد کرد. به اعتقاد آن‌ها، تکه تکه کردن وزارتخانه‌ها بدون کارشناسی و برنامه ریزی‌های علمی و تخصصی، جز مشکلات اداری برای خدمات رسانی به مردم و ناراضیاتی کارمندان چیزی در پی نخواهد داشت و حالا باید منتظر ماند و دید، بالاخره در روزهای پایانی حیات دولت دهم این طرح که مدتی از سوی دولتی هادنبال شد تا به شهرک پرند رسید، اجرایی خواهد شد یا خیر و در صورت اجرایی شدن چه تبعاتی برای کشور در پی خواهد داشت؟

طرح تمرکززدایی از پایتخت، سیاستی است که توسط دولت دهم در پیش گرفته شده و با وجود تمام مخالفها و در حال اجرایی شدن است. بر اساس این طرح وزارتخانه‌ها و بسیاری از ادارات دولتی و شرکت‌ها از تهران به شهرهای دیگر منتقل خواهند شد. این طرح دولت در همان بدو مطرح شدن با مخالفت‌های زیادی همراه شد، هر چند که موافقانی هم داشت. در حالیکه اظهار نظرهای مختلف درباره این سیاست دولت ادامه داشت در سوم مرداد مصوبه‌ای توسط معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد که بر طبق آن، دستگاه‌های اجرایی مجازند نسبت به انتقال بخشی از وزارتخانه و ستاد مرکزی به اطراف تهران و استان‌های همجوار تهران مانند قزوین و سمنان اقدام کنند. بعد از آن نیز موضوع انتقال چند وزارت خانه به شهر جدید پرند و در واقع پایتخت مسکن مهر تهران مطرح شد. نکته جالب اما در این مصوبه این بود که در آن به چگونگی و شرایط انتخاب بخش‌هایی که می‌توانند منتقل شوند، اشاره‌ای نشده بود و بنابراین دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها می‌توانند بنا به صلاحدید خود، بخش‌هایی را انتقال دهند که مسلماً این امر موجب به وجود آمدن مشکلاتی خواهد شد، زیرا بدون در نظر داشتن چارچوب مدون و انجام کار کارشناسی صحیح، این امر تنها سرگردانی مردم و عدم دسترسی سریع به خدمات را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. حالاً اما در حالی که روزهای پایانی دولت دهم نزدیک است، استاندار تهران با بیان اینکه تمامی شرایط برای انتقال وزارتخانه‌ها به شهر جدید پرند انجام شده و دیگر بهانه‌ای وجود ندارد گفته است: این موضوع را به وزارتخانه‌ها اعلام کرده‌ایم، آن‌ها باید بروند زمین را ببینند و جانمایی کنند تا هر چه زودتر سبک سازی تهران انجام شود. تمدن در پاسخ به اینکه آیا شما اعلام می‌کنید که وزارتخانه از امروز می‌توانند ساختمان خود را در پرند بنا کنند گفت: بله قطعاً همین است. مثلاً وزارت نفت برود زمین را ببیند و جانمایی کند. امروز پرند به مترو، فرودگاه و بزرگراه‌ها دسترسی دارد. در ضمن تمامی ساختمان وزارتخانه تجمیع می‌شود. هر چند برخی آقایان می‌گویند این موجب می‌شود کارمندان بروند و برگردند. خوب بروند و برگردند ما هم مترو داریم و هم اتوبوس مشکلی نیست. سبک‌سازی

باغ‌های زیر زمینی، رؤیایی که به واقعیت نزدیک می‌شود؟



با گسترش شهرنشینی و کمبود فضای سبز، ایده طراحی باغ‌های زیرزمینی مطرح شده است، اما اصلی‌ترین چالش در این زمینه انتقال نور خورشید به زیر زمین برای رشد گیاهان است. ایده احداث باغ‌های زیر زمینی از سال ۲۰۰۸ میلادی بطور جدی مطرح شد و در نخستین گام، احداث فضای سبز بزرگ موسوم به Lowline در زیر منطقه منهتن مطرح شده است. برای حل مشکل انتقال نور خورشید جهت رشد گیاهان در باغ‌های زیرزمینی، محققان قصد دارند از فناوری فیبر

زمینی داشته باشند. «رامسی» در این نمونه از روش ساخت تلسکوپ‌های فضایی الگوبرداری کرده است؛ شبکه‌ای شامل ۶۰۰ قطعه ورق آلومینیوم آنودایز در بالای سقف به یکدیگر متصل شده و نور خورشید از طریق فیبر نوری در محیط پخش شده و برای رشد گیاهان مورد استفاده قرار می‌گیرند

نوری استفاده کنند. «جیمز رامسی» از مهندسان سابق ناسا با همکاری «دن باراش»، پروژه‌ای برای عملی کردن این طرح در دست اجرا دارد؛ نمونه کوچک و شبیه‌سازی شده‌ای از این طرح احداث شده است تا مردم بتوانند درک بهتری از پارک زیر

بلندترین آسانسور بیرونی جهان

آسانسور صد اژدها با ۳۳۰ متر ارتفاع بلندترین آسانسور outdoor جهان در چین است. سالانه میلیون‌ها توریست به استان هونان در چین آمده تا ارتفاعات وولینگیان را ببینند. آسانسور بیلانگ ۵۰ نفر را در یک بار به قله می‌برد و هر ساعت ۱۳۸۰ نفر را جایجا می‌کند که این کار باعث کاهش حجم ترافیک در منطقه توریستی شده است. چین ۱۲ میلیون پوند از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ صرف ساخت این آسانسور کرده است. یا دو و نیم ساعت وقت صرف کرده تا به بالای بلندترین آسانسور بیرونی جهان در چین برسد یا در کمتر از یک دقیقه، منتها با آسانسور ۳۳۰ متر را طی کرده تا به بالای کوه برسد. طراحی آسانسور فوق‌العاده بوده و در مواقع ضروری و مثلا حوادث طبیعی بلافاصله مردم به جاهای امن منتقل می‌شوند.





پل‌های سرزمین من



از دیر باز راه‌های بسیاری برای تردد مسافران و کاروانهای تجاری وجود داشت و در کنار آنها به واسطه موقعیت جغرافیایی و عوارض طبیعی، صدها پل برای سهولت رفت و آمد مسافران، روی رودها و دره‌ها ساخته شد که از برخی از آنها هنوز استفاده می‌شود و بسیاری از آنها نیز ویران شده است. در اینجا به معرفی چند پل تاریخی در گوشه و کنار ایران، این سرزمین باستانی می‌پردازیم.

پل قافلانکوه



مسافرانی که از زنجان به میانه سفر می‌کنند، در مسیر خود و در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر میانه با چشم‌انداز پلی بسیار زیبا روی رود قزل‌اوزن روبرو خواهند شد که حدود ۶۰۰ سال پیش و در دوران پیش از صفویان و مقارن با عصر تیموری ساخته شده است. البته برخی از باستان‌شناسان، شالوده اولیه این پل را هم مربوط به دوران ساسانیان می‌دانند. این پل دارای یک دهانه بزرگ و دو دهانه جانبی کوچک در طرفین است. در طول تاریخ مسافران و جهانگردان بسیاری از این مسیر عبور کرده و به توصیف این پل زیبا پرداخته‌اند. یکی از مشهورترین این افراد «مادام دیولافرا» است که در دوره قاجاریه به ایران سفر کرد و کل

مشاهدات سفر خود به ایران و عراق را در قالب سفرنامه‌ای زیبا به نگارش درآورد. پروفیسور «پوپ» در کتاب بررسی هنرهای ایران، تاریخ بنای پل را اواخر قرن ۱۵ میلادی (قرن ۱۰ هجری) دانسته و نام معمار آن را «حاج عباس بن الحاج محمد بن العباس قزوینی» و نام حاکم وقت را «محمد روان بن عثمان القزوینی» نوشته است. نکته تأسفبار در مورد این پل، تخریب عمدی آن به وسیله مواد منفجره، در زمان حکومت پهلوی و توسط خرابکاران و متمردان محلی است که موجب شد بخش میانی این پل کاملاً آسیب‌دیده و از بین برود. این پل به اندازه‌ای سالم و استوار باقی مانده است که اگر این اتفاق روی نمی‌داد، هنوز قابل استفاده بود. این موضوع سبب شد اهالی محل، این پل را با نام پل شکسته نیز خطاب کنند.

پل لاتیدان



برای دیدن طولیترین پل ایران باید به جنوب ایران و استان هرمزگان سفر کنید. در ۵۰ کیلومتری غرب بندرعباس روی رود «کول» پلی بسیار بلند و طولیل به طول ۸۰۰ متر ساخته شده است که برای تجسم اندازه آن، کافی است بدانید طول پل «لاتیدان» چیزی حدود سه برابر سی و سه پل اصفهان است. متأسفانه امروزه بخشهای زیادی از این پل تخریب شده و تنها ۲۷۰ متر از سمت غرب و ۱۵۰ متر از سمت شرقی این پل،

پابرجاست و ۳۸۰ متر از بخشهای میانی پل در طول زمان و به دلیل شدت سیلابهای فصلی این رود از بین رفته است و اگر برای مرمت و بازسازی آن اقدامی اساسی صورت نگیرد، شاید فرزندانمان فرصت دیدن این یادگار باشکوه را نداشته باشند. عرض پل لاتیدان به دلیل طولانی بودن آن در بخشهای مختلف متغیر است. یکی از اصلیترین دلایل تخریب قسمت میانی پل، نبود امکان ساخت پی و شالوده محکم برای آن به دلیل شدت جریان آب رود است. مصالح به کار رفته در ساخت این پل، سنگهای تراش نخورده و ناهمگون است که توسط ملات به یکدیگر متصل شده‌اند.

پل کهنه کرمانشاه



پل کهنه کرمانشاه در شرق این شهر، بر روی رودخانه «قره سو» قرار دارد. این پل از روزگار کهن نقشی مهم در ارتباط میان ایران و بین‌النهرین و عراق امروزی داشته و تقریباً بیشتر کاروانهایی که به قصد شهرهای کربلا، نجف، کاظمین، سامرا و سایر شهرهای عراق از ایران سفر می‌کردند، ناگزیر به عبور از این پل بودند. امروزه بعد از گذشته صدها سال از ساخت آن، این پل هنوز به اندازه‌ای قدرتمند باقی مانده که از آن برای عبور و مرور خودروها و کامیونهای حمل آجر که محصولات کوره‌های آجرپزی اطراف پل را به سایر نقاط حمل می‌کنند، استفاده می‌شود.

تاریخ ساخت پل، مربوط به دوره صفوی است البته «یوسف کیانی» در کتاب معماری ایران این پل را ساسانی - سلجوقی معرفی کرده و همچنین در کتاب پلهای قدیمی ایران (تحقیق و تألیف: محمدعلی مخلص، سازمان میراث فرهنگی) آمده است: «بنیان اولیه ساسانی، تعمیر سلجوقی و بازسازی کامل در دوره صفویه» این پل، شش طاق دهانه دارد و عرض معبر آن حدود هفت متر است. طول فعلی پل تقریباً ۱۴۹ متر و اکنون روی پل آسفالت شده است.



پل جی



دلیل استقامت و ماندگاری آن را نیز همین موضوع می‌دانند. طول این پل ۱۰۵ متر و عرض آن پنج متر است که این امر سبب شده رفت و آمد مسافران و کاروانها از روی آن به سادگی انجام شود. به گواه بسیاری از باستان‌شناسان، دلیل اولیه ساخت این پل، استفاده از آن در لشکرکشی‌های نظامی بوده که بعدها مورد استفاده تجاری و... قرار گرفت. در دوران صدر اسلام، این پل با نام پل حسین شناخته می‌شد و در نزدیکی آن تعداد زیادی آثار و ابنیه باشکوه ساخته شده است.

این پل که مربوط به دوره ساسانیان و پیش از اسلام است، در چهار کیلومتری شرق اصفهان و روی زاینده‌رود ساخته شده است. نوع ساخت این پل که در میان چشمه‌های آن قوسهای زیبای کوچکی اجرا شده، هنوز کاملاً سالم و پابرجا و قابل استفاده است. این پل را می‌توان قدیمی‌ترین پل ساخته شده روی زاینده‌رود نامید که بارها در طول تاریخ و به ویژه در قرون اولیه اسلامی مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است. مصالح به کار رفته در این پل، خشت و آجر و ساروج است و کارشناسان





پل چالان چولان



پل «چالان چولان» در دشت «سیلاخور» در مسیر جاده قدیمی بروجرد به خوزستان و اصفهان روی رودخانه «سزار» در روستای «گاراژ» احداث شده است. این پل در زمان صفوی و روی شالوده پلی از زمان ساسانی ساخته شده و طول آن ۱۲۰ متر است که دارای شش طاق چشمه آجری است که پایه‌های آن تا ارتفاع یک متری از سنگ و بدنه آن از آجر ساخته شده است. اکنون این پل دارای شرایط مناسبی است. نکته قابل توجه تغییر نکردن عرض رودخانه است که

هنوز آب از زیر تمام طاق چشمه‌های آن عبور می‌کند. در دو طرف گذرگاه این پل، دو دیواره آجری به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر، برای پیشگیری از سقوط عابران از روی پل ایجاد شده است. روی گذرگاه پل، جان‌پناه آجری در طرفین مسیر ایجاد شده که در بالا به شکل مثلثی و شیروانی ساخته شده است. تا چندی پیش عبور و مرور خودروها از روی این پل انجام می‌گرفت که امروزه با ساختن پلی جدید در کنار آن، مسیر حرکت ماشینها تغییر کرده است. در پایه‌های پل و قسمتی که با آب تمام دارد، زائده‌های مثلثی شکل ایجاد شده است که جریان عبور آب را تسهیل می‌کند. پل تاریخی «چالان چولان» در زلزله سال ۸۵ خسارت دید که اکنون این بخشها مرمت شده است.

پل کشکان



این پل روی کشکان رود در جاده خرم‌آباد - کوه‌دشت و ۴۰ کیلومتری کوه‌دشت در روستای پاپل، قرار گرفته است. در متون تاریخی از آن به عنوان «کژکی» یاد شده است. دره کشکان، از دیرباز شاهد حضور و زندگی انسانها بوده است. به همین دلیل بیش از چهار پل روی این دره و به فاصله کمتر از ۵۰۰ متر ساخته شده که خود گویای اهمیت این گذرگاه تاریخی است. این پل دارای ۱۲ چشمه بزرگ و یک چشمه کوچک در منتهی‌الیه غربی پل است. پایه ستونها از سنگ تراش خورده و بدنه از لاشه سنگ و ملات گچ، آهک و ساروج ساخته شده و در منتهی‌الیه قوسها از آجرها استفاده شده

است. قطر پایه‌ها بسیار زیاد بوده و در حد فاصل میان پایه‌ها و قوس چشمه‌ها، حجره‌های مسقفی ایجاد شده است. در این پایه‌ها از مقطع بیضی برای سهولت در عبور آب استفاده شده است. روی پایه ستونهای پل، حفره‌هایی برای دفع رطوبت تعبیه شده است. روی گذرگاه پل نیز سوراخهایی به سمت بیرون دیده می‌شود که رطوبت و آبهای ناشی از نزولات جوی را به خارج از پل هدایت می‌کند. نکته قابل توجه این است که اکنون آب رودخانه تنها از میان دو چشمه پل عبور می‌کند و با توجه به طول زیاد پل نمی‌توان استنباط کرد حتی در زمان ساخت، کل پایه‌ها در آب قرار داشته و احتمالاً پل، گذرگاه عبور از رود و دره کوچک محل عبور رود محسوب می‌شده است. امروزه بخشهای زیادی از پل تخریب شده که بیشتر شامل فرو ریختن طاق چشمه‌ها و قوس آنهاست. طول پل ۲۸۵ متر است که با احتساب دنباله‌های آن ۳۴۰ متر می‌شود. امروزه از طاقهای پل تنها سه دهانه آن تخریب شده و بقیه هنوز سالم است. برخی از پایه‌های پل با سنگهای بزرگ و حجاری شده ساخته شده و ارتفاع آن از سطح رودخانه ۳۰ متر است.



نگرشی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی

دکتر غلامرضا علی زاده



حمل کالا می‌باشد. لذا وقتی شرکتی به روش C&F (که مخفف Cost & Freight می‌باشد) خریداری می‌نماید. هزینه حمل کالا تا مقصد نیز به قیمت کالا افزوده شده است و خریدار تعهدی در پرداخت هزینه حمل کالا ندارد.

A.T.B.: این اصطلاح مخفف After tax basis می‌باشد و در زمینه اوراق قرضه، مبنای مقایسه و محاسبه مالیاتی قرار می‌گیرد؛ لازم به توضیح است که برخی اوراق قرضه معاف از مالیات و بعضی دیگر مشمول مالیات هستند و در خرید آنها باید دقت لازم به کار برد.

A.T.C.F.: این حروف اختصاری مخفف واژه (After Tax Cash Flow) می‌باشد و نشان‌دهنده جریان نقدی یک شرکت پس از کسر مالیات است که برای پاره‌ای از محاسبات در خرید سهام و در محاسبه EPS می‌تواند گزینه‌های برتر را برای خرید در اختیار وی قرار دهد.

A.T.I.: این واژه اختصاری برگرفته از مفاهیم (After Tax Income) است و در شرکتها نشان‌دهنده سود پس از کسر مالیات می‌باشد.

A.T.R.R.: این واژه اختصاری برگرفته از مفهوم (After Tax Real Rate) است که نرخ بازدهی واقعی یک شرکت را پس از کسر مالیات نشان می‌دهد.

P.L.S.P.: این واژه اختصاری برگرفته از مفهوم (Profit and Loss Sharing Principle) می‌باشد که نشان می‌دهد در همکاری میان دو و یا چند شرکت، اصل مشارکت در سود و زیان اعمال می‌شود بنابراین مطالعه بسیاری از شاخصها در همکاری میان شرکتها ضروری است تا در شرکتهای زبان‌ده سرمایه‌گذاری نشود.

P.B.P.: این واژه اختصاری از کلمه‌های (Pay Back Period) گرفته شده است و نشان‌دهنده دوره برگشت

برخی از مفاهیم در مناسبات میان شرکتهای ایرانی و خارجی بایستی به درستی تعریف شود تا زمینه‌های همکاری میان آنها به روش کنسرسیوم (Consortium) مشارکت (Joint venture) و (Merging and Participation) امکانپذیر گردد.

لذا در این مقاله پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم را برای استفاده بیشتر همکاران ارائه می‌دهیم.

B2B.: این اصطلاح از مفهوم (Business to Business) اخذ شده است که به اختصار آن را (B2B) می‌گویند، شرکت با شرکت یا تجارت و معامله تجاری در ازاء معامله تجاری متقابل است.

B2C.: این اصطلاح از مفهوم (Business to Customer) اخذ شده است که به اختصار آن را B2C می‌گویند. در این مفهوم هدف مبادله و معامله شرکت با مصرف‌کننده است و رابطه تعاملی این دو را با هم نشان می‌دهد. یعنی شرکت در نهاد خود با مصرف‌کننده محصول خود مشارکت می‌کند.

C2C.: این اصطلاح از مفهوم (Customer to Customer) اخذ شده است که به صورت اختصار C2C به کار می‌رود. در تعریف این مفهوم باید گفت که رابطه تعاملی بین مصرف‌کننده با مصرف‌کننده را نشان می‌دهد بدین شکل گاهی هر یک از دو طرف شرکت معامله‌کننده مصرف‌کننده مواد و محصول شرکت دیگر است و در این زمینه روش بالا نشان‌دهنده نوع همکاری میان دو شرکت را بیان می‌کند که در این تعامل هر یک مصرف‌کننده محصول و یا خدمات طرف دیگر است.

C&F.: این اصطلاح بیشتر در امور گمرکی به کار می‌رود و در خرید شرکتها از شرکتهای خارجی نشان می‌دهد که کالای ارسالی به مقصد شامل محاسبه قیمت کالا با هزینه



سرمایه است و اصولاً نشان می‌دهد سود حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکتها در طی چند سال می‌تواند برابر سرمایه‌گذاری شود و یا به بیانی دیگر چند سال طول می‌کشد که سود و سرمایه ناشی از سرمایه‌گذاری انجام شده دو برابر اصل سرمایه شود.

- H.G.B: این حروف اختصاری نشان‌دهنده (High Grade Bond) است که به معنی اوراق قرضه برتر می‌باشد در خرید و فروش اوراق قرضه توجه به نوع اوراق قرضه خریداری می‌تواند تا حدودی موفقیت ما را در خرید افزایش دهد.

- M.S.H: این حروف اختصاری از اول مفهوم (Majority Share Holder) اخذ شده است که نشان‌دهنده سهام‌دار عمده است در برخی از خرید سهام بررسی شرایط و جایگاه در موقعیت خریدار عمده در خرید سهام بسیار مهم است معمولاً در ایران خرید سهامی توصیه می‌شود که بانکها در خرید سهام آنها پیشقدم هستند.

- B.L: این حروف اختصاری از مفهوم (Bad Loan) اخذ شده است و نشان‌دهنده وامهای لاوصول است که در خرید سهام یکی از شاخصهایی می‌تواند باشد که چراغ راه عمل قرار گیرد.

- B.T: این حروف اختصاری از مفهوم (Back Taxes) اخذ شده و مالیاتهای معوق شرکت را نشان می‌دهد که شاخص بسیار مهمی در ارزیابی خرید سهام می‌تواند باشد.

- D.S: این حروف اختصاری مخفف (Donated Stock) است و نشان می‌دهد که یک شرکت چه میزان سهام اهدایی دارد که معمولاً این سهام بدون دریافت ارزش رسمی سهام است و به کسانی داده می‌شود که نام آنها به عنوان برند می‌تواند

برای شرکت اعتبار ایجاد نماید. این شاخص نیز می‌تواند در خرید سهام مشخصه‌هایی را به دست دهد که تصمیم‌گیری را به سمت و سوی بهینه و درست هدایت کند.

- B.D: این حروف اختصاری مخفف (Bad Debt) یا مطالبات سوخت شده است. معمولاً شرکتهایی که بر روی مشتریان شناخت کافی ندارند و مطالعه لازم در این فرایند را به کار نمی‌گیرند با انباشت مطالبات وصول نشده مواجه می‌شوند که ضمن اینکه برای شرکت مشکل نقدینگی و پرداخت ایجاد می‌کند نشان‌دهنده ضعف بخش مطالبات شرکت نیز می‌تواند باشد. لذا افزایش قدر نسبی این شاخص در شرکت می‌تواند در خرید و یا مشارکت با آن شرکت راهنمای خوبی باشد.

- B.C: که مخفف (Bad Check) می‌باشد که معنی آن یعنی چک بی‌محل این مفهوم نیز به عنوان شاخصی در شرکتها می‌تواند رهنمودهای لازم را برای مشارکت و یا خرید سهام آنها به دست دهد و معمولاً افزایش آن نشان می‌دهد که مدیران شرکت جدیت کافی در ایفای وظایف مالی و تعهدات پرداختی را ندارند.

- B.U.L: این مفهوم مخفف (Back Up Line) است یعنی خط اعتباری پشتیبان که در شرکت نشان‌دهنده آینده‌نگری می‌باشد زیرا هر قدر این خط اعتباری بیشتر باشد نشان می‌دهد فعالیت شرکت در تأمین منابع مالی از امکانات لازم برخوردار است و در ضمن خوش حسابی شرکت یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خط اعتباری پشتیبان می‌باشد؛ لذا این مفهوم و میزان آن در شرکتها شاخص مناسبی برای همکاری، مشارکت و یا خرید سهام شرکت می‌باشد.

جناب آقای مهندس غلامرضا قاضی‌زاده رئیس محترم هیأت‌مدیره شرکت ساب

با دروغ و تأسف خبر درگذشت پدر بزرگوار جنابعالی را دریافت کردیم. این مصیبت بزرگ را به جنابعالی و خاندان بزرگ قاضی‌زاده تسلیت عرض می‌نمائیم. برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت‌مدیره، بازرسان و کارکنان انجمن شرکتهای ساختمانی

جناب آقای مهندس ایرج وطنی اسکویی مدیرعامل محترم شرکت پار پلانژ

با دروغ و تأسف خبر درگذشت مادر گرامی حضرت‌تعالی را دریافت کردیم. این مصیبت را به جنابعالی و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمائیم. برای عزیز از دست رفته غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.

هیأت‌مدیره، بازرسان و کارکنان انجمن شرکتهای ساختمانی



ment Research Center has announced the figure of 2013 budget as equal to 82 thousands billion Tomans and this figure, if being confirmed, will add to the problems. In total, it can be said that the total national budget shows a 30 percent growth in 2013 in comparison with 2012. In the budget bill of 2013, the budget related to ruling duties has had a growth of about 16 percent, whereas the items related to governmental undertaking in this bill has enjoyed a growth of about 39 percent. This lack of agreement between the growth of ruling and sovereignty expenditures and governmental undertaking will increase the risk escape of the private sector, because the 16 percent of ruling budget in budget bill of 2013 against the 30 percent inflation rate in the society shows that the government will present less services in 2013.

Another point which is put forth as ambiguity and lack of sufficient transparency in 2013 budget, as was implicitly mentioned, is the equality rate of foreign exchange currencies in particular US dollar. What is learned from the budget figures, is that the minimum price of dollar in the budget of 2013 must have been calculated as equal to about 2200 Tomans which shows about 70 percent of growth as compared with the budget of 2012, but in the budget bill submitted, it has been only said that there is a decision to manage the foreign exchange rate in liquefaction method.

Another issue which is put forth on the 2013 budget is the inflational shock related to 120 thousands billion Tomans resulting from the credit of purposeful subsidies, because government has allocated a credit equal to 120 thousands billion Tomans for the second stage of purposeful subsidies in 2013. With regard to the reduction of oil exports from 2.3 million barrels per day into 1.3 million barrels per day in 2013, i.e. a reduction of one million barrels per day, and other limiting mechanisms resulting from oil and banking sanctions, the fulfillment of this plan will be possible only by injecting money from outside. The arrival of high pressure monies from abroad will bring about inflationary grounds.

As it was mentioned, the figures of budget are different in the lectures and writings of experts and authorities. Head of Commission for Budget Combination in sermons prior to Friday Prayers on 15 March 2013 (quotation from Jahne- Sanaat Newspaper on 16 March 2013), announced the government public budget as equal to 192 thousands billion Tomans and the budget of governmental companies, profit institutions affiliated with the government and banks as equal to about 585 thousands billion Tomans and total national budget as equal to 73 thousands billion Tomans.

Whereas if we add up the figures of companies budgets and public budget, we will reach to a figure equal to $(585+192=777)$ seven hundred and seventy seven thousands billion Tomans which is 46 thousands billion Tomans more than total national budget. If we subtract the developmental budget which is equal to 37 thousands billion Tomans from the government public budget, the current budget will be obtained.

If we consider the figure of 192 thousands billion Tomans as a scale, the current budget will be about 155 thousands billion Tomans and if we subtract the difference amount of the total national budget of the governmental companies and profit institutions and banks from the total national budget, $731-585=146$, the governmental public budget will be equal to 146 thousands billion Tomans.

If we subtract the developmental budget from it, the current budget of the country will be $(146-37=109)$ about 109 thousands billion Tomans. These discrepancies which exist in the budget figures, will make the budget analysis difficult. However, considering all these aspects, this article is an attempt to discuss the developmental budget of 2013 and challenges ahead of developmental projects.

Having reviewed the budget bill of 2013, we will learn that with the exception of specific cases, no new developmental project has been forecasted. By the way, in 2013, about 37 thousands billion Tomans of budget has been allocated to developmental projects which includes the previous incomplete projects and demands of contractors (which they have about 8 thousands billion Tomans accumulated demands), so this budget shows about 39 thousands billion Rials reduction as compared with the 2013 budget.

It should be admitted that there are no necessary and creditable grounds to supply part of sources which have been defined for developmental budget. For example, it has been decided that about 10 thousands billion Tomans to be transferred to the budget of developmental projects from the source of purposeful subsidies, but at the same time, there are murmurs that the second stage of purposeful subsidies will not be implemented.

So, if the second stage of purposeful subsidies will not be implemented, the concerned amount cannot be transferred to development part. If we consider the second stage of purposeful subsidies as a unit for comparison and analysis in 2013, it is observed that of the total 2877 developmental project with a credit equal to 20 thousands billion Tomans, about 831 projects have been opened, i.e. about 30 percent of those projects have been performed. So in the budget bill of the 2013, in which about 2816 projects with a credit of equal to 19.4 thousands billion Tomans have been forecasted, it is learned that they face budget reduction. Meanwhile, part of credit (at least 30 percent of it will go out of access due to inflation).

It is worth mentioning that part of these projects are provision national projects and part of them have been transferred to provinces in a specific form. As, no reliable sources has been defined to supply the budget, and the commitments of government and employer sectors in 2012 have been shifted to the budget of 2013, so the implementation of projects will be facing difficulties unless another mechanisms to be defined by the government. If so, they must be exposed to the views of experts of related institutions and financial and economic analysts. So, in most optimistic condition, it can be said that the trend of developmental projects will be the same as that of the year 2012.

With this additional explanation that in the sum of national developmental credits, we have about 6 percent reduction and this figure for developmental projects of the Ministry of Roads is about 11 percent. It is such that the budget of this sector has reduced from 5600 billion Tomans in 2012 to about 5027 billion Tomans in 2013. By the way, in the Company of Construction and Development of Transportation Infrastructure, the forecasted budget has been reduced by about 12 percent and of the amount of 2300 billion Tomans in 2012, it has reduced to about 2400 billion Tomans in 2013. There is no doubt to say that these factors will create problems in achieving the perspectives of developmental projects.

It seems that the developmental budget in 2013 has been adjusted in contraction and shrinkage form. Thus the government intends to define the projects in which the project administrator (construction contracting companies) could find a financier for it or they could invest themselves in it. That in which investment methods of B.O.T, B.O.O, or B.L.T., these types of investment are made will depend on government future policies. So we leave the detailed discussion on budget to another time when the mentioned factors in the budget are to some extent transparent. It is hoped that the statesmen could provide grounds for the activities of companies in charge of developmental projects, not only for providing labor for them but also for materializing the national interest and construction of developmental infrastructures and job creation, since with the reduction of the activities of construction companies, grounds will be paved for unemployment.



The Budget of 2013 and Possible Challenges Ahead of Developmental Projects

Having presented the budget bill of 2013 in form of "three twelfth" (equal to 45 thousands billion Tomans), or in other words, a seasonal budget, it was agreed to have a further expert review on the bill. Also due to some ambiguities which seem to exist in the budget, the parliament [Islamic Consultative Assembly] sent it back to the government.

Nevertheless, it seems efforts are underway to accept the present budget, so we will analyze this budget from the form and nature perspectives.

Before entering the main discussion, we would like to present the comparative budget figures of 2012-2013 upon which it will be possible to present a more suitable perspective in order to make further conclusions and suggestions.

Reviewing the budget figures of 2013 and comparing it with the budget of 2012, it will be also possible to reach certain realities. These realities are presented in the following Table.

Taking into consideration the above Table, it is learned that of the budget for 731 thousands billion Tomans at national level in 2013, about 80 percent is allocated to the budget of governmental companies and profit institutions affiliated with the government and banks. Only 20 percent of it is related to the government public budget which includes the current and developmental budget. On the other hands, the rate of government public budget shows a figure about 146 thousands billion Tomans which is naturally equal to 20 percent of the total national budget.

As for the figures of the budget of 2012, it becomes clear that the total national budget in 2013 shows about 30 percent of increase as compared with the budget 2012.

However, what can be said is that if based on the budget bill, review is made, then the government public budget will be about 146 thousands billion Tomans. What has been put forth by Development Commission, in particular the Head of this Commission, the government public budget is that this figure is 192 thousands billion Tomans which shows a difference of about 46 thousands billion Tomans. On this case, Dr. Mesbahi Moghadam announced the figure of 166 thousands billion Tomans for the public budget. The differences of budget figures in many cases show the lack of transparency of the budget or possibly some figures are inside the documents which are not presented in the respective Tables.

This is perhaps one of factors accounting for ambiguity in budget where some parts of income sources and expenditure places are included inside the paragraphs or notes of budget. This is to some extent in conflict with the scientific definition

of budget in which the numerical figures and rows must show all annual policies of the government. It is likely that the difference in presented figures by the related officials is due to this feature of the budget. In regular condition for the purpose of removing ambiguity in budget, it is necessary to draw out all figures included in the paragraphs of a single Article and to place them in their related Tables, so that it will be possible to present the real sum in full transparency and then they can be compared well.

One of the cases which has been ignored in the budget of 2013 to some extent, is the issue of increase of governmental purposeful subsidies. It is such that the government has predicated a subsidy two times of the present one but the source of its funding is not clear. Also, there are many other non-budget items in the budget of 2013 which is necessary to be removed from budget bill. Consequently by clearing the ambiguities, it will be possible to study the budget more precisely.

What is learned from the budget figures is that the foreign exchange resulting from the sale of oil is not real. In budget of the 2012, government had considered the income resulting from the sale of oil as equal to about 95 thousands billion Tomans, which due to sanctions, about 45 thousands billion Tomans of it was materialized, i.e. less than 50 percent. It is natural that this can apply to the forecast of income resulting from the sale of oil in 2013. It might happen and even much more intensively, since sanctions have become broader and more complex.

By the way, the tax and tolls incomes which in the law of the budget of 2012 was a figure equal to 45 thousands billion Tomans has increased to a figure equal to 53 thousands billion Tomans in 2013. Moreover, of the forecasted figure of tax in 2012 (for 45 thousands billion Tomans), only 32 thousands billion Tomans has been materialized. That is to say in this sector, about 71 percent of the forecasted amount has been obtained and 29 percent of it has not been collected. This shows that there are many ways for tax evasion which should be clarified to prevent any income gap in the 2013 budget.

The expert studies of budget of 2012, as it has been announced by the Head of Supreme Audit Court shows that the budget of 2012 has been facing an income shortage of about 50 percent. The 9-month performance report of 2012 by various bodies which has been developed by Supreme Audit Court shows that up to the end of 2012, only about 50 percent of revenues have been materialized. That is to say that there is a 50 percent of income shortage in the budget of 2012 and this will naturally will be transferred to the 2013 budget. It will also be associated with shortage in current and developmental budget possibly.

On the other side, Dr. Ahmad Tavakoli, former Head of Parlia-

Rate Year	Total National Budget	Rate of budget of governmental companies and profit institutions affiliated with government and banks	Difference(government public budget)	Percent
2013	731	585	146	80
2012	566	421	145	74
Difference	165	164	1	6



IN THE NAME OF GOD



PAYAM-E-ABADGARAN

Construction Companies Association Monthly Magazine

No: 306 farvardin 1392 (April. 2013)



Table of Contents

1. Editorial
2. An interview with Dr. Akhondi
3. An interview with Eng. Chabok
4. Construction industry, efficient use of energy (Dr. Najafi)
5. Final resolution of Construction Conference
6. The arrival of private sector and organizational approach to solve the problem of eroded textures (Marlik Company)
7. In memory of Engineer Safavi along with the memorial ceremony of his child
8. Association's letters
9. Commissions' reports
10. Spring in the views of Iranian poets
11. A lecture by Dr. Alizadeh at the venue of Alumni Center
12. School of Engineering, University of Tabriz
We have read the following materials for you:
 - Eight requests of the private sector addressed to the government
 - Reference and exchange foreign currencies are deleted.
 - A semi-glance of industrial projects at the parliament
13. Landing
14. News of construction industry
15. Environment
 - Six marsh sites
 - The bridges of my land
16. A glance at economic and financial literature

Staff List

PUBLISHER : Construction Companies Association

Editor: Eng. J.Khansari

Editorial Team: J.Khansari, M.Kangani, M.Pourshirazi,
J.Asreazad, M.Zarrabi, A.Varzandeh

Editor in Chief: Gh.Alizadeh

Designer: D.Khani

Typesetter, Marketing & Subscription: Fariba Pouragha

Reporter: Arezu Nouri

Printing Company:

Printed by:

Magazine Address: #88, South Saba St., Taleghani Ave., Tehran, Iran

Tel: +98-21-66464261

Fax: +98-21-66464084

Email: payam.abadgaran@acco.ir



بودجه سال ۹۲ کشور و چالشهای احتمالی

فراروی پروژههای عمرانی

ابهام‌زدایی در بودجه حکم می‌کند که تمامی ارقام مندرج در بندهای ماده واحده بیرون کشیده شود و در جداول مربوط به خود قرار گیرد تا حجم واقعی سرجمع، آشکار و هزینه‌ها با شفافیت کامل، امکان مقایسه با یکدیگر را بیابند.

از مواردی که در بودجه سال ۹۲ تا حدودی منابع آن مغفول مانده است بحث افزایش هدفمندی یارانه‌هاست؛ به طوری که دولت پرداخت یارانه را دو برابر پیش‌بینی کرده است ولی محل تأمین این میزان منابع مشخص نشده است ضمن اینکه احکام غیر بودجه‌ای متعددی، در بودجه سال ۹۲ وجود دارد که به نظر می‌رسد ضرورت دارد از لایحه بودجه خارج گردد تا بدینوسیله با ابهام‌زدایی از آن بررسی دقیقتر بودجه امکانپذیر گردد. آنچه از برخی از ارقام بودجه مستفاد می‌شود این است که درآمد ارزی حاصل از فروش نفت واقعی نیست زیرا در بودجه سال ۹۱ دولت حدود ۹۵ هزار میلیارد تومان درآمد ناشی از فروش نفت در نظر گرفته بود که به دلیل تحریمها حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان آن تحقق یافت یعنی کمتر از ۵۰ درصد؛ بالطبع این امر در مورد پیش‌بینی درآمد ناشی از فروش نفت در سال ۹۲ نیز می‌تواند مصداق یابد و اتفاق بیفتد و شاید با شدت بیشتری نیز همراه باشد زیرا که تحریمها گسترده‌تر و پیچیده‌تر شده‌اند. در ضمن درآمدهای مالیاتی و عوارض که در قانون بودجه سال ۹۱ رقمی معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان بود به ۵۳ هزار میلیارد تومان در سال ۹۲ افزایش یافته است ضمن آنکه از رقم پیش‌بینی شده مالیاتی سال ۹۱ (به میزان ۴۵ هزار میلیارد تومان) فقط ۳۲ هزار میلیارد تومان آن تحقق یافته است یعنی در این بخش حدود ۷۱ درصد مبلغ پیش‌بینی شده حاصل گردیده است و ۲۹ درصد آن لاوصول مانده است و این نشان می‌دهد که راههای فرار مالیاتی زیادی وجود دارد که باید به بستن آنها اقدام گردد تا بودجه سال ۹۲ دچار این شکاف درآمدی نگردد.

بررسیهای کارشناسی از بودجه سال ۹۱ آنگونه که رئیس دیوان محاسبات کشور اعلام کرده است بودجه سال ۹۱ با حدود ۵۰ درصد کسری درآمد مواجه است. گزارش ۹ ماهه عملکرد سال ۹۱ دستگاهها که توسط دیوان محاسبات به آنها ارائه شده است تا پایان سال ۹۱ حدود ۵۰ درصد درآمدها تحقق یافته است یعنی ۵۰ درصد کسری درآمد در بودجه سال ۹۱ وجود دارد که بالطبع تعهدات آن به بودجه سال ۹۲ سرریز خواهد شد و آثار کسری بودجه جاری و بودجه عمرانی را احتمالاً در پی خواهد داشت.

از سوی دکتر احمد توکلی رئیس سابق مرکز پژوهشهای مجلس کسری بودجه سال ۹۲ را حدود ۸۲ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است که این رقم نیز در صورت تأیید بر مشکلات خواهد افزود. در مجموع باید گفت

با لایحه بودجه ارائه شده به صورت سه دوازدهم (معادل ۴۵ هزار میلیارد تومان) یا به بیان بهتر فصلی موافقت شد تا بررسیهای کارشناسی در مورد آن انجام شود، به دلیل وجود برخی ابهامها که به نظر می‌رسد در بودجه وجود دارد مجلس آن را به دولت برگشت داد. با این حال به نظر می‌رسد سعی بر این است که با بودجه فعلی موافقت شود لذا ما نیز آن را از دیدگاه شکلی و ماهوی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم. قبل از ورود به بحث اصلی، ارقام مقایسه‌ای بودجه سال ۹۱ و ۹۲ را ارائه می‌دهیم تا براساس آن بتوان به چشم‌انداز مناسبتری برای نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها دست یافت.

با نگاهی اجمالی به ارقام بودجه سال ۹۲ و مقایسه آن با سال ۹۱ می‌توان به واقعیتهایی دست یافت که در جدول زیر خلاصه شده آن را می‌آوریم. با توجه به جدول فوق این واقعیت به دست می‌آید که از بودجه ۷۳۱ هزار میلیارد تومانی کل کشور در سال ۹۲ حدود ۸۰ درصد آن به بودجه شرکتهای دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها اختصاص یافته است و فقط ۲۰ درصد آن مربوط به بودجه عمومی دولت است که خود شامل بودجه جاری و بودجه عمرانی می‌باشد. از سویی میزان بودجه عمومی دولت رقمی حدود ۱۴۶ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد که بالطبع معادل ۲۰ درصد بودجه کل کشور است.

در ارتباط با ارقام بودجه سال ۹۱ این واقعیت مشخص می‌شود که بودجه کل کشور در سال ۹۲ حدود ۴۰ درصد نسبت به بودجه سال ۹۱ افزایش نشان می‌دهد.

ولی آنچه می‌توان گفت این است که چنانچه براساس لایحه بودجه، بررسی انجام شود بودجه عمومی دولت حدود ۱۴۶ هزار میلیارد تومان خواهد بود ولی آنچه از طریق کمیسیون عمران به ویژه رئیس این کمیسیون مطرح شده است بودجه عمومی دولت رقمی معادل ۱۹۲ هزار میلیارد تومان اعلام گردیده است که تفاوتی حدود ۴۶ هزار میلیارد تومان را نشان می‌دهد. در این مورد دکتر مصباحی مقدم رقم بودجه عمومی را ۱۶۶ هزار میلیارد تومان اعلام می‌کند. تفاوتهای ارقام بودجه در بسیاری از موارد نشان‌دهنده عدم وضوح و شفافیت بودجه است و با احتمالاً ارقامی از آن در لایحه سندها قرار گرفته و در جدول مربوط به خود نیامده است این امر شاید یکی از عوامل ابهام در بودجه باشد که پاره‌ای از منابع درآمدی و محل مصرفهای هزینه‌های در لایحه بندها یا (تبصره‌های) بودجه گنجانده شده است و با تعریف علمی بودجه که باید ارقام و ردیفهای عددی تمام سیاستهای یکساله دولت را نشان داد تا حدودی متفاوت است و تفاوتهای ارقام ارائه شده توسط مسئولان نهادهای ذیربط شاید ناشی از این ویژگی بودجه باشد، در شرایط متعارف

توزیع فراوانی بودجه کل کشور و میزان بودجه شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت در بانکها

ارقام به هزار میلیارد تومان

میزان سال	میزان بودجه کل کشور	مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها	مابه‌التفاوت (بودجه عمومی دولت) درصد
۹۲	۷۳۱	۵۸۵	۱۴۶
۹۱	۵۶۶	۴۲۱	۱۴۵
مابه‌التفاوت	۱۶۵	۱۶۴	۱



حدود ۸ هزار میلیارد تومان مطالبات انباشته دارند) می‌باشد، این بودجه نسبت به بودجه سال ۹۱ (که حدود ۳۹ هزار میلیارد ریال بود) کاهش نشان می‌دهد.

باید اذعان کرد بخشی از منابعی که برای بودجه عمرانی تعریف شده است زمینه‌های لازم و قابل اعتمادی برای تأمین آن مشهود نیست به عنوان مثال مقرر شده است که حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان از محل هدفمندی یارانه‌ها به بودجه پروژه‌های عمرانی منتقل شود و این در حالی است که زمزمه‌هایی به گوش می‌رسد مبنی بر اینکه مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا نخواهد شد بالطبع چنانچه مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا نشود مبلغ مورد نظر نیز نمی‌تواند به بخش عمران واریز شود. اگر روند امور پروژه‌های عمرانی را به عنوان واحد مقایسه و تجزیه و تحلیل برای سال ۹۲ در نظر بگیریم این واقعیت مشاهده می‌شود که از مجموع ۲۸۷۷ طرح عمرانی با اعتباری معادل ۲۰ هزار میلیارد تومان حدود ۸۳۱ طرح افتتاح شده است یعنی ۳۰ درصد آن طرح‌ها سرانجام یافته است؛ بنابراین در لایحه بودجه سال ۹۲ که حدود ۲۸۱۶ طرح با اعتباری معادل ۱۹/۴ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده است که با بررسی آن مشخص می‌شود که با افزایش تعداد طرح و کاهش بودجه مواجه است ضمن آنکه بخشی از اعتبار (لااقل ۳۰ درصد آن توسط تورم از دسترس خارج خواهد شد) با یادآوری این نکته که بخشی از آنها پروژه‌های ملی استانی هستند و بخشی به صورت ویژه به استانها منتقل شده‌اند؛ لذا چون منابع قابل اطمینان برای تأمین بودجه تعریف نشده است از سویی تعهدات دولت و بخش کارفرمایی در سال ۹۱ به بودجه سال ۹۲ منتقل شده است کماکان اجرای پروژه‌ها با مشکل مواجه خواهد شد مگر اینکه دولت ساز و کارهای دیگری را تعریف کرده باشد که باید آنها را در معرض دید و قضاوت کارشناسان و متخصصان نهادهای ذیربط و تحلیلگران مالی و اقتصادی قرار دهد. بنابراین در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت که روند پروژه‌های عمرانی همچون سال ۹۱ خواهد بود.

با این توضیح اضافی که در سرجمع اعتبارات عمرانی کشور حدود ۶ درصد کاهش نیز داریم که این رقم برای پروژه‌های عمرانی وزارت راه حدود ۱۱ درصد کاهش نشان می‌دهد به طوری که بودجه این بخش از ۵۶۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۱ به حدود ۵۰۲۷ میلیارد تومان در سال ۹۲ کاهش یافته است. در ضمن در شرکت ساخت و توسعه زیربنای حمل و نقل بودجه پیش‌بینی شده حدود ۱۲ درصد کاهش یافته است و از مبلغ ۲۳۰۰ میلیارد تومان در سال ۹۱ به حدود ۲۰۰۴ میلیارد تومان در سال ۹۲ کاهش یافته است و بی‌هیچ شبهه‌ای می‌توان گفت این عوامل در دستیابی به چشم‌اندازهای پروژه‌های عمرانی ایجاد مشکل خواهد کرد. اینگونه به نظر می‌رسد که بودجه عمرانی در سال ۹۲ به نوعی انقباضی تنظیم شده است و دولت بنا دارد پروژه‌هایی را تعریف کند که مجری پروژه (شرکت‌های پیمانکار ساختمانی) برای آنها سرمایه‌گذار (financer) یافته و یا خود سرمایه‌گذاری نمایند حال با کدام نوع روش‌های سرمایه‌گذاری B.O.T، B.O.O، B.L.T و... این سرمایه‌گذاری انجام شود بستگی به سیاست‌های دولت آینده دارد. لذا بحث مبسوط‌تر بودجه را به زمانی دیگر که عوامل ذکر شده در بودجه تا حدودی شفافیت یافته و روشن شود واگذار می‌کنیم و امید آن را داریم که دولت‌مدان، زمینه‌های فعالیت شرکت‌های مجری پروژه‌های عمرانی را بیش از پیش فراهم کنند که این خواست نه برای تأمین کار برای آنها بلکه برای تحقق منافع ملی کشور و ساخت زیرساخت‌های توسعه‌ای و ایجاد اشتغال‌زایی است زیرا که با کاهش فعالیت‌های شرکت‌های ساختمانی زمینه‌های رشد بیکاری فراهم می‌شود.

با این امیدواری سرمقاله را به پایان می‌بریم و برای همگان آرزوی خدمات صادقانه و برای کشورمان سربلندی و سرفرازی از خداوند منان خواهیم.

که بودجه کل کشور در سال ۹۲ نسبت به سال ۹۱ رشدی معادل ۳۰ درصد را نشان می‌دهد. در لایحه بودجه سال ۹۲ بودجه‌های مربوط به وظایف حاکمیتی حدود ۱۶ درصد رشد داشته است در حالی که اقلام مربوط به تصدی‌گری دولتی در این لایحه از رشدی حدود ۳۹ درصدی برخوردار است. این عدم تناسب میان رشد هزینه‌های حاکمیتی و تصدی‌گری دولت ریسک‌گریزی بخش خصوصی را افزایش می‌دهد زیرا رشد ۱۶ درصدی بودجه حاکمیتی در لایحه بودجه سال ۹۲ در مقابل نرخ تورم ۳۰ درصدی در جامعه نشان می‌دهد که دولت در سال ۹۲ خدمات کمتری ارائه خواهد کرد.

از موارد دیگری که به عنوان ابهام و عدم شفافیت کافی در بودجه سال ۹۲ مطرح است همانطوریکه تلویحاً اشاره شد نرخ برابری ارز به ویژه دلار می‌باشد. آنچه از ارقام بودجه متبادر به ذهن می‌شود این است که حداقل قیمت دلار در بودجه سال ۹۲ حدود ۲۲۰۰ تومان باید محاسبه شده باشد که حدود ۷۰ درصد نسبت به بودجه سال ۹۱ رشد نشان می‌دهد ولی در لایحه بودجه تقدیمی به این گفته بسنده شده است که قرار است نرخ ارز به روش شناور مدیریت شود.

بحث دیگری که در مورد بودجه سال ۹۲ مطرح است موضوع شوک تورمی مربوط به ۱۲۰ هزار میلیارد تومانی ناشی از اعتبار هدفمندی یارانه‌هاست زیرا که دولت برای سال ۹۲ اعتباری معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان برای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها اختصاص داده است. با توجه به کاهش صادرات نفت از ۲/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۳ میلیون بشکه در سال ۹۲ یعنی کاهش یک میلیون بشکه در روز و سایر ساز و کارهای محدودکننده ناشی از تحریم نفتی و بانکی کشور، تحقق این امر فقط با تزریق پولهای خارج از تولید امکانپذیر می‌شود که ورود پولهای پرفشار زمینه‌های افزایش شدید تورمی در پی خواهد داشت همانطوری که اشاره رفت ارقام بودجه در سخنرانیها و نوشته‌های متخصصان و متولیان اعداد متفاوتی را نشان می‌دهد. رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در خطبه‌های پیش از نماز جمعه تهران در ۲۵ اسفندماه سال ۹۱ (به نقل از رونامه جهان صنعت مورخ ۹۱/۱۲/۲۶) بودجه عمومی دولت را ۱۹۲ هزار میلیارد تومان و بودجه شرکت‌های دولتی، مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانکها را حدود ۵۸۵ هزار میلیارد تومان و بودجه کل کشور را ۷۳۱ هزار میلیارد تومان اعلام کرد در صورتی که رقم بودجه شرکت‌ها و بودجه عمومی را جمع کنیم به رقمی معادل (۷۷۷=۱۹۲+۵۸۵) هفتصد و هفتاد و هفت هزار میلیارد تومان می‌رسیم که ۴۶ هزار میلیارد تومان از بودجه کل کشور ارائه شده بیشتر است و چنانچه بودجه عمرانی را که معادل ۳۷ هزار میلیارد تومان است از بودجه عمومی دولت کم کنیم بودجه جاری به دست می‌آید که اگر رقم ۱۹۲ هزار میلیارد تومان را ملاک قرار دهیم بودجه جاری حدود ۱۵۵ هزار میلیارد تومان می‌شود و اگر مابه‌التفاوت بودجه کل کشور از بودجه شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی و بانکها را از بودجه کل کشور کم کنیم (۱۴۶=۷۳۱-۵۸۵) بودجه عمومی دولت معادل ۱۴۶ هزار میلیارد تومان می‌شود که چنانچه بودجه عمرانی را از آن کسر کنیم بودجه جاری کشور (۱۰۹=۱۴۶-۳۷) حدود ۱۰۹ هزار میلیارد تومان خواهد شد. این مغایرتها که در ارقام بودجه وجود دارد زمینه‌های تجزیه و تحلیل بودجه را بسیار مشکل می‌سازد ولی با توجه به جمیع جهات آنچه در این مقاله مطرح است مسأله بودجه عمرانی سال ۹۲ و چالش‌های فراوری پروژه‌های عمرانی است که به آن می‌پردازیم.

با نگاهی به لایحه بودجه سال ۹۲ درمی‌یابیم که به جز چند مورد خاص هیچ طرح عمرانی جدیدی پیش‌بینی نشده است. ضمن آنکه در سال ۹۲ حدود ۳۷ هزار میلیارد تومان بودجه برای پروژه‌های عمرانی اختصاص یافته است که شامل پروژه‌های قبلی و ناتمام و مطالبات پیمانکاران (که



پیمانکاران باید به فکر تغییر دادن قواعد بازی باشند

کمیسیون انتشارات انجمن شرکتهای ساختمانی در نظر دارد با دریافت نقطه نظرها و پیشنهادهای صاحب نظران و مدیران ارشد نهادهای ذیربط و با طرح مسائل و مشکلات مبتلابه شرکتهای عضو در ماهنامه پیام آبادگران، گامی در جهت تعامل، همبستگی و آشنایی بیشتر با

مدیران ارشد و متخصصان برجسته نهادهای دولتی، حکومتی و عمومی بردارد. به همین منظور پای سخنان دکتر آخوندی می نشینیم، مردی که تجربه سالها کار اجرایی را به همراه دارد و این روزها بیشتر از قبل به کار مطالعاتی در زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی روی آورده است.



وزیر اسبق مسکن و شهرسازی متولد

سال ۱۳۳۶ و دارای مدرک دکتری اقتصاد سیاسی از کالج رویال هالووی دانشگاه لندن است. در حال حاضر دکتر آخوندی عضو شورای رقابت، عضو شورای مرکزی نظام مهندسی و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است که ضمن تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادند، نظر خوانندگان محترم را به مشروح این مصاحبه جلب می نماییم.

دلیل دولتی بودن آن. در واقع ماهیت عمومی بودن ماهیت نامطلوبی برای فعالیت عملی اقتصادی است نه دولتی بودن. به تعبیری خلط مبحث جدی در ایران صورت گرفته که بخش خصوصی نیز نسبت به آن حساسیت لازم را نشان نداده است.

بخش خصوصی در تعریفی ساده، بخشی است که ریسک ورشکستگی را قبول می کند. اساسا بخش خصوصی ریسک یک مبادله را می پذیرد و اگر آن موضوع به زیان منجر شد در نهایت از حساب شخص خصوصی پرداخت می شود. اگر به هر وسیله ای مخاطره ورشکستگی به یک نهاد عمومی منتقل شود آن بخش دیگر بخش خصوصی نیست.

دکتر علی زاده: معمولا بخشهای شبه خصوصی که موازی با بخش خصوصی عمل می کنند به دلیل ساختار و امکاناتی که دارند زیان ده نیستند. فرض کنید در مناقصه شرکت می کنند و قیمتی زیر مینوس می دهند اما با متمم های احتمالی بعدی که می توانند وارد قرارداد کنند، زیان را به سوددهی تبدیل می کنند و در واقع ریسک زیان منتفی می شود.

دکتر آخوندی: شما در مورد رفتار غیرمنصفانه سخن می گوئید یعنی در واقع در یک نوع قرارداد رفتاری متفاوت با دو بنگاه وجود دارد یعنی رفتار غیرمنصفانه است که در جای خود مهم است. وقتی ما از اقتصاد بازار بحث می کنیم و توسعه بخش خصوصی، در واقع از یک اقتصاد رقابتی بحث می کنیم و این رفتار غیر منصفانه رقابت را مخدوش می کند. ولی با فرض این که یک بخش عمومی اساسا به حدی زیان دهد که مشمول قانون ۱۴۱ تجارت شود و در واقع میزان

دکتر علی زاده: آقای دکتر آخوندی با تشکر از وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادید، این روزها صحبت از گفتگوی بخش خصوصی و دولت است. به زعم اینجانب مفهوم بخش خصوصی (که در اصل ۴۴ قانون اساسی به صورت کلی آمده است) ضوابط، قلمرو، و شرایط آن، باید در قوانین تفصیلی تعریف شود که می بایستی توسط مجلس شورای اسلامی تهیه و تدوین گردد ولی تا کنون این اقدام انجام نشده است به همین دلیل هنوز حدود و ثغور بخش خصوصی واقعی مشخص نیست. به نظر شما اقتصاد ما با این وصف تا چه اندازه به سمت خصوصی سازی رفته و آیا آینده روشنی را می توان برای بخش خصوصی واقعی متصور شد؟

دکتر آخوندی: در قوانین ایران بخش دولتی تعریف شده، قانون محاسبات عمومی نیز بخش دولتی و انواع نهادهای عمومی را تعریف کرده است. ماده ۵ این قانون نیز به تفصیل بخش دولتی را تشریح کرده است. بخش تعاون نیز در قانون تعاون مدنظر قرار گرفته. از جهت قانون فرض بر این بوده هر چه غیر از این دو است بخش خصوصی است. البته در بسیاری از کشورها بخش خصوصی دارای تعریف روشنی است ولی در ایران تعریف قانونی مشخصی ندارد. این مشکل وقتی تشدید شد که نهادهای عمومی غیردولتی به عنوان بخش خصوصی وارد عرصه فعالیت شدند.

نکته ای که در مباحث اقتصادی ما به اشتباه تبیین شده این امر است که نهاد عمومی غیردولتی می تواند کارکرد بخش خصوصی را داشته باشد در حالی که اصولا دولت به دلیل ماهیت عمومی بودن از دخالت در اقتصاد منع می شود نه به



مدیریت خود حق مداخله ندارند ولی در سایر فعالیتهای اقتصادی می‌توانند دخالت کنند. این قانون مشکلی را از بخش خصوصی حل نمی‌کند چون دست همه شهروندان را برای معادلات اقتصادی باز می‌گذارد.

■ **دکتر علی‌زاده:** البته این قانون شرکتها و موسساتی را که پنج درصد یا بیشتر سهام یا سرمایه یا منافع آن متعلق به یک نفر از اشخاص شامل لایحه منع مداخله باشد یا بیست درصد بیشتر سهام یا سرمایه و یا منافع آن متعلق به چند نفر از اشخاص مذکور در لایحه باشد را نیز مشمول این قانون می‌داند شاید لازم باشد نظری دوباره به این قانون بیفکنیم.

دکتر آخوندی: قانون مذکور قانون بدی نیست اما مشکل بخش خصوصی این است که نهادهای تازه تاسیس مانند نهادهای عمومی غیردولتی را با آن قانون نمی‌توان کنترل کرد. این نهادها با شعار نداشتن نفع شخصی وارد اقتصاد می‌شوند و کل بازار رقابتی را مختل کرده، بخش خصوصی را به حاشیه می‌رانند. اگر از آنها سوال شود چرا دخالت می‌کنند جواب می‌دهند بر اساس قانون تجارت تشکیل شده‌اند و اصلا دولتی نیستند. مشکل اصلی عمومی بودن این نهادها است چون با وجود یکسان بودن ماهیت آنها با دولت، آنچه خصوصی‌سازی را الزامی کرده دولتی بودن بنگاهها نبوده بلکه عمومی بودن آنها بوده بنابراین اگر شرکت دولتی را از وزارتخانه‌ای بگیری و به نهادی عمومی بدهی نه تنها از لحاظ علم اقتصاد کار مفیدی انجام نداده‌اید بلکه کنترل را سخت‌تر کرده‌اید چون لاقدر در دولت امکان پاسخگویی به مجلس بود اما اکنون امکان ایجاد اغتشاش در رقابت بیشتر است.

متاسفانه بخش خصوصی ما از لحاظ نظری ضعیف است. هر مبادله اقتصادی واجد ریسکی است. باید دید سلسله مراتب این ریسک در نهایت به کجا منتقل خواهد شد. اگر در نهایت ریسک کار، به بودجه عمومی برگردد این بنگاه خصوصی نیست. در واقع بخش خصوصی بخشی است بر

زیان از میزان سرمایه بیشتر شود آیا باید اعلام ورشکستگی کند؟ آیا این اعلام ورشکستگی در مورد بخش غیر خصوصی امکان‌پذیر است؟ خیلی از بنگاههای بخش عمومی وجود دارد که مشمول ماده ۱۴۱ هستند و ورشکسته هستند اما هزینه ورشکستگی به هیچ یک از افراد آن منتقل نمی‌شود و از جیب دولت پرداخت می‌شود. متاسفانه در بخش خصوصی تفکیکی بین «رفتار غیرمنصفانه» و «مخاطره و شکستگی» انجام نمی‌شود. اگر مخاطره ورشکستگی به بودجه عمرانی برگردد باعث رفتار پریسکی می‌شود چون فرد چیزی را از جیب خود نمی‌پردازد.

■ **دکتر علی‌زاده:** با ساز و کارهایی در تنظیم حسابداری این قبیل شرکتها می‌توان کاری کرد که بسیاری از هزینه‌ها روی حساب عملکرد و سود و زیان لحاظ نشود. آیا می‌توان الگویی داد که جامع و مانع باشد و از ورود و دخول بخشهای دیگر به بخش خصوصی ممانعت کند؟ آقای دکتر لاریجانی در نامه‌ای که به آقای دکتر احمدی‌نژاد درباره عدم ورود کارکنان دولت به معاملات دولتی نوشته، به قانون سال ۱۳۳۷ استناد کرده بود که در آن احصا شده است که چه گروههای نمی‌توانند وارد معاملات دولتی شوند. آن قانون به قوت خود باقی است و فعلا قانون دیگری نداریم، آیا می‌توانیم از این قانون به عنوان قانونی که بخش خصوصی واقعی را مشخص و معین می‌کند استفاده کنیم؟

دکتر آخوندی: شما قانون منع مداخله را می‌گویید که به نظر من قانونی برای سلامت اداری نهادهای اداری است و افرادی که در نهادهای اداری هستند را از مداخله در معاملات منع می‌کند. ولی این قانون هیچ کمکی به تعریف بخش خصوصی نمی‌کند. بخش خصوصی نیاز به تعریفی دارد که به آن کمک کند تا اندازه واقعی خود را در اقتصاد بداند. قانون منع مداخله برای این منظور مناسب نیست، چون طبق آن قانون، مدیر کل می‌تواند خارج از فعالیتهای مربوط به حیطه مسئولیت خود در اقتصاد دخالت کند. مدیران دولتی و بستگان آنها فقط در فعالیتهای اقتصادی تحت



عدم وجود رقابت و عدم وجود انصاف مطرح است که باعث شده اصل برابری طرفهای قرارداد در بازارهای ایران رعایت نشود. اساساً مبنای ساز و کار بازار برابری اداری، رقابت منصفانه، و دسترسی آزاد به اطلاعات است. عدم تحقق این عوامل باعث به وجود آمدن اختلال در فضای کسب و کار شده است.

نکته دیگر رویه‌ها و مقررات نادرست تقسیم کار بین دولت و بخش خصوصی است که بخش خصوصی هم آنها را به عنوان اصول مفروضه پذیرفته است از جمله صدور موافقت اصولی برای تاسیس کارخانجات که اخیراً شامل ارائه اسرار شرکت تحت عنوان توجیه‌پذیری طرح از طرف بخش خصوصی به دولت است در حالی که دولت فقط درباره عدم مغایرت فعالیت با مقررات عمومی و استانداردها مسئول است. ورود دولت به تنظیم مقدار تولید در حوزه اقتصاد کار نادرستی است چون بازار خود تنظیم‌کننده است. در حوزه خدمات نیز رتبه‌بندی بنگاه‌ها ربطی به دولت ندارد و طبق ساز و کار بازار هر اظهار نظری که موجب ایجاد انتفاع یا هزینه شود باید همراه با مسئولیت‌پذیری باشد.

■ **دکتر علی‌زاده:** یعنی شما معتقدید امر رتبه‌بندی به انجمنها و تشکلهای واگذار شود؟
دکتر آخوندی: بنده با رتبه‌بندی شرکتها توسط انجمنها نیز موافق نیستم چون این امر مسئولیت مالی ایجاد می‌کند و انجمنها نهادهای مالی نیستند. ما باید مدلی

برای رتبه‌بندی ایجاد کنیم که در آن کسی که رتبه‌بندی می‌کند تبعات اظهار نظر خود را از جهت مالی بپذیرد. معمولاً در دنیا، رتبه‌بندی یا تعهدآور است یا اعتباری. رتبه‌بندی تعهدآور را شرکت‌های بیمه انجام می‌دهند و زبان احتمالی آن را تقیل می‌نمایند. این نوع رتبه‌بندی معنا دارد چرا که ریسک‌های قرارداد را نیز برطرف می‌کند. امری که در رتبه‌بندی اعتباری لحاظ نمی‌شود.

معمولاً در قراردادهایی که طبق سیستمهای فیدیک تهیه و تنظیم امضا می‌شود تضمین عملکرد جمعی شرکت مطرح است که انجمن نمی‌تواند این کار را انجام دهد اما

پایه مالکیت خصوصی و هدف آن ارائه کالا و خدمات به اشخاص در بازارهای رقابتی است که بازار و رقابت محرک و تنظیم‌کننده روابط اشخاص در این بخش است و هزینه مخاطره‌های اقتصادی به طور مستقیم یا با واسطه به هیچ وجه به منابع عمومی منتقل نمی‌شود.

گفته می‌شود آنچه کارایی اقتصاد هر کشوری را بالا می‌برد قانون طلایی ورشکستگی است. چون طبق آن بخش خصوصی ریسک را می‌پذیرد و اگر توانست کارآمدی خود را نشان دهد به حیات خود ادامه می‌دهد و در غیر این صورت ورشکست شده، از دور خارج می‌شود. اگر ریسک به بودجه عمومی برگردد، بنگاه مربوط هر چقدر ناکارآمد باشد باز هم ورشکست نمی‌شود. علت این که در کشورمان تا این حد قراردادهای زیان‌آور داریم و قیمت تمام شده چند برابر قیمت اولیه قرارداد است به خاطر امکان انتقال ریسک مبادله است. در هر حال، باید در بخش خصوصی اجماعی برای تعریف این بخش ایجاد شود.

دکتر آخوندی:

در سطح کلان مشکل بنگاههای ایران نبودن محیط رقابت منصفانه است. چون در هر صورت تعاریف مخدوش است و یک سری نهادها آمده‌اند و با بخش خصوصی ایران رقابت می‌کنند که ماهیت عمومی دارند و رفتار، نوع ریسک و امتیازهای متعددی که می‌گیرند با بخش خصوصی قابل مقایسه نیست و به همین دلیل رقابت عادلانه نیست.

■ **دکتر علی‌زاده:** نقطه نظرهای جنابعالی بسیار عالی است ولی امری شخصی است آنچه ما نیاز داریم ورود این تعاریف به حوزه قانون است که امیدواریم این کار صورت بگیرد. با توجه به این که حضرتعالی سالها در حوزه صنعت احداث فعال بوده‌اید و با مسائل این بخش آشنایی کافی دارید، به نظر شما شرکت‌های پیمانکار پروژه‌های عمرانی و ساختمانی با چه مشکلاتی در سطح خرد (سازمانی)، میانه (ملی) و کلان (بین‌المللی) و در بعد درون

سازمانی با چه ضعفها و قوتها و در بعد برون سازمانی با چه تهدیدها و فرصتهایی مواجه هستند و راه حل پیشنهادی شما در این زمینه‌ها چیست؟

دکتر آخوندی: در سطح کلان مشکل بنگاههای ایران نبودن محیط رقابت منصفانه است. چون در هر صورت تعاریف مخدوش است و یک سری نهادها آمده‌اند و با بخش خصوصی ایران رقابت می‌کنند که ماهیت عمومی دارند و رفتار، نوع ریسک و امتیازهای متعددی که می‌گیرند با بخش خصوصی قابل مقایسه نیست و به همین دلیل رقابت عادلانه نیست. بنابراین در حوزه کلان و در بازارهای ایران



تبدیل شود.

■ **دکتر علی زاده:** با توجه به این که ۸۰ درصد اقتصاد ایران دولتی است ساختار اقتصادی ایران چه میزان ظرفیت دارد که بتواند ساز و کار بازار را بپذیرد؟ شما در این مورد چه نظری دارید؟

دکتر آخوندی: این امر داستان مرغ و تخم مرغ است. همیشه گفته‌ایم تا بخش خصوصی کوچک است لزوم دخالت دولت وجود دارد. از طرفی تا زمانی دولت دخالت کند بخش خصوصی کوچک تر می شود و این امر چرخه باطلی در اقتصاد ایران به وجود آورده است. به نظر من بخش خصوصی نباید به دولت بگوید چه کند بلکه باید بگوید چه کارهایی را انجام ندهد. یعنی بخش خصوصی بازارهایی را انتخاب و با دولت مذاکره کند که در آن بازارها دخالت نکند تا همه بازیگران آن بازار هم اندازه باشند تا بتوانند با هم رقابت کنند. خصوصی کردن همزمان همه صنایع به این معنا است که ما نمی‌خواهیم خصوصی‌سازی کنیم چرا که از قدیم گفته‌اند سنگ بزرگ علامت نزدن است. کشورهایی که واقعا به دنبال خصوصی‌سازی بودند از استراتژی بازار به بازار استفاده کردند.

اگر بازار به بازار پیش می‌رفتیم می‌توانستیم بر این مشکلات فائق شویم اما چون به طور کلان برخورد کردیم ناگهان ۹۴ درصد اقتصاد عمومی و چند درصد بقیه خصوصی شد. متأسفانه بخش خصوصی ما آگاهی لازم را نداشت و نتوانست به موقع آژیر خطر را به صدا درآورد تا کاری که به نام خصوصی‌سازی انجام می‌شود متوقف گردد. از طرفی قسمتی از همین بخش خصوصی تسهیل کننده بازار آشفته است و به دنبال سود کوتاه مدت خود است. و حتی برای توجیه کارهای خود، عمومی‌سازی را به عنوان مقدمه خصوصی‌سازی مطرح می‌کند. در حالی که عمومی‌سازی مقدمه‌ای برای خصوصی‌سازی نیست و در بازار رقابت ایجاد اختلال می‌کند چون نظام پاسخ‌گویی را مختل

می‌کند.

■ **دکتر علی زاده:** برای توانمندی، بزرگ و ماندگار شدن شرکت‌های پیمانکاری (که سرمایه‌های ملی کشور هستند) در شرایط فعلی چه ساز و کارهایی را پیشنهاد می‌دهید تا ضمن هم‌افزایی توانایی‌ها از اضمحلال در امان بمانند؟

می‌تواند منبعی برای شرکت بیمه باشد تا با اعتبار این تأیید، شرکت‌های عضو را بیمه کند. در سیستم‌های خارجی معمولاً کارکرد همه فعالیت‌هایی تعهدآور شرکتها توسط شرکت بیمه پشتیبانی می‌شود. بنابراین صدور تأییدیه و رتبه‌بندی چه از طرف سازمان برنامه باشد چه از طرف انجمنها، بدون قید مسئولیت، کارکرد زیادی ندارد.

■ **دکتر علی زاده:** اگر چنین ساز و کاری به کار ببریم آیا بیشتر شرکت‌های بزرگ نقش پیمانکار عمومی (GC) نمی‌یابند و به تبع آن بقیه شرکتها مجبور نمی‌شوند تحت عنوان پیمانکار دست دوم (SC) با آنها کار کنند. در این مورد چه نظری دارید؟

دکتر آخوندی: در GC مسئولیت منتقل نمی‌شود. ضمن اینکه GC سطح مهارت بالایی می‌خواهد که در ایران تلقی اشتباهی از آن وجود دارد و آن را شرکت توزیع کننده فعالیت می‌دانند. حال آن که GC شرکت پذیرنده کل ریسک فعالیت است لذا شرکت پیمانکار عمومی توانایی مهندسی و حرفه‌ای بسیار بالایی می‌طلبد. اساساً کسی می‌تواند فعالیت‌های را توزیع کند که توانایی بالایی در زمینه

تامین کالا، تامین منابع و مهندسی (Epc)^۲ داشته باشد. ولی ما در ایران GC را توزیع کننده کار می‌دانیم که بعد از توزیع کار از مسئولیت فارغ می‌شود. اگر ما به سمت ساز و کار بازار برویم، در نهایت بازار از شرکتی که پروژه‌های را از طریق GC گرفته نیز بیمه کار کرد می‌خواهد در واقع در این سیستم نظام‌های بیمه‌ای پشت در پشت ایجاد می‌شود.

بخش خصوصی ما آشنایی زیادی با نظام بازار ندارد. ما از نظام بوروکراتیک دولتی خارج شدیم و در نظام بوروکراتیک عمومی افتادیم. امروز نیز به سمت نظام بوروکراتیک بخش خصوصی می‌رویم. ماهیت همه اینها اداری است و برای اصلاح باید از ساز و کار تصمیم‌گیری اداری به سمت ساز و کار بازار برویم که در آن همه چیز بر

اساس رقابت منصفانه و پذیرش ریسک مبادله است. این ریسک توسط بخش خصوصی پذیرفته می‌شود و اگر کسی بخواهد ریسک خود را بفروشد دوباره در مبادله‌ای وارد می‌شود که همین فرایند در آن طی می‌شود. باید رویکرد بنیادین ذهنی ما از رویکرد اداری به رویکرد ساز و کار بازار



دکتر آخوندی:

ما از نظام بوروکراتیک دولتی خارج شدیم و در نظام بوروکراتیک عمومی افتادیم. امروز نیز به سمت نظام بوروکراتیک بخش خصوصی می‌رویم. ماهیت همه اینها اداری است و برای اصلاح باید از ساز و کار تصمیم‌گیری اداری به سمت ساز و کار بازار برویم که در آن همه چیز بر اساس رقابت منصفانه و پذیرش ریسک مبادله است.



دکتر آخوندی: همه بنگاههای فعال در فضای اقتصادی باید مسائل خود را در ارتباط با محیط اقتصادی بسنجند. تا زمانی که شرایط محیط کسب و کار بهبود نیابد پرداختن به مسائل تکنیکی و تخصصی داخل بنگاهها گره‌گشا نیست. اقدامات زیادی توسط تشکلهای صورت گرفته است اما تا زمانی که آنها سعی کنند مسائل را از درون آن حل کنند شاهد پابرجایی مشکلات خواهیم بود در حالی که حل این مسئله به دفاع از حقوق مالکیت خصوصی و منصفانه بودن بازار رقابتی برمی‌گردد.

■ **دکتر علی‌زاده:** برای حل این مسائل در بیرون از ساختار تشکلهای چه نهادی باید متولی شود؟ شورای هماهنگی در این امر چقدر می‌تواند موثر باشد

دکتر آخوندی: این امر باید به مطالبات اصلی سندیکاها تبدیل شود و در مذاکرات به جای پرداختن به مسائل جزئی

با دولت، درباره استقرار یک بازار رقابتی منصفانه مذاکره شود. قبل از هر چیزی باید ایجاد اجماع در درون جامعه مهندسی مدنظر قرار گیرد. البته ایجاد این اجماع به دلیل منافع کوتاه مدت برخی از افراد دشوار است. داشتن آگاهی از حقوق اقتصادی در بحث رقابت و مالکیت خصوصی و ایجاد اجماع در شورای هماهنگی اولین گام است. اگر این امر صورت بگیرد می‌توان برای طراحی یک مدل برای گفتگو و چانه زنی اقدام کرد.

■ **دکتر علی‌زاده:** به نظر شما در ساختار حاکمیتی چه ظرفیتهایی تعبیه شده است که طبق آن بتواند بخش خصوصی را در مناسبات اقتصادی سهم کند؟

دکتر آخوندی: ظرفیت را باید ساخت. نمی‌توان گفت ظرفیت وجود دارد یا نه. آقای السون رئیس دانشکده اقتصاد هاروارد در سال ۲۰۰۰ زمانی که شعار کوچک‌سازی دولت مطرح شد، معتقد بود دولت بزرگ و کوچک معنا ندارد. دولت کارآمد و ناکارآمد وجود دارد و دولتی کارآمد است که فضا را به نحوی اداره کند که بخش خصوصی مقتدر شده، تولید و قدرت اقتصادی توسعه یابد. وی معتقد بود دولت قوی بخش خصوصی دارد و بخش خصوصی توانمند قادر به ایجاد دولت توانمند است.

■ **دکتر علی‌زاده:** بخشی از رشد شرکتها مربوط به مناسبات بیرون از شرکتها است. در شرایط فعلی حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان طلب شرکتهای پیمانکار پروژه‌های عمرانی از

دولت است. با توجه به این که شرکت‌های پیمانکار دانش‌محور هستند نه سرمایه‌محور، بلوکه شدن این میزان سرمایه باعث از هم پاشیدن ابعاد محتوایی و ساختاری آنها می‌شود. در این مورد چه راهکاری می‌توان اندیشید.

■ **دکتر آخوندی:** برخی بنگاهها طلبکار هستند که ارزش مطالبات آنها در طول زمان به سمت صفر می‌رود. منصفانه یا غیر منصفانه بودن این رفتار قابل بحث است و باید دید چگونه می‌توان مطالبات را گرفت. اما باید دید این اتفاق به طور تصادفی روی داده یا معلول یک سری قواعد غلط در بازار حرفه مهندسی بوده است. شرکتها در عین این که برای گرفتن طلب خود اقدام می‌کنند باید چاره‌اندیشی کنند که دیگر این اتفاق روی ندهد. منصفانه بنگاهداری مهندسی در ایران اساسا بر اساس وابستگی به دولت به وجود آمده است. و بنگاهداریها از روز اول قبول کرده‌اند بازار هدف آنها دولت است و آنها به دولت وابسته‌اند. رفتار دولتها نیز با توجه به شرایط مختلف متفاوت است. پیمانکاران از روز اول یکطرفه بودن شرایط عمومی پیمان را می‌دیدند و قواعد بازی را می‌دانستند. اگر امروز هم این قواعد اصلاح نشود مشکلات دامنه‌دار می‌شود.

■ **دکتر علی‌زاده:** اگر شرکت‌های پیمانکار بخواهند این قواعد را اصلاح کنند باید به نوعی کار شرکت خود را متوقف کنند و از دولت کار نگیرند. در پی این امر رتبه احراز خود را از دست می‌دهند یعنی عملاً مقررات موجود باعث شده است که شرکتها دست و پا بسته در اختیار کارفرمای بخش دولتی قرار گیرند.

■ **دکتر آخوندی:** به نظر من همزمان با تجدیدنظر در مبانی

می‌توان مسائل جاری را پیش برد. در واقع هیچ نشانه‌ای از تلاش برای تغییر قاعده کلی بازی دیده نشده و بخش خصوصی قبول کرده کل صنعت مهندسی ایران باید وابسته به دولت باشد و چون زورش به دولت نمی‌رسد فقط برای خواسته‌های کوچک با دولت چانه می‌زند. حتی در برخی موارد پیمانکاران از ابتدایی‌ترین کانالهای احقاق حق خود غافل بوده‌اند و وقتی با شرایط ناعادلانه‌ای در مناقصه روبرو شده‌اند به شورای رقابت که مسئول این امر است مراجعه نکرده‌اند.

البته بنده معتقدم تلاش برای تغییر قواعد باید در کنار فعالیتهای روزمره باشد اما بی‌شک وقتی آب زیربنای ساختمانی را گرفته نمی‌توان با خیال راحت به فکر تغییر دکور داخل آن ساختمان بود چون در نهایت چنین



دکتر آخوندی:

متاسفانه بنگاهداری مهندسی در ایران اساسا بر اساس وابستگی به دولت به وجود آمده است. و بنگاهداریها از روز اول قبول کرده‌اند بازار هدف آنها دولت است و آنها به دولت وابسته‌اند. رفتار دولتها نیز با توجه به شرایط مختلف متفاوت است.



به حل مشکلات آبی حاضر و اقدام کنیم تا لاقبل شرکتها قادر به ادامه حیات خود باشند پس آنگاه به چانه‌زنی برای تغییر برخی از زیرساختها بپردازیم.
دکتر آخوندی: البته لازم است بدانیم که با سیستم گذشته امکان ادامه حیات وجود ندارد چون میزان تزریق

بودجه کاهش فراوانی یافته است. متأسفانه بنگاههای مهندسی ایران برای کار با دولت تاسیس شده‌اند اما این طرز فکر دیگر جوابگوی نیازهای امروز نیست. میزان تعهدات دولت به بنگاههای مهندسی زیاد شده که پرداخت آن چند سال طول خواهد کشید و این امر بنگاه را با مسائل اساسی مواجه می‌کند و لزوم نگاه از زاویه‌ای دیگر را یادآوری می‌کند. بی‌شک اصل تداوم فعالیت شرکتها فقط می‌تواند بر مبنای واقع‌نگری امکان پذیر باشد.

■ **دکتر علی‌زاده:** آقای دکتر

آخوندی بی‌نهایت از شما به خاطر فرصتی که برای این مصاحبه فراهم کردید متشکر و سپاسگزاریم. امید است با ارائه مقاله‌های علمی و وزین خویش برای درج در ماهنامه پیام آبادگران این ارتباط و کنش متقابل بیش از پیش توسعه یابد.

دکتر آخوندی: من نیز از حضور شما و همکارانتان برای انجام این مصاحبه تشکر می‌کنم، حتما همکاری با ماهنامه پیام آبادگران را ادامه خواهیم داد.

- 1-General Contractor
- 2-Subcontractor
- 3-Engineering Procurement construction

ساختمانی فرو می‌ریزد.
■ **دکتر علی‌زاده:** شورای تعامل به همین منظور ایجاد شد تا بخش خصوصی را در تصمیم‌سازیها و تصمیم‌گیریها وارد کند اما عملاً دستاوردهای حاصل از تعامل با تغییر افعال از «باید» به «می‌تواند» کارایی خود را از دست دادند.

دکتر آخوندی:

هر جا که شرایط رقابت عادلانه موجود نبود باید بخش خصوصی حساسیت نشان دهد. مهم این است که شما به عنوان نهادی مهندسی حقوق خود را بدانید و در جهت احقاق آن قدم بردارید. البته شاید این مسئله زمان‌بر باشد اما همیشه نیروی مقاومت اولیه بالا است و از این مرحله که عبور کردیم بقیه قدمها راحت‌تر برداشته خواهد شد.

دکتر آخوندی: با بررسی محتوی مطالبی که از سوی بخش خصوصی مطرح می‌شود می‌توان فهمید چه میزان از آنها ناظر به تغییر قواعد بوده و چه میزان برای حداکثر کردن منافع زودگذر می‌باشد. به نظر من نهادهای مهندسی خودشان هنوز در پی تغییر قواعد بازی نیستند و یکی از عمده مسائل مطرح شده مربوط به تعیین نظام صلاحیت از سازمان برنامه به انجمنها

بوده است که ناظر به حفظ قواعد بوروکراتیک بازی است. برای تغییر شرایط باید دید داستان بازار رقابت عادلانه بر چه اصلی استوار است، هر جا که شرایط رقابت عادلانه موجود نبود باید بخش خصوصی حساسیت نشان دهد. مهم این است که شما به عنوان نهادی مهندسی حقوق خود را بدانید و در جهت احقاق آن قدم بردارید. البته شاید این مسئله زمان‌بر باشد اما همیشه نیروی مقاومت اولیه بالا است و از این مرحله که عبور کردیم بقیه قدمها راحت‌تر برداشته خواهد شد.

■ **دکتر علی‌زاده:** البته بحث شما علمی و دقیق است که برخی زیرساختها باید تغییر پیدا کند اما باید در مرحله اول



اصلاح و تعیین نرخ موجود در هدفمندی؛ لازمه کار عمرانی

حماسه اقتصادی مربوط به سازندگان کشور است

روز ۲۶ فروردین تعدادی از پیمانکاران رسته آب انجمن شرکتهای ساختمانی به دیدار آقای مهندس حاجی رسولی‌ها، مدیرعامل شرکت مدیریت منابع آب کشور رفتند تا ضمن تجدید دیدار در سال جدید پاره‌ای از درخواستها و نظرات خود را برای بهبود وضعیت کار در این حوزه مطرح کنند. در این نشست برخی از مشکلات و مسائل پیمانکاران رسته آب بررسی شد و افراد حاضر به اظهارنظر در این باره پرداختند که نظر خوانندگان محترم ماهنامه پیام آبادگران را به خواندن مشروح آن جلب می‌نماییم.



کشور هستیم و امیدواریم سال جدید برای شما و همکارانتان در وزارت نیرو سال پربراری باشد. در ادامه این دیدار پیمانکاران به طرح سوالات و دیدگاههای خود پرداختند و **مهندس حضرتی** عنوان کردند: قرار بود بخشی از مطالبات پیمانکاران در روزها و ماههای آخر سال ۱۳۹۱ از طریق سیستم اعتباری بانک دی پیگیری شود که ظاهراً به نتیجه نرسیده است. لازم می‌دانید در این مورد چه اقداماتی توسط ما یا شما صورت بگیرد؟

مهندس مسعودی خطاب به مهندس حاج رسولی‌ها عنوان کردند: با توجه به وضعیت بودجه در سال ۱۳۹۱ که با متوسط ۱۳-۱۵ درصد برای بودجه مهر ماندگار تخصیص یافت، احتمالاً سال ۱۳۹۲ سال بهتری نخواهد بود، با این حساب کدام منابع

در ابتدای این دیدار مهندس حاج رسولی‌ها گفتند: با خیر مقدم به پیمانکاران بخش آب که در سال ۱۳۹۱ متحمل سختی‌های زیادی در پروژه‌های بخش آب کشور شدند باید گفت بخش آب کشور تنها بخشی بوده که علاوه بر تنگناهای موجود توانسته پروژه‌ها را به انجام برساند که همین تعهد و سیاست پیمانکاران است که ما را در تحقق اهداف خود یاری داده است. فکر می‌کنم انتخاب طرحهایی از بخش آب کشور برای مهر ماندگار هم سیاست خوبی بوده است که توانسته در شرایط تنگنای مالی پروژه‌های مربوط به ما را ساماندهی کند. **مهندس خزاعی**، مدیر اجرایی رسته آب انجمن شرکتهای ساختمانی نیز عنوان کردند: ضمن تبریک سال نو، ما همیشه قدردان حسن نیت شما نسبت به پیمانکاران شاغل در بخش آب



مالی از جمله اوراق مشارکت را برای هزینه‌ها عملیاتی قابل توجیه می‌دانید؟ باید دستورات اکیدی صادر شود و گرنه توان اجرای کار برای هیچ شرکتی وجود نخواهد داشت.

مهندس امینی نیز اشاره نمود که پیچیدگی و دشواری شرایط به حدی رسیده که تصمیم‌گیری در هیچ مقوله‌ای مقدور نیست و باید آرزو کنیم که با حل مشکلات در صدد بسترسازی برای ادامه فعالیت‌های سازندگی باشیم.

مهندس علیاری با تأیید سخنان مهندس امینی افزود: امیدواریم بتوانیم از گذرگاه این شرایط بحرانی با حرکت‌هایی حساب شده و درست عبور کنیم. که مهندس خیرآبادی تأکید کرد عبور از مشکلات و گام برداشتن در راه آبادانی مملکت همدلی بیش از پیش مسئولان را می‌طلبد.

مهندس مهدیار نیز با بیان این که امیدواریم امسال اتفاق خجسته‌ای در راه رفع مشکلات موجود بیافتد گفت: باید از شرایطی که به آن دچاریم بگذریم، متأسفانه در سازمان‌های مختلف همکاران ما دچار مشکل هستند که فقط با همت مدیران دولتی و انجمن‌ها قابل حل هستند.

بعد از اشاره مهندس خرازی به نتیجه نرسیدن استفاده

مهندس براتی:
به نظر می‌رسد اعتبارات کمی برای پیمانکاران و بودجه‌های عمرانی در نظر گرفته شده، در حالی که برای کارهای خدماتی که ارزش چندانی ندارند ۲-۳ هزار میلیارد در منطقه خاصی سرمایه‌گذاری می‌شود. به هر حال انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران اصلی، مخصوصاً در بخش آب که نقش مهمی در رشد و توسعه دارد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که این اعتبارات در مسیر اجرایی یا کارهای تولیدی قرار گیرد.

مهندس احمدی یادآوری کرد بحث بودجه جای خود دارد اما پیمانکاران با تورم و گرانی موجود چه کنند؟ شاخصهایی که اعلام می‌شود زیاد نمی‌شود و تورم غیر قابل مهار شده است.

مهندس براتی نیز گفتند: به نظر می‌رسد اعتبارات کمی برای پیمانکاران و بودجه‌های عمرانی در نظر گرفته شده، در حالی که برای کارهای خدماتی که ارزش چندانی ندارند ۲-۳ هزار میلیارد در منطقه خاصی سرمایه‌گذاری می‌شود. به هر حال انتظار می‌رود که سیاست‌گذاران اصلی، مخصوصاً در بخش آب که نقش مهمی در رشد و توسعه دارد به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که این اعتبارات در مسیر اجرایی یا کارهای تولیدی قرار گیرد.

مهندس جمالی نیز گفت: یکی از معضلات بزرگی که پیمانکاران بخش آب با آن مواجه هستند شرکت‌های آب و فاضلاب‌اند که مدیریت آنها بسیار تاسف‌انگیز است. پیمانکاران از نظر معلومات فنی و سایر مسائل جنبی دچار مشکلات عدیده‌ای با شرکت‌های آب و فاضلاب هستند. مضاف بر آن افزایش قیمت معضلی شده و توان اجرایی و کار را از همه شرکتها گرفته است. در این مورد





از تسهیلات ماده ۲ و درخواست برای عملیاتی شدن آن، مهندس عطایی نیز عنوان کرد: در رابطه با پروژه‌های اجرایی که به پیمان واگذار می‌شود، با توجه به شرایط اقتصادی موجود پروژه‌های اجرا نمی‌شود چون ارز کم است و تمام تصمیمات بانکی ریالی شده که بهره آن در بانکهای دولتی ۲۴ درصد است که

با ۳ درصد کارمزد به ۲۷ درصد می‌رسد که باید دید با این وضع چگونه می‌توان تولید را جلو برد و سازندگی را اداره کرد. اکنون در کشور دلالی رایج شده و متأسفانه سازندگی در حال تعطیل شدن است. باید دید چگونه می‌توان پروژه‌ها را راه انداخت در حالی که تورم اجازه هیچ برآوردی را نمی‌دهد. شما فکر می‌کنید با ۳۰ درصد بهره می‌توان کاری انجام داد. ظاهراً پیدا کردن راه‌حل این امر با گردهمایی‌هایی از این دست و راه‌اندازی کارگروه‌هایی عملی است. کلید اقتصاد هر کشوری در دست تولید است و باید به فکر راه‌اندازی سازندگی و تولید باشیم.



مهندس حاجرسولی‌ها بعد از شنیدن سخنان اعضای انجمن ضمن تبریک سال جدید، گفت: قطعاً حضور دوستان از دو بخش آب و تجهیزات صنعت آب و فاضلاب باعث می‌شود بحث را در دو بخش پیش ببریم. بی‌شک سال ۱۳۹۱ به لحاظ اعداد دقتی سال سختی بود اما من شخصا این سال را موفق‌تر از سال ۱۳۹۰ می‌بینم. علیرغم تمام مشکلاتی که در بخش نقدینگی در بخش عمران کشور بود با پرداختی که روز ۲۸ اسفند انجام شد پرداختی‌های بخش آب کشور نسبت به کل رقم پرداختی‌های عمرانی کشور رشد داشته است و ما ۵۰ درصد نقدینگی طرح‌ها را در سایه طرح مهر ماندگار به پروژه‌های خود تزریق کردیم.

تجربه دیگری را درباره اوراق مشاقت در سال ۱۳۹۱ پشت سر گذاشتیم. از آنجایی که دیگر نمی‌توان به منابع دولت تکیه داد، اولین بار سال ۱۳۹۱ حدود ۷-۸ شرکت آب منطقه‌ای را پایلوت کردیم. سال گذشته تصمیم گرفتیم شرکت‌های خودمان را هم وارد اوراق مشارکت کنیم که به نتیجه مطلوبی رسید

و این تجربه را برای سال آینده برای چند شرکت دیگر نیز عملیاتی خواهیم کرد. البته این کار، آموزش فشرده و طی مراحل مختلفی را می‌طلبید. به هر حال ما خودمان را برای اجرای این امر در چند استان دیگر آماده کرده‌ایم. در مورد استفاده از تسهیلات ماده ۲ نیز توانستیم موافقت‌هایی از معاونت نظارت راهبردی و برنامه‌ریزی بگیریم اما به نتیجه رساندن آن موکول به سال ۱۳۹۲ شد.

به هر حال وقتی ما به بعضی پروژه‌ها وارد می‌شویم متوجه می‌شویم تنها مشکل موجود مشکل مالی نیست و مشکلات دیگری که مربوط به کل مسائل پیمانی است نیز وجود دارد که

حل آنها بر عهده ما نیست و لازم است دوستان در این زمینه هم فکری کنند تا ما نیز به عنوان بازوی آنها بتوانیم بحث‌هایی مانند خرید تجهیزات و روابط با کارفرمایان را پیگیری کنیم. آخرین نکته که در سخنان شما پیمانکاران نیز به آن اشاره شد این بود که روش اجرای فعلی روش پایداری در بخش آب نخواهد بود چون اتکالی به درآمد دولت نیست و اوراق مشارکت هم به نوعی اوراق قرضه محسوب می‌شود که اگر چه مسکن خوبی است اما تامین کننده نیست. تغییر نگاه به روش‌های اجرایی

مهندس حاجرسولی‌ها:

روش اجرای فعلی روش پایداری در بخش آب نخواهد بود چون اتکالی به درآمد دولت نیست و اوراق مشارکت هم به نوعی اوراق قرضه محسوب می‌شود که اگر چه مسکن خوبی است اما تامین کننده نیست. تغییر نگاه به روش‌های اجرایی لازم است. ما روشی را مدنظر داریم که در مجلس هم پیگیری می‌شود و مربوط به بحث قیمت آب است که شاید پیمانکاران درگیر آن نباشد اما باید به عنوان راه حل به آن نگاه کنند. اگر چه ما خرید تضمینی آب را در برخی پروژه‌ها انجام می‌دهیم



اهمیت می‌دهند. پیمانکار سعی دارد هر چه بیشتر پول بگیرد و کارفرما سعی دارد هر چه کم تر پول پرداخت کند. نتیجه این می‌شود که پروژه‌ها با دو برابر قیمت و زمان لازم انجام می‌شود. لازم است از بین پیمانکاران افرادی که درست فکر می‌کنند شناسایی شوند و به آنهایی که عملکرد درستی ندارند نیز آموزش‌های لازم داده شود. شرکتهای موجود در کشور ما در تعامل با سرمایه ملت به وجود آمده‌اند و برای حفظ آنها باید کمک شود. در چنین شرایطی همه پیمانکاران آماده‌اند به جای سودآوری در پی حفظ موقعیت شرکت باشند. کشور ما کشوری

غنی است که با وجود تحریمها باز هم سرمایه زیادی در آن وجود دارد که می‌توان آن را در راه درست هدایت کرد.

در پایان مهندس حاج‌رسولی‌ها با بیان این که من موافقم که پیمانکار و سرمایه‌گذار در پروژه‌ها مشارکت کنند، افزود: در مورد بحثهای نرم افزاری و پیمانها هم ما آماده همکاری با پیمانکاران برای حل مشکلات هستیم که تشکیل کارگروه می‌تواند در مورد مشکلات

اجرایی گره‌گشا باشد. در شما می‌توانید مشکلات اجرایی به آقای سیاری مراجعه کنید.



لازم است. ما روشی را مدنظر داریم که در مجلس هم پیگیری می‌شود و مربوط به بحث قیمت آب است که شاید پیمانکاران درگیر آن نباشد اما باید به عنوان راه حل به آن نگاه کنند. اگرچه ما خرید تضمینی آب را در برخی پروژه‌ها انجام می‌دهیم اما ممکن است این ردیف هم نهایتاً متورم شده و کارایی خود را از دست دهد. نهایتاً ما معتقدیم در بحثهای هدفمندی باید به آب بخش کشاورزی هم پرداخته شود و بپذیریم اگر قرار است کار عمرانی صورت گیرد باید بحث اصلاح و تعیین نرخ در بحث هدفمندی مدنظر قرار داده شود و خود را به طور مستقیم از بحثهای تملک و صندوق خزانه دولت دور کنیم. به هر حال این کارها زمان بر است اما در این مدت سعی می‌کنیم هر جا اعتبار مالی برای پرداخت طلب پیمانکاران وجود داشت از آن بهره بگیریم از جمله گنجانیدن طرح‌ها در مهر ماندگار برای دریافت منابع مالی.

در نهایت جا دارد از زحمات پیمانکاران این بخش تشکر کنم که در کارگاهها زحمت فراوانی را متحمل شدند و هر چه داشتند روی برخی از پروژه‌ها هزینه کردند. انشالله ما نیز شرمندۀ این عزیزان نباشیم و در انجام کارهایی که در حد توان و وسع‌مان

است کوتاهی نکنیم و مباحث را از طریق شرکتهای و پیمانکاران پیگیری کنیم. چنانچه می‌دانید پیرو فرمایشات مقام رهبری سال ۱۳۹۲ سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نام گرفت که حماسه اقتصادی مربوط به سازندگان کشور است تا در اقتصاد کشور تاثیرگذار باشند و تغییر جدی در روند اجرای پروژه‌های کشور داشته باشیم.

مهندس عطایی در پایان این

دیدار با ارائه پیشنهاد تشکیل کارگروهی عنوان کرد: شما فرمودید با تامین اوراق مشارکت توانسته‌اید تا حدی پروژه‌ها را به حرکت درآورید. با توجه به شرایط تحریمی که در کشور وجود دارد باید گفت ۴-۵ سال طول کشیده تا کشورهایی که تحریم بوده‌اند بعد از برداشتن تحریمها به شرایط عادی برگردند. باید فکر کنیم چگونه می‌توان در همین شرایط سازندگی را ادامه داد. در دنیا پروژه‌ها به دو صورت کلید گردان (EPCF) و بیع متقابل صورت می‌گیرد. اگرچه این کار با شرایط فعلی و موردی - مفید است ولی پیشنهاد من این است که کارگروههایی بین انجمنهای پیمانکاری و وزارتخانه‌های مجری برای فراهم کردن تسهیلات تشکیل شود.

متأسفانه بزرگترین مشکل ما این است که به جای این که هر دو طرف به درست کار کردن اهمیت دهند، به منابع شخصی خود



عملکرد متفاوت دولت با پیمانکاران بخش خصوصی واقع

مشکل شرکتهای پیمانکار پروژههای عمرانی عدم تمکین لازم طرف مقابل در برابر قانون است



ماهانامه پیام آبادگران در نظر دارد نقطه نظرها و پیشنهادهای صاحب نظران و مدیران ارشد نهادهای ذیربط را منعکس نماید و با طرح مسائل و مشکلات مبتلابه شرکتهای عضو در ماهنامه گامی در جهت تعامل، همبستگی و آشنایی هر چه بیشتر مدیران ارشد و متخصصان برجسته نهادهای دولتی، حکومتی و عمومی بردارد. به همین منظور و برای پرداختن به مفهوم بخش خصوصی، جایگاه قانونی و برداشتهای متفاوتی که از آن

شده به دیدار دبیر کانون سراسری انجمنهای ساختمانی، تاسیساتی و تجهیزاتی ایران رفتیم.

مهندس احمد رضا چابک متولد سال ۱۳۵۲ شهرستان بروجن و فارغ التحصیل رشته عمران است. وی علاوه بر این که دبیر انجمن چهارمحال و بختیاری است، در انتخابات اخیر کانون سراسری به عنوان عضو هیئت مدیره و دبیر این کانون انتخاب شد. ضمن تشکر از ایشان به خاطر وقتی که در اختیار ماهنامه پیام آبادگران قرار دادند نظر خوانندگان ماهنامه را به مشروح این مصاحبه جلب می نماییم.

می شود. با این توجیه دولت جهت کاهش ضرر حمایت خود را از این بخش انجام میدهد. وجود این شرکتهای شبه خصوصی باعث می شود رقابت صحیحی بین بخش خصوصی واقعی و آنها صورت نگیرد.

این روزها سخن از گفتگوی دولت و بخش خصوصی است. آیا گفتگوی بخش خصوصی با دولت به نتیجه مطلوبی منتج خواهد شد؟

ما دولتی داریم که به جای متکی بودن به بخش خصوصی به نفت و سرمایه های ملی وابسته است. دولتها در کشورهایی که نفت ندارند ناچارند از محل مالیاتی که از بخش خصوصی می گیرند به اداره کشور پردازند و در این شرایط بخش خصوصی توانمندی می خواهند که خوب کار کند و بتواند با کسب درآمد مالیات مناسبی پرداخت نماید. در این وضعیت دولت راهی غیر از حمایت از بخش خصوصی ندارد اما در کشور ما اوضاع این گونه نیست و با وجود منابع مالی حاصل از فروش نفت و ذخایر خدادادی، چه بخش خصوصی باشد و چه نباشد دولت پول کافی دارد و به همین دلیل گاهی نگاه ارباب-رعیتی بین دولت و بخش خصوصی وجود دارد زیرا که دولت وابسته به منابع تخصیصی از بخش خصوصی نیست.

البته دولت از گفتگو و تعامل برای واگذاری اقتصاد به بخش خصوصی دم می زند اما عملاً اتفاقی نمی افتد. در کشورهایی که وابسته به مالیات هستند اگر بخش خصوصی در مورد چیزی

هنوز تعریف مفهوم بخش خصوصی که در قانون اساسی به صورت اصل آمده است، در قوانین تفصیلی که می بایستی مجلس شورای اسلامی آن را تهیه و تدوین نماید حدود و ثغور آن مشخص نیست. به نظر شما مبهم بودن این تعریف چه تاثیری در رویکردهای اقتصادی ما دارد؟ و با توجه به این موضوع آینده پیش روی بخش خصوصی را چگونه می بینید؟

در مورد تعریف بخش خصوصی حق مطلب ادا نشده و اگر هم تعریفی صورت گرفته، تعریف مبهمی بوده است. متأسفانه در تعبیر حاضر هر بخشی را که دولتی یا تعاونی نباشد بخش خصوصی می دانند در حالی که بخش خصوصی بخشی است که ضرر و زیان مربوط به عملیات اقتصادی خود را می پذیرد. اما عملاً امروزه بخشهایی به نام بخش خصوصی در کشور فعالیت می کنند که این شرایط را ندارند. البته در حوزه پیمانکاری چون منابع ملی توسط دولت هزینه می شود و قرار نیست پیمانکار سرمایه گذار باشد و به نوعی اجرا کننده است این خلط موضوع بیشتر اتفاق افتاده است. و در مجموع تعریف بخش خصوصی مخصوصاً در حوزه صنعت احداث به درستی انجام نگرفته است. وقتی شرکت پیمانکاری طرف قرارداد با دولت براساس سوء مدیریت ضرر و زیان می بیند دولت در این مورد دخالت نمی کند و هر گونه ضرر و زیانی از جیب صاحبان آن شرکت پرداخت می شود. اما در مورد بقیه بخشهای به اصطلاح خصوصی ضرر را فرد پرداخت نمی کند و زیان حاصله متوجه بودجه های عمومی



سالیان سال با امیدواری تلاش می‌کند. بی‌شک هر اقدامی اثراتی دارد که اگر در ظرف زمان سنجیده شود به نظر مقرون به صرفه نمی‌آید اما انجام ندادن آن نیز خطاست. به هر صورت همیشه منابع طبیعی در اختیار نیستند و بخش خصوصی باید تمرین و ممارست لازم را برای آن زمان داشته باشد تا در شرایطی که دولت عزم خود را برای صرفه‌جویی در این منابع جزم می‌کند یا این منابع به پایان می‌رسد، قادر به ایفای نقش کارآفرینی و سرمایه‌گذاری باشد.

■ **جایگاه تشکلهای حرفه‌مند را در گفتگوی دولت و بخش خصوصی چگونه می‌بینید؟ از اقدامهای این تشکلهای برای حل مشکل شرکتهای عضو به چه مواردی می‌توان اشاره کرد؟**

– اگر طی ۱۰-۱۵ سال اخیر به لیست انتظار درخواست‌های بخش خصوصی از دولت نگاه کنیم این لیست نقاط مشترک زیادی را نشان می‌دهد. یعنی مشکلات طی سالهای مختلف تکرار شده‌اند که همین تکرار نشان دهنده حل نشدن آنهاست. این رویکرد در صورتی تغییر می‌کند که تغییرات بنیادینی بین روابط دولت و بخش خصوصی اتفاق افتد. البته تا وقتی پول نفت باشد، دولت کار را واگذار کند و پیمانکاران مجبور به ارائه قیمت‌های پایین برای گرفتن پروژه‌ها باشند این رویه عوض نخواهد شد.

متأسفانه برای تغییرات بنیادین زمان لازم است و نمی‌توان برای اعمال این تغییرات زمان را متوقف کرد. ما نمی‌توانیم

معارض شود دولت به آن توجه می‌کند چون بدون این بخش چرخ بسیاری از امور از حرکت می‌ماند اما در کشور ما منابع خدادادی به قدری زیاد است که حتی راه اندازی بخشی‌های موازی با بخش خصوصی را ممکن می‌کند، اتفاقی که در حوزه پیمانکاری با ایجاد نهادهای مختلف افتاده است.

عملکرد دولت در قبال پیمانکاران بخش خصوصی و شبه خصوصی نیز متفاوت است. نگاه دولت این است که وقتی کار به بخشهای شبه خصوصی واگذار می‌شود فرد خاصی منفعت

مهندس چابک:

در بسیاری از کشورهای دنیا از نیروها و پتانسیل بخش‌های حاکمیتی در شرایط غیر جنگی، جهت کاهش هزینه‌های بخش خصوصی استفاده شده و به این وسیله بخش خصوصی خود را برای رقابت در بازارهای جهانی حمایت می‌کنند.

نمی‌برد و تصمیم‌گیری نیز بر عهده یک فرد نیست. این نگاه، نقطه آغاز تفاوت گذاشتن بین این بخشها است. با این حساب دولت عکس‌العملی در قبال شکست یا اضمحلال بخش خصوصی ندارد اما تمام تلاش خود را می‌کند تا بخش شبه خصوصی را حتی از آستانه شکست بازگرداند. در بسیاری از کشورهای دنیا از نیروها و پتانسیل بخش‌های حاکمیتی در شرایط غیر جنگی، جهت کاهش هزینه‌های بخش خصوصی استفاده شده و به این وسیله بخش خصوصی خود را

برای رقابت در بازارهای جهانی حمایت می‌کنند، ولی متأسفانه این موضوع در کشور ما کاملاً برعکس اتفاق افتاده، یعنی این بخش‌ها به عنوان یک بخش خصوصی قدرتمند و مورد حمایت دولت وظیفه دارند بخش خصوصی واقعی را ضعیف و از میدان رقابت حذف نموده و در نهایت آنها را بعنوان عوامل اجرایی خود (با عقد قراردادهای دست دوم) به خدمت گیرند

با این وجود در هر شرایطی حتی شرایط سخت باید رفتاری مانند رفتار قطره آب داشت که برای راه باز کردن در دل صخره



می‌زدند دولت نمی‌توانست خواسته آنها را بدون پاسخ بگذارد. متأسفانه برخی از مدیران تشکل‌های صنفی به این امر دامن می‌زنند و به نوعی حاضر نیستند به نفع سایر اعضا از برخی منافع تشکل خود بگذرند.

باید تشکلها به این نتیجه برسند که متحد و یکپارچه بودن ضرورت امروز است. در شرایط فعلی، شاید الگوی مناسب این باشد که پیمانکاران، یک تشکل واحد با هیات مدیره‌ای متشکل از تمام رشته‌های پیمانکاری داشته باشند.

پیگیر مسائل روزمره نباشیم اما برای حل مشکلات کلان نیز باید سیاست‌گذاری و کلان‌نگری شود. بدون شک بیشترین درصد مشکل شرکت‌های ما عدم وجود بخشنامه یا قانون نیست بلکه عدم تمکین طرف مقابل در برابر قانون و وتوی یک طرفه آن است. چنانچه در بسیاری موارد اتفاق می‌افتد که شرکت با قرارداد مشخصی وارد کار می‌شود که طبق آن، مسئولیتهای وی معین و در موارد عدول احتمالی با وی برخورد می‌شود اما در مقابل، کارفرما حاضر به انجام وظایف خود که در قرارداد ذکر شده نیست و ساز و کاری هم برای تمکین کارفرما وجود

ندارد. در چنین مواردی شرکتها از تشکلها انتظار پیگیری دارند. این امر خلاف تعریف کلان‌نگری به عنوان وظیفه اصلی تشکلها است اما به هر حال واقعیت دارد. در واقع به حدی مشکلات شرکت‌های پیمانکار زیاد است که تلاش برای بقاء آنها فرصتی برای پرداختن به اهداف بلندمدت، چشم‌اندازها و استراتژی‌ها باقی نمی‌گذارد. با این توضیحات نمیتوان جایگاه تشکل‌ها را در گفتگو با دولت مطلوب ارزیابی کرد

مهندس چابک:

بدون شک بیشترین درصد مشکل شرکت‌های ما عدم وجود بخشنامه یا قانون نیست بلکه عدم تمکین طرف مقابل در برابر قانون و وتوی یک طرفه آن است.

■ به نظر شما شورای هماهنگی توانسته در متحد و یکپارچه کردن تشکلها گام‌های موثری بردارد؟

البته شورای هماهنگی در این راستا حرکت کرده است اما با آن ایده‌آلی که برای آن در نظر گرفته شده بود فاصله زیادی دارد. متأسفانه مسئولان صنفها به دلیل برخی مسائل، تکرر را خوش‌آیند می‌دانند اما به محض لزوم اقدامی جمعی متوجه فقدان همگرایی می‌شوند و برای

جبران فاصله به وجود آمده اقدام به تشکیل جلساتی گروهی می‌کنند تا دوباره دور هم جمع شوند. اما قدرت این گردهمایی‌ها به اندازه اقدام یک تشکل منسجم و رسمی نیست.

■ رابطه دولت و تشکل‌های ساختمانی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ با توجه به لزوم جابه‌جایی و تبدیل بخش خصوصی از کارگزاری به کارآفرینی چه نظری دارید؟

دولت در بخش تشکل‌های ساختمانی به عنوان متولی، منابع مالی ملی را صرف انجام کارهای عمرانی در کشور می‌کند. برای این منظور نیازسنجی، مطالعات تطبیقی هزینه و فایده، تهیه دستورالعمل‌های مورد نیاز و در نهایت ارائه طرح را به

■ طی سالهای اخیر شاهد شکل‌گیری انجمنها و تشکل‌های زیادی هستیم. آیا انجمنها و تشکلها در رسیدن به مطالبات قانونی اعضای خود موفق بوده‌اند؟ با چه راهکارهایی می‌توان تاثیرگذاری تلاش این گروهها را افزایش داد؟

افراد که در بسیاری از این انجمنها کار می‌کنند واقعا باید عاشق باشند چون در انجمنها چیزی به غیر از تلاش شبانه‌روزی در انتظار افراد نیست. با این همه تعدد انجمنها باعث واگرایی اعضای آنها و موازی‌کاری می‌شود و موجب پراکندگی در امور است. اگر همه انجمنها در یک مجموعه واحد، حرف واحدی



بدهد، اما در چه بستری؟ در کشورهایی که دولتها به مالیات اخذ شده از بخش خصوصی وابسته هستند، حساب بانکی تک تک افراد تحت کنترل بوده و در صورت افزایش خراج از عرف، مردم باید در قبال درآمد خود پاسخگو باشند و مستندات خود را در ارتباط با انجام فعالیت اقتصادی و پرداخت مالیات مربوط به آن را ارائه نمایند. در غیر اینصورت مشمول جرائم سنگین معادل سود حاصله می‌شوند به همین دلیل دلالتی رونقی ندارد و

افرادی که سرمایه دارند برای سرمایه‌گذاری مطمئن به دنبال کارآفرینهای مناسب می‌گردند. اما در کشور ما وضعیت کاملا متفاوت است افرادی که با واسطه‌گری نظم بازار وضعیت اقتصادی کشور را برهم می‌زنند و حتی برای یک نفرایجاد اشتغال نمی‌کنند، سودهای کلان بی‌زحمت و مشقت به دست می‌آورند و از پرداخت مالیات معافند. در مقابل کسانی که اینگونه نیستند و فعالیت شفاف اقتصادی، انجام می‌دهند به دلیل پذیرش ریسک ناشی از همین افزایش قیمت ها و عدم پرداخت مطالبات توسط کارفرما (دولت)، روز به روز شاهد بی‌ارزش شدن سرمایه خود (که در راه سازندگی و آبادانی کشور مصروف نموده اند) هستند.

با وجود چنین بستری نه تنها امکان جذب سرمایه بخش خصوصی در پروژه‌های عمرانی وجود ندارد بلکه اگر به همین منوال پیش برویم این اندک انگیزه باقی مانده در بخش خصوصی برای آبادانی کشور را هم از دست می‌دهیم.

مهندس چابک:

تبدیل شدن بخش خصوصی به کارآفرین شرایط ایده‌آلی را روبروی این بخش قرار می‌دهد اما باید دید در این مقطع که دولت ما با مشکل فروش نفت و تامین منابع مالی مواجه شده، بخش خصوصی می‌تواند به عنوان کارآفرین ظاهر شود. آیا در بستر اقتصادی موجود چنین امری ممکن است؟

عهده می‌گیرد و شرکت پیمانکار بعنوان نماینده بخش خصوصی فقط یک کارگزار یا عامل اجراست و نمی‌تواند در هیچ یک از امور فوق دخالت نماید. اما اگر دولتها منابع مالی نداشتند یا از منابع ملی برای ساخت پروژه‌ها استفاده نمی‌کردند، وبه دنبال سرمایه‌گذار بودند آن موقع نقش تشکلهای ساختمانی بعنوان کارآفرین نمود پیدا میکرد. زیرا در این حالت کار کارشناسی انجام شده در یک پروژه عمرانی از مطالعات اولیه گرفته تا نیازسنجی‌ها باید بر اساس

اصل هزینه و فایده صورت می‌پذیرفت تا بتواند توجیه لازم را برای مشارکت سرمایه‌گذار داشته باشد چون یک فکر اقتصادی می‌تواند سرمایه‌گذاران را جذب کند.

تبدیل شدن بخش خصوصی به کارآفرین شرایط ایده‌آلی را روبروی این بخش قرار می‌دهد اما باید دید در این مقطع که دولت ما با مشکل فروش نفت و تامین منابع مالی مواجه شده، بخش خصوصی می‌تواند به عنوان کارآفرین ظاهر شود. آیا در بستر اقتصادی موجود چنین امری ممکن است؟ وقتی ما در مملکتی زندگی می‌کنیم که سود حاصل از دلالتی و خرید و فروشها در مدت زمان کوتاه، حداقل ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد برگشت سرمایه دارد کدام سرمایه‌گذاری در پروژه عمرانی با سود اندک، که برگشت سرمایه آن حداقل یک سال طول می‌کشد سرمایه‌گذاری می‌کند؟ البته لازم است که مجریان پروژه‌های ساختمانی از کارگزاری به کارآفرینی برسند و دولت از وضعیت توزیع‌کننده به وضعیت تنظیم‌کننده تغییر مکان





مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست

دکتر علی اکبر نجفی
شرکت بلند پایه



در دومین کنفرانس "رویکردهای نوین در نگهداشت انرژی" که در تاریخهای ۱۲ و ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۹۱ در دانشگاه تهران برگزار شد، همزمان با ارائه مقالات در سالنهای جنبی، پنلهای تخصصی با موضوعات مشخصی تشکیل گردید. در هر پنل تعدادی از صاحب نظران حضور داشتند و قرار بود در چارچوب موضوع پنل، مسایل را مورد بحث قرار دهند. در پنل "نقش صنعت احداث در آینده تولید و مصرف انرژی" آقای دکتر علی اکبر نجفی مطالبی را عنوان نمودند که خلاصه آن با کمی اضافات ذیلا جهت اطلاع خوانندگان گرامی نشریه آبادگران درج می گردد.

بازنگری نقش صنعت احداث در تولید و مصرف انرژی

بطور کلی ارتباط صنعت احداث با موضوع نگهداشت انرژی را در چهار حوزه می توان بررسی نمود: الف) تولید مصالح و تجهیزات، ب) مرحله طراحی، ج) دوره اجرای پروژهها، د) دوره بهره برداری از پروژهها

الف) تولید مصالح و تجهیزات: تولید مصالح و تجهیزات در معادن، کارگاهها و کارخانجات صنعتی صورت می پذیرد، لذا بخش صنعت و معدن متولی بهینه سازی مصرف انرژی در این حوزه است. صنعت احداث که در واقع مصرف کننده تولیدات این حوزه است می تواند محصولاتی را انتخاب نماید که در تولید آنها به امر مصرف بهینه انرژی و ملاحظات زیست محیطی توجه شده باشد و خود این محصولات نیز در راستای کاهش مصرف انرژی طراحی و تولید شده باشند. همچنین صنعت احداث می تواند تا میزان قابل توجهی کالاهای حاصل از بازیافت را استفاده نموده و نیز کالاهایی را بکارگیرد که بعدا قابل بازیافت باشند.

ب) مرحله طراحی: این مرحله تعیین کننده ترین مرحله در دستیابی به توسعه متوازن و پایدار است. عملکرد مشاور یا پیمانکار طرح و ساخت یک پروژه بیشترین تاثیر را در ملاحظات مربوط به مصرف انرژی و محیط زیست خواهد داشت. چنانچه طراح از آخرین دستاوردهای علمی و فنی مطلع و از آثار ناشی از عملکرد خود آگاه باشد، می تواند طراحی پروژه ای را از منظر انرژی و زیست محیطی به وضعیت ایده آل نزدیک گرداند. در مرحله طراحی مفهومی و طراحی پایه تصمیم های بنیادین پروژه گرفته می شود و انتخاب مصالح و تجهیزات مناسب در مرحله طراحی تفصیلی صورت می پذیرد.

ج) دوره اجرای پروژهها: در این مرحله مجریان یک پروژه بالاترین تاثیر را در مصرف انرژی بطور اعم و مصرف سوخت به طور اخص دارند. مرحله اجرا شامل ساخت قطعات و تجهیزات، حمل و نقل، اجرای عملیات ساختمانی، اجرای عملیات نصب و راه اندازی می گردد. در پروژه هایی که در آنها استفاده از



با پیش‌بینی مصرف انرژی اطمینان حاصل نمایند. موضوع بررسی‌های فنی پس از تحویل پروژه می‌تواند در بازنگری نظام فنی اجرائی کشور مدنظر قرار گیرد.

تدوین ضوابط مرتبط با نگهداشت انرژی

با وجودی که در سالهای اخیر توجه به اهمیت موضوع منجر به برداشتن گام اول در این رابطه گردیده (انتشار مبحث نوزدهم مقررات ملی ساختمان)، به نظر می‌رسد هنوز نیاز به تدوین ضوابط منسجمی برای بهینه‌سازی تولید و مصرف انرژی وجود دارد. این ضوابط بایستی عوامل مختلف دخیل در موضوع از قبیل مصالح، نیروی انسانی و ماشین‌آلات و همچنین مراحل

متنوع چرخه حیات پروژه‌ها از قبیل تصمیم‌گیری اولیه، طراحی مفهومی، طراحی تفصیلی، ساخت، اجرا، بهره‌برداری و نگهداری را در بر بگیرد. از سوی دیگر تدوین معیارهایی برای ارزیابی طرح‌ها از نقطه نظر مصرف، نگهداشت و باز مصرف انرژی ضروری به نظر می‌رسد تا با استفاده از این معیارها بتوان میزان تطبیق طرح‌ها با الزامات مصرف بهینه انرژی و ملاحظات زیست‌محیطی را اندازه‌گیری و امتیازدهی نمود. براین اساس علاوه بر ارزش یافتن طرح اجرا شده از دیدگاه بازاریابی، می‌توان مشوق‌ها یا جوایزی برای دست‌اندرکاران تکوین این پروژه‌ها در نظر گرفت.

مباحث فوق در کشورهای پیشرفته از چند دهه قبل مطرح شده و علاوه بر تدوین ضوابط و دستورالعملها، استانداردسازی معیارهای ارزیابی شکل گرفته است. شورای ساختمان سبز امریکا (USGBC) طی برنامه‌ای تحت عنوان پیشگامی در

ماشین‌آلات نقش بیشتری دارد، مانند پروژه‌های راهسازی و سدسازی، توجه به راندمان ماشین‌آلات موجب صرفه‌جویی‌های قابل ملاحظه در مصرف حامل‌های انرژی می‌گردد. یکی از آثار اعمال طرح هدفمندسازی یارانه‌ها توجه جدی به میزان مصرف سوخت در اجرای پروژه‌ها بوده و این موضوع که تاثیر افزایش بهای سوخت به طور کامل در تعدیل قیمت‌ها لحاظ نگردیده اقتضا نموده شرکت‌های پیمانکاری علاوه بر سازماندهی بهتر عوامل اجرائی و ماشین‌آلات، در راستای استفاده بهینه از منابع انرژی برنامه‌ریزی نمایند. امید است جامعه دانشگاهی و موسسه تحقیق و توسعه صنعت احداث در زمینه کاهش مصرف سوخت، بازیافت مصالح، تبدیل و نگهداشت انرژی، صنعت

احداث کشور را یاری نمایند. یادآور می‌شود با وجودی که در طرح هدفمندسازی جبران آثار افزایش بهای سوخت (به صورت وام با بهره کم) برای بخش‌های صنایع و کشاورزی در نظر گرفته شده، و علیرغم ابلاغ بخشنامه جبرانی و اعلام شاخصهای تعدیل، هنوز تاثیر واقعی افزایش بهای سوخت روی هزینه اجرای پروژه‌ها لحاظ نمی‌گردد.

دوره بهره‌برداری از پروژه‌ها:

در این دوره غالباً بخش خصوصی فعال در صنعت احداث، به استثنای

قراردادهای BOT، نقش چندانی ندارد. در قراردادهای BOO، سازنده از نقش پیمانکاری خارج و مالک پروژه می‌شود لذا در این حالت به عنوان فعال صنعت احداث تلقی نمی‌گردد. پیشنهاد می‌شود صاحبکاران، مشاوران و پیمانکاران، پس از تحویل هر پروژه به طور ادواری از پروژه بازدید کنند و کارشناسان کنترلرها و اندازه‌گیریهای لازم را انجام دهند تا از عملکرد طرح در تطبیق

یکی از آثار اعمال طرح هدفمندسازی یارانه‌ها توجه جدی به میزان مصرف سوخت در اجرای پروژه‌ها بوده و این موضوع که تاثیر افزایش بهای سوخت به طور کامل در تعدیل قیمت‌ها لحاظ نگردیده اقتضا نموده شرکت‌های پیمانکاری علاوه بر سازماندهی بهتر عوامل اجرائی و ماشین‌آلات، در راستای استفاده بهینه از منابع انرژی برنامه‌ریزی نمایند.





LEED یا استفاده از LEED به عنوان یک الگو یا اساساً طراحی ضوابط و معیارهای بومی. در هر حال ضرورت تدوین و به کارگیری چنین ضوابطی بیش از پیش احساس می‌شود.

نقش آموزش در بهینه‌سازی مصرف انرژی

موضوع آموزش و اطلاع‌رسانی در زمینه مصرف بهینه انرژی و حفظ منابع انرژی را می‌توان در چند حوزه بررسی نمود: حوزه عمومی، حوزه تخصصی، حوزه بهره‌برداران.

حوزه عمومی تمام آحاد جامعه را دربر می‌گیرد که بایستی اطلاعات عمومی راجع به موضوعاتی از قبیل نحوه تولید انرژی، مصرف بهینه انرژی، حفظ انرژی و بازیافت انرژی را کسب نمایند. فراگیرترین ابزار اطلاع‌رسانی، وسایل ارتباط جمعی چون صدا و سیما، روزنامه‌ها و نشریات‌اند. بدیهی است حجم وسیعی از اطلاعات عمومی راجع به مسایل فوق در دنیای اینترنت قابل دسترسی می‌باشد. افزایش آگاهی، ایجاد احساس مسئولیت در عموم مردم و پاسخ خواهی از مسئولین از وظایف اصلی رسانه‌هاست. علاوه بر اینها، آموزش کلاسیک در زمینه‌های پیش گفته در کلیه سطوح تحصیلی از دوره ابتدائی تا تحصیلات عالی توجه به نگهداشت انرژی را به طور بنیادین و درازمدت تضمین می‌نماید. ایجاد روحیه خلاق در دانش‌آموزان و دانشجویان برای رعایت اصول مصرف بهینه انرژی و ارائه راه‌حلهای مناسب در آینده راهکاری اساسی در این رابطه بشمار می‌رود.

حوزه تخصصی درواقع محققین، طراحان و سازندگان را دربر می‌گیرد. تحقیقات برنامه‌ریزی شده و جهت‌دار که صرف پیدا کردن راه حل برای مسایل انرژی و محیط زیست شوند نوک پیکان حرکت جامعه به سوی بهره‌برداری صحیح از منابع انرژی محسوب می‌گردند. جستجوی مهندسی برای یافتن راه‌حلهای مناسب و افزایش اطلاعات تخصصی هنگام طراحی پروژه‌ها نقش غیرقابل انکاری در بهبود شرایط ساخت و ساز از دیدگاه حفظ انرژی و محیط زیست دارد. مهندسان معمار، عمران و تاسیسات علاوه بر الزام به گذراندن دوره‌های به روزسازی دانش فنی خود، بایستی با روشهای مختلف به استفاده از دانسته‌های خویش و نوآوری در امر صرفه‌جویی در مصرف انرژی تشویق گردند.

بهره‌برداران از پروژه‌ها نیز بایستی به دانش استفاده بهینه از منابع انرژی آراسته شوند تا با روش‌های مناسب و کم هزینه بتوانند آنچه ساخته شده را به خوبی نگهداری و چرخه حیات مجموعه‌ها را طولانی نمایند. لزوم آموزش به بهره‌برداران از دیرباز در پروژه‌های مهم مرسوم بوده و همواره دستورالعملهای تعمیر و نگهداری امکانات در مرحله تکمیل پروژه‌ها تدوین و در اختیار بهره‌برداران قرار می‌گرفته است. اکنون که نگهداشت انرژی از یک ضرورت به یک اضطرار تبدیل شده لازم است برای همه بخشهای مستحدمات دستورالعملهای راهبری سهل و دقیق به منظور مصرف بهینه انرژی و حفظ محیط زیست تدوین و بهره‌برداران ملزم به عمل بر طبق آنها گردند.

طراحی انرژی و زیست محیطی (LEED) چارچوبی طرح‌ریزی نموده است که مالکین پروژه‌ها بتوانند راه‌حلهای عملی و قابل اندازه‌گیری برای طراحی، ساخت، عملکرد و نگهداری را شناسایی و اعمال نمایند. این برنامه داوطلبانه، عقلانی، جامع، انعطاف‌پذیر و بازارمحور است و امکان ارزیابی شخص ثالث را برای پروژه‌ها فراهم می‌نماید. تاکنون ضوابط LEED در ۱۳۵ کشور به کار گرفته شده‌اند و بیش از نیمی از پروژه‌های ارزیابی شده خارج از ایالات متحده بوده‌اند.

نوع اجرای بناها در برنامه LEED به دو قسمت:

(۱) نوسازی و بازسازی عمده
(۲) بازسازی بناهای موجود تفکیک و انواع بناها به شرح زیر تقسیم بندی شده‌اند:

- بناهای دارای هسته و پوسته (Core & Shell)
- فضاهای محل کار (LEED for Commercial Interiors)
- فضاهای تجاری (فروشگاهی، غذاخوری، بانک و ...)
- (LEED for Retail)
- بناهای مسکونی (LEED for Homes)
- محله‌ها (LEED for Neighborhood Development)
- مدرسه‌ها (LEED for Schools)
- بناهای بهداشتی و درمانی (LEED for Healthcare)

برنامه LEED سامانه امتیازدهی را طراحی نموده که در آن برای هر نوع بنا که در بالا اشاره شد گروهی از الزامات در نظر گرفته شده‌اند. بر اساس این الزامات هر بنا امتیازاتی را کسب می‌کند که جمع این امتیازات نشان‌دهنده سطحی از تطبیق با الزامات LEED است. حداکثر امتیاز برای بناهای تجاری و محله‌ها ۱۱۰ امتیاز و برای بناهای مسکونی ۱۳۶ امتیاز است. حداقل امتیازی که یک بنا بایستی برای اخذ تایید و دریافت گواهینامه LEED بدست آورد، برای بناهای حالت اول ۴۰ امتیاز و برای حالت دوم ۴۵ امتیاز می‌باشد.

برای ایجاد چارچوبی که به موجب آن بتوان مستحدمات را در کشور از دیدگاه انرژی و محیط زیست ارزیابی نمود، هر یک از روشهای زیر امکان‌پذیر است: استفاده مستقیم از ضوابط



اشاره: سومین کنفرانس بین‌المللی صنعت احداث ایران به عنوان بزرگترین رویداد توسعه‌ای بخش خصوصی کشور، ۱۸ و ۱۹ آذرماه سال جاری در مرکز همایش‌های بین‌المللی هتل المپیک تهران برگزار شد. این کنفرانس با همیاری شانزده تشکل بزرگ صنعت احداث برگزار شد و پرداخت مطالبات معوق پیمانکاران، تعامل هر چه بیشتر بخش خصوصی با بخش دولتی و همچنین مجلس برای رفع مشکلات پیش روی بخش خصوصی و صنعت توسعه‌ای کشور از جمله موضوعهای کلیدی مورد بحث و مطرح شده در آن بود. برای اطلاع خوانندگان محترم ماهنامه، قطع نامه پایانی این کنفرانس درج می‌شود.



در آینده امروز آینده را رصد کنیم

یاد آوری آنچه که بر حرفه و صنعت احداث گذشت مبین این است که صنعت شدیداً نیازمند پایگاه اجتماعی است تا بجای نظاره کردن وقایع و مواجه شدن با رویکردهای یکطرفه، حضوری مؤثر در مدیریت و مشارکت در اداره امور کشور داشته باشد. شرایط و پیامهای واصله از گردش اوضاع پیش رو روزنه هایی از فرصت را باز

کرده است که همبستگی و خرد جمعی بهره‌گیری از این موقعیت را میسر خواهد نمود و لذا ایجاب می‌نماید در این فاصله زمانی کوتاه با برنامه ریزی هوشمند و زیرکانه بصورت فشرده و با عزم جدی خود را مهیا و ورود به حوزه های تصمیم‌گیری و اثر گذاری در آینده سازی و اصلاح کارکرد گذشته نمود و همواره این سوال را با خود زمزمه نماییم: **چقدر ایران را دوست می‌داریم** و برای تحقق این علاقمندی تا کجا و به چه قیمت آمادگی داریم اگر جدی هستیم ساختار و سازمان اجرائی آن را طراحی نماییم و باور داشته باشیم که اگر بخواهیم می‌توانیم. ایران مهجور و خسته امروز تشنه و مشتاق تدبیر، اندیشه، خدمت و تلاش بی وقفه برای برون رفت از این ورطه هولناک تاریخ است اگر درست حرکت نکنیم و آینده را موافق خواسته های خود و منافع ملی طراحی نماییم آینده ما را آنطور که دیدیم در حاشیه اداره خواهد کرد که پیامد آن پیمودن راهی دشوار و نافرجام است بهر حال به حکم عقل و داوری اکثریت، آینده از آن کسانی است که بهای آنرا پرداخت می‌کنند. در حالیکه اعتماد، امید و باورهای جامعه به بازی گرفته شده و همه سرگردان بدنبال پناهگاه امن و قافله سالار پیروز و موفق می‌باشند فرصت بی نظیری است برای پاسخگویی به نیازها و انتظارات انباشته از طریق یارگیری و گشودن آغوش محبت و صداقت بر روی کسانی که از فرط سرخوردگی و نگرانی از آینده بصورت انبوه و بالقوه آزرده بوده و با تمام ظرفیت از بهبود مدیریت کشور استقبال می‌نمایند و بهره‌گیری از این وضعیت و جذب عناصر دفع شده از مشارکت، مجال مغتنمی است که نیازمند برنامه ریزی، تدبیر، تلاش و سازماندهی است تا در رسیدن به اهداف متعالی توسعه اجتماعی از مصادیق این بیت باشیم.

دست حق را دیدی و نشناختی ما گرفتیم آنچه تو انداختی

هر حرکت جمعی که به قصد تقرّب به خلق و خالق باشد دست خداهم به همراه جماعت است.



ورود بخش خصوصی و ساز و کار سازمانی، راه حل مشکل بافت فرسوده

تهیه و تنظیم: شرکت عمران صنعت مارلیک



دیباچه

شهر را می‌توان به سان یک موجود زنده همانند انسان دانست که سلامت آن، در گرو سلامت تک تک اجزاء و اعضای آن است. کارکرد صحیح و درست او هنگامی اتفاق می‌افتد که تمامی اعضاء ضمن فعالیت صحیح با یکدیگر در تعامل و همکاری باشند. میتوان بافت فرسوده را یکی از اعضای این موجود زنده دانست که به شدت فرتوت، ناکارآمد و آسیب پذیر است و سلامت خود و سایر اعضاء را تهدید می‌کند و مهمترین مشخصه آن عدم هماهنگی با سیستم کلان شهری و ناکارآمدی عملکردی است که عمدتاً براساس فقدان یک برنامه جامع شهری به وجود آمده اند.

این مقاله سعی دارد با تشریح وضعیت موجود و نقد کوتاه سیاست های جاری نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده، ورود ساز و کار سازمانی و شرکت های عمرانی را به بافت های فرسوده پیشنهاد نماید و سخنی چند از مزایای آن به میان آورد و در آخر نیز از تجربه های شرکت عمران صنعت مارلیک در این عرصه مطالبی چند بیان کند.

مقدمه

در ادبیات علمی جهان که بافت فرسوده به "شهر درونی" نیز یاد میشود این چنین تعریف می‌شود:
"بافت فرسوده شهری به عرصه هایی از محدوده قانون شهرها اطلاق می‌شود که به دلیل فرسودگی کالبدی، عدم برخوردارگی مناسب از دسترسی سواره رو، تأسیسات، خدمات و زیرساخت‌های شهری آسیب پذیر بوده و از ارزش مکانی، محیطی و اقتصادی نازلی برخوردارند."

شاخص ترین مشکلات و مخاطرات بافت های فرسوده را

می توان موارد ذیل دانست:

۱. خطر پذیری در برابر زلزله
۲. مشکلات زیر ساختی توسعه شهری
۳. فرسودگی حامل های انرژی
۴. معابر تنگ و باریک و غیرقابل دسترسی
۵. فقر محیطی و بالا بودن بزهکاری های اجتماعی



۶. فقدان زیر ساختهای شهری مانند فضای سبز
۷. فقدان سیستم حمل و نقل شهری ایده آل
۸. تنگنا در توسعه ارگانیک و شهرسازی مدرن
۹. هزینه های سنگین نگهداری شهری

وضعیت جاری

با تعریف فوق و تفکیک بافت های فرسوده از سایر بافت ها هم اکنون ۷۰ هزار هکتار بافت فرسوده در ایران شناسایی گردیده که تهران در آن سهم عمده ای دارد. (به نقل از پایگاه اینترنتی شرکت مادر تخصصی نوسازی و بهسازی شهری ایران) طی سالهای پیشین سیاست ها و راهکارهای گوناگونی در جهت نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده وضع گردیده که احیای این بافت ها را به میزان ناچیزی به پیش برده است اما حجم عظیم باقیمانده نشان از کم کارآمدی این سیاست ها و نیاز به بازنگری آنها دارد.

تحلیل و آنالیز سیاست موجود نشان دهنده چندگانگی مسئولیت سازمان ها و نهادهای مسئول و نیز بوروکراسی و پیچیدگی مراحل اداری است که باعث گردیده که ساکنان و مالکین مستقر در این بافت ها را با چالشی بزرگ مواجه شوند. مشکل دیگر آن است که عمده ساکنان این بافت ها از قشر متوسط جامعه تشکیل شده اند که سرمایه کافی را برای نوسازی نداشته و نیازمند مساعدت و تخصیص تسهیلات و منابع مالی هستند. این در حالی است که این مشکل از یک سو با پیچیدگی اداری بانکی مواجه است و از سوی دیگر این تسهیلات قائل به شخص و فرد محور به جای شرکت و سازمان محور است که سطرهای آینده به تفصیل آن خواهیم پرداخت.

مشکل دیگر ساخت و سازهای سنتی، تجربی و غیرمهندسی و ترازد مشکلات بر مشکلات قبلی است به نحوی که بنای غیر فنی جدید دارای مخاطرات بسیار بیشتری نسبت به ابنیه ای

است که هنوز بازسازی نشده است، در شیوه فعلی برای کاهش هزینه های ساخت و هزینه تمام شده از کیفیت مواد و مصالح کاسته شده و آنچه هم که مورد استفاده قرار می گیرد با ضایع کردن مصالح و سرمایه های ملی همراه است.

به اعتقاد نویسندگان اما آنچه با تمام مشکلات موجود در بازسازی بافت های فرسوده شهری دیده می شود فقدان ساز و کار لازم جهت ورود سرمایه گذاران بخش خصوصی به این عرصه است که در پیشنهاد سطرهای آتی به آن پرداخته شده است.

پیشنهاد: ساز و کار سازمانی

بدیهی است که دولت به تنهایی نمی تواند عهده دار مسئولیت احیای بافت فرسوده گردد و تا کنون تجربه نشان داده است مردم هم به تنهایی قادر به نوسازی نیستند. و حلقه مفقوده در این میان ساز و کار سازمانی است.

آنچه که در شرایط فعلی سیاست گذاران این عرصه از آن مغفول مانده اند، پتانسیل شرکت های ساختمانی برای ورود به عرصه توسعه بافت های فرسوده است. پتانسیلی که می تواند در صورت تأمین شرایط وارد این عرصه شده و سرعت کند ساخت و ساز فعلی را افزایش چشم گیری بخشد. شرکت ها و بخش خصوصی توانایی، زیر ساخت، منابع و امکانات کافی برای ورود به بخش نوسازی بافت های فرسوده را دارند که می توان این توان انرژی و منابع را وارد بافت فرسوده کرد.

مهمترین دستاوردهای ساز و کار سازمانی و حضور شرکت ها به شرح ذیل خواهد بود:

ورود سرمایه و سرمایه گذار بخش خصوصی

ورود سرمایه و سرمایه گذار بخش خصوصی مهمترین دستاوردی خواهد بود که ورود شرکت ها به عرصه توسعه بافت



آنها با شرکتهای بسیار ایده‌آل‌تر از همکاری آنها با معماران تجربی خواهد بود.

اما اجرای تفکر سازمانی برای ورود شرکتهای به عرصه توسعه بافت فرسوده نیازمند تأمین شرایطی است که بر عهده دولت است که در حل آنها کوشیده و زمینه را برای آنها مناسب نماید.

۱- حمایت از شرکتهای

شاخص‌ترین این شرایط حمایت از شرکتهای است. حمایتی که نهایتاً به اعتماد مردم به ایشان منجر شود و مهمترین پارامتری است که می‌تواند به ورود شرکتهای به بافت فرسوده کمک کند و تا حمایت دولت از شرکتهای نباشد اعتماد مردم به ایشان جلب نخواهد شد. حمایت دولت، الزاماً حمایت مادی و ریالی نبوده چرا که شرکتهای توان جذب سرمایه‌گذار بخش خصوصی برای توسعه و بهسازی بافت فرسوده را دارند و تا حدود بسیاری از این لحاظ از دولت بی‌نیازند.

۲- سیاستهای تشویقی

شرکتهای به جهت هزینه‌های بالاسری مانند بیمه، مالیات و نیز بهای تمام شده بیشتر به جهت تمرکز به کیفی‌سازی و صنعتی‌سازی توان رقابت با سنتی و تجربی‌سازان را نداشته و نیازمند سیاستهای تشویقی و حمایتی دولت‌اند. این سیاستها می‌تواند حذف مالیات، تسهیلات سازمان محور به جای تسهیلات شخص محور و بسیاری دیگر باشد. شرکت عمران صنعت مارلیک با سرمایه کاملاً خصوصی وارد این بافتها گردیده و از نزدیک با تمام مشکلات این حوزه آشناسنت از سطح بالایی از اطلاعات برای زمینه‌سازی دولت برای ورود سایر شرکتهای به این حوزه برخوردار است که می‌تواند آن را با افتخار در اختیار سیاست‌گذاران قرار دهد. انتظار این قبیل شرکتهای از دست‌اندرکاران و مسئولین نهادهای متولی آن است که در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در این حوزه به تنهایی عمل نکرده و شرکتهای صاحب تجربه و خلاق این عرصه را نیز به نشست‌های سیاست‌گذاری ورود دهند.

فرسوده خواهد داشت.

مهندسی‌سازی

ساختار، توان و پتانسیل شرکت‌ها، برخلاف تجربی‌سازان دارای ساز و کار مهندسی و فنی خواهد بود که این نقص عمده را در شرایط فعلی پوشش خواهد داد و خطر بسیار نگران‌کننده زلزله را کاهش خواهد داد.

صنعتی‌سازی

ورود تفکر صنعتی‌سازی به بافت فرسوده، توسعه آن را متحول خواهد کرد و سرعت و کیفیت را توان افزایش خواهد داد.

افزایش سرعت

تفکر سازمانی، سرعت رشد توسعه بافت فرسوده را بالا برده و تولید واحد را به سطح ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار در سال خواهد رسانید.

کاهش مصرف انرژی

رعایت استانداردهای ساختمانی بویژه مبحث ۱۹ باعث اصلاح الگوی مصرف کنونی و کاهش مصرف حامل‌های انرژی خواهد گردید.

معماری و نمای مناسب شهری

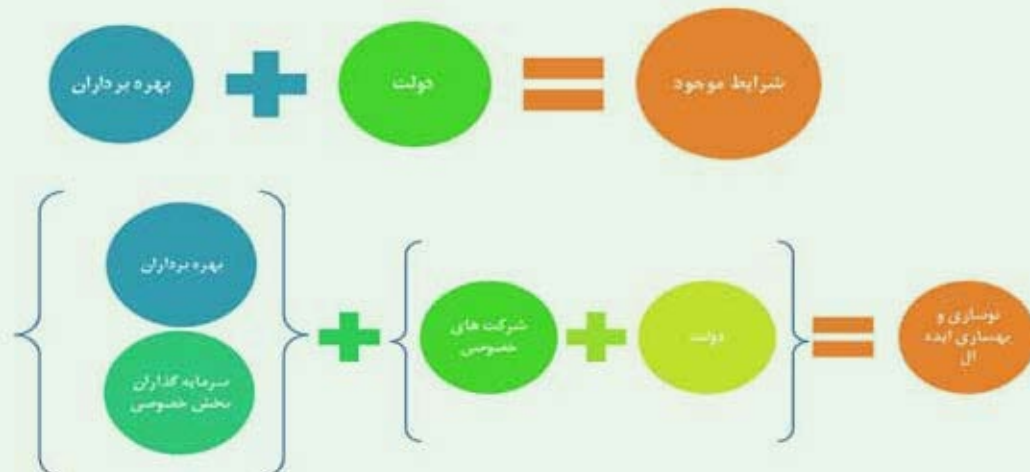
به دلیل وجود یک تفکر واحد در ساخت و ساز، نتیجه‌نهایی نمای منظر نهایی مناسب و یکپارچه در مقام مقایسه با تجربی‌سازهای منفرد فعلی خواهد داشت. با ورود شرکت‌ها به بافت‌های فرسوده با ۲ گروه از مجموعه ذینفعان مواجه خواهیم بود:

الف) سرمایه‌گذاران:

سرمایه‌گذاران بخش خصوصی علاقمندند که سرمایه خود را به توسعه بافتهای فرسوده ورود دهند به شرط آن که از امنیت سرمایه و نرخ بازگشت (ROR) مناسب آن مطمئن باشند.

ب) بهره‌برداران (مالکین):

مهمترین بخش ذینفعان بافتهای فرسوده هستند که همکاری

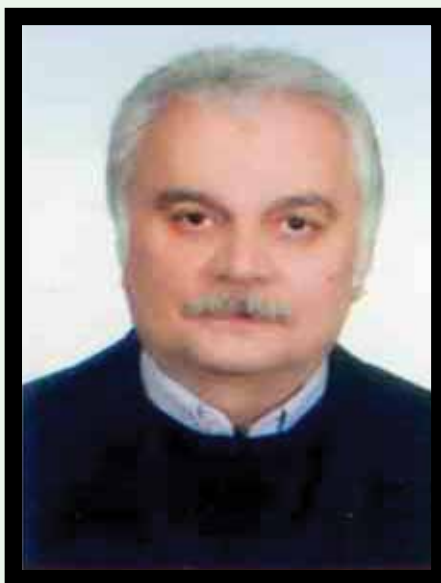




بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد وقت وداع یاران

به یاد مهندس صفوی:

مردی از تبار نور و نار وازدیار شور و کار



در سوک تو توان نوشتنم نیست، ای خوب، ای مهربان
ای عاشق سازندگی و برازندگی ایران

تو می خندیدی اما نه از درون و می سوختی اما نه از برون

بسیاری را می شناسیم که بی هیچ ادعا و توقعی تمامی دانایی‌ها
و توانایی‌های خویش را در راه سازندگی و برازندگی ایران به
کار بسته و می‌بندند و مردان کارهای سخت در گریوه‌های
سر سخت هستند.

بی‌شک مهندس صفوی یکی از این مردان بزرگ در انجام
زیرساختهای توسعه ایران زمین بود. آنچنان استوار و پایدار
در این راه گام می‌نهاد که حتی فرزند برومندش مهندس
سهیل صفوی نیز ضمن فارغ‌التحصیلی در رشته مهندسی
عمران، کمک‌رسان پدر در پروژه‌های راهسازی بود و دریغ
و درد که در یکی از مأموریتها برای سرکشی به ساخت جاده
محور سیرجان - بندرعباس در نزدیکی محل اجرای پروژه
در تصادفی جانکاه جان شیرین خود را فدای بالابردن ضریب
سلامت راهیان شهرهای حوزه جغرافیایی محل پروژه نمود.
او تمدن‌سازی بود که با جان و توان در خدمت تمدن‌سازی
کشور بود؛ بار غم مرگ فرزند را خدا می‌داند که چگونه بر
دوش کشید و با این داغ بزرگ چطور به کار طاقت‌فرسای
راهسازی ادامه داد. شاید این انگیزه که با ساخت راههای
فنی و اصولی، باعث شود تا خانواده‌های دیگری داغ جوانان
و عزیزان را نبینند، بزرگترین عامل ادامه این راه برای





باور نمی‌کنم خزان تو را در بهار عمر

زاده یاد مهندس سپهر صفوی در سال ۱۳۶۰ در تهریز متولد شد. پس از گذراندن تحصیلات ابتدایی و متوسطه برای ادامه تحصیل به کشور قبرس (دانشگاه کابری) اعزام و در سال ۱۳۸۵ موفق به اخذ درجه کارشناسی عمران گردید و به ایران بازگشت؛ با توجه به پروژه‌های متعدد درآمدی که به شرکت ساختمانی تولد ساران ایران (پیمانکار)، مهندسی و ساختمانی ساختار فرید (پیمانکار) و مهندسی پتروفرایند انرژی (مشاور) در زمینه طراحی و ساخت پروژه‌های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، به‌منظور تکمیل دانش و تخصص در زمینه مهندسی صنایع نفت و گاز و پتروشیمی، به‌منظور تکمیل دانش و تخصص مهندس فاسم صفوی دارا بودند. نابریه نیز به دلیل علاقه فراوان به اجراء عملیات معاونت اجرایی احداث تولد واقع در قطعه ۱۳۳ الف محصور سیرجان - نخل عباس را عمده دار شد. این بخش از کار استراتژیک‌ترین پروژه راه موجود صنعتی بود که تحت پیمان تولد ساران ایران انجام می‌گرفت و با ساختن تولد دو طبقه وزارت راه است که به طول حدود ۲۴۰ متر ساخته می‌شود. روانشاد در اجراء بخشی از زیرساخت‌های مهم توسعه کشور در تاریخ ۸/۲/۱۳۹۵ در سانحه رانندگی جان شریفین خویش را تقدیم آسمانی مهین کرد.

از زبان دوستین فاسم صفوی

باور نمی‌کنم
خزان تو را در بهار عمر
همواره مالدوگر، در باور من
تا هست روزگار در خاطر من
هر چند که به محضر «سیرجان» می‌روم
گرچه ز چمن خسته خود می‌شوم
نما می‌ان گرم نفس گیر آفتاب
آنگر دانش تو در بهار من شود
در سایه‌های ز خواب
عقل شکو فطرتی تو بی‌دلی می‌شود

قره العین من آن میوه دل یادش باد که خود آسان بشد و کلر مرا مشکل کرد

با درخ و دریا با نام‌های فراوان خبر هرگز نشد فرزند جوان آقای مهندس فاسم صفوی مدیر عامل مجتمع شرکت تولد ساران را با گذر بسیار در یافت گردید و این از بین همسرهای فر این سوگ بزرگ به خاندان صفوی ناتوان است.
با کرمه می‌شود سنگینی این عالم را که بهاران داغ زندگی خاندان صفوی را به گریه و یاس می‌برد با جنات برشود. در مقابل این توانند به خدا پناه می‌رویم و از در گذشت برای جوان هرگز نشد از دست و امکنش کنی و برای خاندان محترم صفوی و دوستانت تولد و تلاش تو در عمرش با دلی کشور خدایا آقای مهندس فاسم صفوی - محسن - روحانی و شکیلی مسکنت می‌گردد.
ایمیدار است خانواده داناوار، سپهر شایه را در اطلاع پسانی به‌کمترین مسکنت با برادران و در گذشتش خویش بر ما می‌بخشد.
انجمن شرکت‌های ساختمانی

مهندس صفوی پس از مرگ فرزندش بود و این رسالت تاریخی به او این توان را می‌داد تا نقش تاریخی خویش را در تمدن‌سازی و توسعه سرفرازی ایران زمین ایفا کند، همگان بر این نکته اذعان دارند که استرس و فشار عصبی ناشی از کار سخت راهسازی در بیابانها و مناطق دور دست، آنهم بدون وجود امکانات رفاهی و آسایشی؛ انسان را زمین‌گیر می‌سازد متأسفانه زمانی که این دشواری‌ها با پاره‌ای از ناروایی‌ها در امور پروژه‌ها همراه می‌شود؛ انسان را از پا درمی‌آورد و با دریغ و درد باید گفت که کوه آهن‌مرد عاشق ایران زمین که آرش وار تمامی دانی‌ها و توانایی‌های خویش را در کمان دانش فنی و مهندسی قرار داده بود تا به گسترش جغرافیای مرزهای توسعه ایران کمک کند، در آخرین روزهای اسفندماه در پشت میز کارش که به سامان‌دهی امور پروژه‌ها مشغول بود به فرزند جوانش پیوست و از این همه رنج و غم و اندوه سنگین‌تر از کوه به راستی رست.

او انسانی بزرگ و عاشقی مهربان بود و با رفتن خویش داغی به بلندای کوه از درد و اندوه بر قلب تمامی دوستان، آشنایان، همکاران و خانواده خود گذاشت. مرگ این مرد بزرگ را نمی‌دانم خانواده او چگونه تحمل می‌کند به ویژه که این خانواده هنوز شعله داغ فرزند جوانی را در سینه خود دارد. از این سوگ بزرگ به خداوند پناه می‌بریم و برای بازماندگان مرحوم مهندس صفوی آرزوی صبر و شکیبایی و برای آن انسان شریف آسایش و آمرزش ابدی از خداوند منان مسئلت می‌نمائیم.

کوه به کوه، سنگ به سنگ این دشت، یادگاران توانند؛
رفته‌ای اینک و هر سبزه و گل، سوکوواران توانند
یادش گرمی و روانش شاد باد



سازمان امور مالیاتی خبر داد:

اعلام نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده در سال ۹۲

سازمان امور مالیاتی کشور با صدور اطلاعیه ای، نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده کالاها و خدمات عمومی در سال ۱۳۹۲ را شش درصد اعلام کرد. به گزارش رسانه مالیاتی ایران، در این اطلاعیه آمده است: براساس تبصره ۲ ماده ۱۱۷ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران که مقرر می دارد، نرخ مالیات و عوارض بر ارزش افزوده از سال اول برنامه، سالانه به میزان یک درصد افزایش یابد، بنابراین این نرخ مالیات و عوارض ارزش افزوده کالاها و خدمات عمومی از ابتدای سال ۱۳۹۲، شش درصد (۶ درصد) است.

این گزارش می افزاید: به منظور جلوگیری از هر گونه مشکلات اجرایی از مودیان محترم مالیاتی مشمول نظام مالیات بر ارزش افزوده درخواست می شود که از ابتدای سال ۱۳۹۲ در کلیه مبادلات اقتصادی فیما بین (عرضه کالاها و آرایه خدمات عمومی) مالیات و عوارض ارزش افزوده را به نرخ شش درصد (۶/۳ درصد مالیات و ۴/۲ درصد عوارض) در صورتحساب های صادره اعمال و از خریداران اخذ نمایند.



بخشنامه ۲۰۰/۷۳ مورخ ۹۲/۰۱/۰۶

(اجرای مقررات ماده ۲۳۹)

با توجه به ابهامات و سؤالات متعدد در خصوص مفاد ماده ۲۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم، بدینوسیله اعلام می گردد: در صورتی که مودیان مالیاتی ظرف مهلت مقرر در ماده ۲۳۸ قانون مالیاتهای مستقیم به برگ تشخیص مالیاتی کتباً اعتراض نمایند، فارغ از اینکه قبل یا بعد از تاریخ اعتراض مذکور نسبت به پرداخت مالیات متعلقه اقدام نموده باشند، مادامی که به صورت کتبی از اعتراض خود صرف نظر و یا کتباً اعلام قبولی خود را نسبت به برگ تشخیص مالیاتی اعلام نمایند، پرونده از نظر مالیاتی مختوم و یا قطعی نبوده و اعتراض مزبور در اجرای مفاد مواد ۲۳۸ و ۲۴۴ قانون مالیاتهای مستقیم حسب مورد در اداره امور مالیاتی و یا هیأت های حل اختلاف مالیاتی، قابل طرح می باشد.

در ضمن در مواردی که مودی پس از اعتراض به برگ تشخیص یا آراء هیأت های حل اختلاف مالیاتی کتباً از اعتراض یا شکایت حسب مورد منصرف و نسبت به اعلام قبولی برگ تشخیص یا آراء هیأت حل اختلاف مالیاتی در مرجع ذیربط (مرجع تسلیم اعتراض) اقدام نماید در این صورت ادامه مراحل دادرسی وجاهت قانونی نداشته و می بایست نسبت به صدور برگ مالیات قطعی، با رعایت مقررات اقدام گردد.

علی عسکری

رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور



دکتر علیزاده در کانون فارغ التحصیلان دانشکده فنی تبریز مطرح کرد



کاربرد فن آوری اطلاعات

رمز موفقیت شرکت‌های مجری پروژه‌های عمرانی

در شرایط دشوار

اطلاعات به عنوان ماده اولیه شناختن برای ساختن سازمانهای ماندگار و پایدار است؛ برای شرکت‌های هوشمند اگر دو راه برای فعالیت موجود باشد آنها قادرند و می‌توانند راه سوم را یافته و یا ساخته و به کار برند. این هنر مدیران در هزاره سوم است بنابراین کاربرد فناوری اطلاعات امروز نه یک تفنن بلکه ضرورتی است که اگر امروز آن را در سازمانهای خود جاری و ساری نسازیم فردا دیر خواهد بود. لذا برای اینکه با امید به سمت روزهای روشنتر حرکت کنیم و ارزشهای سازنده را در شرکت و مدیران آن جاری سازیم؛ بحث خود را با بیانیهای از پاستور به پایان می‌برم که می‌تواند برای همه چراغ راه آینده باشد. پاستور با این سؤال بیانیه مأموریت انسانی و اجتماعی خود را آغاز می‌کند:

«من برای کشورم چه کرده‌ام؟» در هر حرفه‌ای که هستیم نه اجازه دهیم که به بدبینی‌های بی‌حاصل آلوده شویم و نه بگذاریم که بعضی لحظات تأسف‌بار که برای هر ملتی پیش می‌آید ما را به یاس و ناامیدی بکشاند در آرامش حاکم بر آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌هایمان زندگی کنیم نخست از خود بپرسیم برای یادگیری و خودآموزی چه کرده‌ایم. سپس همچنان که پیش می‌رویم بپرسیم من برای کشورم چه کرده‌ام. این پرسش را آنقدر ادامه دهیم تا به این احساس شادی‌بخش و هیجان‌انگیز برسیم که شاید سهم کوچکی در پیشرفت و اعتلای بشریت داشته باشیم. اما هر پاداشی که زندگی به تلاش‌هایمان بدهد و یا ندهد. هنگامی که به پایان تلاش‌هایمان نزدیک می‌شویم هر کدامان باید حق آن را داشته باشیم که با صدای بلند بگوییم من هر چه در توان داشتم برای کشورم انجام دادم.

امید است ما نیز با چنین بینش و نگرشی در پویسهای آفرینشگر خود عمل نماییم و هر شرایطی را تجربه‌ای برای اندوختن و آموختن راههای برون‌رفت از آن تلقی کنیم و به سمت افقهای پاک و تابناک اثربخشی و کارایی و بهره‌وری حرکت موزون خود را ادامه دهیم.

فرصت را مغتنم شمرده پیشاپیش روز مهندس را به همه شما عزیزان و فرهیختگان حوزه تمدن‌سازی تبریک و تهنیت عرض می‌نمایم. مهندسان پیشاهنگان و طلایه‌داران تمدن هستند و تلاش و کوشش آنها را در تمامی گستره‌ها می‌توان مشاهده کرد.

گر بگوییم که مرا با تو سر و کاری نیست

در و دیوار گواهی بدهد کاری هست

من زیاد مصدع اوقات نمی‌شوم فقط به این موضوع بسنده می‌کنم که در شرایط ویژه کنونی شرکت‌هایی می‌توانند پایدار و ماندگار باشند که خود را مجهز به فناوریهای اطلاعات نمایند. با فناوری اطلاعات، گردش امور با سرعت و شتاب بیشتری در وسعت جهانی انجام می‌پذیرد به طوری که موقعیت مکانی شرکت به گستره کره زمین توسعه می‌یابد و زمان نیز به ۲۴ ساعت کامل در شبانه روز افزایش می‌یابد ضمن اینکه امروز شرکتها براساس فناوریهای اطلاعات طبقه‌بندی می‌شوند. دارندگان آن را سازمانهای هوشمند و یادگیرنده می‌نامند و سازمانهای فاقد فناوری اطلاعات را غیرهوشمند و غیر یادگیرنده محسوب می‌کنند.

امروز در تدوین استراتژی‌های سازمانی به شدت نیازمند فناوری اطلاعات هستیم زیرا برای هر نوع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی پاسخگویی به Δw و ΔH هستیم.

۱. چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم؟ What

۲. برای چه کسانی می‌خواهیم انجام دهیم؟ Who

۳. در چه زمانی می‌خواهیم انجام دهیم؟ When

۴. در کجا می‌خواهیم انجام دهیم؟ Where

۵. چرا می‌خواهیم انجام دهیم؟ Why

۶. چطور می‌خواهیم انجام دهیم؟ How

پیاده‌سازی Value, Vision, Mission یا بیانیه مأموریت، چشم‌انداز و ارزشهای سازمانی و برای تدوین استراتژی به منظور دستیابی به هدفهای بلندمدت (objectives) به فناوری اطلاعات نیاز است که خود از فراوری (data base) به اطلاعات (information) و سپس با فراوری بعدی به knowledge و در روند فرایندها و فرآوریه‌های بعدی به wisdom سازمانی تبدیل می‌شوند؛ برای پاسخگویی به (۴H) فوق نیازمند information هستیم ولی وقتی بحث چرایی پیش می‌آید به knowledge یا دانش سازمانی نیاز است و آنگاه که می‌خواهیم به چطوری و چگونگی پیاده‌سازی برنامه‌ها و اقدامات سازمانی جامه عمل بپوشانیم باید wisdom یا بینش و خرد سازمانی داشته باشیم. امروز علی‌رغم دشواریهای پیش آمده و مشکلات فراوانی که برای بخش پیمانکاری پروژه‌های عمرانی و مهندسان مشاور پیش آمده است می‌توان با سازوکارهایی ضعفهای درون سازمانی موجود بر سر راه فعالیت شرکت‌های پروژه‌محور را به قوت و تهدیدهای برون‌سازمانی آن را به فرصت تبدیل کرد و رمز موفقیت شرکتها در شرایط دشوار، کاربرد فناوریهای

گزارش سالیانه کمیسیون قوانین و مقررات



اشاره:

در روزهای پایانی سال ۹۱ که ماهنامه در زیر چاپ بود گزارش کمیسیون قوانین و مقررات به دستمان نرسید. لذا اعضای سختکوش و پرتلاش این کمیسیون که از اعضای محترم هیأت مدیره و کارشناسان برجسته شرکتهای عضو هستند، اقدامهای چشمگیری در روند بهبود امور شرکتهای عضو انجام داده‌اند که انصاف حکم می‌کند خوانندگان گرامی ماهنامه را از گستره فعالیت این کمیسیون مطلع نماییم. لذا گزارش زیر جهت اطلاع خوانندگان درج می‌شود.

۲- موضوع آئین نامه تشخیص صلاحیت از موضوعاتی بود که در سال جاری آقایان مهندس مسعودی و مهندس وفايي در جلسات کارشناسی بررسی تشخیص صلاحیت در جلسات شورای هماهنگی تشکل های مهندسی و جلسات برگزار شده در معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری شرکت نموده تا ضمن بیان مشکلات سایت ساجات و مصوبات وحدت رویه و آئین نامه تشخیص صلاحیت که اعضاء محترم مواجهند از حقوق صنف دفاع نمایند و راهکارهای انجمن و نظرات کارشناسی را بیان نمایند.

۳- با توجه به بررسی و بازنگری شرایط عمومی پیمان در معاونت برنامه ریزی موضوع توسط ریاست هیات مدیره محترم انجمن در دستور کار کمیسیون قرار گرفت ، با تشکیل دو جلسه کار گروه مقدماتی و جلسات کمیسیون مواد ۴۶-۴۷-۴۸-۵۳- پیش نویس شرایط عمومی پیمان مورد بررسی قرار گرفت. پس از بررسی مواردی که به نظر اعضاء کمیسیون نیاز به تغییر یا اصلاح داشت ، به هیات مدیره محترم اعلام نمود تا در جلسات بررسی شرایط عمومی پیمان در محل معاونت برنامه ریزی ریاست جمهوری توسط نمایندگان انجمن آقایان مهندس ملکبانی فرد ومهندس جمالی مطرح گردد از مهمترین تغییرات و اصلاحات پیشنهادی در ماده ۴۷ عدم حق ضبط ضمانت نامه توسط کارفرما قبل از صدور رای دادگاه بود).

۴-موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون مالیاتهای مستقیم به عنوان دستور جلسه مطرح شد. اعضاء کمیسیون با اشاره به نقاط ضعف

کمیسیون قوانین و مقررات در طول سال ۹۱ با حضور اعضاء خود آقایان مهندسان: پورشیرازی، جمالی، مسعودی ، لاجوردی، وفايي، احمدخانی، میلادی‌راد، خانم ورزی، خانم مهندس شوقی و آقای تکلی و با استفاده از مشاوران در برخی از جلسات با تشکیل ۲۲ جلسه (۴۴۰ نفر/ساعت) در راستای اهداف عالی انجمن برنامه‌هایی را در دستور کار خود داشته و مشکلاتی که از سوی اعضاء انجمن مطرح گردیده را بررسی و نهایتاً مورد اقدام یا پاسخ و همفکری قرار داده است. - این گزارش مختصری از فعالیتها و اقدامات انجام شده در کمیسیون قوانین و مقررات در موضوعات ذیل بوده است که از مهم ترین موارد می توان بررسی قوانین مالیات بر ارزش افزوده ، شرایط عمومی پیمان ، آئین نامه تشخیص صلاحیت ، لایحه اصلاح قانون مالیات های مستقیم ، بررسی لایحه پیشنهادی قانون کار و پاسخگوئی به سوالات و مکاتبات و راهنمایی اعضاء مراجعه کننده به کمیسیون نام برد. که تشریح موارد در ذیل باسحضار می رسد.

۱-موضوع بازنگری اساسنامه انجمن در خصوص بررسی ضوابط“ شرایط عضویت ” و ”مجامع عمومی“ که از طریق هیات مدیره در دستور کار کمیسیون قرار گرفته مورد بحث و بررسی و تبادل نظر اعضاء قرار گرفت موضوع ضوابط عضویت در دو بخش نحوه عضویت و حق عضویت از ماده ۸ اساسنامه انجمن شرکتهای ساختمانی مورد بررسی واقع شد وبه هیات مدیره محترم گزارش گردید.





کارفرمایان و خارج از عهده پیمانکاران و شرکتها بوده و مطابق قانون مالیات بر ارزش افزوده به حساب پیمانکاران منظور شده را به حساب بستانکاری ایشان منظور نمایند. و این اقدامات از طریق ماهنامه آبادگران نیز منتشر گردید.

۷- از دیگر اقدامات کمیسیون قوانین و مقررات در جلسات اخیر بررسی پیش نویس قانون کار بود که توسط قانون عالی کار فرمایی تهیه شده و توسط دبیر محترم انجمن در دستور کار قرار گرفته بود، اعضای کمیسیون با تشکیل جلسات و کارگروه نظرات خود را مطرح و مصوب نمودند و به دبیر محترم انجمن تقدیم گردید و در ادامه نیز بررسی لایحه اصلاح قانون کار ارسالی دولت به مجلس در دستور کار کمیسیون جهت بررسی می باشد.

۸- بخشنامه‌های "دستورالعمل انضباط مالی و ارتقاء بهره‌وری با شماره ۱۰/۶۸۱۱۸ مورخ ۱۰/۰۸/۹۱" و بخشنامه شماره ۱۰/۶۵۶۶۳ مورخ ۹۱/۰۸/۱۴ موضوع "دستورالعمل تعیین دامنه قیمت‌های متناسب پیشنهادی در مناقصات یک مرحله‌ای و دومرحله‌ای" در کمیسیون بررسی شد. این نظرات طی نامه‌ای به ریاست محترم هیات‌مدیره انجمن جهت مکاتبه با معاونت برنامه‌ریزی تقدیم گردید.

۹- از دستور جلسات کمیسیون در ماه‌های دی و بهمن بررسی لایحه قانون مالیات‌های مستقیم بود که با حضور اعضای کمیسیون و آقای امیری (مشاور امور مالی - مالیاتی) بحث مفصل و فراوانی انجام شد و در مورد مواد ۳۵، ۳۳، ۳۱، ۳۰، ۲۱، ۲۰، ۱۷، از لایحه اصلاحی و ماده ۱۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم و مواردی که به نظر کمیسیون مغفول مانده یا موکول به تهیه آئین‌نامه از سوی وزارت اقتصاد و دارائی شده بود را بررسی و به هیات‌مدیره محترم گزارش گردید.

۱۰- بررسی پیش نویس نهایی شرایط عمومی پیمان که در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری در حال بازنگری است توسط ریاست محترم هیات مدیره در دستور کار کمیسیون قرار گرفت. بررسی دقیق این موضوع در پایان سال و ابتدای سال آینده از دستور کارهای مهم کمیسیون قوانین و مقررات می باشد و نظرات پس از جمع بندی نهایی به

و ایجاد مشکلاتی که اجرای این قانون با توجه به عدم ایجاد بستر مناسب اجرای قانون برای شرکتهای پیمانکاری داشته و اعضاء انجمن این مشکلات و تنگناها را از جمله ارائه هر سه ماهه اظهار نامه و عدم ارائه کد اقتصادی توسط فروشنندگان را مطرح و منعکس می نمایند و اینکه این قانون محدودیت ها و بار مالی مضاعفی را به پیمانکاران پروژه‌های مختلف کشور تحمیل نموده است. پس از بررسی دقیق در کمیسیون گزارش مبسوطی از مشکلات ایجاد شده به هیات مدیره محترم انجمن ارائه شد و با سازمان امور مالیاتی در مورد مشکلات مطرح شده مکاتبه گردید.

۵- بررسی مشکلات پیمانکاران از نظر کمیسیون قوانین و مقررات از دستور جلسات کمیسیون بود که خلاصه آن در سه مولفه مهم بدین شرح اعلام گردید و راه حل های پیشنهادی نیز برای هر یک از آیتمها اعلام شد: (در گزارش شهریورماه کمیسیون در نشریه منتشر گردید).

الف : عدم تطبیق قیمت قراردادهای جاری با قیمت روز (زیان واقعی و مستمر پروژه‌های جاری).

ب : عدم تطبیق بودجه و روند تخصیص تاکنون و تخصیص مورد نظر در سال جاری با هزینه‌های طرحها وفق برنامه زمان بندی (نبود نقدینگی مطابق با هزینه انجام پروژه ها).

ج) بازپس گیری اندک وجوه پرداختی به پیمانکاران به عناوین مختلف (انواع وجوه اصل و جرائم مالیاتی و...).

۶- کمیسیون قوانین و مقررات قانون "حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی در تامین نیازهای کشور و اصلاح ماده ۱۰۴ قانون مالیات‌های مستقیم" که مرتبط با صنف بود را بررسی نمود. و نامه‌هایی برای ریاست سازمان امور مالیاتی، معاونت مالیات بر ارزش افزوده و کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با مضمون تقدیر و تشکر از وضع قانون فوق‌الذکر و ابلاغ بخشنامه و همچنین درخواست تاکید مجدد اعلام و ابلاغ جهت اجرای دقیق قانون و بخشنامه از سوی واحدهای مرتبط را تهیه نمود و در این نامه‌ها از سازمان امور مالیاتی و معاونت مالیات بر ارزش افزوده درخواست شد مطابق ماده ۹ قانون آن بخش از جرائمی که بعلت عدم پرداخت اصل مالیات توسط

ریاست محترم هیات مدیره تقدیم می گردد.

۱۱- بحث بعدی کمیسیون در خصوص مشکلات پیمانکاران و بررسی روش های حل مشکلات پیمانکاران در این مقطع از جمله عدم اعمال ماده ۴۶ شرایط عمومی پیمان و یا استفاده از ماده ۴۸ در صورت درخواست پیمانکاران می باشد، مکاتبه با معاونت برنامه ریزی برای اعلام تعدیل واقعی یا ضریب جبرانی افزایش نرخ ها و قراردادن تعدیل به قراردادهای سرجمع و مکاتبه با ریاست مجلس شورای اسلامی در خصوص جبران خسارت وارده (یا خسارت تاخیر تادیه در پرداخت توسط کارفرمایان) از نظرات کمیسیون است که این موارد از طریق انجمن با مراجع ذیربط مکاتبه گردیده و مکاتبه می گردد.

۱۲- اعلام قوانین و بخشنامه های جدید مرتبط با فعالیت پیمانکاری نیز از اقدامات هر ماهه کمیسیون می باشد که از طریق نشریه وسایت و ... اطلاع رسانی گردید.

۱۳- بررسی قوانین و آئین نامه ها و پاسخ به سوالات و مکاتبات اعضا مطابق معمول از جمله فعالیت های کمیسیون در سال جاری بود.

ضمن تشکر از اعضاء محترم کمیسیون که وقت خود را به حضور در جلسات اختصاص دادند ، امید آن داریم در سال جدید نیز با استعانت از خداوند متعال و با حمایت هیات مدیره محترم و دبیر محترم انجمن اقداماتی در راستای حفظ منافع ملی و پیمانکاران همکار و صنف داشته باشیم .



گزارش سالانه کمیسیون روابط عمومی

سرمایه گذاری ویا با سرمایه گذاری بخش غیر دولتی مصوب شد.

● پیگیری و بازخورد موضوعات درخواستی کمیته رفع بحران پیمانکاران وسازندگان بخش خصوصی و مسائل مطروحه در جلسه مطبوعاتی در نشریات با حضور همه تشکلهای بصورت گسترده تصویب شد طی مذاکراتی با شهرداری تهران خواهان اجرای پروژه های شهری توسط اعضای سندیکا شویم.

● فعال کردن سایت انجمن از طریق دریافت آگهی از متقاضیان جهت درآمدزایی برای انجمن؛

● بحث و تبادل نظر در مورد عضویت شرکتهای نیمه دولتی و دولتی در انجمن شرکتهای ساختمانی ؛

● بحث و تبادل نظر در مورد عضویت اشخاص حقیقی در انجمن؛ کمیسیون با دعوت از آقای شریفی از اتاق بازرگانی ایران موارد زیر مطرح نمود:

۱. بحث همایش (سمینار) قانون مستمر بهبود فضای کسب و کار که آقای شریفی با توضیح از این قانون و اینکه ۲۳ ماده

کمیسیون روابط عمومی در طول سال ۹۱ با حضور اعضای خود آقایان مهندس کنگانی - ورزنده - ثقفی - خزاعی - ضرابی در جلسات و پیگیری مسائل و انجام اقداماتی به سهم خود در پیشبرد برنامه ها و اهداف عالی انجمن برنامه هایی را در دستور کار خود داشته که مختصری از اقدامات و مصوبات و پیشنهادات کمیسیون را باستحضار می رساند

● تصویب و ارسال نامه به اتاق بازرگانی و صنایع ایران و فرانسه جهت همکاری و عضویت در اتاق

● معرفی نمایندگان شرکتهای عضو جهت همکاری با سایر کمیسیونها

● پیگیری عضویت سندیکا در کنفدراسیونهای جهانی

● پیشنهاد تشکیل اتاق مشترک سندیکا و ECO

● تهیه CD از فعالیت سندیکا به دو زبان انگلیسی و فارسی.

● دعوت از آقای دکتر میمند از اتاق بازرگانی ایران و فرانسه پیرو مکاتبات و جلسات انجمن با اتاق بازرگانی ایران و فرانسه

● تهیه راهکار برای خروج از بن بست فعلی و انجام کار بدون

پیشنهاد شد با شهرداری مستقیماً وارد مذاکره شویم و سندیکای خود را مطرح کنیم که شهرداری برخی از وظایف را به سندیکا محول کند برای اینکار یا با معاونت فنی عمرانی شهردار و یا روابط عمومی شهرداری نامه نوشته شود.

پیشنهاد شد جلسه مشترک با کمیسیون بانکها و کمیسیون قوانین گذاشته شود که درمورد تأمین مالی پروژه ها اعم از عمرانی و غیرعمرانی و بخش خصوصی راهکارهایی پیدا گردد. در این خصوص جلسه مشترک بین کمیسیون و کمیسیون اقتصادی برگزار گردید.

در خصوص درخواست اوراق مشارکت از سوی شرکتهای پیمانکاری عمرانی، که طبق نظر سنجی اخیر، بیشترین درخواست را داشته است، مراتب با وزرات نیرو برای دریافت اوراق مشارکت بابت مطالبات پیمانکاران در دست پی گیری است. تاکنون وزارت نیرو تنها ارگانی است که به این مسأله توجه نموده است.

پیشنهاد نشست ماهیانه فصلی در انجمن با کارفرمایان و نمایندگان آنها که نظرات و کارشناسان و سازمانهای مربوطه پس از تأیید هیأت مدیره اجرا می گردد.

پیشنهاد عضویت شرکتهای پروژه محور در اتاق بازرگانی ایران که نظر اعضا در این خصوص پیگیری اعطای رتبه بندی توسط اتاق بازرگانی است که باید مصرانه پیگیر شویم و پس از انجام این موضوع ترغیب شرکتهای عضویت شرکتهای راحت تر و بهتر می شود.

تکلیف دولت ۶ ماده تکلیف اتاق بازرگانی است جهت اجرایی شدن این قانون دفتر پایش برنامهها مسئول تفکیک مادههای مختلف قانون است و با نظرخواهی از بخشهای مختلف به صورت یک تحلیل علمی و آماری از ذینفعان درخواست کرده ایم با مشخص کردن خواسته ها با ابزارهای این قانون مصداق عملی آن را تعریف نمائیم و آئین نامه ای نیز ایجاد کنیم.

۲. درآمدزایی و روشهای آن جهت خودکفائی انجمن مورد بحث و بررسی قرار گرفت که از جمله آن حق ورودی اعضا، حق عضویت و نحوه جذب آن

۳. بحث و بررسی در خصوص قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و ماده ۵ قانون در خصوص عضویت شرکتهای در اتاق بازرگانی و درخواست کمیسیون نسبت به پیگیری این موضوع و اینکه وضعیت عضویت شرکتهای دولتی در اتاق چگونه است؟ آیا می توانند عضو شوند یا خیر؟

۴. تشویق اعضا جهت عضویت در اتاق ایران با توجه به تبصره ماده ۵ قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور

۵. پیگیری اجرایی شدن قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی در اتاق بازرگانی ایران

۶. نشست با نمایندگان شرکت آریا تندر و فعالیت این شرکت که در زمینه اطلاع رسانی مناقصات می باشد و مناقصات عراق و خدماتی که این شرکت می تواند ارائه نماید مطرح گردید. نحوه ارتباط با شرکت این است که شرکتهای به صورت جداگانه می توانند از اطلاعات استفاده کنند.





رئیس جمهور آینده و برخی از انتظارات بخش خصوصی

دکتر محمد نهاوندیان

اشاره: نامگذاری سال ۱۳۹۲ با عنوان حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نیازمند تعریف مفاهیم دقیقی است. تا از طریق آن بتوان چارچوب‌های لازم را برای تحقق اهداف آن در نظر گرفت، بر همین اساس آقای دکتر نهاوندیان مطالبات و درخواست بخش خصوصی را در چارچوب تعریف مفهومی از حماسه اقتصادی در ۸ بخش مورد بررسی اجمالی قرار داده است که به دلیل نکات روزفن و آموزنده مندرج در آن عینا جهت خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران درج می‌شود.

موظف است با همکاری و حضور اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران و شورای اصناف کشور، نسبت به شناسایی قوانین، مقررات و بخشنامه‌های مخل تولید و سرمایه‌گذاری در ایران اقدام کند و با نظرخواهی مستمر از تشکلهای تولیدی و صادراتی سراسر کشور و بررسی و پردازش مشکلات و خواسته‌های آنها به‌طور مستمر گزارش‌ها و پیشنهادهایی را تهیه و به کمیته‌ای متشکل از دو نفر از هر قوه به انتخاب رییس آن قوه ارائه دهد. کمیته مذکور موظف است ضمن بررسی پیشنهادهای ارائه شده راهکارهای قانونی لازم را بررسی و پیگیری کند.»

در مورد این نهاد تازه تاسیس نکات مهمی باید مورد توجه قرار بگیرد. نخست اینکه این کمیته می‌تواند حکم «نهاد واکنش سریع» را در مورد قوانین و مقرراتی ایفا کند که حذف یا تصحیح آنها از طریق مجاری قانونی عادی مانند ارائه طرح یا لایحه به مجلس و... بسیار زمان‌بر و دشوار است. با استفاده از چالاکسی و ظرفیت‌های قانونی بالایی که این کمیته از آن برخوردار است، می‌توان نسبت به تسهیل و تسریع روند تصحیح قوانین و... اقدام کرد. نکته حائز اهمیت دوم، نقشی است که این کمیته می‌تواند در بهبود مستمر فضای کسب‌وکار داشته باشد؛ روشن است که بهینه‌سازی فضای کسب‌وکار مستلزم حذف مقررات دست و پاگیر، زائد و نامتناسب با اقتضات زمانی است. کمیته ماده ۷۶ می‌تواند با پایش مستمر فضای کسب‌وکار کشور و شناسایی موانع مقرراتی، در مسیر رفع آنها حرکت کند و نکته سوم نیز ترکیب حساب شده‌ای است که این کمیته از آن برخوردار است. حضور نمایندگان از تمامی قوا، تشکلهای فراگیر بخش خصوصی از جمله اتاق ایران، اتاق تعاون مرکزی و شورای اصناف در کمیته ماده ۷۶ می‌تواند زمینه‌نگاهی جامع‌الاطراف و تدوین پیشنهادهایی جامع را در این نهاد فراهم آورد. امید این است که نهاد تازه تاسیس ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم جایگاهی در خور در ساختار اقتصادی کشور بیابد و با بهره‌مندی از همکاری و همدلی تمامی ارکان و حوزه‌های حاکمیتی، نقش در نظر گرفته شده برای آن را ایفا کند.

«نهادسازی» در ساختارهای اقتصادی از جمله اقداماتی است که همواره موافقان و مخالفان پر و پا قرصی داشته و دارد؛ منتقدان ایجاد نهادهای جدید را منافی شعار «کوچک، زیباست» و ضرورت حداقل‌سازی حضور حاکمیت در حوزه اقتصاد می‌دانند.

در مقابل موافقان نیز با استناد به موفقیت برخی نهادهای ایجاد شده در حوزه اقتصادی، قضاوت در مورد حسن و قبح تاسیس نهادهای جدید را مستلزم بررسی عملکرد آنها و نقشی که می‌توانند در تصحیح فرآیندها برعهده بگیرند، می‌دانند. در کشور ما نیز استدلال‌های مطرح در دفاع یا نقد نهادهای ایجاد شده از همین قاعده تبعیت می‌کند. منتقدان و مدافعان ایجاد نهادهای اقتصادی با اشاره به نمونه‌هایی که طی دو دهه اخیر در ایران تاسیس شده‌اند، هر یک مستندات مطلوب خود را در روند طی شده طی این سال‌ها و سرانجام این نهادها، جست‌وجو و ارائه می‌کنند. به‌عنوان نمونه می‌توان به حساب ذخیره ارزی اشاره کرد؛ مدافعان ایجاد این نهاد که غالباً نیز تدوین‌کنندگان برنامه سوم توسعه هستند، نفس ایجاد نهادی را که مسوولیت مدیریت میزان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور و شیوه استفاده از درآمدهای اضافی محتمل برعهده داشته باشد، امری مبارک و مفید قلمداد می‌کنند که در مقاطعی نیز توانسته است از پس انجام وظیفه خود به‌خوبی برآید. در مقابل منتقدان، نادیده انگاشته شدن این حساب یا نهاد از سوی دولت، خصوصاً در سال‌های اخیر را نشانه‌ای بر عدم موفقیت ایجاد چنین نهادهایی در ساختار اقتصادی ایران ارزیابی و به‌عنوان نمونه‌ای تازه‌تر به شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی اشاره می‌کنند که باز هم دچار کم‌مهری دولتمردان شده است.

حال در شرایطی که بحث بر سر میزان صحت استدلال‌های مطرح شده از سوی منتقدان حساب ذخیره ارزی یا شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی همچنان ادامه دارد، نهاد دیگری پا به عرصه اقتصاد ایران گذاشته و رسماً اعلام حضور کرده است. بنابر آنچه در ماده ۷۶ قانون برنامه پنجم تصریح شده است «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و [کشاورزی] ایران

نقش و تأثیر افزایش تقاضای سفته‌بازی و احتیاطی نقدینگی سرگردان در تورم

اشاره:

افزایش نقدینگی کشور که از مرز ۴۳۰ هزار میلیارد تومان گذشته است، نشان می‌دهد این حجم از نقدینگی زمینه‌ساز تورم می‌باشد چنانچه تزریق پول پرفشار که پایه پولی کشور را افزایش می‌دهد به سمت تولید و فعالیتهای مولد هدایت نشود باعث بروز تورم لجام‌گسیخته و روند استمرار چنین وضعیتی به رکود تورمی می‌انجامد و در نهایت جامعه و کشور را به بیماری هلندی مبتلا می‌سازد؛ معمولاً ساده‌ترین راه‌های تأمین منابع مالی (به ویژه استقراض از بانک مرکزی) بهترین و مناسبترین راه نیست و چه بسا عواقب آن اقتصاد کشور را زمین‌گیر سازد؛ لذا با توجه به بالا بودن حجم پول گردش به نظر می‌رسد بخشی از این میزان نقدینگی می‌بایستی از سطح جامعه جمع‌آوری شود. سازوکارهایی چون پیش فروش سکه، اوراق قرضه، اوراق مشارکت، گواهی سپرده و انواع دیگری از فروش اوراق بهادار می‌تواند در بهبود اقتصاد کشور و در روند شاخه صعودی آن تعدیل ایجاد کند. مشروط بر اینکه نقدینگی‌های جمع‌آوری شده مجدداً به جامعه و برای فعالیتهایی با انگیزه‌های سفته‌بازی و احتیاطی وارد نشود، بلکه به سمت تولید و تکمیل پروژه‌ها و طرحهای اشتغال‌زا و مولد سوق داده شود. لذا در این زمینه گفتگوی ارزنده‌ای با هادی کوزه‌چی مدرس مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری در دنیای اقتصاد مورخ اول اسفندماه شده است که عیناً جهت استفاده خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران درج می‌گردد.



عوامل چگونه می‌تواند در بازار نقش ایفا کند؟ (منظور از تعهدات ارزی بانک‌ها چیست، چگونه می‌توان اثر نوسانی این عامل را کاهش داد؟)

دلایل ذکر شده نیز به نظر بنده صحیح است ولی برای انجام تحلیل دقیق‌تر و عمیق‌تر بهتر است نگاه پویاتری به چرایی این تحولات داشته باشیم. به نظر من باید ریشه‌های تحولات

در تحلیل ارائه شده از سوی بانک مرکزی شکل‌گیری انتظارات تورمی و تشدید آن در ماه‌های پایانی سال، افزایش تقاضای سفته‌بازی و احتیاطی، شکل‌گیری مجدد تقاضای ناشی از تبدیل دارایی‌ها و تعهدات ارزی بانک‌ها از مهم‌ترین دلایل نوسان اخیر عنوان شده است شما این دلایل را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ هر کدام از این



دو هفته گذشته را به دو بخش تقسیم کرد (همانند تحولات شهریور و مهر ۹۱):

الف) دلایل ساختاری مانند نقدینگی سرگردان و سیال، تورم بالای شکل گرفته در کشور در ماه‌های اخیر، مشکلات ناشی از تحریم‌ها و تشدید پیوسته آنها مخصوصاً در حوزه بانکی، نحوه مدیریت بازار ارز-کالا توسط نهادهای مرتبط؛

ب) دلایل مقطعی مانند تعویق مذاکرات هسته‌ای بعد از چند ماه مذاکره برای تعیین زمان و مکان مذاکره که نشان دهنده اختلافات زیاد بین طرفین مذاکره است که حتی الامکان توافق در رابطه با زمان و مکان به ماه‌ها مذاکره نیاز دارد؛ مسائل و تنش‌های سیاسی داخلی در رابطه بین دولت و مجلس؛ تشدید طبیعی تقاضای وارداتی در ماه‌های دی و بهمن (معمولاً در این ماه‌ها تقاضا برای ارز جهت انجام واردات کالا و رساندن کالا به بازار شب عید داخل، توسط تجار وجود دارد)؛ اخبار مربوط به احتمال اجرای فاز دوم هدفمندی، افزایش پرداختی یارانه نقدی و پرداخت عیدی فوق‌العاده. ابتدا به بررسی و تحلیل برخی از دلایل ساختاری می‌پردازیم. همانطور که می‌دانید در سال‌هایی چون ۱۳۵۸، ۱۳۶۶، ۱۳۷۳ و اکنون به دلایل مختلف، تقاضای خرید دلار توسط عموم مردم و سفته‌بازان حرفه‌ای شکل گرفته است.

همانطور که داده‌های مربوط به توان خرید دلار آزاد توسط میزان نقدینگی ریالی نشان می‌دهد، نقدینگی ریالی موجود در حال حاضر توان بسیار بالایی در خرید دلار-طلا نسبت به سال‌های اوایل انقلاب، اواخر جنگ تحمیلی و سال ۱۳۷۳ دارد

و این امر مدیریت بازار ارز را برای بانک مرکزی و سایر نهادهای مرتبط بسیار دشوارتر می‌کند. در صورتی که شرایط کلی بازار ارز و هجوم تقاضای سوداگری و سفته‌بازی مردم کشور به بازار را در حال حاضر مشابه سال‌های ۷۳، ۶۶ و ۵۸ بدانیم، با توجه به قدرت و تقاضای خرید بالاتر ریال برای دلار (تقریباً ۶ تا ۷ برابر سال‌های ذکر شده)، میزان نوسانات بسیار شدیدتر خواهد بود که این امر در عمل نیز مشاهده می‌شود. برای مشخص شدن اهمیت این موضوع، قابل ذکر است که نقدینگی که در حال حاضر به صورت روزانه در نظام بانکی کشور، خلق می‌شود در حدود ۳۰۰ میلیارد تومان است که از کل نقدینگی سال ۱۳۵۸ بیشتر است.

این میزان توان خرید دلار- طلا توسط نقدینگی ریالی در حال حاضر، سبب شده است که کارشناسان به آن عنوان غول نقدینگی بدهند. طبیعی است که با هجوم بخش اندکی از نقدینگی (در حدود ۲ درصد)، در یک بازه زمانی کوتاه مانند یک هفته به بازار ارز - طلا، با توجه به محدودیت‌های تجهیز و تزریق منابع ارزی - طلایی برای بانک مرکزی به خاطر محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها، مدیریت بازار ارز از کنترل بانک مرکزی خارج می‌شود.

همچنین باید مدنظر قرار داد که به دلیل گسترش سیستم بانکی کشور و مخصوصاً گسترش شدید منابع و فعالیت‌های موسسات پولی-مالی غیربانکی نسبت به ساختار کاملاً دولتی نظام بانکی کشور در سال‌های ذکر شده، نظارت بانک مرکزی در عمل کاهش یافته است و حرکت‌های سریع و سیل گونه ریال در بین بازارها از گسترش بسیار بالایی نسبت به سال‌های ذکر شده برخوردار است. در رابطه با تورم نیز برای آنکه تحلیل مناسبی از آمار داشته باشیم، در ادامه میزان تورم نقطه به نقطه و نیز تورم ملموس، بررسی شده است.

- تورم نقطه به نقطه:

تورم نقطه به نقطه بیانگر نرخ رشد شاخص قیمت‌ها در پایان هر ماه نسبت به شاخص قیمت‌ها در پایان ماه مشابه سال قبل است (تورم یک سال گذشته). این تورم بیشتر مورد توجه مردم است و توسط آنها برای مقایسه رشد قیمت‌ها استفاده می‌شود. آخرین تورم نقطه به نقطه (آذر ۹۱ نسبت به آذر ۹۰)، در حدود ۳۷ درصد است که ۱۰ درصد بیشتر از تورم متوسط (۲۷ درصد) است. داده‌های مربوط به شاخص قیمت و تورم ماهانه در چند ماه گذشته نشان می‌دهد تورم نقطه به نقطه به صورت پیوسته در ماه‌های اخیر در حال رشد است و این امر سبب فاصله زیاد بین تورم متوسط و نقطه به نقطه می‌شود.

- تورم ملموس:

در این روش معادل سالانه تورم یک سال آینده، بر اساس تورم ماهانه موجود، (نقطه به نقطه برای یک سال آتی) محاسبه می‌شود. البته اسم انتخاب شده شاید علمی نباشد، ولی هدف آن است که بدانیم مثلا در صورتی که تورم ماه شهریور به مدت ۱۱ ماه آینده ادامه داشته باشد، تورم در یک سال مذکور چقدر خواهد بود. برای محاسبه این تورم از فرمول رشد مرکب استفاده می‌کنیم.

دلیل انتخاب چنین نامی آن است که مردم عملا با این تورم سر و کار دارند و افزایش قیمت‌ها هر چقدر نزدیک‌تر به زمان وقوع باشد (یعنی تورم ماهانه برای ماه گذشته)، واقعیت را بهتر نشان می‌دهد. با توجه به رشد شدید تورم ماهانه در چند ماه اخیر، تورم متوسط و تورم نقطه به نقطه یک سال گذشته، واقعیت تورم و رشد قیمت ملموس برای مردم را به درستی نشان نمی‌دهد.

بر این اساس، معادل سالانه تورم تجربه شده در مهر و آبان ۹۱، در حدود ۷۰ درصد است. این میزان تورم از شدیدترین تورم‌های موجود در دنیا است و اثرات آن بر تمامی بازارهای کالا و سرمایه‌گذاری قابل توجه خواهد بود، در صورتی که متوسط تورم ۴ ماه اخیر (شهریور تا آذر ۹۱)، در ۸ ماه آینده ادامه داشته باشد، نرخ تورم نقطه به نقطه مرداد ۹۲ (از شهریور ۹۱ تا مرداد ۹۲)، حدود ۵۰ درصد خواهد بود. به نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری مردم و فعالان اقتصادی بر اساس چنین میزان

تورمی و بازدهی متناسب با آن صورت می‌گیرد. از سوی دیگر مردم تورم را تورم کالای ساده‌ای چون ارز، طلا، خودرو و مانند آن می‌سنجند که تقریبا در یک سال اخیر از رشد قیمتی در حدود ۱۰۰ درصد برخوردار بوده است. مجموع این آمار بسیار هشدارآمیز است و سبب می‌شود که جریان نقدی بالایی توسط مردم از سپرده‌های بانکی به سمت این بازارها شکل گیرد تا قدرت خرید خود را حفظ نمایند. تشدید تورم و رشد نقدینگی سبب تشدید تلاطمات در بازار ارز و طلا خواهد شد و مدیریت بازار را برای بانک مرکزی دشوارتر خواهد کرد. سفته‌بازان حرفه‌ای نیز از این فرصت، سوءاستفاده کرده و بازارها را آشفته‌تر می‌کنند.

انتظار می‌رفت با راه‌اندازی مرکز مبادله ارزی دامنه نوسان ارزی محدود شود، چرا با گذشت بیش از ۱۳۰ روز از راه‌اندازی این مرکز دامنه نوسان به قیمت‌ها قبل از راه‌اندازی مرکز بازگشت؟ کلیت این بحث می‌تواند درست باشد، ولی باید به عملکرد مرکز مبادلات به صورتی عملی و واقع‌گرایانه نگاه شود. آماري که در رابطه با مرکز مبادلات ارائه می‌شود، میزان ثبت سفارش‌های صورت گرفته است که تقریبا به صورت ماهانه در حدود ۱ میلیارد دلار است. در صورتی که میزان واردات رسمی کشور به صورت ماهانه در حدود ۴ تا ۵ میلیارد دلار است. این امر نشان دهنده آن است که مرکز مبادلات در حدود ۲۰ درصد تا ۲۵ درصد از نیاز ارزی کشور به واردات را پوشش می‌دهد. از سوی دیگر، بنده تاکنون هیچ‌گونه آماری از میزان پرداخت‌های





کوتاهمدت و پایان سال به چه سمت و سویی است؟

متاسفانه به نظر می‌رسد که به دلیل پایداری دلایل ساختاری ذکر شده، تلاطمات به طور کلی ادامه خواهد داشت، هرچند در مقطعی ممکن است به دلیل آرامش در دلایل مقطعی ذکر شده، بازار آرام شود. مدیریت قوی بازار ارز-کالا و سیاست‌های پولی-مالی می‌تواند سبب کاهش تلاطمات یا افزایش آنها شود. یکی از تاکتیک‌های مرکز مبادله روند نزولی نرخ دلار در

مرکز است این در حالی است که در بازار غیر رسمی این روند معکوس است فاصله‌گیری نرخ مرکز با بازار غیر رسمی چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد؟

به نظر بنده این استراتژی چندان تاثیری در بازار آزاد ارز ندارد. دلیل این امر آن است که همانطور که در بالا ذکر شد، فروشندگان-خریداران و مخاطبین دو بازار (یعنی مرکز مبادلات و بازار آزاد)، دو گروه مختلف هستند. خریداران در بازار آزاد، مردم معمولی و سوداگران هستند که با هدف پوشش دارایی خود در مقابل تورم به این بازار مراجعه می‌کنند

(اصطلاحاً تقاضای غیرواقعی-کاذب برای ارز) و مخاطبان مرکز مبادلات، واردکنندگان کالا به کشور هستند (اصطلاحاً تقاضای واقعی برای ارز).

استراتژی فوق اثری بر روی بازار آزاد ندارد چون تاثیری بر عرضه و تقاضای بازار آزاد به جای نمی‌گذارد، ولی سبب ایجاد رانت برای استفاده‌کنندگان از ارز مرکز مبادلات می‌شود و درآمد نهادهای مرتبط فروشنده ارز در مرکز مبادلات (یعنی

صورت گرفته و انتقال ارزهای موفق ندیده‌ام. میزان کل ثبت سفارش‌های صورت گرفته در چهار ماه گذشته، با توجه به اعداد فوق نسبت به میزان واردات اندک است و به صورت طبیعی میزان انتقال نهایی صورت گرفته نیز باید کمتر باشد. این امر سبب می‌شود که مرکز مبادلات در عمل به عنوان عاملی جهت به تعویق انداختن تقاضای ارز برای واردکنندگان عمل می‌کند و اثر واقعی آن کاهش می‌یابد. البته نفس راه‌اندازی مرکز و

دسته بندی ارز برای اولویت‌های مختلف، اجباری است که با توجه به شرایط کشور گریزی از آن وجود ندارد، ولی باید نسبت به کارکرد واقعی و میزان اثرگذاری آن رویکرد واقع‌گرایانه داشت. در نهایت نیز باید توجه کرد که تنها بخشی از نوسان بازار ارز به خاطر تقاضای واقعی ارز جهت واردات است و نوسانات ارز بیشتر ناشی از تقاضای سوداگری-سفته‌بازی و حفظ قدرت خرید است که مرکز مبادلات پاسخگوی این نوع تقاضا

نمی‌باشد. به عبارت دیگر، مخاطب مرکز مبادلات، واردات است (پاسخگویی به تقاضای واقعی ارز)، در حالی که نوسان ارز در بازار آزاد بیشتر به خاطر تقاضای کاذب و غیرواقعی ارز است که در این مرکز پوشش داده نمی‌شود و نباید چنین انتظاری از مرکز مبادله‌ای داشت.

با توجه به شرایط پیش رو چشم‌انداز نرخ ارز در

تنها بخشی از نوسان بازار ارز به خاطر تقاضای واقعی واردات است و نوسانات ارز بیشتر ناشی از تقاضای سوداگری-سفته‌بازی و حفظ قدرت خرید است که مرکز مبادلات پاسخگوی این نوع تقاضا نمی‌باشد



بازار طلا سرازیر شود و تقاضای طلا افزایش یافته و حباب مثبتی در این بازار شکل گیرد. این امر در یک ماه قبل نیز دیده می‌شود و سکه گرمی و ربع سکه به دلیل هجوم مردم عادی حباب

عجیبی در حدود ۲۰ درصد-۳۰ درصد به خود گرفته است.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد میزان قدرت خرید نقدینگی ریالی موجود بالاتر از توان بانک مرکزی در تزریق طلا به بازار است. در کوتاه‌مدت طبیعتاً خبر اعلام شده سبب کاهش التهابات و قیمت طلا می‌شود، همان طور که در هفته گذشته تجربه شد، ولی به دلیل پابرجا بودن دلایل ساختاری تحولات و نوسانات، احتمالاً آرامش بازار چندان دوام نداشته باشد.

همچنین بانک مرکزی باید محدودیت‌های جدی جایگزینی طلا در آینده با توجه به تحریم‌ها را در نظر داشته باشد و شرایط پیش فروش سکه را چندان جذاب

طراحی نکند که با استقبال زیاد مواجه شود.

چه پیشنهادها و راهکارهایی را در رابطه با کاهش التهابات بازار ارائه می‌کنید؟

۱- سیاست بانک مرکزی در چنین شرایطی باید بیشتر جلوگیری از تشدید نوسانات ارز باشد، تا کنترل رشد قیمت، نوسان ارز آسیب بیشتری به جای می‌گذارد، تا رشد قیمت پیوسته، مدیریت شده و قابل پیش‌بینی ارز، در صورتی که بانک مرکزی بعد از رشد بازار آزاد، که بنا به هر دلیلی اتفاق افتاده

وزارت نفت، صندوق توسعه ملی و ... را کاهش می‌دهد. با توجه به تحولات ماه‌های گذشته، کاهش قیمت توسط مرکز مبادلات حتی به صورت روانی نیز بر روی بازار آزاد تاثیرگذار نیست.

میزان بالای نقدینگی موجود در کشور ، تورم بالای شکل گرفته در کشور و نهایتاً تضعیف بخش تولید-عرضه به خاطر مشکلات پیش آمده در تجارت خارجی و کمبود سرمایه در گردش است. مردم در این شرایط، پول را در بانک نگه نداشته و مداوم بین بازارها جابه جا می‌کنند و این امر تورم را تشدید کرده و نوسانات شدیدی همراه با رشد قیمتی عجیب و غریبی را در همه بازارها ایجاد می‌کند.

تلاطم اخیر در شرایطی رخ داد که بازار سرمایه از بازدهی مناسب برخوردار است و قیمت‌ها در بازار مسکن نیز رو به رشد است، چرا در شرایطی که بازار سرمایه رونق دارد و در بخش مسکن نیز قیمت‌ها رو به رشد، باز هم شاهد هستیم مقام‌های رسمی از هجوم سفته‌بازان به بازار سخن می‌گویند؟

مشکل پیش آمده در شش ماه گذشته مرتبط با تمامی بازارهای کشور است (مسکن، بورس، خودرو، ارز، طلا و ...). و دلیل ساختاری آن همان طور که در بالا ذکر شد، میزان بالای نقدینگی موجود در کشور (در سایه رشد

نقدینگی در سال‌های گذشته)، تورم بالای شکل گرفته در کشور و نهایتاً تضعیف بخش تولید-عرضه به خاطر مشکلات پیش آمده در تجارت خارجی و کمبود سرمایه در گردش است. مردم در این شرایط، پول را در بانک نگه نداشته و مداوم بین بازارها جابه جا می‌کنند و این امر تورم را تشدید کرده و نوسانات شدیدی همراه با رشد قیمتی عجیب و غریبی را در همه بازارها ایجاد می‌کند. البته میزان نوسانات و رشد در بازارهای مختلف متفاوت است. مثلاً بازار مسکن نسبت به بازار ارز-طلا رشد قیمتی کمتری و نوسان کمتری را تجربه کرده است. یکی از دلایل این امر بزرگ بودن اندازه این بازار است.

برنامه پیش فروش بانک مرکزی چه تاثیری بر بازار طلا دارد؟

همانطور که در اخبار هفته‌های گذشته منتشر شد، مجلس و بانک مرکزی به دنبال ممنوع کردن خرید و فروش و بازار مربوط به تقاضای سوداگری-سفته‌بازی ارز هستند. هر چند این امر راهکار ریشه‌ای مساله نیست، ولی به هر حال در چنین شرایطی، معمولاً یکی از راهکارهایی است که توسط مجریان ارائه می‌شود. این امر احتمالاً سبب می‌شود که به دلیل افزایش ریسک حضور در بازار ارز، حرکت عامه مردم و سوداگران-سفته‌بازان به سمت





۳- باید نظارت بانک مرکزی بر روی موسسات و بانکها افزایش یابد تا در کنار سیاست‌های انقباضی، امکان مدیریت بازارها بیشتر شود و موسسات و نهادهای مالی در بازارهای طلا، ارز و کالا به دنبال سفته‌بازی نباشند. چنین عنوان می‌شد که در دوره‌ای مانند سال ۱۳۸۶، موسسات در بازار مسکن حضور دارند و در حال حاضر در بازارهای نقدشونده، با نظارت جدی، باید مانع از سفته‌بازی موسسات و نهادهای مالی و سرمایه‌گذاری که منابع زیادی دارند، در بازارهای پرنوسان شد.

۴- به جای فروش و پیش فروش سکه فیزیکی طلا، بانک مرکزی نسبت به فروش گواهی کاغذی طلا-سکه به صورت با نام و بدون نام اقدام کند. این امر می‌تواند حتی برای مردم عادی نیز جذابیت داشته باشد؛ چرا که مشکلات نگهداری طلا را ندارد. از سوی دیگر برای افزایش جذابیت آن، می‌توان این گواهی را به عنوان یکی از وثایق مورد قبول نظام بانکی برای ارائه تسهیلات بانکی تعریف کرد. به هر نحو باید با افزایش جذابیت فروش گواهی کاغذی طلا، داشتن آپشن‌های مختلف برای گروه‌های مختلف با توجه به دوره مدنظر سرمایه‌گذاری و ریسک، کاهش هزینه‌های معامله آن نسبت به طلا و سکه (که در حدود ۲ درصد است)، افزایش جذابیت نگهداری آن و مانند آن تقاضا را از سمت فیزیکی به این جهت سوق داد. البته پیش نیاز اجرای چنین طرحی، قبول قیمت آزاد طلا-ارز و تعیین مکانیزم شفاف برای شرایط و قیمت بازخريد این اوراق است.

باشد (مثلا در آبان ۹۱)، هدف خود را کاهش نوسان قرار دهد، می‌تواند بعد از افت بازار بعد از رشد شدید، با خرید و جمع‌آوری ارز از بازار، از افت آن جلوگیری کرده و ذخایر خود را نیز افزایش دهد (آذر ۹۱). کاهش و مدیریت نوسانات سفته‌بازان حرفه‌ای را ناامید کرده و از بازار خارج می‌کند و به دنبال آن، انگیزه مردم نیز برای حضور در بازار کاهش می‌یابد. در حالی که چنین استراتژی مشاهده نمی‌شود.

۲- رشد سود سپرده‌های بانکی، گزینه‌ای است که ناگزیر می‌کند و تا حد زیادی می‌تواند تلاطمات ایجاد شده در بازارهای مختلف را کاهش دهد. در کنار رشد سود سپرده‌های بانکی باید نسبت به ساختار آن نیز توجه شود. در یک سال گذشته، بانک‌ها و موسسات مالی بیشتر به سمت فروش اوراق مشارکت، گواهی سپرده یا سپرده کوتاه‌مدت با سود بالا حرکت کرده‌اند. جذب سپرده از محل فروش اوراق مشارکت، گواهی سپرده در عمل مشابه سپرده کوتاه‌مدت است؛ چون دارنده آن می‌تواند با جریمه اندکی، پول خود را به صورت آنی نقد کند. نتیجه این امر سیال بودن شدید سپرده‌های بانکی است که سبب می‌شود مردم در زمان به وجود آمدن تلاطم‌های در بازارهای مختلف، سریعاً نسبت به جابه‌جایی پول خود در بانک به این بازارها اقدام کنند.

باید بین سود سپرده یک ساله که امکان برداشت آن وجود نداشته باشد یا جریمه سنگینی داشته باشد و سود اوراق مشارکت، گواهی سپرده، تفاوت قابل توجهی وجود داشته باشد، تا از میزان سیال بودن غول نقدینگی موجود کاسته شود.

نیم نگاه پروژه‌های ناتمام صنعتی به مجلس

اشاره:

عدم اتمام پروژه‌های عمرانی ضمن اینکه سرمایه‌های ملی را از دایره اثربخشی خارج می‌نماید باعث می‌شود بسیاری از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های ناشی از اجرای پروژه‌ها نیز بلااثر گردد. در این زمینه توجه خوانندگان گرامی ماهنامه پیام آبادگران را به گزارشی به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد مورخ ۲۰ فروردین ماه جلب می‌نماییم.



مشکل در نظر گرفته شده در حالی است که هم اکنون واحدهای صنعتی با قفل بسته بانک‌ها و موانع در نظر گرفته شده برای اعطای تسهیلات نیز مواجه‌اند و این امر کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی را به همراه داشته است. به گفته محمدرضا نظری، عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی و معاون قراردادهای عاملیت و امور اعتبارات، طرح‌های ناتمام صنعتی یکی از معضلات بزرگ کشور محسوب می‌شوند که عمدتاً به دلیل دریافت اعتبار از حساب ذخیره ارزی امکان دریافت تسهیلات از صندوق را ندارند و بلا تکلیف رها شده‌اند. برای رفع این مشکل نیز صندوق توسعه ملی در هشت پیشنهادی که به مجلس ارائه داده خواهان رفع مشکل این بخش شده است. نظری در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد» با اشاره به اینکه بر اساس بند «د» ماده ۸۵ قانون برنامه پنجم امکان اعطای تسهیلات از سوی صندوق وجود ندارد، می‌گوید: رفع این مشکل و ایجاد شرایط برای دسترسی واحدهای ناتمام صنعتی به اصلاح قانون برنامه پنجم بستگی دارد، بنابراین از نمایندگان مجلس می‌خواهیم تا با اصلاح قانون این مشکل را برطرف کنند.

۲۰ هزار پروژه نیمه تمام صنعتی

کوتاه کردن دست واحدهای صنعتی از دریافت تسهیلات از

طرح‌های ناتمام صنعتی را شاید بتوان یکی از معضلات صنعتی کشور دانست، مشکلی که تزریق نقدینگی تنها گره گشای آن محسوب می‌شود، اما موانع قانونی در نظر گرفته شده در قانون برنامه پنجم توسعه گره بر گره این مشکل زده است.

بند «د» ماده ۸۵ قانون برنامه پنجم توسعه را می‌توان عمده مشکل پروژه‌های ناتمام صنعتی دانست. بر اساس این بند از قانون دریافت تسهیلات از صندوق توسعه ملی به واحدهای نیمه تمام صنعتی که پیش از این از حساب ذخیره ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند تخصیص نمی‌یابد. محدودیت‌های در نظر گرفته شده از سوی مجلسی‌ها در حالی است که اتمام این طرح‌ها علاوه بر افزایش ظرفیت واحدهای تولیدی منجر به بازگردان بخشی از سرمایه صرف شده برای این طرح‌ها خواهد شد. ناتمام گذاشتن برخی از طرح‌های صنعتی در حالی است که رقمی در حدود ۸۷ هزار میلیارد تومان تسهیلات تنها صرف واحدهایی که ۲۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند، شده است، اما قید عدم تخصیص تسهیلات به واحدهایی که پیش از این از منابع حساب ذخیره ارزی استفاده کرده‌اند در قانون برنامه پنجم، دست بخشی از واحدهای ناتمام صنعتی را از دریافت تسهیلات و به پایان رساندن این طرح کوتاه کرده است.



در بخش صنعت نیز نرخ سود ۱۶ درصد با زمان بازپرداخت دو سال برای سرمایه در گردش در نظر گرفته شده و برای طرح‌های ایجادى نیز هشت سال به دریافت‌کننده تسهیلات زمان بازپرداخت پیش‌بینی شده است. نساجی را شاید بتوان در رده واحدهای صنعتی قرار داد که بخش قابل توجهی از واحدهای ناتمام صنعتی به آن تعلق دارد. در این خصوص علیرضا حائری، دبیر انجمن نساجی به خبرگزاری «فارس»، گفت: طرح‌های نیمه تمام به چندین گروه تقسیم می‌شوند، بخشی در انتظار سرمایه در گردش برای آغاز کار هستند و اما گروهی دیگر بیش از ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند، اما برای تامین مواد اولیه و راه اندازی خطوط تولید با مشکل کمبود نقدینگی مواجه‌اند. به گفته دبیر انجمن نساجی، در صورتی که اتمام طرح‌های ناتمام صنعتی به ویژه صنعت نساجی و پوشاک که بخشی از سرمایه‌گذاری ارزی و ریالی آن صورت گرفته در دستور کار مسوولان اقتصادی و صنعتی کشور قرار گیرد، شاهد افزایش ظرفیت تولید واحدهای صنعتی خواهیم بود. حائری معتقد است علاوه بر برطرف کردن مشکل واحدهای ناتمام صنعتی باید از سرمایه‌گذاری جدید برای ایجاد واحدهای صنعتی به جز در موارد ضروری که گلوگاه تولید این صنایع است، نیز جلوگیری شود. دبیر انجمن نساجی در خصوص اینکه مشکل اصلی برای عدم تزریق نقدینگی به واحدهای تولیدی در چه بخشی است، می‌گوید: اینکه گره کار به چه بخشی مربوط می‌شود نامشخص است، اما آنچه مسلم است طولانی شدن پروسه بانکی موجب شده تا واحدهای تولیدی هم‌اکنون با مشکلات بسیاری مواجه شوند؛ به طوری که برخی از صنعتگران این مشکل را به ریاست‌جمهوری نیز ارجاع داده‌اند، اما هنوز مشکل برطرف نشده است.

به گفته حائری، طولانی شدن پروسه پرداخت تسهیلات موجب شده تا واحدهای تولیدی از زمان اجرا و تنفس عبور کنند و با وجود عدم راه‌اندازی خطوط تولید ناچار به پرداخت سایر اقساط شدند که این امر نیز برای تولیدکنندگان مشکل ساز شده است.

صندوق توسعه ملی در حالی است که هم‌اکنون واحدهای تولیدی با مشکل کمبود نقدینگی بسیاری مواجه هستند و در صورت رفع این مشکل شاهد افزایش ظرفیت تولید این واحدها خواهیم بود. به گفته سید مهدی نیازی، مدیرکل دفتر آمار و فرآوری داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت، طرح‌هایی در رده واحدهای ناتمام قرار می‌گیرند که بیش از ۲۰ درصد پیشرفت داشته باشند و در حال حاضر ۲۰ هزار واحد صنعتی با این پیشرفت به صورت ناتمام مانده‌اند. نیازی سرمایه‌گذاری صورت گرفته در این طرح‌ها را ۸۷ هزار میلیارد تومان برآورد کرد و به «دنیای اقتصاد»، گفت: در صورت اتمام این پروژه‌ها ۶۷۵ هزار اشتغال در کشور ایجاد خواهد شد. آمار اعلام شده از سوی مدیرکل دفتر آمار و فرآوری داده‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت در حالی است که با رفع موانع در نظر گرفته شده در قانون برنامه پنجم و اعطای تسهیلات از سوی صندوق، مشکل برخی از این واحدها برطرف خواهد شد. با این شرایط می‌توان گفت گره این مشکلی تنها به دست نمایندگان مجلس باز خواهد شد. عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی در پاسخ به این پرسش که در صورت رفع مشکل قانونی آیا صندوق توسعه ملی امکان تخصیص اعتبار به واحدهای ناتمامی را که صندوق ذخیره ارزی تسهیلات دریافت کرده‌اند دارد، می‌گوید: در صورت اصلاح قانون صندوق مشکلی برای تامین تسهیلات ارزی و ریالی و واحدهای ناتمام صنعتی نخواهد داشت. به گفته نظری، طرح‌های ناتمامی که حساب ذخیره ارزی تسهیلات دریافت نکرده‌اند در اولویت قرار دارند و می‌توانند با ارائه طرح‌های خود از منابع صندوق استفاده کنند. عضو هیات عامل صندوق توسعه ملی سود در نظر گرفته شده در بخش تسهیلات ارزی را ۵ تا ۶ درصد اعلام کرد و گفت: دریافت‌کننده باید در بازه زمانی هشت ساله نسبت به بازپرداخت تسهیلات اقدام کند، اما برای مناطق محروم سود تسهیلات یک درصد کمتر لحاظ می‌شود و دوره بازپرداخت نیز دو سال افزایش می‌یابد. در بخش کشاورزی نیز سود منابع ریالی صندوق برای سال ۹۰ معادل ۷ درصد و برای سال ۹۱ نیز ۱۳ درصد در نظر گرفته شده است.

ارز مرجع و مبادلاتی حذف می شود

اشاره:

بروز و ظهور پدیده‌های آسیب شناختی خواهد بود و همچنین آثار و تبعات ناشی از تک نرخی شدن ارز گرچه ضرورت امروز اقتصاد است ولی نرخ بالای آن به طور مستقیم برای واردات مواد اولیه و کالاهای مصرفی تاثیر افزایشی و به تبع آن تورم را خواهد بود. در این زمینه نظر خوانندگان گرامی را به گزارشی از روزنامه جهان صنعت مورخ ۱۹ فروردین جلب می نمایم.

با توجه به نقش تخصیص اعتبار در روند امور جاری و عمرانی کشور بالطبع تخصیص نیمی از اعتبارات بودجه سال ۹۱ به دستگاههای اجرایی می تواند در روند برنامه‌ها و سیاست‌های درون سازمانی و برون سازمانی آنها تاثیر بگذارد و پیامدهایی داشته باشد که چنانچه تمهیدات کافی به کار گرفته نشود زمینه‌های



دولت رسماً پیشنهاد حذف ارز مرجع را به مجلس شورای اسلامی داد؛ طرحی که بر پایه آن نرخ ارز مرجع حذف و به سمت نرخ مبادلاتی (احتمالاً) حرکت خواهد کرد. حال باید پرسید هدف دولت از این کار چیست؟

از سال گذشته که زمزمه‌های مرجع شدن نرخ ارز در مرکز مبادلات ارزی از سوی وزیر اقتصادی و رئیس کل بانک مرکزی مطرح شد تا زمانی که بودجه سال ۹۲ با نرخ ارز نامشخص به مجلس تقدیم شد، همواره حدس و گمان‌ها حاکی از آن بود که به تدریج نرخ ارز مرجع از گردونه اقتصاد کشور حذف خواهد شد و نرخ ارز جایگزین آن به احتمال بسیار زیاد نرخ ارز مبادلاتی خواهد بود.

این حدس و گمان‌ها همچنان به قوت خود باقی بود و بحث‌ها در بودجه سال ۹۲ و نرخ ارز آن نیز حاکی از آن است که دولت نرخ ارز در بودجه را نزدیک به نرخ ارز مرکز مبادلات

تعیین کرده است؛ اما دولت رسماً پیشنهاد حذف ارز مرجع را به مجلس داده و راهکارهای جایگزین آن را نیز به همراه این پیشنهاد ارائه کرده است.

غلامرضا مصباحی مقدم در نشست هیأت نمایندگان اتاق ایران گفته است: دولت پیشنهاد داده که اصلاح بهای ارز مرجع را داشته باشد که در این باره، دو راهکار مطرح است؛ راهکار نخست اینکه ارز مرجع همچنان به کالاهای ضروری، اساسی و دارو اختصاص یابد. راهکار دوم که مدنظر دولت است، ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص داده شود و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه دهد.

رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس اظهار داشت: پیشنهاد دولت، ارز تک نرخی است که البته رقم مشخصی را در بودجه ۹۲ ارائه نداده، ولی مجلس به این جمع بندی رسیده که نرخ



ممبینی با بیان اینکه با این روش در مواردی که کالا باید ارزان تر به دست مردم برسد یارانه پیش‌بینی کرده‌ایم، افزود: در واقع برای کالاهای گروه یک و دو، نهاده‌های کشاورزی و دامی که در سال ۹۱ ارز با نرخ مرجع اختصاص یافت، در راستای شفاف‌سازی در سال ۹۲ یارانه مناسبی پیش‌بینی کردیم تا دو نرخ نداشته باشیم

وی افزود: راهکار اول اینکه ارز مرجع کماکان به کالاهای ضروری، اساسی و دارو اختصاص یابد. راهکار دوم که مدنظر دولت است، ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص می‌یابد و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه می‌دهد.

بر این اساس احتمال حذف ارز مرجع در آینده بسیار نزدیک بسیار قوت گرفته است و همانطور که قبلاً هم پیش‌بینی میشد، قرار است نرخ ارز مرکز مبادلات یا نرخ نزدیک به آن به عنوان نرخ ارز مرجع مورد پذیرش واقع شود.

معنای این امر صرف نظر از تبعات و اثرات آن بر شناور شدن تدریجی نرخ ارز در اقتصاد، این است که کالاهایی که اکنون به آنها ارز مرجع ۱۲۲۶ تعلق می‌گیرد، به سمت ارز آزاد حرکت خواهند کرد و همانگونه که مصباحی مقدم اشاره کرده، ترجیح دولت بر حذف ارز مرجع و دادن یارانه به این کالاها است.

در این صورت قیمت کالاهای اولویت اول و دوم شامل دارو و تجهیزات پزشکی وارداتی و همچنین کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، گوشت مرغ، گوسفند زنده، جو، ذرت، دانه سویا، کنجاله، روغن خام، شکر خام، شیر خشک صنعتی و... با حرکت از سمت ارز مرجع به سمت ارز آزاد حداقل به دو برابر افزایش خواهد یافت.

پرداخت یارانه با مابه‌التفاوت ارز مرجع و آزاد؟

در این میان، یک نکته مبهم در پیشنهاد دولت وجود دارد.

ارز مرجع با توجه به محاسبات در بودجه ۹۲ نرخ مرکز مبادلات ارزی باشد.

بنابراین، احتمال حذف ارز مرجع در آینده نزدیک بسیار قوت گرفته است و همان گونه که در گذشته نیز پیش‌بینی می‌شد، قرار است نرخ ارز مرکز مبادلات یا نرخ نزدیک به آن به عنوان نرخ ارز مرجع پذیرفته شود.

معنای این امر صرف نظر از پیامدها و اثرات آن بر شناور شدن تدریجی نرخ ارز در اقتصاد، این است که کالاهایی که اکنون به آنها ارز مرجع ۱۲۲۶ تعلق می‌گیرد، به سمت ارز آزاد حرکت خواهند کرد و همان گونه که مصباحی مقدم اشاره کرده، ترجیح دولت بر حذف ارز مرجع و دادن یارانه به این کالاهاست. در این صورت قیمت کالاهای اولویت اول و دوم شامل دارو و تجهیزات پزشکی وارداتی و همچنین کالاهای اساسی نظیر گوشت قرمز، گوشت مرغ، گوسفند زنده، جو، ذرت، دانه سویا، کنجاله، روغن خام، شکر خام، شیر خشک صنعتی و... با حرکت از سمت ارز مرجع به سمت ارز آزاد حداقل به دو برابر افزایش خواهد یافت.

پرداخت یارانه به جای ارز مرجع

در این میان معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی تأکید کرد: در سال ۹۲ پیش‌بینی ما یک نرخ برای ارز است و دیگر نرخ ارز مرجع و مرکز مبادلات نخواهیم داشت. رحیم ممبینی معاون بودجه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهور، درباره پیش‌بینی نرخ ارز در سال جاری اظهار کرد: در سال ۹۲ برنامه درباره قیمت ارز آنطور که در لایحه بودجه ۹۲ پیش‌بینی شده، نظام شناور مدیریت شده است. او تصریح کرد: در لایحه بودجه ۹۲ حداقل در جاهایی که دولت حضور دارد، برنامه این است که یک نرخ داشته باشیم و نرخ‌هایی با عنوان مرجع و مرکز مبادلات وجود نداشته باشد.

شد. در نتیجه عملاً نباید فرقی در هزینه‌های دولت داشته باشد، مگر آنکه دولت ارز خود را به رقمی بالاتر از ارز مرکز مبادلات یا ارز مرجع جدید به فروش برساند و یا اینکه یارانه اختصاصی به این کالاها عملاً کمتر از میزان یارانه‌ای باشد که دولت قرار است به ارز مرجع بدهد.

از آنجایی که منطق این قضیه بر این اساس است که هزینه‌های دولت با حذف ارز مرجع نباید تغییری داشته باشد، دو احتمال می‌تواند مد نظر باشد:

نخست: هدف دولت در خوش بینانه‌ترین حالت، تنها عبور از نظام چند نرخ ارز و تثبیت و حرکت به سمت نظام ارز تک نرخ در اقتصاد کشور است.

دوم: دولت می‌خواهد با فروش ارز در بازار به نرخ آزاد (یا مبادلاتی) و با حذف یارانه از روی کالاهای اساسی و دارو، درآمد ریالی خود را از فروش نرخ ارز افزایش داده و با پرداخت یارانه‌ای کمتر از یارانه ارزی به کالاهای اساسی، میزانی از درآمد به دست آمده را صرف امور مد نظر خود کند. اکنون به درستی نمی‌توان گفت، کدام یک از این دو از احتمال بالاتری برخوردار است و تا جزئیات دقیق پیشنهادی دولت روشن نشود، نمی‌توان گفت در پس ذهن دولت چه می‌گذرد!

مصباحی مقدم گفته، راهکار دوم که مدنظر دولت است، این که ارز آزاد به کالاهای اساسی، ضروری و دارو اختصاص می‌یابد و در مقابل دولت مابه‌التفاوت را از نرخ ارز مرجع تا آزاد به این کالاها یارانه می‌دهد. حال باید پرسید که منظور از نرخ ارز آزاد چیست؛ ارز مبادلاتی که قرار است مینا قرار گیرد یا ارز بازار آزاد؟ آن گونه که از شواهد و قراین پیداست، به احتمال بسیار زیاد، منظور از ارز آزاد، ارزی است که نرخ آن در بودجه مشخص خواهد شد و نزدیک به ارز مرکز مبادلات است.

اما نکته مهم‌تر اقدام دولت برای دادن یارانه به کالاهای اساسی در صورت حذف ارز مرجع و برای کنترل قیمت این کالاهاست؛ کاری که عملاً در ظاهر تفاوتی برای دولت نخواهد داشت.

به عبارت بهتر، دولت معادل ریالی - ارزی را که به قیمت آزاد خواهد فروخت برای کنترل بهای این کالاها اختصاص خواهد داد؛ آن هم به شکل پرداخت یارانه. در نتیجه تفاوت اختصاص ارز مرجع به این کالاها یا پرداخت یارانه به آن‌ها چه خواهد بود؟

روش کار دولت این گونه است که یارانه‌ای که قرار است دولت روی ارز اعمال کند، بر روی کالاها اعمال خواهد





پاگرد در راه پله‌ها، زمینه‌ساز فراغتی کوتاه برای انسان از فشار ناشی از بالا رفتن از پله‌ها است و این پاگرد در مجله.....

کمیسیون انتشارات

- از ارسطو پرسیدند بهترین سخن کدام است؟ در پاسخ گفت: آنچه موافق عقل باشد، گفتند پس از آن چیست؟ گفت: سخنی که شنونده بپذیرد، گفتند بعد از آن چه؟ گفت: سخنی که از سرانجام آن اطمینان داشته باشیم که ضرری متوجه ما نخواهد ساخت، گفتند بعد از آن چیست؟ گفت: اگر سخن یکی از این سه شرط را نداشته باشد ارزش شنیدن ندارد
- به خویشتن اعتماد کن، آنگاه راه زندگی را خواهی یافت. (گوته)
- آنچه فرد تحصیلکرده را از فرد خودآموخته مشخص می‌سازد، وسعت دانش نیست، بلکه مراتب گوناگون نیروی حیات و اعتماد به نفس است. (میلان کوندرا)
- برنده شدن همیشه به معنی اولین بودن نیست. برنده شدن به معنی انجام کار، بهتر از دفعات قبل است. (بونی بلر)
- در یک روز، اگر ما با هیچ مشکلی مواجه نمی‌شویم، می‌توانیم مطمئن باشیم که در مسیر اشتباه حرکت می‌کنیم. (سوآمی و بوکاناندن)
- هیچ کس در این دنیا آنقدر بی‌فایده نیست که نتواند بار دیگری را سبک کند. (چارلز دیکنز)
- اگر فقیر به دنیا آمده‌اید، این اشتباه شما نیست اما اگر فقیر بمیرید، این اشتباه شما است. (بیل گیتس)
- اگر تو برنده باشی، نیازی نیست به کسی توضیحی دهی، اما اگر بازنده باشی، نیازی نیست آنجا باشی تا به کسی توضیحی دهی (آدولف هیتلر)
- در این دنیا، خود را با کسی مقایسه نکنید، در این صورت به خودتان توهین کرده‌اید. (آلن استرایک)
- به هیچ دسته کلیدی اعتماد نکنید بلکه کلیدسازی را فرابگیرید. (آنتونی رابینز)
- کارکنان لغزش‌های اتفاقی را به شرطی که بر اساس توانایی رهبر باشد و او را در حال رشد و بالندگی ببینند، می‌بخشند. اما به کسانی که در منش خود مرتکب لغزش می‌شود اعتماد نمی‌کنند. (جان ماکسول)

دلیل رشوه دادن به دلچک دربار!

پادشاهی دلچکی داشت که با همه درباریان مزاح می‌کرد و آن‌ها را مسخره می‌کرد جز یک نفر به نام اصیل‌الدین. روزی پادشاه به دلچک گفت: تو چرا همه را مسخره می‌کنی جز اصیل‌الدین؟ گفت: چون همه به من دو دینار می‌دهند و او صد دینار. شاه اصیل‌الدین را احضار کرد و سبب پرسید، اصیل‌الدین گفت: دینار به دو تن می‌دهند، یکی آن که دستشان بگیرد و دیگر آن که پایشان نگیرد. امیر بسیار خندید و او را مرخص کرد.

داستان قمپز در کردن

قمپوز تویی بود کوهستانی و سرپر به نام قمپوز کوهی که دولت امپراطوری عثمانی در جنگ‌های با ایران مورد استفاده قرار می‌داد. این توپ اثر تخریبی نداشت زیرا گلوله در آن به کار نمی‌رفت بلکه مقدار زیادی باروت در آن می‌ریختند و پارچه‌های کهنه و مستعمل را با سنبه در آن به فشار جای می‌دادند و می‌کوبیدند تا کاملاً سفت و محکم شود. سپس این توپها را در مناطق کوهستانی که موجب انعکاس و تقویت صدا می‌شد به طرف دشمن آتش می‌کردند. صدایی آنچنان مهیب و هولناک داشت که تمام کوهستان را به لرزه در می‌آورد و تا مدتی صحنه جنگ را تحت الشعاع قرار می‌داد ولی کاری صورت نمی‌داد زیرا گلوله نداشت. در جنگ‌های اولیه بین ایران و عثمانی صدای عجیب و مهیب آن در روحیه سربازان ایرانیان اثر می‌گذاشت و از پیشروی آنان تا حدود موثری جلوگیری می‌کرد ولی بعدها که ایرانیان به ماهیت و توخالی بودن آن پی بردند هر گاه صدای گوشخراشش را می‌شنیدند به یکدیگر می‌گفتند: «نترسید قمپوز در می‌کنند.» یعنی توخالی است و گلوله ندارد. کلمه قمپوز مانند بسیاری از کلمات تحریف و تصحیف شده رفته رفته به صورت قمیز تغییر شکل داده ضرب‌المثل شده است. به گفته علامه دهخدا به معنی: دعای دروغین کردن، بالیدن نابجا و فخر و مباهات بی‌مورد کردن است.





تفاوت کار را درست انجام دادن با انجام درست کار

چند وقتی بود در بخش مراقبت‌های ویژه یک بیمارستان معروف، بیماران یک تخت بخصوص در حدود ساعت ۱۱ صبح روزهای یکشنبه جان می‌سپردند. این موضوع ربطی به نوع بیماری و شدت وضعف مرض آنان نداشت. این مسئله باعث شگفتی پزشکان آن بخش شده بود به طوری که بعضی آن را با مسائل ماورای طبیعی و بعضی دیگر با خرافات و ارواح واجنه و موارد دیگر در ارتباط می‌دانستند. کسی قادر به حل این مسئله نبود که چرا بیمار آن تخت درست در ساعت ۱۱ صبح روزهای یکشنبه جان می‌سپرد. به همین دلیل گروهی از پزشکان متخصص برای بررسی موضوع تشکیل جلسه دادند و پس از ساعت‌ها بحث و تبادل نظر بالاخره تصمیم گرفتند تا در اولین یکشنبه ماه، چند دقیقه قبل از ساعت ۱۱ در محل مذکور برای مشاهده این پدیده عجیب و غریب حاضر شوند. در محل و ساعت موعود، بعضی در حال دعا بودند، بعضی دوربین فیلمبرداری با خود آورده و دو دقیقه به ساعت ۱۱ مانده بود که «پوکی جانسون» نظافتچی پاره وقت روزهای یکشنبه وارد اتاق شد. دوشاخه برق دستگاه حفظ حیات را از پریز برق در آورد و دو شاخه جاروبرقی خود را به پریز زد و مشغول کار شد!

دانشتنی‌های مفید:

آیامی‌دانستید؟
 - یک انسان ۸ ثانیه بعد از قطع گردن هنوز به هوش است.
 - سالی ۵۰۰ شهاب سنگ به زمین برخورد می‌کنند.
 - خورشید روزی ۱۲۶۰۰۰ میلیارد اسب بخار انرژی به زمین می‌فرستد.
 - کوچترین زمین فوتبال ساخته شده یک بیست هزارم یک تار مو است. (نانو)
 - با دویدن می‌توان مسافر زمان بود و کسری از ثانیه از دیگران بیشتر عمر کرد.
 - ۵۶ درصد افرادی که دست چپ هستند، تاپیستند
 - برای تولید یک لیتر بنزین، ۲۳/۵ تن گیاه در گذشته مدفون شده است.
 - هر یک دقیقه نسل یک موجود زنده منقرض می‌شود.

استراحت نصرالدین

شخصی از نصرالدین پرسید؟ ساعات استراحت تو چه وقت است؟ جواب داد: چند ساعت در شب و دو ساعتی بعد از ظهرها که او می‌خواهد. آن شخص پرسید: او کیست؟ نصرالدین گفت: عیال من. شخص مزبور گفت: نادان پرسیدم خودت کی استراحت می‌کنی؟ به عیالت چکار داشتی. نصرالدین جواب داد: نادان خودت هستی؛ مگر نمی‌دانی ساعتی که زخم در خواب است من می‌توانم نفس راحتی بکشم.

ستاره‌شناس

روزی نصرالدین از همسایه‌اش که مردی دانشمند بود ستاره‌شناسی می‌کرد، پرسید: فلائی، مرامی‌شناسی؟ مرد گفت: نه! نصرالدین گفت: تو که همسایه‌ات را نمی‌شناسی چطور می‌خواهی ستارگان را بشناسی؟

چرا عشق کور است.....!

آنها از بیکاری خسته و کسل شده بودند. روزی همه فضایل و تباهیها دور هم جمع شدند خسته تر و کسل تر از همیشه. ناگهان ذکاوت ایستاد و گفت: بیائید یک بازی بکنیم؛ مثلاً قایم باشک، همه از این پیشنهاد شاد شدند. دیوانگی فوراً فریاد زد من چشم می‌گذارم من چشم می‌گذارم؛ و از آنجائی که هیچکس نمی‌خواست به دنبال دیوانگی برود همه قبول کردند او چشم بگذارد و به دنبال آنها بگردد. دیوانگی جلوی درختی رفت و چشمهایش را بست و شروع کرد به شمردن... یک... دو... سه... چهار... همه رفتند تا جایی پنهان شوند؛ لطافت خود را به شاخ ماه آویزان کرد؛ خیانت داخل انبوهی از زباله پنهان شد؛ اصالت در میان ابرها مخفی گشت؛ هوس به مرکز زمین رفت؛ دروغ گفت زیر سنگی می‌روم اما به ته دریا رفت؛ طمع داخل کیسه‌ای که دوخته بود مخفی شد؛ و دیوانگی مشغول شمردن بود... هفتاد و نه... هشتاد... هشتاد و یک... همه پنهان شده بودند بجز عشق که همواره مردد بود و نمی‌توانست تصمیم بگیرد و جای تعجب هم نیست چون همه می‌دانیم پنهان کردن عشق مشکل است. در همین حال دیوانگی به پایان شمارش می‌رسید. نود و پنج...

نود و شش... نود و هفت... هنگامی که دیوانگی به صدر رسید، عشق برید و در بوته گل رز پنهان شد. دیوانگی فریاد زد: دارم میام دارم میام. اولین کسی را که پیدا کرد تنبلی بود؛ زیرا او تنبلی‌اش آمده بود جائی پنهان شود و لطافت را یافت که به شاخ ماه آویزان بود. دروغ ته چاه، هوس در مرکز زمین، یکی یکی همه را پیدا کرد جز عشق؛ او از یافتن عشق ناامید شده بود. حسادت در گوشه‌هایش زمزمه کرد، تو فقط باید عشق را پیدا کنی و او پشت بوته گل رز است. دیوانگی شاخه‌ی چنگک ماندنی را از درخت کند و با شدت و هیجان زیاد آن را در بوته گل رز فرو کرد و دوباره تا با صدای ناله‌ای متوقف شد. عشق از پشت بوته بیرون آمد با دستهایش خود را پوشانده بود و از میان انگشتانش قطرات خون بیرون می‌زد. شاخه‌ها به چشمان عشق فرورفته بودند و او نمی‌توانست جایی را ببیند او کور شده بود. دیوانگی گفت (من کردم، من چه کردم، چگونه می‌توانم تو را درمان کنم؟!)

عشق پاسخ داد: تو نمی‌توانی مرا درمان کنی؛ اما اگر می‌خواهی کاری بکنی راهنمای من شو. و اینگونه شد که از آن روز به بعد عشق کور است و دیوانگی همواره در کنار اوست.

کاردان‌های فنی‌جانشین مهندسان ناظر

کند. وی در ادامه یادآور شد: کاردان‌های فنی باید با عملکرد خود در کارگاه‌های فنی‌جانشین، خلاء نظارت مهندسان ناظر را جبران کنند. رئیس شورای مرکزی نظام کاردان‌فنی، در ادامه خاطر نشان کرد: با وجود مهندسان ناظر در حوزه ساخت و ساز، میزان تلفات جانی ناشی از گودبرداری اشتباه کاهش نیافته و این ناشی از عدم حضور کاردان فنی در کارگاه‌های ساختمانی است. وی با اشاره به اینکه کارگاه‌های ساختمانی نیازمند حضور کاردان‌های فنی ساختمانی است، افزود: متأسفانه سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، در تلاش است کاردان‌های فنی را از صنعت ساختمان سازی جدا کند. مودن در ادامه افزود: وزیر راه و شهرسازی و بسیاری از معاونان آن، موافق حضور کاردان‌های فنی در صنعت ساختمان سازی هستند، در حالیکه سازمان نظام مهندسی در تلاش برای جداسازی کاردان‌های فنی است.

رئیس شورای مرکزی سازمان نظام کاردانی ساختمان کشور گفت: کاردان‌های فنی خلاء کمبود نظارت بر ساخت و ساز توسط مهندسان ناظر را پر می‌کنند. مهدی مودن با بیان اینکه استان تهران در صنعت ساختمان‌سازی الگوی کل کشور به شمار می‌رود، گفت: هرگونه آثار مثبت یا منفی در ساخت و ساز استان تهران بر صنعت ساختمان کشور اثرگذار است. وی ادامه داد: تاکنون سازمان نظام مهندسی ساختمان استان تهران، به هیچ وجه با سازمان نظام کاردانی نداشته و فشار زیادی به صنعت ساختمان‌سازی تهران وارد می‌شود. رئیس شورای مرکزی سازمان نظام کاردانی، در ادامه تصریح کرد: در طول ساخت و ساز مهندسی ناظر تنها ۶ بار برای بازدید می‌رود که این میزان کافی نیست. مودن در ادامه اظهار داشت: کاردان‌های فنی باید جایگزین مهندسان ناظر برای بازدید از ساخت و ساز باشند و به نوعی خلاء آنها را پر

مقاوم سازی ساختمان‌ها در مقابل انفجار با نانوفوم

معمولی در معرض برخورد‌های ناگهانی و شدید قرار می‌گیرند، انرژی در یک ناحیه موضعی جذب می‌شود که می‌تواند به شکست ساختاری منجر شود؛ اما زمانی که منافذ به اندازه کافی کوچک باشند، این انرژی بشکل بی‌خطر در سراسر منطقه برخورد پراکنده می‌شود. ساختار نانوفوم شامل ۵۰ تا ۸۰ درصد منفذ با اندازه‌های بین ۱۰ نانومتر تا ۱۰ میکرون است. درجات مختلف نانوفوم‌ها در تست تفنگ گاز در آزمایشگاه با ضربات شدید مورد آزمایش قرار گرفته و آسیب‌های وارد شده توسط میکروسکوپ الکترونی اسکن شده‌اند. نتایج اولیه نشان می‌دهد که نانوفوم‌ها با اندازه منافذ بیش از ۱۰ نانومتر بهترین توانایی را برای جذب ضربات شدید و موج انفجار دارند.

محققان قصد دارند از نانوفوم برای افزایش مقاومت جلیقه‌های ضد گلوله و حفاظت از ساختمان‌ها در برابر انفجار استفاده کنند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی بنابنیز در حال حاضر دانشمندان با الهام از اسفنج دریایی به دنبال طراحی و ساخت جلیقه‌های ضد گلوله بهتر هستند، اما محققان قصد دارند از فوم‌ها به خصوص نانوفوم‌های ویژه برای ساخت جلیقه‌ها استفاده کنند. تیم تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیا در سن‌دیگو به سرپرستی «یوکیانو» در حال ساخت فوم‌هایی بوسيله مخلوط کردن چند جفت مواد در سطح مولکولی هستند. سپس یکی از این مواد از طریق اسید یا احتراق از بین می‌رود و فضای اشغال شده توسط ماده هدف به صورت منافذ ریز درون ماده باقی می‌ماند. اندازه این منافذ بسیار مهم هستند. زمانی که فوم‌های

ساخت بلندترین سد بتنی دو قوسی جهان

در راستای افزایش سطح زیرکشت اراضی پایین دست، کنترل سیلاب‌های مخرب فصلی و افزایش ایمنی سد دز، تنظیم آب نیروگاه در دست مطالعه جریانی دز در پایین دست سد با ظرفیت ۷۵۰ مگاوات و ایجاد شرایط توسعه برای منطقه مانند محرومیت زدایی، اشتغال‌زایی و افزایش قابلیت‌های گردشگری از دیگر اهداف اجرای پروژه بختیاری هستند.

سد بختیاری با ارتفاع ۳۲۵ متر بر روی رودخانه بختیاری از سرشاخه‌های دز و میان دو کوه ساخته خواهد شد؛ همچنین بدنه سد از نوع سد بتنی دو قوسی است. تراز تاج سد ۸۴۰ متر از سطح دریا، طول تاج ۵۰۹ متر، حداکثر ارتفاع از پی ۳۲۵ متر، حداقل عرض پی ۵۰ متر، ضخامت تاج ۱۰ متر، حجم بتن بدنه سد چهار میلیون و ۸۰۰ هزار متر مکعب، حجم حفاری سه میلیون و ۵۰۰ هزار متر مکعب و عمق حفاری تکیه‌گاه از ۱۵ تا ۸۰ متر متغیر است. با احداث سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری سالانه ۱۵۰۰ مگاوات به توان تولید برق کشور افزوده می‌شود و با انتقال آب رودخانه سزار به مخزن سد بختیاری، میزان تولید از ۲۸۵۰ گیگاوات ساعت انرژی برق‌آبی در سال، به ۳۷۰۰ گیگاوات ساعت افزایش پیدا می‌کند.

منطقه اجرای پروژه سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری یکی از صعب‌العبورترین مناطق سد سازی در ایران است و حجم کار احداث تنها زیرساخت این پروژه معادل با حجم کار ساخت سه سد خوانده شده و بیش از دو سال زمان می‌برد. بر این اساس حجم مخزن سد بختیاری ۵ هزار و ۱۵۹ میلیون متر مکعب، حجم مفید آن ۲ هزار و ۱۲۲ میلیون متر مکعب، طول دریاچه ۵۹ کیلومتر، مساحت سد ۶۱،۵ کیلومتر مربع و تراز نرمال بهره‌برداری ۸۳۵ متر از سطح دریا است. این سد دارای سرریزهای تونلی (سرریز اصلی)، سرریز روزنه‌ای (سرریز کمکی) و تخلیه‌کننده روزنه‌ای است.

به گزارش ایسنا ساختگاه سد بختیاری در جنوب غرب ایران، در میان ارتفاعات سر به فلک کشیده زاگرس چین خورده قرار دارد. موقعیت این سد

روز هشتم فروردین ماه سال جاری عملیات اجرایی بدنه سد بختیاری با حضور محمود احمدی‌نژاد افتتاح شد و ساخت این سد عظیم، از نخستین پروژه‌هایی است که آغاز ساخت آن با حضور رئیس جمهوری صورت می‌گیرد که این موضوع بیانگر اهمیت پروژه سد و نیروگاه بختیاری است. افتتاح عملیات اجرایی ساخت سد بختیاری قرار بود که قرار بود در روز پانزدهم بهمن ماه سال گذشته انجام شود به دلیل حضور رئیس جمهور در مجلس لغو شد و در نهایت در روز هشتم فروردین ماه سال جاری با تأخیری در حدود دو ماه رئیس جمهور برای کلنگ زنی پروژه اقدام کرد.

بلندترین سد بتنی دو قوسی جهان با ارتفاع ۳۲۵ متر توسط شرکت منابع توسعه آب و نیروی ایران و به روش تهاتر با عقد قرارداد بین شرکت مذکور و قرارگاه خاتم‌الانبیا ساخته می‌شود بنابراین منابع مالی چشمگیر مورد نیاز این طرح از طریق تهاتر نیروگاه‌های رجایی و مسجد سلیمان تامین خواهد شد. در ابتدای برنامه‌ریزی‌ها قرار بود که پروژه بختیاری توسط پیمانکار چینی و با فاینانس چین اجرا شود اما پس از مشکلات بانکی رخ داده، قرارگاه خاتم‌الانبیا کار ساخت سد و نیروگاه را به روش تهاتر به دست گرفت. برای اجرای سد و نیروگاه برق‌آبی بختیاری پیش‌بینی شده نیاز به بودجه‌ای بالغ بر ۳ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان باشد و بر اساس سخنان احمدی‌نژاد در روز افتتاح عملیات ساخت سد، احتمالاً تا زمان اتمام طرح رقم بودجه تخمین زده شده تا دو برابر امکان افزایش دارد.

سد بختیاری به فاصله مستقیم ۵۰ کیلومتری بالادست سد دز و پنج کیلومتر بالادست تقاطع رودخانه‌های سزار - بختیاری در شمال غرب ایستگاه تنگ پنج (هشتمین ایستگاه خط آهن حد فاصل اندیمشک - دورود) بر روی رودخانه بختیاری بنا می‌شود. با اجرای این پروژه از ورود رسوبات رودخانه بختیاری به مخزن سد دز جلوگیری و در نتیجه بر عمر مفید سد و نیروگاه دز افزوده می‌شود؛ امکان مدیریت بهینه منابع آب به میزان ۵ میلیارد مترمکعب

ظرفیت تولید انرژی برق آبی رودخانه‌های بختیاری و سزار، را انجام داد و پس از آن ساختگاه‌های الکن، زالکی و بختیاری با در نظر گرفتن ویژگی‌های برتر و اقتصادی آن‌ها برای مطالعات مرحله اول پیشنهاد شدند. پس از انجام مطالعات مرحله اول طرح بختیاری در سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹، در سال ۱۳۸۴ بازنگری و تکمیل مطالعات و انجام مطالعات مرحله دوم طرح به "مشارکت مشاورین مطالعات طرح بختیاری" واگذار شد. مرحله بازنگری طرح تا تیرماه ۱۳۸۸ زمان برد و در اسفندماه سال ۱۳۸۹ قرارداد احداث راه بخش زیرساخت سد بختیاری بسته شد و اجرای زیرساخت از سال ۱۳۹۰ شروع شد. انتظار می‌رود که سد و نیروگاه بختیاری در ۱۰ سال ساخته شود اما این امر منوط به تامین اعتبار لازم است گرچه کمبود اعتبارات انگیزه‌ای برای اجرای تهاثری پروژه شد.

زمان افتتاح رسمی آزادراه تهران-شمال

حدود ۲۵ کیلومتر از ابتدای امسال برای تسهیل سفرهای نوروزی و جلوگیری از گره‌های بزرگ ترافیکی در جاده قدیم چالوس، آماده تردد شد و مورد استفاده مسافران نوروزی شهرهای شمالی کشور قرار گرفت. در هفته اول فروردین قرار بود این قطعه توسط رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی افتتاح رسمی شود، اما به دلیل محدودیت‌های ترافیکی ناشی از اعمال مراسم تشریفات، افتتاح به بعد از تعطیلات نوروز موکول شد. آزادراه تهران-شمال در قالب ۴ قطعه ساخته می‌شود که هنوز ساخت و احداث ۳ قطعه اصلی، به اتمام نرسیده است.

در مجاورت ایستگاه راه‌آهن تنگ پنج (هشتمین ایستگاه حدفاصل دورود اندیمشک) در مسیر راه آهن تهران اهواز واقع و در مرز استان‌های لرستان و خوزستان، در ۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان خرم‌آباد است. سد بختیاری حدود ۵۰ کیلومتر بالاتر از سد دز و پنج کیلومتر بالاتر از تقاطع رودخانه‌های سزار بختیاری، بر روی رودخانه بختیاری واقع می‌شود. در حال حاضر دسترسی به ساختگاه سد تنها از طریق راه‌آهن امکان‌پذیر است و برای رفع مشکل فنی ناشی از محدودیت عبور برخی محموله‌ها از تونل‌های راه‌آهن و رفع تنگنایهای انحصار حمل و نقل ریلی، مطالعات احداث راه دسترسی نیز انجام شده که در نهایت مسیر خرم‌آباد چشمک تنگ ۷ تنگ ۵ به طول ۱۰۵ کیلومتر به عنوان گزینه برتر شناخته شد. بر این اساس در سال ۱۳۷۱ شرکت توسعه منابع آب و نیروی ایران، مطالعات مرحله شناخت

در هفته اول فروردین قرار بود آزادراه تهران-شمال توسط رئیس‌جمهور و وزیر راه و شهرسازی افتتاح رسمی شود، اما به دلیل محدودیت‌های ترافیکی ناشی از اعمال مراسم تشریفات، افتتاح به بعد از تعطیلات نوروز موکول شد. دنیای اقتصاد نوشت: قطعه‌ای از آزادراه تهران-شمال که از ابتدای فروردین امسال برای تردد خودروهایی عازم استان مازندران، به صورت غیررسمی زیر بار ترافیکی رفته بود، این هفته به شکل رسمی توسط مقامات ارشد دولت افتتاح می‌شود. قطعه ۴ آزادراه تهران-شمال حدفاصل مرز آباد تا چالوس به طول

آیا وزارتخانه‌ها از تهران می‌روند؟

به آن جهت است که وقتی فرد یا گروهی برای جلسات یا کارهای اداری از تهران و سایر استان‌ها به وزارتخانه‌ها مراجعه می‌کنند دیگر سرازیر به تهران نمی‌شوند و مستقیم به پرند می‌روند. اواخر اردیبهشت ماه سال ۸۹ بود که دولت فهرست ۱۶۳ شرکت و سازمان دولتی را که باید از تهران منتقل شوند، اعلام کرد. در همان روزها، رایزنی‌هایی درباره انتقال وزارتخانه‌ها یا بخش‌هایی از آن‌ها به شهرهای دیگر صورت گرفت. انتقال معاونت آموزشی وزارت علوم به سمنان، معاونت آموزش و پژوهش و آموزش‌کنده‌های وزارت راه به اصفهان و همچنین احتمال انتقال وزارت صنایع و معادن به شهرستان‌های اطراف مواردی از این تصمیم گیری‌های دولت بود که بنا به گفته مسئولین مربوطه، قطعی شده بود و قرار بود اجرا شود. احتمال وقوع زلزله در تهران و فلج شدن کشور در صورت آسیب دیدن وزارتخانه‌ها و شرکت‌های کلیدی، همچنین افزایش بی‌رویه مهاجرت به تهران، از دلایل اعلام شده برای این تصمیم دولت بود و حتی این مساله مطرح شد که پایتخت کشور تغییر کند که با توجه به تمرکز اقتصادی -صنعتی و آموزشی در تهران، این امر به این سادگی امکان‌پذیر نخواهد بود و بنابراین دولت تصمیم گرفت، روش تمرکز زدایی تدریجی را در پیش بگیرد. در راستای اجرای این طرح دولت از کارمندی که اصلیت‌شان تهرانی نیست، خواست به شهر خود بازگردند و حتی وعده تسهیلاتی چون مسکن و زمین را نیز به آنان داد. در هر حال، بسیاری از منتقدین این طرح اعتقاد دارند که برای انتقال وزارتخانه‌ها و شرکت‌های کلیدی از تهران کار کارشناسی صورت نگرفته است و این مساله کشور را در دراز مدت دچار مشکل خواهد کرد. به اعتقاد آن‌ها، تکه تکه کردن وزارتخانه‌ها بدون کارشناسی و برنامه ریزی‌های علمی و تخصصی، جز مشکلات اداری برای خدمات رسانی به مردم و ناراضیاتی کارمندان چیزی در پی نخواهد داشت و حالا باید منتظر ماند و دید، بالاخره در روزهای پایانی حیات دولت دهم این طرح که مدتی از سوی دولتی هادنبال شد تا به شهرک پرند رسید، اجرایی خواهد شد یا خیر و در صورت اجرایی شدن چه تبعاتی برای کشور در پی خواهد داشت؟

طرح تمرکززدایی از پایتخت، سیاستی است که توسط دولت دهم در پیش گرفته شده و با وجود تمام مخالفها و در حال اجرایی شدن است. بر اساس این طرح وزارتخانه‌ها و بسیاری از ادارات دولتی و شرکت‌ها از تهران به شهرهای دیگر منتقل خواهند شد. این طرح دولت در همان بدو مطرح شدن با مخالفت‌های زیادی همراه شد، هر چند که موافقانی هم داشت. در حالیکه اظهار نظرهای مختلف درباره این سیاست دولت ادامه داشت در سوم مرداد مصوبه‌ای توسط معاون اول رئیس‌جمهور ابلاغ شد که بر طبق آن، دستگاه‌های اجرایی مجازند نسبت به انتقال بخشی از وزارتخانه و ستاد مرکزی به اطراف تهران و استان‌های همجوار تهران مانند قزوین و سمنان اقدام کنند. بعد از آن نیز موضوع انتقال چند وزارت خانه به شهر جدید پرند و در واقع پایتخت مسکن مهر تهران مطرح شد. نکته جالب اما در این مصوبه این بود که در آن به چگونگی و شرایط انتخاب بخش‌هایی که می‌توانند منتقل شوند، اشاره‌ای نشده بود و بنابراین دستگاه‌های اجرایی و وزارتخانه‌ها می‌توانند بنا به صلاحدید خود، بخش‌هایی را انتقال دهند که مسلماً این امر موجب به وجود آمدن مشکلاتی خواهد شد، زیرا بدون در نظر داشتن چارچوب مدون و انجام کار کارشناسی صحیح، این امر تنها سرگردانی مردم و عدم دسترسی سریع به خدمات را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد. حالاً اما در حالی که روزهای پایانی دولت دهم نزدیک است، استاندار تهران با بیان اینکه تمامی شرایط برای انتقال وزارتخانه‌ها به شهر جدید پرند انجام شده و دیگر بهانه‌ای وجود ندارد گفته است: این موضوع را به وزارتخانه‌ها اعلام کرده‌ایم، آن‌ها باید بروند زمین را ببینند و جانمایی کنند تا هر چه زودتر سبک سازی تهران انجام شود. تمدن در پاسخ به اینکه آیا شما اعلام می‌کنید که وزارتخانه از امروز می‌توانند ساختمان خود را در پرند بنا کنند گفت: بله قطعاً همین است. مثلاً وزارت نفت برود زمین را ببیند و جانمایی کند. امروز پرند به مترو، فرودگاه و بزرگراه‌ها دسترسی دارد. در ضمن تمامی ساختمان وزارتخانه تجمیع می‌شود. هر چند برخی آقایان می‌گویند این موجب می‌شود کارمندان بروند و برگردند. خوب بروند و برگردند ما هم مترو داریم و هم اتوبوس مشکلی نیست. سبک‌سازی

باغ‌های زیر زمینی، رؤیایی که به واقعیت نزدیک می‌شود؟



با گسترش شهرنشینی و کمبود فضای سبز، ایده طراحی باغ‌های زیرزمینی مطرح شده است، اما اصلی‌ترین چالش در این زمینه انتقال نور خورشید به زیر زمین برای رشد گیاهان است. ایده احداث باغ‌های زیر زمینی از سال ۲۰۰۸ میلادی بطور جدی مطرح شد و در نخستین گام، احداث فضای سبز بزرگ موسوم به Lowline در زیر منطقه منهتن مطرح شده است. برای حل مشکل انتقال نور خورشید جهت رشد گیاهان در باغ‌های زیرزمینی، محققان قصد دارند از فناوری فیبر

زمینی داشته باشند. «رامسی» در این نمونه از روش ساخت تلسکوپ‌های فضایی الگوبرداری کرده است؛ شبکه‌ای شامل ۶۰۰ قطعه ورق آلومینیوم آنودایز در بالای سقف به یکدیگر متصل شده و نور خورشید از طریق فیبر نوری در محیط پخش شده و برای رشد گیاهان مورد استفاده قرار می‌گیرند

نوری استفاده کنند. «جیمز رامسی» از مهندسان سابق ناسا با همکاری «دن باراش»، پروژه‌ای برای عملی کردن این طرح در دست اجرا دارد؛ نمونه کوچک و شبیه‌سازی شده‌ای از این طرح احداث شده است تا مردم بتوانند درک بهتری از پارک زیر

بلندترین آسانسور بیرونی جهان

آسانسور صد اژدها با ۳۳۰ متر ارتفاع بلندترین آسانسور outdoor جهان در چین است. سالانه میلیونها توریست به استان هونان در چین آمده تا ارتفاعات وولینگیان را ببینند. آسانسور بیلانگ ۵۰ نفر را در یک بار به قله می‌برد و هر ساعت ۱۳۸۰ نفر را جایجا می‌کند که این کار باعث کاهش حجم ترافیک در منطقه توریستی شده است. چین ۱۲ میلیون پوند از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ صرف ساخت این آسانسور کرده است. یا دو و نیم ساعت وقت صرف کرده تا به بالای بلندترین آسانسور بیرونی جهان در چین برسد یا در کمتر از یک دقیقه، منتها با آسانسور ۳۳۰ متر را طی کرده تا به بالای کوه برسد. طراحی آسانسور فوق‌العاده بوده و در مواقع ضروری و مثلا حوادث طبیعی بلافاصله مردم به جاهای امن منتقل می‌شوند.





پل‌های سرزمین من



از دیر باز راه‌های بسیاری برای تردد مسافران و کاروانهای تجاری وجود داشت و در کنار آنها به واسطه موقعیت جغرافیایی و عوارض طبیعی، صدها پل برای سهولت رفت و آمد مسافران، روی رودها و دره‌ها ساخته شد که از برخی از آنها هنوز استفاده می‌شود و بسیاری از آنها نیز ویران شده است. در اینجا به معرفی چند پل تاریخی در گوشه و کنار ایران، این سرزمین باستانی می‌پردازیم.

پل قافلانکوه



مسافرانی که از زنجان به میانه سفر می‌کنند، در مسیر خود و در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر میانه با چشم‌انداز پلی بسیار زیبا روی رود قزل‌اوزن روبرو خواهند شد که حدود ۶۰۰ سال پیش و در دوران پیش از صفویان و مقارن با عصر تیموری ساخته شده است. البته برخی از باستان‌شناسان، شالوده اولیه این پل را هم مربوط به دوران ساسانیان می‌دانند. این پل دارای یک دهانه بزرگ و دو دهانه جانبی کوچک در طرفین است. در طول تاریخ مسافران و جهانگردان بسیاری از این مسیر عبور کرده و به توصیف این پل زیبا پرداخته‌اند. یکی از مشهورترین این افراد «مادام دیولافرا» است که در دوره قاجاریه به ایران سفر کرد و کل

مشاهدات سفر خود به ایران و عراق را در قالب سفرنامه‌ای زیبا به نگارش درآورد. پروفیسور «پوپ» در کتاب بررسی هنرهای ایران، تاریخ بنای پل را اواخر قرن ۱۵ میلادی (قرن ۱۰ هجری) دانسته و نام معمار آن را «حاج عباس بن الحاج محمد بن العباس قزوینی» و نام حاکم وقت را «محمد روان بن عثمان القزوینی» نوشته است. نکته تأسفبار در مورد این پل، تخریب عمدی آن به وسیله مواد منفجره، در زمان حکومت پهلوی و توسط خرابکاران و متمردان محلی است که موجب شد بخش میانی این پل کاملاً آسیب‌دیده و از بین برود. این پل به اندازه‌ای سالم و استوار باقی مانده است که اگر این اتفاق روی نمی‌داد، هنوز قابل استفاده بود. این موضوع سبب شد اهالی محل، این پل را با نام پل شکسته نیز خطاب کنند.

پل لاتیدان



برای دیدن طولیترین پل ایران باید به جنوب ایران و استان هرمزگان سفر کنید. در ۵۰ کیلومتری غرب بندرعباس روی رود «کول» پلی بسیار بلند و طویل به طول ۸۰۰ متر ساخته شده است که برای تجسم اندازه آن، کافی است بدانید طول پل «لاتیدان» چیزی حدود سه برابر سی و سه پل اصفهان است. متأسفانه امروزه بخشهای زیادی از این پل تخریب شده و تنها ۲۷۰ متر از سمت غرب و ۱۵۰ متر از سمت شرقی این پل،

پابرجاست و ۳۸۰ متر از بخشهای میانی پل در طول زمان و به دلیل شدت سیلابهای فصلی این رود از بین رفته است و اگر برای مرمت و بازسازی آن اقدامی اساسی صورت نگیرد، شاید فرزندانمان فرصت دیدن این یادگار باشکوه را نداشته باشند. عرض پل لاتیدان به دلیل طولانی بودن آن در بخشهای مختلف متغیر است. یکی از اصلیترین دلایل تخریب قسمت میانی پل، نبود امکان ساخت پی و شالوده محکم برای آن به دلیل شدت جریان آب رود است. مصالح به کار رفته در ساخت این پل، سنگهای تراش نخورده و ناهمگون است که توسط ملات به یکدیگر متصل شده‌اند.

پل کهنه کرمانشاه



پل کهنه کرمانشاه در شرق این شهر، بر روی رودخانه «قره سو» قرار دارد. این پل از روزگار کهن نقشی مهم در ارتباط میان ایران و بین‌النهرین و عراق امروزی داشته و تقریباً بیشتر کاروانهایی که به قصد شهرهای کربلا، نجف، کاظمین، سامرا و سایر شهرهای عراق از ایران سفر می‌کردند، ناگزیر به عبور از این پل بودند. امروزه بعد از گذشته صدها سال از ساخت آن، این پل هنوز به اندازه‌ای قدرتمند باقی مانده که از آن برای عبور و مرور خودروها و کامیونهای حمل آجر که محصولات کوره‌های آجرپزی اطراف پل را به سایر نقاط حمل می‌کنند، استفاده می‌شود.

تاریخ ساخت پل، مربوط به دوره صفوی است البته «یوسف کیانی» در کتاب معماری ایران این پل را ساسانی - سلجوقی معرفی کرده و همچنین در کتاب پلهای قدیمی ایران (تحقیق و تألیف: محمدعلی مخلص، سازمان میراث فرهنگی) آمده است: «بنیان اولیه ساسانی، تعمیر سلجوقی و بازسازی کامل در دوره صفویه» این پل، شش طاق دهانه دارد و عرض معبر آن حدود هفت متر است. طول فعلی پل تقریباً ۱۴۹ متر و اکنون روی پل آسفالت شده است.



پل جی



دلیل استقامت و ماندگاری آن را نیز همین موضوع می‌دانند. طول این پل ۱۰۵ متر و عرض آن پنج متر است که این امر سبب شده رفت و آمد مسافران و کاروانها از روی آن به سادگی انجام شود. به گواه بسیاری از باستان‌شناسان، دلیل اولیه ساخت این پل، استفاده از آن در لشکرکشی‌های نظامی بوده که بعدها مورد استفاده تجاری و... قرار گرفت. در دوران صدر اسلام، این پل با نام پل حسین شناخته می‌شد و در نزدیکی آن تعداد زیادی آثار و ابنیه باشکوه ساخته شده است.

این پل که مربوط به دوره ساسانیان و پیش از اسلام است، در چهار کیلومتری شرق اصفهان و روی زاینده‌رود ساخته شده است. نوع ساخت این پل که در میان چشمه‌های آن قوسهای زیبای کوچکی اجرا شده، هنوز کاملاً سالم و پابرجا و قابل استفاده است. این پل را می‌توان قدیمی‌ترین پل ساخته شده روی زاینده‌رود نامید که بارها در طول تاریخ و به ویژه در قرون اولیه اسلامی مورد تعمیر و مرمت قرار گرفته است. مصالح به کار رفته در این پل، خشت و آجر و ساروج است و کارشناسان





پل چالان چولان



پل «چالان چولان» در دشت «سیلاخور» در مسیر جاده قدیمی بروجرد به خوزستان و اصفهان روی رودخانه «سزار» در روستای «گاراژ» احداث شده است. این پل در زمان صفوی و روی شالوده پلی از زمان ساسانی ساخته شده و طول آن ۱۲۰ متر است که دارای شش طاق چشمه آجری است که پایه‌های آن تا ارتفاع یک متری از سنگ و بدنه آن از آجر ساخته شده است. اکنون این پل دارای شرایط مناسبی است. نکته قابل توجه تغییر نکردن عرض رودخانه است که

هنوز آب از زیر تمام طاق چشمه‌های آن عبور می‌کند. در دو طرف گذرگاه این پل، دو دیواره آجری به ارتفاع ۹۰ سانتیمتر، برای پیشگیری از سقوط عابران از روی پل ایجاد شده است. روی گذرگاه پل، جان‌پناه آجری در طرفین مسیر ایجاد شده که در بالا به شکل مثلثی و شیروانی ساخته شده است. تا چندی پیش عبور و مرور خودروها از روی این پل انجام می‌گرفت که امروزه با ساختن پلی جدید در کنار آن، مسیر حرکت ماشینها تغییر کرده است. در پایه‌های پل و قسمتی که با آب تمام دارد، زائده‌های مثلثی شکل ایجاد شده است که جریان عبور آب را تسهیل می‌کند. پل تاریخی «چالان چولان» در زلزله سال ۸۵ خسارت دید که اکنون این بخشها مرمت شده است.

پل کشکان



این پل روی کشکان رود در جاده خرم‌آباد - کوه‌دشت و ۴۰ کیلومتری کوه‌دشت در روستای پاپل، قرار گرفته است. در متون تاریخی از آن به عنوان «کژکی» یاد شده است. دره کشکان، از دیرباز شاهد حضور و زندگی انسانها بوده است. به همین دلیل بیش از چهار پل روی این دره و به فاصله کمتر از ۵۰۰ متر ساخته شده که خود گویای اهمیت این گذرگاه تاریخی است. این پل دارای ۱۲ چشمه بزرگ و یک چشمه کوچک در منتهی‌الیه غربی پل است. پایه ستونها از سنگ تراش خورده و بدنه از لاشه سنگ و ملات گچ، آهک و ساروج ساخته شده و در منتهی‌الیه قوسها از آجرها استفاده شده

است. قطر پایه‌ها بسیار زیاد بوده و در حد فاصل میان پایه‌ها و قوس چشمه‌ها، حجره‌های مسقفی ایجاد شده است. در این پایه‌ها از مقطع بیضی برای سهولت در عبور آب استفاده شده است. روی پایه ستونهای پل، حفره‌هایی برای دفع رطوبت تعبیه شده است. روی گذرگاه پل نیز سوراخهایی به سمت بیرون دیده می‌شود که رطوبت و آبهای ناشی از نزولات جوی را به خارج از پل هدایت می‌کند. نکته قابل توجه این است که اکنون آب رودخانه تنها از میان دو چشمه پل عبور می‌کند و با توجه به طول زیاد پل نمی‌توان استنباط کرد حتی در زمان ساخت، کل پایه‌ها در آب قرار داشته و احتمالاً پل، گذرگاه عبور از رود و دره کوچک محل عبور رود محسوب می‌شده است. امروزه بخشهای زیادی از پل تخریب شده که بیشتر شامل فرو ریختن طاق چشمه‌ها و قوس آنهاست. طول پل ۲۸۵ متر است که با احتساب دنباله‌های آن ۳۴۰ متر می‌شود. امروزه از طاقهای پل تنها سه دهانه آن تخریب شده و بقیه هنوز سالم است. برخی از پایه‌های پل با سنگهای بزرگ و حجاری شده ساخته شده و ارتفاع آن از سطح رودخانه ۳۰ متر است.



نگرشی اجمالی به ادبیات اقتصادی و مالی

دکتر غلامرضا علی زاده



حمل کالا می‌باشد. لذا وقتی شرکتی به روش C&F (که مخفف Cost & Freight می‌باشد) خریداری می‌نماید. هزینه حمل کالا تا مقصد نیز به قیمت کالا افزوده شده است و خریدار تعهدی در پرداخت هزینه حمل کالا ندارد.

A.T.B.: این اصطلاح مخفف After tax basis می‌باشد و در زمینه اوراق قرضه، مبنای مقایسه و محاسبه مالیاتی قرار می‌گیرد؛ لازم به توضیح است که برخی اوراق قرضه معاف از مالیات و بعضی دیگر مشمول مالیات هستند و در خرید آنها باید دقت لازم به کار برد.

A.T.C.F.: این حروف اختصاری مخفف واژه After Tax Cash Flow می‌باشد و نشان‌دهنده جریان نقدی یک شرکت پس از کسر مالیات است که برای پاره‌ای از محاسبات در خرید سهام و در محاسبه EPS می‌تواند گزینه‌های برتر را برای خرید در اختیار وی قرار دهد.

A.T.I.: این واژه اختصاری برگرفته از مفاهیم After Tax Income است و در شرکتها نشان‌دهنده سود پس از کسر مالیات می‌باشد.

A.T.R.R.: این واژه اختصاری برگرفته از مفهوم After Tax Real Rate است که نرخ بازدهی واقعی یک شرکت را پس از کسر مالیات نشان می‌دهد.

P.L.S.P.: این واژه اختصاری برگرفته از مفهوم Profit and Loss Sharing Principle می‌باشد که نشان می‌دهد در همکاری میان دو و یا چند شرکت، اصل مشارکت در سود و زیان اعمال می‌شود بنابراین مطالعه بسیاری از شاخصها در همکاری میان شرکتها ضروری است تا در شرکتهای زبان‌ده سرمایه‌گذاری نشود.

P.B.P.: این واژه اختصاری از کلمه‌های Pay Back Period گرفته شده است و نشان‌دهنده دوره برگشت

برخی از مفاهیم در مناسبات میان شرکتهای ایرانی و خارجی بایستی به درستی تعریف شود تا زمینه‌های همکاری میان آنها به روش کنسرسیوم (Consortium) مشارکت (Joint venture) و Merger and Participation امکانپذیر گردد.

لذا در این مقاله پاره‌ای از اصطلاحات و مفاهیم را برای استفاده بیشتر همکاران ارائه می‌دهیم.

B2B.: این اصطلاح از مفهوم Business to Business اخذ شده است که به اختصار آن را (B2B) می‌گویند، شرکت با شرکت یا تجارت و معامله تجاری در ازاء معامله تجاری متقابل است.

B2C.: این اصطلاح از مفهوم Business to Customer اخذ شده است که به اختصار آن را B2C می‌گویند. در این مفهوم هدف مبادله و معامله شرکت با مصرف‌کننده است و رابطه تعاملی این دو را با هم نشان می‌دهد. یعنی شرکت در نهاد خود با مصرف‌کننده محصول خود مشارکت می‌کند.

C2C.: این اصطلاح از مفهوم Customer to Customer اخذ شده است که به صورت اختصار C2C به کار می‌رود. در تعریف این مفهوم باید گفت که رابطه تعاملی بین مصرف‌کننده با مصرف‌کننده را نشان می‌دهد بدین شکل گاهی هر یک از دو طرف شرکت معامله‌کننده مصرف‌کننده مواد و محصول شرکت دیگر است و در این زمینه روش بالا نشان‌دهنده نوع همکاری میان دو شرکت را بیان می‌کند که در این تعامل هر یک مصرف‌کننده محصول و یا خدمات طرف دیگر است.

C&F.: این اصطلاح بیشتر در امور گمرکی به کار می‌رود و در خرید شرکتها از شرکتهای خارجی نشان می‌دهد که کالای ارسالی به مقصد شامل محاسبه قیمت کالا با هزینه



سرمایه است و اصولاً نشان می‌دهد سود حاصل از سرمایه‌گذاری در شرکتها در طی چند سال می‌تواند برابر سرمایه‌گذاری شود و یا به بیانی دیگر چند سال طول می‌کشد که سود و سرمایه ناشی از سرمایه‌گذاری انجام شده دو برابر اصل سرمایه شود.

- H.G.B: این حروف اختصاری نشان‌دهنده (High Grade Bond) است که به معنی اوراق قرضه برتر می‌باشد در خرید و فروش اوراق قرضه توجه به نوع اوراق قرضه خریداری می‌تواند تا حدودی موفقیت ما را در خرید افزایش دهد.

- M.S.H: این حروف اختصاری از اول مفهوم (Majority Share Holder) اخذ شده است که نشان‌دهنده سهام‌دار عمده است در برخی از خرید سهام بررسی شرایط و جایگاه در موقعیت خریدار عمده در خرید سهام بسیار مهم است معمولاً در ایران خرید سهامی توصیه می‌شود که بانکها در خرید سهام آنها پیشقدم هستند.

- B.L: این حروف اختصاری از مفهوم (Bad Loan) اخذ شده است و نشان‌دهنده وامهای لاوصول است که در خرید سهام یکی از شاخصهایی می‌تواند باشد که چراغ راه عمل قرار گیرد.

- B.T: این حروف اختصاری از مفهوم (Back Taxes) اخذ شده و مالیاتهای معوق شرکت را نشان می‌دهد که شاخص بسیار مهمی در ارزیابی خرید سهام می‌تواند باشد.

- D.S: این حروف اختصاری مخفف (Donated Stock) است و نشان می‌دهد که یک شرکت چه میزان سهام اهدایی دارد که معمولاً این سهام بدون دریافت ارزش رسمی سهام است و به کسانی داده می‌شود که نام آنها به عنوان برند می‌تواند

برای شرکت اعتبار ایجاد نماید. این شاخص نیز می‌تواند در خرید سهام مشخصه‌هایی را به دست دهد که تصمیم‌گیری را به سمت و سوی بهینه و درست هدایت کند.

- B.D: این حروف اختصاری مخفف (Bad Debt) یا مطالبات سوخت شده است. معمولاً شرکتهایی که بر روی مشتریان شناخت کافی ندارند و مطالعه لازم در این فرایند را به کار نمی‌گیرند با انباشت مطالبات وصول نشده مواجه می‌شوند که ضمن اینکه برای شرکت مشکل نقدینگی و پرداخت ایجاد می‌کند نشان‌دهنده ضعف بخش مطالبات شرکت نیز می‌تواند باشد. لذا افزایش قدر نسبی این شاخص در شرکت می‌تواند در خرید و یا مشارکت با آن شرکت راهنمای خوبی باشد.

- B.C: که مخفف (Bad Check) می‌باشد که معنی آن یعنی چک بی‌محل این مفهوم نیز به عنوان شاخصی در شرکتها می‌تواند رهنمودهای لازم را برای مشارکت و یا خرید سهام آنها به دست دهد و معمولاً افزایش آن نشان می‌دهد که مدیران شرکت جدیت کافی در ایفای وظایف مالی و تعهدات پرداختی را ندارند.

- B.U.L: این مفهوم مخفف (Back Up Line) است یعنی خط اعتباری پشتیبان که در شرکت نشان‌دهنده آینده‌نگری می‌باشد زیرا هر قدر این خط اعتباری بیشتر باشد نشان می‌دهد فعالیت شرکت در تأمین منابع مالی از امکانات لازم برخوردار است و در ضمن خوش حسابی شرکت یکی از عوامل مؤثر در ایجاد خط اعتباری پشتیبان می‌باشد؛ لذا این مفهوم و میزان آن در شرکتها شاخص مناسبی برای همکاری، مشارکت و یا خرید سهام شرکت می‌باشد.

جناب آقای مهندس غلامرضا قاضی‌زاده رئیس محترم هیأت‌مدیره شرکت ساب

با دروغ و تأسف خبر درگذشت پدر بزرگوار جنابعالی را دریافت کردیم. این مصیبت بزرگ را به جنابعالی و خاندان بزرگ قاضی‌زاده تسلیت عرض می‌نمائیم. برای آن مرحوم غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیأت‌مدیره، بازرسان و کارکنان انجمن شرکتهای ساختمانی

جناب آقای مهندس ایرج وطنی اسکویی مدیرعامل محترم شرکت پار پلانژ

با دروغ و تأسف خبر درگذشت مادر گرامی حضرت‌تعالی را دریافت کردیم. این مصیبت را به جنابعالی و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمائیم. برای عزیز از دست رفته غفران الهی و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نمائیم.

هیأت‌مدیره، بازرسان و کارکنان انجمن شرکتهای ساختمانی



ment Research Center has announced the figure of 2013 budget as equal to 82 thousands billion Tomans and this figure, if being confirmed, will add to the problems. In total, it can be said that the total national budget shows a 30 percent growth in 2013 in comparison with 2012. In the budget bill of 2013, the budget related to ruling duties has had a growth of about 16 percent, whereas the items related to governmental undertaking in this bill has enjoyed a growth of about 39 percent. This lack of agreement between the growth of ruling and sovereignty expenditures and governmental undertaking will increase the risk escape of the private sector, because the 16 percent of ruling budget in budget bill of 2013 against the 30 percent inflation rate in the society shows that the government will present less services in 2013.

Another point which is put forth as ambiguity and lack of sufficient transparency in 2013 budget, as was implicitly mentioned, is the equality rate of foreign exchange currencies in particular US dollar. What is learned from the budget figures, is that the minimum price of dollar in the budget of 2013 must have been calculated as equal to about 2200 Tomans which shows about 70 percent of growth as compared with the budget of 2012, but in the budget bill submitted, it has been only said that there is a decision to manage the foreign exchange rate in liquefaction method.

Another issue which is put forth on the 2013 budget is the inflational shock related to 120 thousands billion Tomans resulting from the credit of purposeful subsidies, because government has allocated a credit equal to 120 thousands billion Tomans for the second stage of purposeful subsidies in 2013. With regard to the reduction of oil exports from 2.3 million barrels per day into 1.3 million barrels per day in 2013, i.e. a reduction of one million barrels per day, and other limiting mechanisms resulting from oil and banking sanctions, the fulfillment of this plan will be possible only by injecting money from outside. The arrival of high pressure monies from abroad will bring about inflationary grounds.

As it was mentioned, the figures of budget are different in the lectures and writings of experts and authorities. Head of Commission for Budget Combination in sermons prior to Friday Prayers on 15 March 2013 (quotation from Jahne- Sanaat Newspaper on 16 March 2013), announced the government public budget as equal to 192 thousands billion Tomans and the budget of governmental companies, profit institutions affiliated with the government and banks as equal to about 585 thousands billion Tomans and total national budget as equal to 73 thousands billion Tomans.

Whereas if we add up the figures of companies budgets and public budget, we will reach to a figure equal to $(585+192=777)$ seven hundred and seventy seven thousands billion Tomans which is 46 thousands billion Tomans more than total national budget. If we subtract the developmental budget which is equal to 37 thousands billion Tomans from the government public budget, the current budget will be obtained.

If we consider the figure of 192 thousands billion Tomans as a scale, the current budget will be about 155 thousands billion Tomans and if we subtract the difference amount of the total national budget of the governmental companies and profit institutions and banks from the total national budget, $731-585=146$, the governmental public budget will be equal to 146 thousands billion Tomans.

If we subtract the developmental budget from it, the current budget of the country will be $(146-37=109)$ about 109 thousands billion Tomans. These discrepancies which exist in the budget figures, will make the budget analysis difficult. However, considering all these aspects, this article is an attempt to discuss the developmental budget of 2013 and challenges ahead of developmental projects.

Having reviewed the budget bill of 2013, we will learn that with the exception of specific cases, no new developmental project has been forecasted. By the way, in 2013, about 37 thousands billion Tomans of budget has been allocated to developmental projects which includes the previous incomplete projects and demands of contractors (which they have about 8 thousands billion Tomans accumulated demands), so this budget shows about 39 thousands billion Rials reduction as compared with the 2013 budget.

It should be admitted that there are no necessary and creditable grounds to supply part of sources which have been defined for developmental budget. For example, it has been decided that about 10 thousands billion Tomans to be transferred to the budget of developmental projects from the source of purposeful subsidies, but at the same time, there are murmurs that the second stage of purposeful subsidies will not be implemented.

So, if the second stage of purposeful subsidies will not be implemented, the concerned amount cannot be transferred to development part. If we consider the second stage of purposeful subsidies as a unit for comparison and analysis in 2013, it is observed that of the total 2877 developmental project with a credit equal to 20 thousands billion Tomans, about 831 projects have been opened, i.e. about 30 percent of those projects have been performed. So in the budget bill of the 2013, in which about 2816 projects with a credit of equal to 19.4 thousands billion Tomans have been forecasted, it is learned that they face budget reduction. Meanwhile, part of credit (at least 30 percent of it will go out of access due to inflation).

It is worth mentioning that part of these projects are provision national projects and part of them have been transferred to provinces in a specific form. As, no reliable sources has been defined to supply the budget, and the commitments of government and employer sectors in 2012 have been shifted to the budget of 2013, so the implementation of projects will be facing difficulties unless another mechanisms to be defined by the government. If so, they must be exposed to the views of experts of related institutions and financial and economic analysts. So, in most optimistic condition, it can be said that the trend of developmental projects will be the same as that of the year 2012.

With this additional explanation that in the sum of national developmental credits, we have about 6 percent reduction and this figure for developmental projects of the Ministry of Roads is about 11 percent. It is such that the budget of this sector has reduced from 5600 billion Tomans in 2012 to about 5027 billion Tomans in 2013. By the way, in the Company of Construction and Development of Transportation Infrastructure, the forecasted budget has been reduced by about 12 percent and of the amount of 2300 billion Tomans in 2012, it has reduced to about 2400 billion Tomans in 2013. There is no doubt to say that these factors will create problems in achieving the perspectives of developmental projects.

It seems that the developmental budget in 2013 has been adjusted in contraction and shrinkage form. Thus the government intends to define the projects in which the project administrator (construction contracting companies) could find a financier for it or they could invest themselves in it. That in which investment methods of B.O.T, B.O.O, or B.L.T., these types of investment are made will depend on government future policies. So we leave the detailed discussion on budget to another time when the mentioned factors in the budget are to some extent transparent. It is hoped that the statesmen could provide grounds for the activities of companies in charge of developmental projects, not only for providing labor for them but also for materializing the national interest and construction of developmental infrastructures and job creation, since with the reduction of the activities of construction companies, grounds will be paved for unemployment.



The Budget of 2013 and Possible Challenges Ahead of Developmental Projects

Having presented the budget bill of 2013 in form of “three twelfth” (equal to 45 thousands billion Tomans), or in other words, a seasonal budget, it was agreed to have a further expert review on the bill. Also due to some ambiguities which seem to exist in the budget, the parliament [Islamic Consultative Assembly] sent it back to the government.

Nevertheless, it seems efforts are underway to accept the present budget, so we will analyze this budget from the form and nature perspectives.

Before entering the main discussion, we would like to present the comparative budget figures of 2012-2013 upon which it will be possible to present a more suitable perspective in order to make further conclusions and suggestions.

Reviewing the budget figures of 2013 and comparing it with the budget of 2012, it will be also possible to reach certain realities. These realities are presented in the following Table.

Taking into consideration the above Table, it is learned that of the budget for 731 thousands billion Tomans at national level in 2013, about 80 percent is allocated to the budget of governmental companies and profit institutions affiliated with the government and banks. Only 20 percent of it is related to the government public budget which includes the current and developmental budget. On the other hands, the rate of government public budget shows a figure about 146 thousands billion Tomans which is naturally equal to 20 percent of the total national budget.

As for the figures of the budget of 2012, it becomes clear that the total national budget in 2013 shows about 30 percent of increase as compared with the budget 2012.

However, what can be said is that if based on the budget bill, review is made, then the government public budget will be about 146 thousands billion Tomans. What has been put forth by Development Commission, in particular the Head of this Commission, the government public budget is that this figure is 192 thousands billion Tomans which shows a difference of about 46 thousands billion Tomans. On this case, Dr. Mesbahi Moghadam announced the figure of 166 thousands billion Tomans for the public budget. The differences of budget figures in many cases show the lack of transparency of the budget or possibly some figures are inside the documents which are not presented in the respective Tables.

This is perhaps one of factors accounting for ambiguity in budget where some parts of income sources and expenditure places are included inside the paragraphs or notes of budget. This is to some extent in conflict with the scientific definition

of budget in which the numerical figures and rows must show all annual policies of the government. It is likely that the difference in presented figures by the related officials is due to this feature of the budget. In regular condition for the purpose of removing ambiguity in budget, it is necessary to draw out all figures included in the paragraphs of a single Article and to place them in their related Tables, so that it will be possible to present the real sum in full transparency and then they can be compared well.

One of the cases which has been ignored in the budget of 2013 to some extent, is the issue of increase of governmental purposeful subsidies. It is such that the government has predicated a subsidy two times of the present one but the source of its funding is not clear. Also, there are many other non-budget items in the budget of 2013 which is necessary to be removed from budget bill. Consequently by clearing the ambiguities, it will be possible to study the budget more precisely.

What is learned from the budget figures is that the foreign exchange resulting from the sale of oil is not real. In budget of the 2012, government had considered the income resulting from the sale of oil as equal to about 95 thousands billion Tomans, which due to sanctions, about 45 thousands billion Tomans of it was materialized, i.e. less than 50 percent. It is natural that this can apply to the forecast of income resulting from the sale of oil in 2013. It might happen and even much more intensively, since sanctions have become broader and more complex.

By the way, the tax and tolls incomes which in the law of the budget of 2012 was a figure equal to 45 thousands billion Tomans has increased to a figure equal to 53 thousands billion Tomans in 2013. Moreover, of the forecasted figure of tax in 2012 (for 45 thousands billion Tomans), only 32 thousands billion Tomans has been materialized. That is to say in this sector, about 71 percent of the forecasted amount has been obtained and 29 percent of it has not been collected. This shows that there are many ways for tax evasion which should be clarified to prevent any income gap in the 2013 budget.

The expert studies of budget of 2012, as it has been announced by the Head of Supreme Audit Court shows that the budget of 2012 has been facing an income shortage of about 50 percent. The 9-month performance report of 2012 by various bodies which has been developed by Supreme Audit Court shows that up to the end of 2012, only about 50 percent of revenues have been materialized. That is to say that there is a 50 percent of income shortage in the budget of 2012 and this will naturally will be transferred to the 2013 budget. It will also be associated with shortage in current and developmental budget possibly.

On the other side, Dr. Ahmad Tavakoli, former Head of Parlia-

Rate Year	Total National Budget	Rate of budget of governmental companies and profit institutions affiliated with government and banks	Difference(government public budget)	Percent
2013	731	585	146	80
2012	566	421	145	74
Difference	165	164	1	6



IN THE NAME OF GOD



PAYAM-E-ABADGARAN

Construction Companies Association Monthly Magazine
No: 306 farvardin 1392 (April. 2013)



Table of Contents

1. Editorial
2. An interview with Dr. Akhondi
3. An interview with Eng. Chabok
4. Construction industry, efficient use of energy (Dr. Najafi)
5. Final resolution of Construction Conference
6. The arrival of private sector and organizational approach to solve the problem of eroded textures (Marlik Company)
7. In memory of Engineer Safavi along with the memorial ceremony of his child
8. Association's letters
9. Commissions' reports
10. Spring in the views of Iranian poets
11. A lecture by Dr. Alizadeh at the venue of Alumni Center
12. School of Engineering, University of Tabriz
We have read the following materials for you:
 - Eight requests of the private sector addressed to the government
 - Reference and exchange foreign currencies are deleted.
 - A semi-glance of industrial projects at the parliament
13. Landing
14. News of construction industry
15. Environment
 - Six marsh sites
 - The bridges of my land
16. A glance at economic and financial literature

Staff List

PUBLISHER : Construction Companies Association

Editor: Eng. J.Khansari

Editorial Team: J.Khansari, M.Kangani, M.Pourshirazi,
J.Asreazad, M.Zarrabi, A.Varzandeh

Editor in Chief: Gh.Alizadeh

Designer: D.Khani

Typesetter, Marketing & Subscription: Fariba Pouragha

Reporter: Arezu Nouri

Printing Company:

Printed by:

Magazine Address: #88, South Saba St., Taleghani Ave., Tehran, Iran

Tel: +98-21-66464261

Fax: +98-21-66464084

Email: payam.abadgaran@acco.ir